



Paper type: Review Article
(Selected article of the 3rd International and 21st National Accounting Conference of Iran)

Review of the Progress and Challenges of Sustainability Reporting in Iran

Tooba Haghghat^{1*}, Haniyeh Hekmat²

Received: 2023/10/12

Accepted: 2023/12/26

Abstract

Today, climate change, lack of natural resources, pollution, social inequalities and human rights violations show that there are still challenges in society. To face these challenges and realize sustainable development, organizations have committed to social and environmental responsibility to report their performance comprehensively and transparently, taking into account environmental, social and economic aspects. Sustainability reporting encourages organizations to provide more and more accurate information to the public and to take more responsibility for improving sustainability. The present study reviewed the research conducted in the field of sustainability reporting in Iran and examined its progress and challenges. The results of the research showed that the disclosure of sustainability reporting in Iran has made growing progress and there is a positive relationship between management ability, social responsibility, intellectual capital and the quality assessment of sustainability disclosure and reporting and sustainability performance. Also, the research conducted regarding the dimensions, indicators and reporting framework of sustainability have been able to consider a solution for transparency in responding to the needs of all stakeholders. In addition, it seems that the existing challenges to balance the expectations of the stakeholders and the capacities of the company have been solved to an acceptable extent. Moreover, in the insurance industry, sustainability reporting guidelines and standards are increasing and insurance companies have considered a wide range of stakeholders as the audience of their sustainability reports.

Keywords: Sustainability reporting, Sustainable development, Sustainability accounting, Progress and challenge of sustainability reporting.



10.71600/jacgr.2024.1128420



How to cite this article: Haghghat, T., & Hekmat, H. (2024). An overview of the progress and challenges of sustainability reporting in Iran. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 3(7), 1-15. (In Persian)

1. Ph.D. Candidate, Department of Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran .

*Corresponding Author: t.haghghat@alzahra.ac.ir

2. Assistant Prof, Department of Accounting, Alzahra University, Tehran, Iran. h.hekmat@alzahra.ac.ir



نوع مقاله: مروری

(مقاله منتخب سومین همایش بین‌المللی و بیست و یکمین همایش ملی حسابداری ایران)

مروری بر پیشرفت‌ها و چالش‌های گزارشگری پایداری در ایران

طوبی حقیقت^{۱*}، هانیه حکمت^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

چکیده

امروزه تغییرات آب و هوا، کمبود منابع طبیعی، آلودگی، نابرابری‌های اجتماعی و نقض حقوق انسانی نشان می‌دهند که هنوز در رویارویی با چالش‌ها در جامعه وجود دارد. برای مقابله با این چالش‌ها و تحقق توسعه پایدار، سازمان‌ها متعهد به مسئولیت اجتماعی و محیطی شده‌اند تا عملکرد خود به صورت جامع و شفاف با در نظر گرفتن ابعاد محیطی، اجتماعی و اقتصادی را گزارش دهند. گزارشگری پایداری سازمان‌ها را تشویق می‌کند تا اطلاعات بیشتر و دقیق‌تری را در اختیار عموم قرار دهند و سازمان‌ها مسئولیت بیشتری را در جهت بهبود پایداری به عهده بگیرند. پژوهش حاضر به مرور پژوهش‌های انجام شده در حوزه گزارشگری پایداری در ایران و بررسی پیشرفت‌ها و چالش‌های آن پرداخته است. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که افشای گزارشگری پایداری در ایران پیشرفت‌های رو به رشدی داشته است و رابطه مثبتی بین توانایی مدیریت، مسئولیت اجتماعی، سرمایه فکری و ارزیابی کیفیت افشای پایداری و گزارشگری و عملکرد پایداری وجود دارد. همچنین پژوهش‌های انجام شده در خصوص ابعاد، شاخص‌ها و چارچوب گزارشگری پایداری توانسته است راهکاری برای شفافیت در پاسخگویی به نیاز کلیه ذینفعان در نظر گیرد. به علاوه، به نظر می‌رسد چالش‌های موجود جهت متوازن‌سازی انتظارات ذینفعان و ظرفیت‌های شرکت نیز تا حد قابل قبولی مرتفع گردیده است. در صنعت بیمه نیز رهنمودها و استانداردهای گزارشگری پایداری رو به افزایش بوده و شرکت‌های بیمه طیف وسیعی از ذینفعان را به عنوان مخاطبان گزارش‌های پایداری خود در نظر گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: گزارشگری پایداری، توسعه پایدار، حسابداری پایداری، پیشرفت و چالش گزارشگری پایداری.



10.71600/jacgr.2024.1128420



استناد: حقیقت، طوبی و حکمت، هانیه (۱۴۰۳). مروری بر پیشرفت‌ها و چالش‌های گزارشگری پایداری در ایران. پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۳(۷)، ۱-۱۵.

۱. دانشجوی دکترای حسابداری، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

*نویسنده مسئول: t.haghighat@alzahra.ac.ir

۲. استادیار گروه حسابداری، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران.

مقدمه

در واقع، گسترش خصوصی‌سازی و پیشرفت اقتصاد؛ بسیاری از بازارهای مالی را به مرکز توجه قرار داده است. این رشد بازارها، به میزان مشارکت افراد در این بازارها بستگی دارد. به عبارت دیگر، وقوع تجارت و تعاملات مالی بیشتری صرفاً وابسته به حضور اقشار مختلف جامعه در بازارهای مالی است. در عین حال، کارایی بازارهای مالی نیز بستگی به نحوه توزیع اطلاعات و تاثیر این توزیع بر فعالان بازار دارد. می‌توان گفت که میزان مشارکت افراد به نحوه توزیع اطلاعات بین این فعالان وابسته است. به عبارت دیگر، نحوه توزیع اطلاعات بین افراد و شرکت‌ها نقش مهمی در نحوه ارتباطات آنها با هم دارد و انتظارات متفاوتی را در این روابط ایجاد می‌کند. طبق تحقیقات انجام شده، به توزیع اطلاعات بین ذینفعان مختلف توجه بیشتری شده است. در این زمینه، نیازهای اطلاعاتی ذینفعان متفاوت است و به همین دلیل، آنها به صورت متفاوتی به اطلاعات علاقه‌مند هستند. به همین دلیل، واحدهای اقتصادی باید اطلاعات مورد نیاز دیگران را با توجه به چارچوب‌های توافق شده در اختیار آنها قرار دهند تا بتوانند به اهداف مختلف ذینفعان نیز دست یابند. یکی از چارچوب‌های توافق شده در حوزه افشاء اطلاعات سازمان، گزارش جهانی توسعه پایدار است. این گزارش توسط سازمان ملل متحد تهیه شده است و به ارائه راهنمایی‌ها و استانداردها در زمینه افشاء اطلاعات توسعه پایدار می‌پردازد (Ahmadzadeh et al. 2022).

گزارشگری پایداری شرکت‌ها به معنای ارائه اطلاعاتی درباره عملکرد و عملیات شرکت در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی است. در واقع این گزارشگری نشان می‌دهد که یک شرکت چگونه با توجه به این مسائل، طرح‌ها و راهبردهای خود را در آینده اجرا می‌کند. اهمیت گزارشگری پایداری شرکت‌ها برای شرکت‌های بزرگ بسیار مهم است. زیرا به طور معمول شرکت‌های بزرگ به عنوان یک راهبرد شرکتی، گزارشات پایداری خود را می‌پذیرند. این گزارشات حاوی اطلاعاتی است که درباره عملکرد شرکت در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی ارائه می‌شود. در بسیاری از شرکت‌ها، هیأت مدیره (بالاترین مقام اجرایی) نقش کلیدی در تنظیم سیاست‌ها و تصمیمات مهم در زمینه راهبردهای شرکت دارد. در نتیجه، نیز نقش مهمی در تصمیم‌گیری و تعیین راهبردهای گزارشگری پایداری شرکت‌ها دارد. رویکرد گزارشگری پایداری شرکت‌ها باید به طور ساده و قابل فهم بیان شود تا عموم مردم بتوانند اطلاعات لازم را درک کنند. این موضوع حاکی از اهمیت بیان آشکار اطلاعات به صورت ساده و قابل فهم است که به شرکت‌ها کمک می‌کند تا بازخوردها و نیازهای عمومی را بررسی کنند و در آینده تصمیمات بهتری بگیرند. در نهایت، ارائه گزارش‌های پایداری شرکت‌ها برای بهبود شفافیت و اعتماد سرمایه‌گذاران و جامعه در مورد شرکت بسیار حائز اهمیت است. همچنین، گزارشگری پایداری شرکت‌ها می‌تواند به عنوان ابزاری برای اندازه‌گیری و مقایسه عملکرد پایداری شرکت‌ها در طول زمان و با دیگر شرکت‌ها عمل کند (Fernandez et al. 2012 & Lopez et al. 2014).

گزارشگری پایداری، دستاوردهای محیطی، اجتماعی و اقتصادی یک شرکت می‌باشد و نشان می‌دهد که واحد تجاری با در نظر گرفتن این موضوعات، چگونه طرح‌های توسعه خود را در آینده به مرحله اجرا در می‌آورد. نقش ارزیابی چرخه حیات محصولات از جمله ملاحظات این نوع گزارشگری است. گزارشگری پایداری به سهامداران و ذینفعان، این اطمینان را می‌دهد که مخاطرات غیرمالی و فرصت‌های مرتبط با فعالیت بخش‌های مختلف سازمان، طبق یک برنامه اصولی مورد شناسایی قرار گیرد. چارچوب گزارشگری پایداری را از دیدگاه متنوع و بر اساس رهنمودهای سازمان بین‌المللی می‌توان مورد بررسی قرار داد و اهمیت این نوع گزارشگری تا حدی است که در قوانین برخی از کشورها به صراحت به انجام آن اشاره شده است. مطرح شدن مفهوم پایداری در قرن اخیر به عنوان یکی از مباحث مهم و جالب توجه راجع به فعالیت شرکت‌ها، در بردارنده تعهدات واحد تجاری نسبت به انجام اصلاحات اصولی جهت ساختن دنیایی عادلانه، همراه با رفاه و آسایش برای همگان می‌باشد که در آن، محیط پیرامون و نیز فرهنگ اصلی مردم حفظ شده و سهم نسل‌های بعد از این منابع نیز باقی بماند (Vesali & Kermani, 2023). هدف از این پژوهش، مروری روایتی بر پیشرفت‌ها و چالش‌های گزارشگری پایداری در ایران و بکارگیری ابزارها و روش‌های مورد استفاده در این گزارش‌ها است. در این راستا، نگاهی دقیق به ابزارهای مختلف گزارشگری پایداری خواهیم داشت که شامل معیارها، شاخص‌ها و فرآیندهای گزارشگری است. همچنین، اثرات گزارشگری پایداری بر سازمان‌ها و سایر سازمان‌های ذینفع را

مورد بررسی قرار خواهیم داد. انتظار می‌رود یافته‌های این مقاله به سازمان‌ها در تعیین راهبردهای بهبود عملکرد پایداری خود کمک کند و به عنوان یک منبع مفید و الهام‌بخش برای پژوهشگران و علاقمندان به حوزه گزارشگری پایداری قرار گیرد.

مفهوم گزارشگری پایداری

گزارشگری پایداری به معنای ارائه گزارش درباره عملکرد و تأثیر یک سازمان، صنعت یا جامعه در حوزه‌های اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی است. این نوع گزارشگری به منظور ارائه اطلاعات جامع و شفاف درباره فعالیت‌های یک سازمان و تأثیر آن بر جوامع محلی و جهانی انجام می‌شود. این گزارش‌ها شامل اطلاعاتی درباره محصولات و خدمات پایدار، استراتژی‌های زیست محیطی، عملکرد اجتماعی و مشارکت در جوامع محلی و همچنین عرضه مالی در قالب سرمایه‌گذاری پایدار است. یکی از مهم‌ترین راهکارهای گزارشگری پایداری، استفاده از استانداردهای بین‌المللی مانند استانداردهای گزارشگری مسئولیت اجتماعی ISO 26000 و استانداردهای حسابداری پایداری مؤسسه حسابداران مدیریت است (CIMA) می‌باشد. این استانداردها توسط سازمان‌ها و شرکت‌ها به عنوان راهنمایی برای ارائه گزارش سالیانه درباره عملکرد پایداری استفاده می‌شوند. برخی از مواردی که در گزارشگری پایداری مورد بررسی قرار می‌گیرند، عبارتند از: تأثیر فعالیت‌های کسب و کار بر محیط زیست، از جمله مصرف انرژی، آلودگی هوا و آب، مدیریت پسماندها و حفاظت از تنوع زیستی؛ روابط کارگری عادلانه، از جمله رعایت حقوق کارکنان و حقوق بشر، مشارکت در جوامع محلی، از جمله ارتقای مشارکت اجتماعی و تعامل مؤثر با ذینفعان؛ تأمین مالی پایدار، از جمله حفظ شفافیت مالی، مدیریت ریسک‌های مالی و حذف جریان‌های مالی غیرقانونی (ISO. 2010; GRI. 2023).

اهمیت گزارشگری پایداری

گزارشگری پایداری در سال‌های اخیر در ایران اهمیت زیادی پیدا کرده است. با توجه به رشد روزافزون مسائل محیط زیستی، اهتمامات اجتماعی و نیاز به توسعه پایدار، سازمان‌ها و شرکت‌ها در ایران نیازمند استفاده از گزارشگری پایداری هستند تا عملکرد خود را در حوزه‌های اقتصادی، محیط زیستی و اجتماعی به جوامع محلی و جهانی منتقل کنند. یکی از اهمیت‌های گزارشگری پایداری در ایران، سهم‌دهی به بهبود عملکرد محیط زیستی است. با ارائه اطلاعات مرتبط با مصرف منابع طبیعی، کاهش آلاینده‌ها و مدیریت پسماندها، سازمان‌ها می‌توانند تغییرات بهبود یافته در عملکرد محیط زیستی خود را نشان دهند و نقش مثبت خود را در حفاظت از محیط زیست نشان دهند. همچنین، گزارشگری پایداری در ایران بهبود اعتماد عمومی را نیز به همراه دارد. ارائه اطلاعات صادقانه و شفاف به جامعه، افراد و سایر ذینفعان، اعتماد را بالا می‌برد و روابط مؤثرتری را میان سازمان‌ها و جوامع مختلف ایجاد می‌کند. به علاوه، گزارشگری پایداری در ایران می‌تواند به توسعه اقتصادی پایدار کمک کند. با گزارش دادن درباره تأثیرات اقتصادی فعالیت‌ها در جامعه محلی و بهره‌برداری از منابع محلی، می‌توان به تحقق اهداف توسعه پایدار کمک کرد. بر این اساس، گزارشگری پایداری در ایران می‌تواند فرصت‌های کسب و کار جدید را معرفی و موجب ایجاد ارزش افزوده بیشتر شود (Raisi. 2013; Niknahad et al. 2016; National Standard Organization of Iran. 2017).

گزارشگری پایداری در ایران در سال‌های اخیر پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است. افزایش آگاهی و توجه به مسائل محیط زیست، اجتماعی و اقتصادی در جامعه ایرانی، موجب شده است که سازمان‌ها، شرکت‌ها و سایر نهادهای مرتبط بیشتر به گزارشگری پایداری توجه کنند و از آن استفاده کنند. با توجه به تحولات اجتماعی و محیطی در جهان و نیز تلاش‌های برای رشد اقتصادی پایدار، گزارشگری پایداری به عنوان یک ابزار حیاتی برای تدوین سیاست‌های عمومی و تصمیم‌گیری در سازمان‌ها به شناخته شدن رسیده است.

در ایران، گزارشگری پایداری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در چندین زمینه کلیدی تأثیرگذار است:

۱. **توسعه پایدار و محیط زیست:** گزارش‌های پایداری در ایران می‌توانند به تعیین سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به حفاظت محیط زیست و توسعه پایدار کمک کنند. معیارها و شاخص‌های مربوط به استدلال‌های زیست‌محیطی مثل مصرف انرژی، مدیریت آب، کاهش گازهای گلخانه‌ای و محافظت از تنوع زیستی را معین می‌کنند.

۲. **نمایش تعهد به شفافیت و اطلاع‌رسانی:** گزارشگری پایداری می‌تواند به سازمان‌ها کمک کند تا به جامعه نشان دهند که چگونه در عمل به تعهدات اجتماعی و محیطی‌شان عمل کرده‌اند. این نشان دادن تعهد به شفافیت و اطلاع‌رسانی مناسب می‌تواند اعتماد جامعه به سازمان‌ها را افزایش دهد و رو به جلوی پیشرفت پایدار را بیازماید.
۳. **جذب سرمایه‌گذاری پایدار:** گزارشگری پایداری، به شرکت‌ها و سازمان‌ها کمک می‌کند تا ارتباط شفاف و قابل قبولی با سرمایه‌گذاران و سهامداران پایدار برقرار کنند. سرمایه‌گذارانی که اهمیت اقتصادی، محیط‌زیستی و اجتماعی را مدنظر قرار می‌دهند، از گزارش‌های پایدار و اطلاعات مرتبط بهره می‌برند تا تصمیم‌گیری‌های خود را درباره سرمایه‌گذاری‌های پایدارتر بر مبنای اطلاعات صحیح انجام دهند.
۴. **تأمین توازن بین بعد اقتصادی و اجتماعی:** گزارشگری پایداری کمک می‌کند تا نقاط ضعف و نقاط قوت اقتصادی و اجتماعی سازمان‌ها شناسایی شوند و از طریق تدوین سیاست‌های کارآمدتر، توازن بین این دو بعد حائز اهمیت ایجاد شود. این توازن، فرصت‌های جدیدی را برای بهبود عملکرد اقتصادی و بهبود شرایط زندگی اجتماعی ایجاد می‌کند (Sustainability reporting in Iran, 2020).

تئوری‌های پیرامون گزارشگری پایداری

در گزارشگری پایداری، تئوری‌های مختلفی وجود دارند که برای تبیین و توضیح مفهوم و اهداف گزارشگری پایداری استفاده می‌شوند. در زیر، به تشریح چند تئوری مهم خواهیم پرداخت:

۱) **تئوری زنجیره ارزش سه‌گانه:** این تئوری توسط جان الکساندر الکی، پنجمین استاد مطرح سرولوژی از دانشگاه استنفورد، مطرح شد. براساس این تئوری، گزارشگری پایداری باید سه جنبه را مد نظر قرار دهد: محیط زیست، اجتماع و اقتصاد. این تئوری تأکید می‌کند که برای دستیابی به توسعه پایدار، سازمان‌ها باید به همه این سه جنبه توجه کنند و در گزارشگری خود آنها را لحاظ کنند (Elkington, 1997).

۲) **تئوری ثروت بیشتر با استفاده کمتر:** این تئوری توسط راندال هاین ارائه شده است و بر مفهوم استفاده بهینه از منابع تمرکز دارد. بر اساس این تئوری، گزارشگری پایداری باید تمرکز کند که چگونه سازمان‌ها می‌توانند با مصرف کمتر، عملکرد بیشتری داشته باشند و در عین حال تأثیرات منفی خود را بر محیط زیست کاهش دهند (Hayes, 1999).

۳) **تئوری سه سطح گزارشگری:** این تئوری توسط آنسکامپ و آیکی ارائه شده است و چهار سطح گزارشگری را شامل می‌شود: گزارشگری محیط زیستی، گزارشگری اجتماعی، گزارشگری مالی و گزارشگری جامع. این تئوری می‌گوید که سازمان‌ها باید به تناسب مناسب بین ابعاد مختلف گزارشگری معامله کنند و رویکرد آنها را تنظیم کنند (Anscamp & Ike, 2009).

۴) **تئوری مسئولیت‌پذیری شرکتی:** این تئوری بر این اصل تمرکز دارد که سازمان‌ها باید در جامعه‌ها در نظر گرفته شوند که در آنها فعالیت می‌کنند. بر اساس این تئوری، گزارشگری پایداری باید تأکید بیشتری بر این داشته باشد که چگونه سازمان‌ها می‌توانند به طور مسئولانه نسبت به جوامعی که در آنها فعالیت می‌کنند عمل کنند و حاکمیت شرکتی خود را تحقق دهند (Dahlsrud, 2008).

در مجموع، هدف نظریه‌پردازان گزارشگری پایداری، توسعه و ارتقای نظریه‌ها و مدل‌هایی است که برای توضیح و تبیین مفهوم و مؤلفه‌های گزارشگری پایداری بکار می‌روند. این نظریه‌پردازان در تلاشند تا بهبود و پیشرفت در دسترسی به اطلاعات پیرامون عملکرد پایدار سازمان‌ها، شفافیت در گزارشگری و اجرا کردن استانداردهای مناسب را ترویج کنند. یکی از اهداف اصلی نظریه‌پردازان گزارشگری پایداری، توسعه چارچوب‌ها و مدل‌های مفهومی است که درک بهتری از مفاهیم پایداری و جنبه‌های مختلف آن را برای سازمان‌ها و جوامع فراهم کند. این چارچوب‌ها و مدل‌ها، عوامل مؤثر در توسعه پایدار و عملکرد سازمان‌ها را شامل می‌شوند و نقش بسزایی در تحلیل و توصیف عملکرد سازمان‌ها در جنبه‌های مختلف پایداری دارند. علاوه بر این، هدف مهم دیگر نظریه‌پردازان گزارشگری پایداری، توسعه استانداردها و راهنمایی‌های عملی برای گزارشگری پایداری است. این

استانداردها عموماً توسط سازمان‌ها و نهادهای مستقلی مانند GRI و IIRC تدوین و منتشر می‌شوند. این استانداردها راهنمایی‌هایی فراهم می‌کنند که سازمان‌ها در تدوین گزارش‌های پایداری، جمع‌آوری و گزارش‌دهی اطلاعات مناسب را در زمینه‌های مختلف پایداری دنبال کنند (Dumay & Tilt, 2019).

دیدگاه‌های موافق و مخالف پیرامون گزارشگری پایداری

- ۱) **ارزش افزوده برای سازمان:** یکی از نقاط قوت گزارشگری پایداری این است که به سازمان‌ها ارزش افزوده می‌دهد. طبق تحقیقات، سازمان‌ها که در زمینه گزارشگری پایداری فعال هستند، سود اقتصادی و اعتبار عمومی بیشتری به دست می‌آورند. همچنین، این گزارشگری می‌تواند بهبود عملکرد سازمان در طولانی مدت را تسهیل کند.
 - ۲) **مدیریت ریسک‌های محیط زیستی و اجتماعی:** گزارشگری پایداری با فراهم آوردن اطلاعات مناسب، به سازمان‌ها کمک می‌کند تا ریسک‌های محیط زیستی و اجتماعی را شناسایی و مدیریت کنند. این امر می‌تواند بهبود پایداری و عملکرد سازمان در مقابل تحت فشار قرار گرفتن از سوی جامعه و نهادها را تسریع کند.
 - ۳) **بایگانی اطلاعاتی و هزینه‌ها:** برخی محققان معتقدند که گزارشگری پایداری ممکن است نیازمند بایگانی اطلاعات بسیار حجیم و پیچیده باشد، که هزینه‌های زیادی را برای سازمان به همراه دارد.
 - ۴) **کیفیت و قابل اعتماد بودن اطلاعات:** در بعضی موارد، نقادان معتقدند که اطلاعات گزارشگری پایداری باید با دقت و صحت کامل تولید شوند تا قابلیت اعتماد عمومی را به دست آورند. همچنین، برخی به این اعتقادند که برخی از سازمان‌ها ممکن است به قصد نمایش بهتر وضعیت، از اطلاعاتی ناقص یا مطلوب‌نمایی استفاده کنند.
- به طور کلی، گزارشگری پایداری در حوزه تحقیقات حسابداری نقش مهمی ایفا می‌کند. تحقیقات حسابداری در ارتباط با گزارشگری پایداری بهبود و توسعه فرایندها، سنجش و تدوین راهنمایی‌ها و استانداردها برای گزارشگری پایداری را هدف دارد. علاوه بر این، تحقیقات در این حوزه ممکن است به توسعه ابزارها و روش‌های اندازه‌گیری و گزارش‌دهی عملکرد پایدار سازمان‌ها کمک کند. هدف اصلی تحقیقات حسابداری در حوزه گزارشگری پایداری، ساختن تئوری‌ها و مدل‌هایی است که بتواند بهبود، پیشرفت و توسعه در گزارشگری پایداری را ترویج کند (Unerman et al. 2007).

پیشرفت‌های گزارشگری پایداری در ایران

در ایران نیز تحولات قابل ملاحظه‌ای در حوزه گزارشگری پایداری رخ داده و پیشرفت‌های مهمی به وجود آمده است. برخی از پیشرفت‌های گزارشگری پایداری در ایران عبارتند از:

- ۱) **توسعه چارچوب‌ها و راهنماها:** در ایران، توسعه چارچوب‌ها و راهنماهای مرتبط با گزارشگری پایداری نقش مهمی در پیشبرد این حوزه داشته است. مانند راهنمای سنجش عملکرد پایداری سازمان‌ها که توسط سازمان ملی استاندارد ایران منتشر شده است. این راهنماها به سازمان‌ها کمک می‌کنند تا به طور سازمان‌یافته‌تر و هماهنگ‌تر در جهت گزارشگری پایداری عمل کنند.
- ۲) **انتشار مقالات و کتب مرتبط:** تعداد مقالات و کتب درباره گزارشگری پایداری در ایران در سال‌های اخیر به طور چشمگیری افزایش یافته است. پژوهشگران و نویسندگان ایرانی به‌طور فعال در حوزه گزارشگری پایداری فعالیت می‌کنند و از تجارب و آموخته‌هایشان در این زمینه گزارش می‌دهند.
- ۳) **توسعه گزارشگری پایداری در صنایع و بخش‌های مختلف:** در ایران، بسیاری از شرکت‌ها و سازمان‌ها در بخش‌های مختلف به گزارشگری پایداری توجه کرده و گزارش‌های سالانه پایداری خود را منتشر می‌کنند. این شرکت‌ها معمولاً مواردی را مورد گزارش قرار می‌دهند مانند استراتژی‌های مسئولیت اجتماعی، مدیریت اثرات محیطی و تعامل با جوامع محلی.

۴) **مشارکت در ایجاد الگوها و شبکه‌های همکاری:** در ایران، برخی سازمان‌ها و نهادهای میان‌رشته‌ای در حوزه گزارشگری پایداری ایجاد الگوها و شبکه‌های همکاری با دانشگاه‌ها و سایر نهادها را به عمل آورده‌اند. این تلاش‌ها باعث تبادل تجارب و ارتقای دانش در حوزه گزارشگری پایداری در ایران می‌شود (Shahriari, 2014; Razazian & Mahmoudi, 2018).

چالش‌های گزارشگری پایداری در ایران

با وجود پیشرفت‌های فراوان، گزارشگری پایداری در ایران همچنان با چالش‌هایی مواجه است. در ادامه به برخی از این چالش‌ها اشاره خواهیم داشت:

۱) **کمبود داده‌ها و آمار دقیق:** یکی از مسائل مهم در گزارشگری پایداری در ایران عدم دسترسی به داده‌ها و آمار دقیق و قابل اعتماد است. از لحاظ امکانات زیرساختی، تمکین تجهیزات و منابع مرتبط، ممکن است به تجمیع و تجزیه و تحلیل داده‌های پایداری مشکلی برخوردار باشد.

۲) **فرهنگ سازمانی:** این چالش خاصا در شرکت‌ها و سازمان‌ها وجود دارد. برخی سازمان‌ها هنوز به گزارشگری پایداری به عنوان یک ابزار برای بهبود عملکرد و مدیریت استراتژیک نگاه مناسبی نمی‌اندازند. تغییر فرهنگ سازمانی و توسعه آگاهی در مورد اهمیت گزارشگری پایداری از اساسی‌ترین چالش‌های موجود است.

۳) **کیفیت تهیه و گزارش‌دهی:** ارائه گزارش‌های پایداری کیفیت بالا و هماهنگ با استانداردها و دستورالعمل‌ها را نیازمند می‌کند. عدم قرارگیری درست الگوی گزارشگری پایداری و عدم توانمندسازی کارشناسان در این زمینه می‌تواند به تولید گزارش‌های عملی و مؤثر لطمه بزند.

۴) **انتقال مسئولیت به سازمان‌ها و موسسات:** در برخی موارد، مسئولیت‌پذیری سازمان‌ها و موسسات برای گزارشگری پایداری هنوز کافی نیست. ایجاد یک فرهنگ مسئولیت‌پذیری و ارتقای تعهد سازمانی نسبت به گزارشگری پایداری می‌تواند چالش‌هایی مانند عدم تدوین و ارتقای سیاست‌های مدیریت پایداری را حل نماید.

۵) **هماهنگی و همکاری بین نهادها:** جهت تسهیل برنامه‌ریزی و اجرای گزارشگری پایداری در ایران، نیاز به هماهنگی و همکاری بین سازمان‌های دولتی، بخش خصوصی، دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و سایر نهادها وجود دارد. این همکاری و هماهنگی می‌تواند به تقویت ارتباط و تبادل دانش و تجربه در حوزه گزارشگری پایداری کمک کند.

با این حال، با توجه به نگرش رو به رشد نسبت به مسائل پایداری و مسئولیت اجتماعی در ایران، امیدواریم که چالش‌ها مورد توجه و رفع شوند تا پیشرفت‌های بیشتری در حوزه گزارشگری پایداری در ایران به دست آید (Bani Said et al. 2016; Abedi et al. 2018).

روش پژوهش

مطالعه حاضر یک مطالعه مروری-روایتی می‌باشد که برای موضوعات جامع و مفصل کاربرد دارد. در مرور روایتی به خلاصه مطالعات اولیه و اصیل یک موضوع پرداخته می‌شود و در نتیجه‌گیری این مقالات به جای کمیت به کیفیت اشاره می‌شود (Green & Johnson, 2006). در این مطالعه از مقالات نمایه شده در پایگاه علمی معتبر گوگل اسکولار استفاده شده است. با توجه به اهمیت موضوعات پایداری در سال‌های اخیر، متون پژوهشی از سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ میلادی (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ شمسی) مورد بررسی قرار گرفت. پژوهشگر با استفاده از کلیدواژه تعیین شده به بررسی مقالات معتبر فارسی در این حوزه پرداخته و با بررسی متون، آن‌ها را طبقه‌بندی کرده است. کلیدواژه موردنظر در این مطالعه عبارت‌اند از "گزارشگری پایداری" و "یا پایداری" که در عنوان مقالات مورد جست و جو قرار گرفتند. گوگل اسکولار به عنوان یک موتور سرچ رایگان و دارای جامعیت بالا نقطه آغاز مناسبی برای جستجوی منابع علمی می‌باشد. بنابراین، در این پژوهش از پایگاه مذکور جهت جست و جوی مقالات علمی استفاده شده است (Google Scholar, 2019). در این مطالعه، ابتدا به بررسی متون مقالات منتخب پرداخته شده است. سپس مقالات غیرمرتبط حذف گردید. و در نهایت نتایج مربوط به مقالات نهایی مورد بررسی و طبقه‌بندی قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

با توجه به اهمیت و کاربرد جامع گزارشگری پایداری در ایران، محققان بسیاری در این حوزه به پژوهش پرداختند که در ادامه به بررسی مقالات منتخب بر اساس جدیدترین مقالات این حوزه خواهیم پرداخت.

فاطری و همکاران (۲۰۲۳) به بررسی رتبه‌بندی ابعاد و شاخص‌های گزارشگری پایداری در شهرداری‌ها پرداختند. به همین منظور الگوی پیشنهادی گزارشگری پایداری شهرداری‌ها مورد بررسی قرار گرفت و با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی و بهره بردن از نظرات ۲۰ نفر از خبرگان، میزان وزن و رتبه ابعاد و شاخص‌های آن ارائه گردید. به طور خلاصه می‌توان بیان داشت که رتبه ابعاد گزارشگری پایداری به ترتیب شامل (۱) ویژگی‌های گزارش؛ (۲) عوامل تعالی و پیشرفت؛ (۳) مدیریت و سرمایه انسانی؛ (۴) کار و تولید؛ (۵) اقتصادی و (۶) عوامل زیست‌محیطی بوده است. با توجه به عدم تقارن اطلاعاتی در شهرداری‌ها و با عنایت به بی‌اطلاعی شهرداری‌ها از اهمیت افشای داوطلبانه از جمله اطلاعات پایداری برای ذینفعان یا به عبارتی شهروندان، یافته‌های پژوهش می‌تواند به عنوان راهکاری برای تغییر مدیریت سازمانی شهرداری‌ها، شفافیت در کلیه امورات شهرداری‌ها نظیر امور مالی (اقتصادی)، خدمات شهری و فضای سبز (زیست‌محیطی) و مسئولیت اجتماعی، پاسخگویی به نیازهای کلیه ذینفعان در نظر گرفته شود. به نظر می‌رسد این پژوهش، مفید و پیشرو است، برای بررسی رتبه‌بندی ابعاد و شاخص‌های گزارشگری پایداری در شهرداری‌ها، این تحقیق از روش تحلیل سلسله مراتبی استفاده کرده است. در این روش، ابتدا ماتریس مقایسه‌ای برای ارزیابی وزن نسبی ابعاد و شاخص‌ها ایجاد می‌شود. سپس با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی، این ماتریس به بخش‌های کوچکتر تقسیم می‌شود و وزن نسبی هر بخش محاسبه می‌شود. در نهایت، با استفاده از وزن‌های به دست آمده، رتبه‌بندی ابعاد و شاخص‌ها انجام می‌شود. احتمالاً با توجه به اینکه اطلاعات در شهرداری‌ها ناهمگن هستند و شهرداری‌ها به اهمیت افشای اطلاعات پایداری از جمله اطلاعات مالی، خدمات شهری، فضای سبز و مسئولیت اجتماعی آگاه نیستند، نتایج پژوهش می‌تواند راهکاری برای افزایش شفافیت در امور شهرداری باشد.

در پژوهشی دیگر، **پورغلامی دافچاهی و همکاران (۲۰۲۳)** که به ارزیابی کیفیت افشای پایداری و تاثیر آن بر عملکرد پایداری مبتنی بر تئوری مشروعیت پرداختند، نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش، نشان داد که بین کیفیت افشای پایداری، میزان افشای با کیفیت بالای پایداری و عملکرد پایداری رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد، اما بین میزان افشای با کیفیت پایین پایداری و عملکرد پایداری رابطه منفی مشاهده نگردید. به عبارت دیگر، در بازار سرمایه ایران مولفه‌ها و شاخص‌های پیشنهادی مربوط به افشای پایداری از اهمیت بالایی برخوردار نبوده و به میزان کیفیت افشای پایداری توجه نمی‌کنند. لذا، شواهد به دست آمده در این پژوهش نشان داد کیفیت گزارشگری افشای پایداری در ایران نسبت به تحقیقات انجام شده خارجی پایین‌تر است. در این پژوهش، مورد رابطه مثبت و معنی داری بین کیفیت افشای پایداری، میزان افشای با کیفیت بالای پایداری و عملکرد پایداری وجود دارد. این یعنی هرچه کیفیت گزارشگری افشای پایداری بیشتر باشد، تأثیر مثبت بر عملکرد پایداری می‌گذارد. این نتیجه با یافته‌های برخی پژوهش‌های قبلی در این حوزه (مانند پژوهش‌های نیکولاس و موریس، ۲۰۲۰ و دلریوود و هیگینز، ۲۰۱۹) همخوانی دارد. بر اساس شواهد مطرح شده، به نظر می‌رسد کیفیت افشای پایداری در بازار سرمایه ایران مورد توجه کافی قرار نمی‌گیرد و مهم بودن آن کمتر است. این امر می‌تواند به دلیل عدم پیروی کامل از استانداردها و راهنمایی‌های بین‌المللی مربوط به گزارشگری پایداری باشد. از راهبردها و نرم‌افزارهای مدیریت و گزارشگری پایداری مانند چارچوب بهتر مانند GRI می‌توان برای بهبود کیفیت افشای پایداری استفاده کرد.

در پژوهشی که **وصالی و کرمانی (۲۰۲۳)** انجام دادند، تأثیر افشای مسئولیت اجتماعی، سرمایه فکری بر درماندگی مالی و گزارشگری پایداری را بررسی کردند. یافته‌های به دست آمده حاکی از وجود رابطه مثبت و معناداری بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سرمایه فکری با گزارشگری پایداری شرکت‌ها و درماندگی مالی می‌باشد. بر اساس تئوری‌های مطرح شده و مبانی فوق، به طور کلی انتظار می‌رود شرکت‌هایی که گزارشگری پایداری قوی دارند و در عین حال به عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی توجه می‌کنند، می‌توانند از اعتماد زیادی از طرف مشتریان و سرمایه‌گذاران برخوردار باشند. در نهایت، این امر

باعث می‌شود که مشتریان ترجیح دهند از محصولات و خدمات شرکت استفاده کنند و سرمایه‌گذاران نیز تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری در شرکت داشته باشند.

با توجه به اهمیت استانداردهای گزارشگری پایداری و کاربرد آن در صنعت بیمه؛ **رحمانی و همکاران (۲۰۲۲)** به بررسی استانداردها، رهنمودها و وضعیت انتشار گزارشگری پایداری در صنعت بیمه پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که استانداردها و رهنمودهای پایداری به ذینفعان مختلف گزارش متفاوت است. استاندارد ابتکار گزارشگری جهانی بر تمام ذینفعان تمرکز دارد در حالی که استانداردهای هیئت استاندارد حسابداری پایداری بر سرمایه‌گذاران تاکید دارد. اصول بیمه پایدار و استانداردهای مربوط به هیئت استانداردهای حسابداری پایداری، خاص صنعت بیمه است؛ در حالی که استانداردهای ابتکار گزارشگری جهانی بر صنعت خاصی تمرکز ندارد. همچنین یافته بیانگر این است که وضعیت انتشار گزارشگری پایداری در صنعت بیمه رو به افزایش بوده و استفاده از حساب‌رسان و مؤسسات حسابرسی برای اطمینان بخشی گزارش‌ها، در اولویت قرار دارد. با توجه به فشار ذینفعان و تأکید نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و روند رو به رشد الزامی شدن گزارشگری پایداری، یافته‌های تحقیق بر لزوم تهیه گزارش‌های پایداری توسط شرکت‌های بیمه ایرانی تأکید دارد. از آنجایی که اصول بیمه پایدار و استانداردهای مربوط به حسابداری پایداری صنعت بیمه خاص هستند. به عبارت دیگر، این استانداردها به خاطر خصوصیات و نیازهای خاص صنعت بیمه طراحی شده‌اند و تمرکز خاصی بر روی گزارشگری پایداری صنعتی ندارند. نکته کلیدی پژوهش رحمانی و همکاران در سال ۲۰۲۲ با تمرکز بر رهنمودها و استانداردهای پایداری و افزایش انتشار گزارشگری پایداری در صنعت بیمه آن است که می‌تواند منجر به بهبود موارد مانند: شفافیت بیشتر در گزارش‌های مورد استفاده شرکت‌های بیمه از منابع اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی؛ اطمینان، به دلیل تأیید گزارش‌ها توسط حساب‌رسان مستقل و مؤسسات حسابرسی؛ مقایسه و تحلیل بهتر بین شرکت‌های بیمه و رقابت سالم‌تر در ارائه خدمات، گردد. البته، همونطور که مشخص است، این نکته‌ها می‌توانند باعث بهبود شرایط گزارشگری پایداری در صنعت بیمه شوند اما به نظر می‌رسد مواردی هم وجود داشته باشند که بتوان آن‌ها را بهبود داد؛ از قبیل، مشارکت بیشتر ذینفعان در تعیین استانداردها و رهنمودها و همچنین کمک به ترویج آگاهی و آموزش در مورد گزارشگری پایداری نیز می‌تواند به صورت جدی‌تری دنبال شود.

احمدزاده و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهش خود به بررسی ارائه چارچوب گزارشگری پایداری مبتنی بر ایجاد توازن بین انتظارات ذینفعان و ظرفیت‌های شرکت پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از مجموع ۱۶۹ مولفه مورد بررسی (طبقه‌بندی شده در ۱۱ گروه (۸۵ مؤلفه) بابت افشای پایداری) مورد انتظار ذینفعان بوده است و در تمامی گروه‌ها غیر از طبقه نمایه سازمان، بین وضعیت موجود و مورد انتظار ذینفعان تفاوت معناداری وجود داشته، نهایتاً پس از ایجاد توازن بین مولفه‌ها الگویی شامل ۶۰ مولفه در قالب گزارش پایداری شرکتی متوازن ارائه گردید. موضوع مورد بررسی در پژوهش انتخابی جالب است. بررسی ارتباط بین انتظارات ذینفعان و ظرفیت‌های شرکت در حوزه گزارشگری پایداری، یک مسئله مهم و جدید در حوزه پژوهشی است. این گونه مطالعات می‌توانند به بهبود اطلاعاتی که شرکت‌ها به ذینفعان ارائه می‌دهند و ایجاد توازن بین انتظارات ذینفعان و عملکرد شرکت کمک کنند. ایجاد یک الگو شامل ۶۰ مولفه در قالب گزارش پایداری شرکتی متوازن، نقطه قوت این پژوهش است. این الگو می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا عوامل مهم را در حوزه پایداری شناسایی کنند و اطلاعات مناسبی را به ذینفعان ارائه دهند.

زحمتکش و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر سطح افشای گزارشگری پایداری شرکت‌ها پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه حاکی از این است که توانایی مدیریت بر سطح افشای گزارشگری پایداری شرکت‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معنی‌دار دارد. پس این پژوهش می‌تواند به عنوان یک تأیید اولیه برای وجود ارتباط بین مدیریت و پایداری شرکت‌ها در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، نتایج پژوهش نشان می‌دهند که شرکت‌هایی که توانایی مدیریت بالاتری دارند، سطح افشای و گزارشگری پایداری بهتری دارند. بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر سطح افشای گزارشگری پایداری شرکت‌ها در حوزه بورس اوراق بهادار، می‌تواند به صورت مستقیم تأثیر خوبی در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران داشته باشد.

رحمانی و محمودخانی (۲۰۲۱) به بررسی ضرورت تهیه و اطمینان بخشی گزارش‌های پایداری: دیدگاه حساب‌رسان و خبرگان صنعت بیمه پرداختند. یافته‌ها نشان داد که شرکت‌های بیمه طیف وسیعی از ذینفعان را به عنوان مخاطبان گزارش‌های پایداری خود در نظر می‌گیرند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که دیدگاه‌ها و رویکردهای متفاوتی در خصوص الزامی و اختیاری کردن گزارش‌های پایداری، دوره زمانی گزارشگری پایداری، واحد تهیه‌کننده گزارش‌های پایداری و نهاد اطمینان بخشی به گزارش‌های پایداری وجود دارد. مصاحبه شونده‌گان بر اهمیت و ضرورت تهیه‌کننده گزارش‌های پایداری و نهاد اطمینان بخشی داشتند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که موضوع گزارشگری پایداری یک مسئله پیچیده و چند رویکردی است و نیاز به بررسی دقیق‌تر دارد. در واقع، می‌توان گفت که این پژوهش تا حد بسیار مناسبی موضوع را پوشش داده است و مشتمل بر مصاحبه با دو گروه از متخصصان حساب‌رسان و خبرگان صنعت بیمه است. این گروه‌ها به عنوان منابع معتبر درباره گزارشگری پایداری در صنعت بیمه به دست آمده‌اند. همچنین این پژوهش هشت دیدگاه موردنظر را پوشش داده است که نشان‌دهنده تنوع نظرات درباره این موضوع است. در مقابل، به دلیل اینکه نمونه مورد مطالعه تنها محدود به صنعت بیمه بوده است و برای تعمیم نتایج به دیگر صنایع کافی نیست، نیاز به پژوهش‌های بیشتری است. از طرفی نیز این پژوهش فقط به دیدگاه حساب‌رسان و خبرگان محدود شده است و می‌توانست به مصاحبه با ذینفعان دیگر نیز می‌پردازد تا دیدگاه‌های متفاوت‌تری از این موضوع را بررسی کند. در مجموع، مصاحبه‌های انجام شده در این پژوهش نشان می‌دهد که مسئله پایداری برای صنعت بیمه واقعا مهم است و انجام پژوهش‌های بیشتر در این زمینه می‌تواند در توسعه پایداری و بهبود عملکرد صنعت بیمه کمک کند.

با توجه به آنچه که بیان گردید، در نگاره (۱)، به طبقه‌بندی موضوعی پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه گزارشگری پایداری در ایران خواهیم پرداخت:

نگاره ۱. ماتریس خلاصه پژوهش‌های انجام شده بر اساس طبقه موضوعی

موضوعی پژوهش	فطری و همکاران (۲۰۲۳)	پورغلامی دافچهی و همکاران (۲۰۲۳)	وصالی و کرمانی (۲۰۲۳)	رحمانی و همکاران (۲۰۲۳)	احمدزاده و همکاران (۲۰۲۳)	زحمتکش و همکاران (۲۰۲۳)	رحمانی و محمودخانی (۲۰۲۱)
ابعاد، شاخص‌ها و چارچوب گزارشگری پایداری	*				*		
کیفیت و افشای پایداری		*	*			*	
استانداردها، رهنمودها و اطمینان بخشی گزارشگری پایداری				*			*

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مطالعه حاضر با رویکرد مروری-روایتی به مرور پیشرفت‌ها و چالش‌های گزارشگری پایداری در ایران پرداخته است. با توجه به آنچه که بیان شد، گزارشگری پایداری یک مفهوم مهم در حسابداری می‌باشد که شامل گزارش‌دهی و افشای اطلاعات اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی شرکت می‌شود. هدف اصلی گزارشگری پایداری ایجاد شفافیت بیشتر در مورد عملکرد پایداری شرکت‌ها است. با توجه به چالش‌ها و تهدیدهای موجود در حوزه‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی، بسیاری از شرکت‌ها امروزه به فکر تنظیم گزارش پایداری هستند تا آنچه را که می‌پندارند در این زمینه‌ها به طور مسئولانه ارائه دهند. در تحقیقات

حسابداری، افشای گزارشگری پایداری می‌تواند باعث افزایش درک و هماهنگی بین سرمایه‌گذاران، مراجع حسابرسی و سایر عاملان داخلی و خارجی مرتبط با شرکت شود. این امر می‌تواند بهبود قابل توجهی در روند تصمیم‌گیری‌ها و افزایش اعتماد عمومی نسبت به عملکرد پایداری شرکت داشته باشد. نتایج حاصل از پژوهش‌ها در مطالعات اخیر نشان می‌دهند که توجه به افشای گزارشگری پایداری بیشتر شده است به گونه‌ای که مطالعات دریافته‌اند بین توانایی مدیریت، مسئولیت اجتماعی، سرمایه فکری و ارزیابی کیفیت افشای پایداری و گزارشگری و عملکرد پایداری رابطه مثبت وجود دارد. همچنین پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه ابعاد و شاخص‌های گزارشگری پایداری توانست راهکاری برای شفافیت در امور پاسخگویی به نیازهای کلیه ذینفعان را در نظر گیرد. به علاوه، پژوهش پیرامون چارچوب گزارشگری پایداری نشان دهنده ارتباط بین ایجاد توازن بین انتظارات ذینفعان و ظرفیت‌های شرکت است. در تحقیقات مورد بررسی بیان گردید که رهنمودها و استانداردهای گزارشگری پایداری نیز تاثیر وضعیت انتشار گزارشگری پایداری در صنعت بیمه می‌باشد که رو به افزایش است و یافته‌ها در صنعت بیمه نشان داد که شرکت‌های بیمه طیف وسیعی از ذینفعان را به عنوان مخاطبان گزارش‌های پایداری خود در نظر می‌گیرند.

مطالعات اخیر نشان می‌دهد که تقریباً تعداد کمی از مقالات با جست و جوی کلید واژه "گزارشگری پایداری" و یا "پایداری" در "پایگاه گوگل اسکولار"، تاکید صرف بر موضوعات پایداری در رشته حسابداری داشته‌اند و با توجه به نتایج مقالات مذکور انتظار بر این است که روند انجام این پژوهش‌ها رو به فزونی یابد، زیرا همانطور که می‌دانید حسابداری معمولاً بر اساس استانداردهای حسابداری معتبری انجام می‌شود. اما در مورد تلفیق این دو واژه یعنی به طور خاص حسابداری پایداری، استانداردهای رسمی و قطعی برای گزارشگری پایداری وجود ندارد. اما تعداد زیادی چارچوب و استاندارد در این زمینه توسعه یافته است. برخی از معروف‌ترین استانداردها عبارتند از: استانداردهای جهانی گزارشگری پایدار و استانداردهای شورای توسعه پایدار. در اکثر پژوهش‌های صورت گرفته به افشای گزارشگری پایداری پرداخته شده است. برای افشای کامل گزارشگری پایداری در تحقیقات حسابداری، می‌توان از روش‌های مختلفی استفاده کرد. برخی از این روش‌ها عبارتند از: تحلیل محتوا، به کارگیری روش‌های کمی و کیفی در تحقیقات، استفاده از نهادهای معتبر و نظریات متعدد موجود در حوزه گزارشگری پایداری. در مجموع، گزارشگری پایداری در تحقیقات حسابداری، یک بحث مهم است که نه تنها به شرکت‌ها کمک می‌کند تا عملکرد پایدار خود را ارزیابی کنند، بلکه همچنین به جامعه سرمایه‌گذاری که به دنبال عملکرد پایدار هستند، اطمینان می‌بخشد اما هنوز در تحقیقات حسابداری پایداری امکان رشد و پیشرفت شرکت‌ها و کلیه ذینفعان وجود دارد.

همانطور که بیان گردید، با مرور بر مقالات منتخب نتایج متعددی حاصل شده است که می‌توان از آن‌ها در اتخاذ تصمیمات مؤثر در راستای پایداری بهره‌مند شد. مقالاتی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفتند، می‌توانند بررسی کننده خوبی برای تبیین وضعیت فعلی سازمان‌ها در حوزه پایداری باشند. این مقالات اغلب شاخص‌ها، معیارها و راهکارهای موجود در این حوزه را بررسی و به سازمان‌ها کمک می‌کنند تا درک بهتری از وضعیت فعلی خود داشته باشند و مسیری برای بهبود ارائه دهند. همچنین این مقالات می‌توانند چالش‌ها و فرصت‌های محیطی، اجتماعی و اقتصادی را شناسایی کنند. به عنوان مثال، مسائل محیطی مانند تغییرات آب و هوا، فرصت‌های بازار جدید برای کسب و کار، و تحولات اجتماعی برای خدمت رسانی به مشتریان. با بررسی دقیق وضعیت و عملکرد فعلی، این مقالات می‌توانند به سازمان‌ها در بهبود عملکرد پایداری کمک کنند (Kolk, & Perego, 2008). بنابراین، با شناخت دقیق تصمیمات و اقداماتی که در حوزه اقتصاد، محیط زیست، اجتماعی و گزارشگری انجام شده است، سازمان‌ها می‌توانند نقاط قوت خود را تشخیص داده و راهکارهای بهبودی برای نقاط ضعف و چالش‌های خود ارائه دهند. در این راستا، تحقیقاتی جهت بررسی رابطه بین عملکرد مالی سازمان‌ها و عملکرد پایدار آنها می‌تواند مفید باشد. این تحقیقات می‌توانند به سازمان‌ها و سرمایه‌گذاران کمک کنند تا تأثیر استراتژی‌ها و عملکرد پایدار در عملکرد مالی را بهتر درک کنند. تحقیقات جهت ارزیابی عملکرد گزارشگری پایدار سازمان‌ها و شرکت‌ها می‌تواند به آنها کمک کند تا موانع و مسائل مربوط

به گزارشگری پایداری را شناسایی کنند و راهکارهای مناسب برای بهبود آنها را پیشنهاد دهند. تحقیقات مربوط به اعتبارسنجی، مقایسه و بررسی استانداردها و راهنماها در حوزه گزارشگری پایداری می‌تواند به سازمان‌ها و شرکت‌ها در انتخاب روش‌ها و الگوهای گزارشگری پایداری کمک کند و بهبود در این زمینه را ترویج دهد. تحقیقاتی جهت بررسی تجربیات، مسائل و چالش‌هایی که سازمان‌ها و شرکت‌ها در حوزه گزارشگری پایداری روبرو می‌شوند، می‌توانند به اشتراک‌گذاری دانش و بهبود عملکرد گزارشگری پایداری کمک کنند. بررسی و مقایسه گزارشگری پایداری در سازمان‌ها و صنایع مختلف کمک می‌کند تا الگوها و بهترین عملکردها در این بخش را شناسایی کرده و از آنها به عنوان یک الگوی موفق استفاده کرد. همچنین، لازم به ذکر است که تحقیقات بیشتر می‌تواند در سایر زمینه‌های گزارشگری پایداری مانند نقش سهامداران، تأثیرات اجتماعی و مسائل فرهنگی در گزارشگری پایداری و... نیز انجام شود.

به طور معمول، هر تحقیقی که انجام می‌گیرد با برخی از محدودیت‌ها و کمبودهایی رو به رو خواهد بود. با نگاهی به مقاله‌ای از عبداللهیان (۱۳۹۸) با عنوان "کسب و کار پایدار و توسعه پایدار" که در آن به بررسی نقش گزارشگری پایداری در تحقیقات ایرانی پرداخته شده است، می‌توان به برخی از محدودیت‌های گزارشگری پایداری در تحقیقات ایرانی اشاره نمود که این کمبودها عبارت‌اند از: کمبود مترجم؛ برخی از تحقیقات پایدار در ایران به زبان‌های دیگر منتشر می‌شوند و نیاز به مترجمان با تخصص در حوزه پایداری است. کمبود مترجمان می‌تواند منجر به اشتباه ترجمه یا عدم انتشار مناسب مقالات پایداری شود. ناکارآمدی نظام ارزیابی: در برخی از موارد، نظام ارزیابی عملکرد پژوهشگران در حوزه پایداری ناکارآمد است. این مسئله می‌تواند عاملی برای نگرانی پژوهشگران این حوزه باشد و به نمرات پایین‌تر منجر شود. نداشتن آزمایشگاه‌های تخصصی: در برخی تحقیقات پایدار، نیاز به آزمایشگاه‌های تخصصی و تجهیزات پیشرفته وجود دارد. نداشتن امکانات مورد نیاز می‌تواند تحقیقات را محدود کند و باعث کاهش کیفیت و کمبود نتایج تحقیقات شود. کمبود منابع مالی: تحقیقات پایداری معمولاً هزینه بالایی دارند و نیاز به منابع مالی قابل توجهی دارند. کمبود منابع مالی می‌تواند تحقیقات را محدود کند و به کاهش در دسترسی به تجهیزات و تکنولوژی‌های نوین منجر شود (Abdullahian, 2018). البته انتظار بر این است که برای تحقیقات پایداری، تلاش در جهت رفع این کمبودها صورت گیرد و سعی شود با توسعه ساختارها و ارتقای منابع در ایران، شرایط مناسب‌تری برای گزارشگری پایداری در تحقیقات فراهم شود.

منابع

- پورغلامی دافچاهی، غ. صمدی لرگانی، م. علی‌خانی، ر. پورعلی، م. (۱۴۰۲). ارزیابی کیفیت افشای پایداری و تاثیر آن بر عملکرد پایداری مبتنی بر تئوری مشروعیت. *فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت* دوره ۱۲ / شماره ۲ (پیاپی ۴۶) / تابستان ۱۴۰۲ صفحه ۲۷۵ تا ۲۹۶.
- وصالی، س. کرمانی، ابراهیم. (۱۴۰۲). بررسی تأثیر افشا مسئولیت اجتماعی، سرمایه فکری بر درماندگی مالی و گزارشگری پایداری. *فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، سال هفتم، شماره ۹۸، تابستان، صفحه ۳۸۹-۴۲۱.
- احمدزاده، ی. مران‌جوری، م. علی‌خانی، ر. تقی‌پوریان، ی. (۱۴۰۱). ارائه چارچوب گزارشگری پایداری مبتنی بر ایجاد توازن بین انتظارات ذینفعان و ظرفیتهای شرکت. *پژوهشهای حسابداری مالی و حسابرسی* دوره ۱۴ / شماره ۴ (پیاپی ۵۶) / زمستان ۱۴۰۱ صفحه ۱۶۱ تا ۱۸۹.
- رحمانی، ع. محمودخانی، م. همایون، س. نیاکان، ل. (۱۴۰۱). بررسی استانداردها، رهنمودها و وضعیت انتشار گزارشگری پایداری در بیمه صنعت. *مقاله علمی- ترویجی*، فصلنامه پژوهشنامه بیمه، سال سی هفتم / شماره ۲ / تابستان ۱۴۰۱ / شماره مسلسل ۱۴۶ / صفحات ۲۰۳-۲۳۷.
- زحمتکش، ز. شهرستانی، س. وحیدی‌مقدم، ل. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر سطح افشا گزارشگری پایداری شرکت‌ها. *فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، دوره ۵، شماره ۵۵، زمستان ۱۴۰۱ (جلد هشتم).
- رحمانی، ع؛ محمودخانی، م. (۱۴۰۰). ضرورت تهیه و اطمینان بخشی گزارشهای پایداری: دیدگاه حساب‌رسان و خبرگان صنعت بیمه. *فصلنامه پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای*، سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۴۰۰، صفحه ۱۲۸-۱۵۶.
- گزارشگری پایداری در ایران. (۱۳۹۹)، نشریه شماره ۱ / *انجمن گزارشگری پایداری ایران*، ۱۳۹۹.
- رزایان، م. و محمودی، ا. (۱۳۹۸). تحلیل توانمندسازی گزارشگری پایداری سازمان‌های دولتی با استفاده از رویکرد AHP (مورد مطالعه: سازمان‌های محیط زیست ایران). *فصلنامه علمی- پژوهشی مدیریت دولتی*، ۱۱(۲)، ۵۳۳-۵۵۸.
- عابدی، ع. و میرزائی، م. (۱۳۹۸). بررسی چالش‌های محیطی گزارشگری پایداری بر اساس رویکرد پوشش و استخراج المان‌های نواقص: کاربرد رویکرد فراتحلیلی انتقالی فازی. *مجله مدیریت دولتی*، ۱۱(۱)، ۴۱-۶۲.
- عبداللهمیان، ح (۱۳۹۸). کسب و کار پایدار و توسعه پایدار. *نخستین همایش ملی معماری و شهرسازی*. سازمان معماری و توسعه پایدار.
- سازمان ملی استاندارد ایران. (۱۳۹۷). راهنمای سنجش عملکرد پایداری سازمان‌های عمومی و خصوصی. (ISPR). <http://stdofficeisiri.ir/std/19035>
- بنی‌سعید، ا. و حاجی‌زاده، ی. (۱۳۹۶). تبیین و اولویت‌بندی چالش‌های مؤسساتی گزارشگری پایداری سازمان‌های دولتی. *مدیریت دولتی*، ۹(۴)، ۶۳۵-۶۵۶.
- نیک‌نهاد، ح. ورامشهری، ف. و نیلفروشان، ح. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم مؤلفه‌های مختلف گزارشگری پایداری بر میزان اعتماد و سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: ذینفعان در شرکت بیمه دی، شعبه تهران). *فصلنامه مدیریت دولتی*، ۱۰(۲)، ۱۰۵-۱۲۴.
- شهریاری، مریم. (۱۳۹۴). گزارشگری پایداری: ابزاری جهت افزایش شفافیت، اعتماد و ارزش افزوده. *مجله مدیریت دولتی*، ۸(۴)، ۸۸۷-۹۰۵.
- رئیس، ف. (۱۳۹۳). ابزار قوی برای رسیدن به توسعه پایدار؛ گزارشگری پایداری. *مجله مهندسی برق و کامپیوتر ایران*، ۱۲(۲)، ۳۵-۲۸.

Pourgholami-Dafchahi, Gha. Samadilargani, M. Alikhani, R. Pourali, M. (2023). Assessing the quality of sustainability disclosure and its impact on sustainability performance based on legitimacy theory. *Quarterly Journal of Accounting and Management Auditing*, Volume 12/Number 2 (consecutive 46)/Summer 1402, Pages 275-296. (In Persian)

- Wasali, S. Kermani, Ibrahim. (2023). Investigating the impact of social responsibility disclosure, intellectual capital on financial distress and sustainability reporting. Quarterly magazine of new research approaches in management and accounting, 7th year, number 98, summer, page 389-421
- Zahmatkesh, Z. Shahrestani, S. Vahidi Moghadam, L. (2022). Investigating the effect of management ability on the disclosure level of corporate sustainability reporting. Quarterly Journal of Accounting and Management Perspective, 5 issues, 55 winter 2022 (8th volume). (In Persian)
- Rahmani, A. Mahmoudkhani, M. Hodayoun, S. Niakan, L. (2022). Examining the standards, guidelines and publication status of sustainability reporting in industry insurance. Scientific-promotional article, insurance research quarterly, 37th year/ number 2/ summer 1401/ serial number 146/ pages 203-237. (In Persian)
- Ahmadzadeh, Y. Maranjuri, M. Alikhani, R. Taghipourian, Y. (2021). Providing a sustainability reporting framework based on balancing stakeholder expectations and company capabilities. Financial accounting and auditing researches, period 14 / number 4 (consecutive 56) / winter 1401, pages 161 to 189. (In Persian)
- Rahmani, A; Mahmoudkhani, M. (2021). Necessity of preparation and assurance of sustainability reports: opinion of auditors and insurance industry experts. Professional audit research quarterly, second year, fifth issue, winter 1400, page 128-156. (In Persian)
- Nicholas, John and Morris, Alexander (2020). "Evaluating the quality of sustainability reporting: the role of capital markets and financial performance". International Journal of Financial Reporting and Auditing, 16(3), 357-381.
- Sustainability reporting in Iran. (2020), Journal No. 1 of Iran Sustainability Reporting Association, 2020. (In Persian)
- Delraywood, Robert and Higgins, Michael (2019). "The impact of sustainability information quality on long-term profitability growth". Journal of Managerial Accounting and Economics, 56(2), 241-257.
- Dumay, J., & Tilt, C. (2019). Academic theory and practice in sustainability reporting. In Handbook of sustainability accounting and reporting (pp. 23-46). Springer.
- WHAT IS GOOGLE SCHOLAR AND HOW DO I USE IT? (2019). <https://library.shsu.edu/research/guides/tutorials/googlescholar/index.html>.
- Abdullahiyan, H (2018). Sustainable business and sustainable development. The first national architecture and urban planning conference. Architecture and sustainable development organization. (In Persian)
- Abedi, A. and Mirzai, M. (2018). Investigating the environmental challenges of sustainability reporting based on the approach of covering and extracting the elements of defects: the application of the fuzzy transitional meta-analytical approach. Public Administration, 11(1), 41-62. (In Persian)
- Razazian, M. and Mahmoudi, A. (2018). Analyzing the empowerment of sustainability reporting of government organizations using the AHP approach (case study: Iranian environmental organizations). Scientific-Research Quarterly of Public Administration, 11(2), 533-558. (In Persian)
- National Standard Organization of Iran. (2017). Guide for measuring sustainability performance of public and private organizations (ISPR). <http://stdofficeisiri.ir/std/19035>
- Bani Said, A. and Hajizadeh, Y. (2016). Explaining and prioritizing institutional challenges of sustainability reporting of government organizations. Public Administration, 9(4), 635-656. (In Persian)
- Niknahad, H. Varamshahri, F. and Nilforoshan, H. (2016). Investigating the direct and indirect effects of different components of sustainability reporting on the level of trust and social

- capital (case study: stakeholders in Bimah Day Insurance Company, Tehran branch). *Public Administration Quarterly*, 10(2), 105-124. (In Persian)
- Lopez, Maria J., and Lomero, Alexander. (2014). "Corporate Sustainability Reporting Approaches: Theoretical Foundations and Application Review". *Financial Accounting Research*, 6(4), 35-57.
- Shahriari, Maryam. (2014). Sustainability reporting: a tool to increase transparency, trust and added value. *Journal of Public Administration*, 8(4), 887-905. (In Persian)
- Raisi, F. (2013). A strong tool to achieve sustainable development; Sustainability reporting. *Iranian Journal of Electrical and Computer Engineering*, 12(2), 28-35. (In Persian)
- Fernandez Feijo, Natalia, et al. (2012). "Evaluating the impact of company policies on sustainability performance". *Financial Accounting and Auditing Research*, 4(14), 103-124.
- Global Reporting Initiative (GRI): <https://www.globalreporting.org/>
- International Organization for Standardization (ISO) (2010): <https://www.iso.org/home.html>
- Anscamp, I., & Ike, O. (2009). The three-tier reporting theory: A template for effective stakeholder dialogue. *Journal of Reporting, Business and Society*, 8(3), 215-230.
- Chartered Institute of Management Accountants (CIMA): <https://www.cimaglobal.com/>
- Dahlsrud, A. (2008). How corporate social responsibility is defined: an analysis of 37 definitions. *Voluntas*, 20(4), 1-15.
- Kolk, A., & Perego, P. (2008). Determinants of the adoption of sustainability assurance statements: An international investigation. *Business Strategy and the Environment*, 17(3), 183-196.
- Unerman, J., Bebbington, J., & O'Dwyer, B. (2007). *Sustainability accounting and accountability*. Routledge.
- Green, B. N., & Johnson, C. D. (2006). How to read a systematic review and meta-analysis and apply the results to patient care: users' guides to the medical literature. *JAMA*, 296(7), 901
- Hayes, R. (1999). *More from less: The permanent solution to scarcity and environmental concern*. New York: Tarcher/Putnam.
- Elkington, J. (1997). *Cannibals with fork and spoon: The triple bottom line of 21st century business*. Henley-on-Thames: Capstone Publishing.
- Elkington, J. (1997). *Cannibals with forks: The triple bottom line of 21st century business*. Oxford: Capstone Publishing.



Paper type: Research paper

(Selected article of the 3rd International and 21st National Accounting Conference of Iran)

Investigating the Effect of Psychological Resilience on the Chance of Business Survival by Mediation of Depression in Critical Conditions, Case Study: Marand Industrial Town and Foreign Investment

Younes Badavar Nahandi^{1*}, Mahnaz Ali Arbatani²

Received: 2023/10/12

Accepted: 2023/12/26

Abstract

Small companies make a big contribution to the circular economy. On the other hand, the economic crisis can threaten the survival of organizations, so it is very important to understand the factors that predict the chances of small companies' business survival. Among these factors is the psychological resilience of company owners, which helps to deal with depression and leads to more chances for business survival. Therefore, the present study was conducted to investigate the effect of psychological resilience on the chance of business survival through the mediation of depression in critical conditions in industrial towns. This research was applied with a descriptive-correlational method. The statistical population of the research was the owners of active companies in industrial towns (Marand and foreign investment). The total statistical population was 145 active companies, and the whole population sampling method was used. The present research method was a survey, and a questionnaire was used to collect data. Research hypotheses were tested using SMART PLS software and structural equation model method to investigate the causal model. The statistical results showed that psychological resilience had a significant effect on the chance of business survival, and depression in critical conditions significantly mediated the effect of psychological resilience on the chance of business survival. It can be concluded that during the economic crisis, owners with high psychological resilience will experience less depression, and less depression increases the chance of survival of small companies.

Keywords: Psychological resilience, Chance of business survival, Depression, Industrial town.



10.71600/jacgr.2024.1128431



How to cite this article: Badavar Nahandi, Y., & Ali Arbatani, mahnaz. (2024). Investigating the effect of psychological resilience on the chance of business survival by mediating depression in crisis situations (Case study: Marand industrial town and foreign investment). *Accounting and Corporate Governance Researches*, 3(7), 17-32. (In Persian)

1 . Associate Prof, Department of Accounting, Tabriz branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

*Corresponding Author: Yb_nahandi@yahoo.com

2 . Ph.D. Candidate, Accounting Department, Tabriz branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. ellimahnaz@yahoo.com



نوع مقاله: پژوهشی

(مقاله منتخب سومین همایش بین‌المللی و بیست و یکمین همایش ملی حسابداری ایران)

بررسی تأثیر تاب‌آوری روانشناختی بر شانس بقای کسب و کار با میانجی‌گری افسردگی در شرایط بحرانی (مطالعه موردی: شهرک صنعتی مرند و سرمایه‌گذاری خارجی)

یونس بادآورنهندي^{۱*}، مهناز علی‌اربطنی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

چکیده

شرکت‌های کوچک سهم بزرگی در اقتصاد مدور دارند. و از طرفی بحران اقتصادی می‌تواند بقای سازمان‌ها را تهدید نماید، از این رو درک عواملی که شانس بقای کسب و کار شرکت‌های کوچک را پیش‌بینی می‌کند بسیار مهم است. از جمله این عوامل تاب‌آوری روانشناختی صاحبان شرکت می‌باشد که به مقابله با افسردگی کمک می‌کند و منجر به شانس بیشتری برای بقای کسب و کار می‌شود. لذا پژوهش حاضر به منظور بررسی تأثیر تاب‌آوری روانشناختی بر شانس بقای کسب و کار با میانجی‌گری افسردگی در شرایط بحرانی در شهرک‌های صنعتی انجام شده است. این پژوهش از نوع کاربردی و با روش توصیفی - همبستگی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، مالکان شرکت‌های فعال در شهرک‌های صنعتی (مرند و سرمایه‌گذاری خارجی) است. کل جامعه آماری به تعداد ۱۴۵ شرکت فعال می‌باشد و از روش نمونه‌گیری تمام شمار استفاده شده است. روش پژوهش حاضر پیمایشی است و به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SMART PLS و روش مدل معادلات ساختاری برای بررسی مدل علی، آزمون شدند. نتایج آماری نشان می‌دهد که تاب‌آوری روانشناختی بر شانس بقای کسب و کار تأثیر معنادار دارد. و همچنین افسردگی در شرایط بحرانی به صورت معناداری تأثیر تاب‌آوری روانشناختی بر شانس بقای کسب و کار را میانجی‌گری می‌کند. می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در زمان بحران اقتصادی، صاحبان دارای تاب‌آوری روانی بالا، افسردگی کمتری را تجربه خواهند کرد. افسردگی کمتر شانس بقای شرکت‌های کوچک را افزایش می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: تاب‌آوری روانشناختی، شانس بقای کسب‌وکار، افسردگی، شهرک صنعتی.



10.71600/jacgr.2024.1128431



استناد: بادآورنهندي، یونس و علی اربطنی، مهناز (۱۴۰۳). بررسی تأثیر تاب‌آوری روانشناختی بر شانس بقای کسب و کار با میانجی‌گری افسردگی در شرایط بحرانی (مطالعه موردی: شهرک صنعتی مرند و سرمایه‌گذاری خارجی). پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۳(۷)، ۱۷-۳۲.

۱. دانشیار گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. *نویسنده مسئول: Yb_nahandi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

مقدمه

اخیراً، تأکید فزاینده‌ای بر اقتصاد مدور صورت گرفته است (ولوا و بادکین^۱، ۲۰۱۸). اقتصاد مدور^۲ مبتنی بر کاهش مصرف، استفاده مجدد از منابع و بازیافت ضایعات است (کنفنته و همکاران^۳، ۲۰۲۰). در حالی که رویکرد سنتی، رشد اقتصادی را مستلزم کاهش منابع می‌داند، رویکرد اقتصاد مدور تلاش می‌کند این دو را از هم جدا کند (پیرونی و همکاران^۴، ۲۰۲۱). از این رو، رویکرد اقتصاد مدور یک مدل امیدوارکننده برای توسعه پایدار ارائه می‌کند (شرودر و همکاران^۵، ۲۰۱۹). اقتصاد مدور به دلایل زیر مفید می‌باشد؛ رویکرد سنتی پیامدهای نامطلوبی بر اکولوژی دارد (پاتوا و همکاران^۶، ۲۰۲۱)؛ اقتصاد مدور فرصتی را برای کاهش بار زیست محیطی، صرفه‌جویی در هزینه‌های مواد و در نتیجه کاهش نوسان قیمت، فراهم می‌کند. در نتیجه، سیاست‌گذاران، سازمان‌ها و محققان علاقه زیادی به اقتصاد مدور نشان داده‌اند. در سال‌های اخیر، مشارکت فعال در اقتصاد مدور به یک ضرورت تبدیل شده است که به بهبود عملکرد اقتصادی و اهداف بلندمدت کمک می‌کند (کارتز و راجرز^۷، ۲۰۰۸). سازمان‌ها اقتصاد مدور را با پیروی از اصل «اقتصاد، ساختن، توزیع، استفاده و بازیابی» بکار می‌گیرند (سها و همکاران^۸، ۲۰۲۱). اقتصاد مدور، نقش کسب و کار را در برآوردن نیازهای اجتماعی-زیست محیطی علاوه بر برآوردن اهداف اقتصادی، که به عنوان معیارهای عملکرد خطی سه‌گانه شناخته می‌شود، تأیید می‌کند. در این زمینه، شرکت‌های کوچک نقش حیاتی ایفا می‌کنند، زیرا در هر بخش تجاری، شرکت‌های کوچک و متوسط، فعالان غالب بازار هستند و اثر تجمعی آنها بسیار زیاد است (رول و همکاران^۹، ۲۰۱۰).

از طرف دیگر، نیروی انسانی، مهمترین سرمایه سازمانی است؛ و سرمایه انسانی قوی؛ تنوع و پیچیدگی امکانات مادی و اجتماعی را فراهم می‌آورد. تنوع و پیچیدگی مأموریت‌های سازمان در ایران، الزاماتی را برای سیاست‌گذاری و تبیین مراحل انتخاب، استخدام و به کارگیری عوامل انسانی جهت انجام مأموریت و ارائه خدمت در این سازمان‌ها ایجاد می‌کند که از جمله این الزامات و ضرورت‌ها؛ برخورداری از قابلیت‌های روانی و ویژگی‌های مثبت روانشناختی برای مواجهه با موقعیت‌های پرتنش و اضطراب آور، استرس‌زا و خطرآفرین و توانایی بازیابی سریع سلامت روانی هنگام مواجهه با آسیب روانی آشکار، ضمن اجرای مأموریت‌های محوله می‌باشد (افشار و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۶) و یکی از عوامل تأثیرگذار بر سلامت روانی افراد، شغل آنها است. اشتغال صرف نظر از تأمین منابع مالی و ارضا برخی نیازهای اساسی انسان نظیر احساس خود ارزشمندی، می‌تواند منبع فشار روانی بوده و تأثیر بر سلامت روانی و جسمی کارکنان بگذارد. سازمان جهانی بهداشت، سلامت روانی را چنین تعریف می‌کند، ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حل تضادها و تمایلات شخصی به طور منطقی و مناسب می‌داند. امنیت شغلی درون سازمانی یعنی اینکه سازمان به تعهدکاری، نظام‌کاری، کار کیفی و جسارت و تخصص کارکنان وابسته باشد نه اینکه افراد و کارکنان سازمان از طریق استخدام رسمی وابسته به سازمان باشند. این موضوع به ارتقای سطح تاب‌آوری کارکنان منجر خواهد شد و باعث می‌گردد مسیر شغلی آنان هموارتر گردد و تجربه‌های بهتری را نسبت به گذشته تجربه نمایند (موگی و وجدانی^{۱۱}، ۲۰۱۹).

علیرغم مواجهه با محدودیت‌های منابع (لوئیس و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۵)، شرکت‌های کوچک در تعریف محیط کسب و کار فعالانه عمل می‌کنند (لوپز-پرز و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۷). شرکت‌های کوچک از اصول اقتصاد مدور در عمل استفاده می‌کنند (دی و

-
1. velva and badkin
 2. Circular economy
 3. kanfanteh et al
 4. Peproni et al
 5. sheroder et al
 6. patova et al
 7. karter and rajerz
 8. Soha et al
 9. Roll et al
 10. afhshar et al
 11. moghi and veghdani
 12. lois et al
 13. lopez-perz et al

همکاران^۱، ۲۰۲۰)، که نه تنها به پایداری زیست محیطی کمک می‌کند، بلکه عملکرد مالی را نیز بهبود می‌بخشد (مالزیوس و همکاران^۲، ۲۰۱۸). در این مطالعه، ما عمدتاً به دو دلیل بر شرکت‌های کوچک تمرکز می‌کنیم. اول، شرکت‌های کوچک از روش‌های مسئولیت‌پذیر اجتماعی برای انجام عملیات حمایت می‌کنند (دارنال و همکاران، ۲۰۱۰) و از نوآوری دوستدار محیط‌زیست استقبال می‌کنند (لین و همکاران، ۲۰۱۹) و در مورد نوآوری‌های سبز و برنامه‌های حامی محیط‌زیست از اصل «به وعده‌ی خود عمل کردن» پیروی می‌کنند (ویکرت و همکاران، ۲۰۱۶). در واقع، شرکت‌های کوچک برای رفع مشکلات اجتماعی یا زیست‌محیطی رشد می‌کنند (ولوا و بودکین، ۲۰۱۸). دوم، زندگی بر اساس اصول اقتصاد مدور، مانند برداشتن گام‌هایی برای حفاظت و انتفاع محیط‌زیست، برای شرکت‌های کوچک به دلیل ساختارهای تجاری انعطاف‌پذیر امکان‌پذیرتر است (آراگون-کورنا و همکاران^۳، ۲۰۰۸). در نتیجه، شرکت‌های کوچک فعالان مهمی در اقتصاد مدور هستند (شفی و همکاران^۴، ۲۰۲۰). همچنین، شرکت‌های کوچک از اقتصاد حمایت می‌کنند. بر طبق آخرین تحقیقات در سال ۲۰۲۳، شرکت‌های کوچک ۹۹.۹ درصد کل شرکت‌ها را در ایالات متحده تشکیل می‌دهند. در واقع، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷، شرکت‌های کوچک ۸.۴ میلیون شغل جدید ایجاد کردند که تقریباً ۶۶ درصد از کل مشاغل جدید را در این دوره تشکیل می‌دهد. در این تحقیق، ارتباط بین تاب‌آوری روانی مالکان و شانس بقای کسب و کار را در شرایط بحرانی مانند رکود اقتصادی بررسی کردیم. علاوه بر این، همچنین، مسیری را که تاب‌آوری روان‌شناختی را با شانس بقای کسب و کار مرتبط می‌کند، با تحلیل نقش میانجی افسردگی مالکان بررسی کردیم؛ به دلایل زیر بر افسردگی تمرکز شده است؛

- افسردگی به عنوان یک عامل اساسی موثر بر عملکرد فردی پذیرفته شده است.
- علاوه بر این، درخواست‌هایی برای تحقیقات برای اولویت دادن به بررسی افسردگی وجود دارد (هولمز و همکاران، ۲۰۲۰).
- در شرایط بحرانی، چندین شرکت، از جمله شرکت‌های کوچک، مشکلات مالی را تجربه کردند.

از لحاظ نظری بررسی‌ها نشان می‌دهد تحقیقات قبلی تاب‌آوری را عمدتاً در حوزه سازمان‌های دولتی و عمومی مطالعه کرده‌اند و بررسی تاب‌آوری از منظر شرکت‌های تجاری و کسب و کارهای انتفاعی کمتر صورت گرفته است که در این زمینه خلأ وجود دارد. بنابراین، این مطالعه بررسی می‌کند که آیا مالکان تاب‌آور از نظر روان‌شناختی در افزایش شانس بقای کسب و کار در شرایط غیرقطعی، یعنی شرایط بحرانی بهتر عمل می‌کنند یا خیر. دوم، بحران اقتصادی، بشریت را به سمت افسردگی سوق داده است و محققان خواستار تحقیق برای بررسی عوامل تعیین‌کننده افسردگی، به‌ویژه در شرایط بحران اقتصادی شده‌اند (لیو و همکاران^۵، ۲۰۲۰). مطالعه حاضر تاب‌آوری روان‌شناختی را به عنوان یک پیش‌بینی‌کننده مهم افسردگی در میان صاحبان شرکت‌های کوچک در شرایط بحران اقتصادی بررسی می‌کند. در بخش‌های بعدی مقاله، به بررسی مبانی نظری، پیشینه پژوهش، روش‌شناسی، یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

یک مسئله اساسی در دنیای کسب و کار، بقاء شرکت‌های کوچک است (مالسیوس و همکاران^۶، ۲۰۲۱). به عنوان مثال، ۲۲ درصد از شرکت‌های کوچک حداکثر برای یک دوره یک ساله دوام می‌آورند و ۵۰ درصد برای حدود پنج سال دوام می‌آورند. در مقایسه با شرکت‌های بزرگ، شرکت‌های کوچک به دلیل سرمایه و منابع محدود در معرض خطر بیشتری هستند (بارتیک و همکاران^۷، ۲۰۲۰). شرکت‌های کوچک به دلیل «ساختارهای مالکیت خصوصی» و «ابهام اطلاعاتی» مشکلات متمایزی را در زمان‌های سخت تجربه می‌کنند (برگر و اودل^۸، ۲۰۰۶). علاوه بر این، شرکت‌های کوچک دارایی‌های محدودی را به عنوان وثیقه

1. di et al
 2. Malziros et al
 3. arghon-corea et al
 4. shefi et al
 5. lio et al
 6. malsios et al
 7. bartik et al
 8. bergher and odel

برای استفاده از وام دارند (کایا و ماستتی^۱، ۲۰۱۹). این مشکلات، بقاء آنها را به ویژه در زمان بحران به خطر می‌اندازد. در نتیجه، بسیاری از شرکت‌های کوچک در شرایط بسیار چالش برانگیز و بحرانی شکست می‌خورند (رامالهو و همکاران^۲، ۲۰۱۸). محققان استدلال کرده‌اند که سازمان‌ها اغلب بر طرح‌های کارآفرینی؛ بر روی تعادل بین هزینه‌های زیست محیطی و رشد اقتصادی تکیه می‌کنند (کریستوفرسن و همکاران^۳، ۲۰۲۰). بنابراین، مالکان (معمولاً کارآفرینان) نقش اصلی را در بقای شرکت‌های کوچک ایفا می‌کنند (جونز و همکاران^۴، ۲۰۱۰). با این حال، نقش آنها کمتر مورد تحقیق قرار گرفته است (حشمتی^۵، ۲۰۱۵). محققان برای درک نقش ویژگی‌های مالکان در موفقیت شرکت‌های کوچک خواستار تحقیقات عمیق‌تر شده‌اند (پرایاگ و همکاران^۶، ۲۰۲۰). محققان تأثیر ویژگی‌های مالک مانند خوش بینی (اوزگن و همکاران^۷، ۲۰۲۱)، منبع کنترل (نور و همکاران^۸، ۲۰۲۱)، اعتماد به نفس (سرجنت و همکاران^۹، ۲۰۲۱)، توانایی مذاکره (کوتیکا و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۰) و توانایی ریسک‌پذیری (چو و اورازم^{۱۱}، ۲۰۲۱)، را در پیش بینی بقا و موفقیت شرکت‌های کوچک بررسی کرده‌اند. علاوه بر این، ادبیات رایج حامی این است که کارآفرینان تاب‌آور شانس بیشتری برای بقا دارند (دیویدسون و گوردون^{۱۲}، ۲۰۱۶).

تاب‌آوری روانشناختی و شانس بقای کسب و کار

محققان توافق دارند که بقای شرکت‌های کوچک به وضعیت روانشناختی مالک بستگی دارد (پرایاگ و همکاران^{۱۳}، ۲۰۲۰). به عبارت دیگر، تاب‌آوری (یک منبع روانشناختی) به عنوان یک پدیده مشاهده شده برای «بقا» در نظر گرفته می‌شود. محققان تاب‌آوری روانشناختی را از دو منظر مفهوم‌سازی می‌کنند (رابرتسون و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۵). از دیدگاه اول، این یک ویژگی (یعنی ویژگی‌های پایدار) فردی است که ظرفیت رسیدگی به موقعیت‌های نامطلوب را فراهم می‌کند. دیدگاه دوم آن را حالتی می‌داند که فرد می‌تواند آن را توسعه دهد (کینگ و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۶). شباهت‌های اساسی در هر دو دیدگاه این است که افراد برای مقابله با واکنش‌های هیجانی نامطلوب آماده هستند (آتوتا و همکاران^{۱۶}، ۲۰۲۰). مطالعات نشان داده‌اند که افراد از نظر تاب‌آوری روان‌شناختی می‌توانند پیامدهای عوارض جانبی را کاهش دهند. با این حال، مطالعات تجربی در مورد تاب‌آوری روان‌شناختی صاحبان شرکت و شانس بقای کسب و کار شرکت‌های کوچک در شرایط بحرانی اقتصادی کمتر مورد تحقیق قرار گرفته‌اند. ایده بررسی ارتباط بین متغیرهای قانونی این مطالعه در شرایط بحرانی اقتصادی ریشه در تحقیقات رایج در مورد شناخت کارآفرینی دارد. در شرکت‌های کوچک، مالکان کارآفرینانی هستند که نقش مهمی در تصمیم‌گیری، شکل دادن به جهت‌گیری و عملکرد آن ایفا می‌کنند (کاسیا و همکاران^{۱۷}، ۲۰۱۴). شناخت کارآفرینی به ارزیابی و نتیجه‌گیری بر اساس ارزیابی فرصت‌های موجود و درک شانس موفقیت سرمایه‌گذاری کمک می‌کند. افراد از مجموعه‌ای از مدل‌های ذهنی برای ارزیابی محیط بیرونی استفاده می‌کنند. شناخت آنها استفاده از منابع را برای بهره‌مندی از امکانات موجود تضمین یا محدود می‌کند. در واقع، در شرکت‌های کوچک، تاب‌آوری روان‌شناختی مالکان بر انعطاف‌پذیری کارکنان تأثیر می‌گذارد و به انعطاف‌پذیری سازمانی، رشد کسب و کار و موفقیت

1. Kia and masteti
2. ramaleho et al
3. keristofersen et al
4. jonz et al
5. heshmati
6. perayagh et al
7. Ozghen et al
8. Nour et al
9. Sarjant et al
10. Koticaet et al
11. Cho and orazom
12. Davidson and oragom
13. prigh et al
14. Rebertson et al
15. King et al
16. Atota et al
17. Kasia et al

کمک می‌کند. با این حال، «تاب‌آوری فردی توجه کمی به خود جلب کرده است، و آثار مرتبط در ادبیات، پراکنده به نظر می‌رسند» (سانتورو و همکاران^۱، ۲۰۲۰).

نظریه گسترش و ساخت، بیان می‌کند که احساسات مثبت دیدگاه فرد را توسعه می‌دهد و فرد را از نظر شناختی تاب آور می‌سازد، ادراکات غنی‌تر را تسهیل می‌کند و نتایج رفتاری سازنده ایجاد می‌کند. علاوه بر این، احساسات مثبت مجموعه منابعی را گسترش می‌دهند که به فرد کمک می‌کند تا به شیوه‌های سازگارتر رفتار کند (لین و همکاران، ۲۰۱۶). برعکس، احساسات منفی دیدگاه فرد را محدود می‌کند و منجر به حالت‌های واکنشی خاص، کوتاه‌مدت و غریزی می‌شود که برای افراد مضر است. ارزیابی شناختی، مالکان شرکت را با استفاده از مدل‌های ذهنی خود برای استفاده از فرصت‌ها و برداشتن گام‌های سازنده در ارزیابی محیط کسب‌وکار موجود، به ویژه در دوره‌های عدم قطعیت مانند همه‌گیری، مجهز می‌کند. افرادی که تأثیرات مثبتی مانند اشتیاق، هیجان و شادی را تجربه می‌کنند، احتمال بیشتری برای گسترش منابع خود برای غلبه بر موقعیت‌های دشوار دارند. هیجان مثبت به گسترش افق‌ها برای ارزیابی هر موقعیتی با دید باز کمک می‌کند و منجر به موفقیت در مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا می‌شود. افراد تاب‌آور احساسات مثبت را حفظ می‌کنند زیرا در شرایط نامطلوب امیدوار باقی می‌مانند (مک و همکاران، ۲۰۱۱). از این رو، افراد تاب‌آور در مقایسه با دیگران شانس بیشتری برای یافتن معنا در شرایط پریشانی دارند. ما ادعا می‌کنیم که صاحبان تاب‌آور شرکت‌های کوچک احتمالاً دوره‌های بحران را چالشی می‌دانند که می‌توانند بر آن غلبه کنند (بارتو، ۲۰۱۲). زمانی که صاحبان تاب‌آور شرکت‌های کوچک موقعیت‌های خارجی نامطلوب را به عنوان یک چالش درک کنند، در هدایت شرکت‌های خود کارآمدتر خواهند بود. بنابراین، صاحبان شرکت‌های تاب‌آور شانس بقای کسب و کار بیشتری در طول دوره‌های بحران خواهند داشت.

تاب‌آوری روانشناختی و شانس بقای کسب و کار و نقش میانجی افسردگی

افسردگی ناشی از "درک یک زیان اساسی یا تهدیدات از جانب چنین زبانی" است. علائم افسردگی معمولاً مربوط به رویدادهای گذشته و افزایش تلقین تجارب هیجانی منفی است. اجتناب، کناره‌گیری و عدم فعالیت از مولفه‌های افسردگی هستند. از این رو، افسردگی مالکان ممکن است برای بقای شرکت‌های کوچک مضر باشد.

افراد تاب‌آور وضعیت نامطلوب را متفاوت می‌بینند. در واقع، آن‌ها مکانیسم‌های مقابله‌ای فعال را در موقعیت‌های چالش‌برانگیز دنبال می‌کنند و توانایی تبدیل افکار مخرب به ایده‌های سازنده را دارند (مک‌ری و همکاران^۲، ۲۰۱۲). هیجان مثبت منابع موجود را گسترش می‌دهد و با کمک آنها، افراد با موقعیت‌های نامطلوب کنار می‌آیند. تاب‌آوری روانشناختی به افراد کمک می‌کند تا خوشبین‌تر شوند (کارور و همکاران^۳، ۲۰۱۰). بنابراین، احساسات مثبت ناشی از تاب‌آوری روانشناختی منجر به بازیابی سریع‌تر از شکست‌ها و بهبود سلامت جسمی و روانی می‌شود. افراد با وضعیت روانی مثبت قادر به ارزیابی موقعیت‌ها و عوامل محیطی هستند. از سوی دیگر، افرادی که در موقعیت‌های چالش‌برانگیز قادر به حفظ مثبت‌اندیشی نیستند، مستعد افسردگی و اضطراب هستند. محققان استدلال می‌کنند که تاب‌آوری روانشناختی احتمال افسردگی را کاهش می‌دهد (کارمن و وینگرهوتز^۴، ۲۰۱۲). بنابراین، صاحبان فاقد تاب‌آوری روانشناختی بیشتر در معرض اضطراب و افسردگی هستند. افرادی که افسردگی را تجربه می‌کنند، منفی‌گرایی بیشتری از خود نشان می‌دهند (گولان و همکاران^۵، ۲۰۱۶) و ادراک منفی بیشتری نسبت به سایر افراد دارند (ونزلر و همکاران^۶، ۲۰۱۷). از سوی دیگر، زمانی که صاحبان شرکت‌ها با افسردگی مواجه نیستند، قضاوت آنها برای بقا و رشد شرکت‌هایشان بهینه و مفید خواهد بود. بنابراین انتظار می‌رود افسردگی به طور منفی ارتباط بین تاب‌آوری روانشناختی و شانس بقای کسب و کار را میانجی‌گری کند.

1. santoro et al
2. Mac rei et al
3. Karver et al
4. Karmen and wingerhoutz
5. Ghoulan et al
6. Venzeler et al

چات وانی و همکاران، (۲۰۲۲)، تاب‌آوری روانشناختی و شانس بقا کسب و کار: مطالعه شرکت‌های کوچک در ایالات متحده در طول کرونا و ویروس، یافته‌ها نشان می‌دهد که علاوه بر مداخلات برای به حداقل رساندن شکنندگی مالی، سیاست‌گذاران ممکن است مکانیسم‌هایی را برای افزایش تاب‌آوری روانشناختی مالکان و کاهش افسردگی در نظر بگیرند. مطالعه نشان می‌دهد که منابع مالی و روانی مالکان برای بقای شرکت‌های کوچک در طول همه‌گیری برای اطمینان از مشارکت در اقتصاد مدور بسیار مهم هستند؛ تانر^۱، (۲۰۲۱)، پژوهشی با عنوان بینش کیفی در مورد تاب‌آوری شرکت‌های کوچک و کوچک‌گردشگری در مواجهه با کووید ۱۹ انجام داد. این مطالعه با هدف جمع‌آوری اطلاعات از رهبران چنین شرکت‌هایی در طول همه‌گیری بین‌المللی مداوم، مفهوم تاب‌آوری سازمانی را که در صنایع کوچک و متوسط، صنعت گردشگری کاربرد دارد، بررسی کرد. یافته‌های این مطالعه بر ویژگی‌ها و فعالیت‌های خاصی تاکید می‌کند که کسب و کارهای کوچک و متوسط فعال در گردشگری در صورت ارتقاء آن‌ها می‌توانند سطح تاب‌آوری خود را بهبود بخشند. با توجه به این یافته‌ها، شرکت‌های کوچک و متوسط در صنعت گردشگری بهتر است خود را برای مواجهه با مشکلات ناگزیر بعدی مجهز کنند؛ نورالنبی^۲، (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای با عنوان برنامه‌ریزی برای بازیابی و تاب‌آوری کسب و کارهای کوچک و متوسط در طول همه‌گیری کرونا به بررسی چگونگی رسیدگی به کسب و کارهای کوچک در عربستان پرداخت که در طول همه‌گیری کووید ۱۹ نیاز به تغییر در استراتژی بقا در بازار دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد دولت تلاش و برنامه محرک قابل توجهی برای حفظ ثبات اشتغال و کسب و کارهای کوچک و متوسط ارائه داده است. بیشتر کسب و کارها از بسته‌های محرک اعلام شده توسط دولت راضی بودند. کسب و کارها باید تمام پیشرفت‌های مربوط شیوع و ویروس کرونا را ارزیابی کنند و برای تامین هرگونه شرایط نامطلوب ناشی از بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ برنامه‌های احتمالی را تدوین و اجرا کنند. صاحبان کسب و کارها سه استراتژی را برای تاب‌آوری برشمردند: رهبری هزینه، پایداری مالی، تحول کسب و کار؛ اسمیت و امرسون، (۲۰۱۷) با استفاده از روش‌های مدل‌سازی معادلات و بررسی ۲۵۸ حسابرس از ۷ شرکت بزرگ حسابرسی ایالات متحده در سال ۲۰۱۵، رابطه بین سطوح تاب‌آوری فردی و عملکرد کیفیت حسابرسی را در چارچوب مدل استرس‌زا ارزیابی کردند. بر اساس نتایج آنها، هر فردی که تاب‌آوری بیشتری دارد، برای مقابله با محیط استرس‌زا و کنترل استرس تواناتر است. این نتایج، اثربخشی تاب‌آوری در کاهش تاثیر زیان‌آور استرس بر فرد و برانگیختگی استرس بر فرسودگی شغلی و عملکرد حسابرس را نشان می‌دهد.

رحمانی (۱۴۰۱)، بررسی آسیب‌ها و راهکارهای تاب‌آوری سازمانی در سازمان‌های تولیدی، نتایج حاصل از پرسشنامه نشان می‌دهد که از این راهکارهای مربوط به حل آسیب‌های تاب‌آوری، رهبری و تصمیم‌گیری اولویت اول، مزیت رقابتی اولویت دوم، مدیریت محصول اولویت سوم، مدیریت نیروی انسانی اولویت چهارم، حفظ و توانایی سازمان اولویت پنجم و تلاش‌های نوآورانه اولویت ششم را به خود اختصاص داده‌اند. اشکفتکی و بابایی فارسانی (۱۴۰۱)، تاثیر تاب‌آوری تأمین‌کننده و مشتری بر عملکرد زنجیره تأمین (مورد مطالعه: شرکت برفاب)، نتایج پژوهش نشان از تأیید اثر معنادار استفاده از تکنولوژی اطلاعات تأمین‌کننده و مشتری برای بهره‌برداری بر تاب‌آوری تأمین‌کننده و مشتری بوده است. همچنین اثر استفاده از تکنولوژی اطلاعات تأمین‌کننده و مشتری برای اکتشاف بر تاب‌آوری تأمین‌کننده و مشتری نیز معنادار بوده است و در نهایت اثر معنادار تاب‌آوری تأمین‌کننده و مشتری بر عملکرد زنجیره تأمین تأیید شد. در نتیجه می‌توان گفت سیستم اطلاعات نقش پررنگی بر عملکرد زنجیره تأمین ایفا می‌کند. ابراهیمی و نورنژادونوش (۱۴۰۱)، طراحی مدل توسعه ظرفیت تاب‌آوری شرکت‌های کوچک و متوسط (با رویکرد ساختاری تفسیری)، نتایج نشان داد برخی از عوامل مؤثر بر ظرفیت توسعه تاب‌آوری سازمانی مانند چشم‌انداز مشترک، مدیریت دانش سازمانی، توانمندسازی نیروی انسانی و ساختار ارگانیک منعطف را می‌توان به‌عنوان جنبه‌های نرم و رفتاری توسعه ظرفیت تاب‌آوری سازمانی در نظر گرفت؛ از طرف دیگر عوامل دیگری مانند تکنولوژی، منابع مالی، اتحاد و برون‌سپاری و افزونگی منابع را نیز می‌توان به‌عنوان جنبه‌های سازمانی در توسعه تاب‌آوری سازمانی مورد توجه قرار داد که در مجموع می‌توانند زمینه‌چابکی تولید و تأمین و همچنین نوآوری و خلاقیت و استفاده از فرصت‌های محیطی و انعطاف‌پذیری سازمانی را فراهم سازند و باعث

افزایش ظرفیت تاب‌آوری سازمانی گردند؛ پروری و همکاران (۱۴۰۱)، طراحی الگوی تاب‌آوری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در شرایط بحران: رویکرد آمیخته، نتایج پژوهش ظرفیت‌های بالقوه برای تاب‌آوری کسب و کارهای کوچک و متوسط در شرایط بحرانی را شناسایی کرد که دربرگیرنده چهار سطح است: (۱) سطح فردی شامل توانمندسازی فردی و پرورش شایستگی‌ها، (۲) سطح سازمان شامل جهت‌گیری بازاریابی، جهت‌گیری استراتژیک، آماده‌سازی زیرساخت‌ها، نظام مالی دقیق و مدیریت منابع انسانی (۳) سطح صنعت شامل تعاملات نزدیک‌تر با مشتریان، رصد رقبا و مدیریت تامین‌کنندگان، (۴) سطح نهادی شامل حمایت‌های بخش عمومی و ایجاد انجمن‌ها و تشکل‌های حامی. الگوی به‌دست‌آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که ایجاد ظرفیت‌ها و بسترهای درونی و بیرونی موجب استمرار تاب‌آوری کسب و کارهای کوچک و متوسط در شرایط بحرانی و واکنش سریع جهت تطبیق با نااطمینانی‌ها و الزامات نوظهور می‌شود؛ ایوانی و قاسمی (۱۴۰۰)، تاب‌آوری بنگاه‌ها، چالش‌ها و راه‌حل‌ها، تأکید بر تاب‌آوری مالی، پژوهش حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی تاب‌آوری بنگاه‌ها پرداخته و پس از نگارش ادبیات موضوع به بررسی مطالعات پیشین پرداخته و در ادامه استراتژی‌های تاب‌آوری بنگاه با تأکید بر تاب‌آوری مالی عنوان گردیده است؛ میرزادی و چراغی (۱۳۹۹)، بررسی رابطه بین تاب‌آوری و کاهش کیفیت ممیزی با نقش میانجی‌گری استرس، بر اساس نتایج، اگر میزان تاب‌آوری حساب‌رسان طی بررسی‌ها و فشارهای کاری وارد شده بر آنان، کافی نباشد و به نوعی حساب‌رسان از این خصیصه شخصیتی بی‌بهره باشند، استرس برآمده از فشار و مشغله کاری افزایش می‌یابد؛ آراد و همکاران (۱۳۹۹)، بررسی سطوح تاب‌آوری فردی، استرس حساب‌رس و روش‌های تقلیل‌دهنده کیفیت در حرفه حساب‌رسی، نتایج نشان داد که موضوع تاب‌آوری در حرفه حساب‌رسی بر رفتارهای شخصی و کارکرد حساب‌رسان اثرگذار است. این مولفه می‌تواند زمینه‌ای برای کاهش کیفیت کار حساب‌رسان و ایجاد فرسودگی و برانگیختگی استرس آنان شود؛ عیوض‌لو و همکاران (۱۳۹۸)، بررسی عوامل موثر بر تاب‌آوری شرکت‌ها در شرایط بروز اختلالات رنجیره تامین (مطالعه موردی: شرکت‌های تولیدی شهرک صنعتی البرز در استان قزوین)، نتایج نشان داد که در شرایط اختلال پایین عوامل جهت‌گیری اختلالات زنجیره تامین، مدیریت دانش، استراتژی منابع انسانی و رقابت‌پذیری پویا بر تاب‌آوری شرکت نقش دارند. ولی در این شرایط، پیکر بندی مجدد منابع و نوآوری سازمانی، هیچ یک نقش میانجی‌گری ندارد. از طرفی در شرایط اختلال بالا، عوامل پیکربندی مجدد منابع، مدیریت دانش، رقابت‌پذیری پویا بر تاب‌آوری شرکت اثر معنادار و مستقیمی دارند. همچنین پیکربندی مجدد منابع بر رابطه بین جهت‌گیری اختلالات زنجیره تامین و تاب‌آوری شرکت اثر مینجی‌گری معنادار دارد. در حالی که نوآوری سازمانی بر رابطه بین مدیریت دانش و تاب‌آوری اثر میانجی‌گری ندارد؛ شهرودی و همکاران (۱۳۹۷)، پیامدهای روانشناختی و غیر روانشناختی تاب‌آوری سازمانی: ترغیب‌کننده‌هایی برای حرکت به سمت تاب‌آور شدن سازمان‌ها، نتایج نشان دادند تاب‌آوری سازمانی باعث بهبود در مفاهیم روانشناختی و غیر روانشناختی در سازمان‌ها می‌شود؛ استادی و سلیمان پورعمران (۱۳۹۶)، رابطه تاب‌آوری سازمانی با رقابت‌پذیری و مزیت رقابتی پایدار مورد مطالعه: شرکت سیمان بجنورد، نتایج حاکی از این بود که بین متغیر مستقل تاب‌آوری سازمانی با رقابت‌پذیری و مزیت رقابتی پایدار و بین دو متغیر وابسته رقابت‌پذیری و مزیت رقابتی پایدار رابطه معنی‌داری وجود دارد.

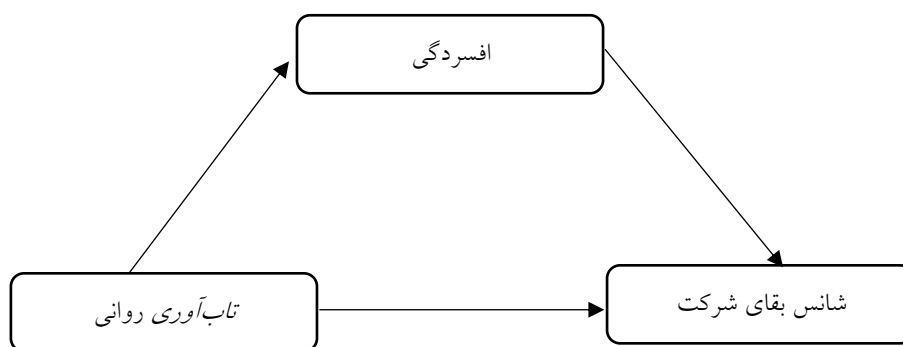
امروزه فضای پیچیده محیط کسب و کار و تلاطمات محیطی، بقای سازمان‌ها را به خطر انداخته است. غیرقابل پیش‌بینی بودن محیط و رقابت زیاد به همراه سایر مسائلی که کسب و کارها با آن درگیر هستند می‌تواند بقای آنها را به خطر اندازد. در چنین شرایطی سازمان‌ها نیازمند آن هستند که خود را از خطر نابودی نجات دهند. موضوعی که امروزه در این زمینه مطرح است بحث تاب‌آوری سازمان‌ها است. در جمع‌بندی پیشینه‌های بررسی شده می‌توان گفت اکثر پژوهش‌های قبلی بیشتر مبتنی بر متغیر تاب‌آوری بوده، مانند بررسی تاب‌آوری بر کسب و کارهای کوچک و متوسط در چهار سطح فردی، سازمانی، صنعت و نهادی؛ و برخی از محققان نیز به بررسی پیامدهای روانشناختی و غیرروانشناختی تاب‌آوری سازمانی پرداختند و برخی نیز آسیب‌ها و راه‌کارهای تاب‌آوری سازمانی را و برخی عوامل موثر بر تاب‌آوری سازمانی را بررسی کردند. در پژوهش‌های قبلی تأثیر تاب‌آوری در سایر بخش‌های استراتژیک سازمان کمتر دیده شده است. بنابراین نوآوری این پژوهش از بعد تأثیرگذاری آن در سایر ابعاد استراتژیک سازمان مانند شانس بقا و وجودی مطرح می‌شود. و مالکان نقش اصلی را در بقای شرکت‌های کوچک ایفا می‌کنند با این حال، نقش آنها کمتر مورد تحقیق قرار گرفته است و از طرف دیگر بررسی تاب‌آوری از منظر شرکت‌های تجاری کوچک و کسب و کارهای انتفاعی کمتر صورت گرفته است. و با توجه به این که بحران اقتصادی بشریت را به سمت افسردگی

سوق داده است. بنابراین مطالعه حاضر تاب‌آوری روان‌شناختی را به عنوان یک پیش‌بینی‌کننده مهم افسردگی در میان صاحبان شرکت‌های کوچک در شرایط بحران اقتصادی بررسی می‌کند.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: شرکت‌های دارای صاحبان تاب‌آور شانس بقای کسب و کار بیشتری در طول دوره‌های بحران خواهند داشت.

فرضیه دوم: افسردگی به طور منفی ارتباط بین تاب‌آوری روان‌شناختی و شانس بقای کسب و کار را طول دوره‌های بحران میانجی‌گری می‌کند.



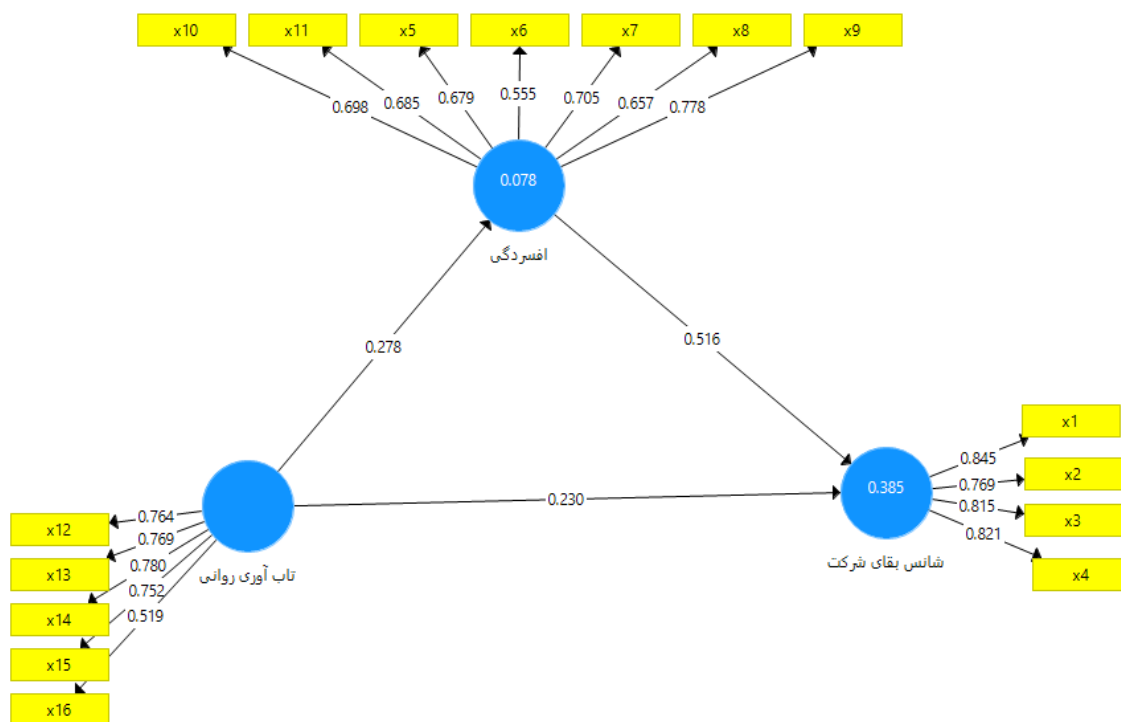
شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق (منبع: چات وانی و همکاران، ۲۰۲۲)

نگاره ۱. سوالات پرسشنامه

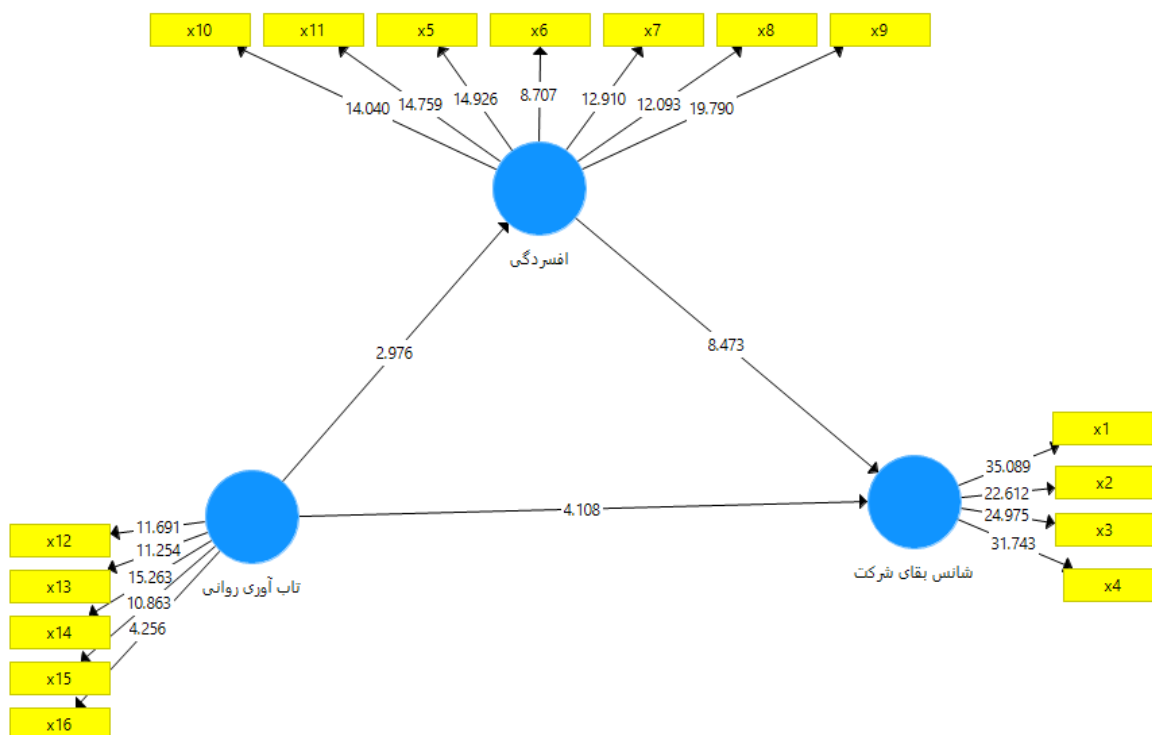
متغیر مورد مطالعه	سوالات پژوهش	مفاهیم عملیاتی مرتبط در متغیر
شانس بقای شرکت	۱ تا ۴	سود مناسب سالیانه، کاهش هزینه‌های ورودی، شرایط خوب اقتصادی، بهبود عملکرد اقتصادی
افسردگی	۵ تا ۱۱	احساس عصبی، اضطراب، یا بی‌تابی؛ ناتوانی در توقف یا کنترل نگرانی؛ احساس ناراحتی، افسردگی یا ناامیدی؛ علاقه یا لذت کم در انجام کارها؛ احساس شکست خوردگی؛ تغییر خودپنداشت؛ بی‌تصمیمی
تاب‌آوری روانی	۱۲ تا ۱۶	بازگشت به شرایط نرمال پس از دوران سخت؛ فعالیت در شرایط استرس‌زا؛ بهبودی پس از رویداد استرس‌زا؛ درگیری ذهنی کمتر در شرایط رکود اقتصادی، درگیری کمتری برای غلبه بر ناکامی‌های زندگی

یافته‌ها

به منظور اطمینان یافتن از وجود و یا عدم وجود رابطه علی میان متغیرهای پژوهش و بررسی تناسب داده‌های مشاهده شده با مدل مفهومی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش با استفاده از مدل معادلات ساختاری آزمون شدند. در این پژوهش از مدل‌یابی معادلات ساختاری و روش حداقل مربعات جزئی (PLS) جهت آزمون فرضیات و برازندگی مدل استفاده شده است. خروجی نرم‌افزار، بعد از آزمون مدل مفهومی پژوهش در شکل ۲ و ۳ نشان داده شده است. در زیر نتایج بررسی دو بخش آزمون مدل اندازه‌گیری و آزمون مدل ساختاری به تفصیل ارائه شده است.



شکل ۲. مدل ساختاری تحقیق با ضرایب بارهای عاملی



شکل ۳. مدل ساختاری تحقیق با ضرایب معناداری

برازش مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری سنجش بارهای عاملی

ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی، ۰/۵ می‌باشد. در نگاره ۲ تمامی اعداد ضرایب بارهای عاملی سوالات از ۰/۵ بیشتر است.

نگاره ۲. ضرایب بارهای عاملی

متغیر مربوطه	سوالهای پرسشنامه	مقادیر استاندارد	سطح معنی داری
شانس بقای شرکت	سود مناسب سالیانه	۰/۸۴۵	۳۵/۰۸۹
	کاهش هزینه‌های ورودی	۰/۷۶۹	۲۲/۶۱۲
	شرایط خوب اقتصادی	۰/۸۱۵	۲۴/۹۷۵
افسردگی	بهبود عملکرد اقتصادی	۰/۸۲۱	۳۱/۷۴۳
	احساس عصبی، اضطراب، یا بی‌تابی	۰/۶۷۹	۱۴/۹۲۶
	ناتوانی در توقف یا کنترل نگرانی	۰/۵۵۵	۸/۷۰۷
	احساس ناراحتی، افسردگی یا ناامیدی	۰/۷۰۵	۱۲/۹۱۰
	علاقه یا لذت کم در انجام کارها	۰/۶۵۷	۱۲/۰۹۳
	احساس شکست خوردگی	۰/۷۷۸	۱۹/۷۹۰
تاب‌آوری روانی	تغییر خودپنداشت	۰/۶۹۸	۱۴/۰۴۰
	بی‌تصمیمی	۰/۶۸۵	۱۴/۷۵۹
	بازگشت به شرایط نرمال پس از دوران سخت	۰/۷۶۴	۱۱/۶۹۱
	فعالیت در شرایط استرس‌زا	۰/۷۶۹	۱۱/۲۵۴
	بهبودی پس از رویداد استرس‌زا	۰/۷۸۰	۱۲/۲۶۳
	درگیری ذهنی کمتر در شرایط رکود اقتصادی	۰/۷۵۲	۱۰/۸۶۳
	غلبه بر ناکامی‌های زندگی	۰/۵۱۹	۴/۲۵۶

آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی

مطابق با الگوریتم تحلیل داده‌ها در PLS، بعد از سنجش بارهای عاملی سوالات، نوبت به محاسبه و گزارش ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی می‌رسد، که نتایج آن در نگاره ۳ آمده است. مقدار مناسب برای آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی ۰/۷ است و با توجه به اینکه مطابق با یافته‌های نگاره ۳ این معیارها در مورد متغیرهای مکنون مقدار مناسبی را اتخاذ کرده‌اند و توان مناسب بودن وضعیت پایایی پژوهش را تأیید کرد.

نگاره ۳. نتایج معیار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرهای پنهان تحقیق

متغیر پنهان	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha>0.7)	پایایی ترکیبی (CR>0.7)
شانس بقای شرکت	۰/۷۶۸	۰/۷۴۲
افسردگی	۰/۸۵۲	۰/۸۲۷
تاب‌آوری روانی	۰/۷۸۱	۰/۹۱۲

معیار دوم از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، روایی و اگر است که به بررسی میزان همبستگی هر سازه با سوالات (شاخص‌ها) خود می‌پردازد.

نگاره ۴. نتایج روایی هم‌گرا متغیرهای پنهان پژوهش،
میانگین واریانس استخراجی و میزان communality

متغیر مکنون	میانگین واریانس استخراجی (AVE>0.5)	Communality
شانس بقای شرکت	۰/۵۹۸	۰/۵۹۸
افسردگی	۰/۶۴۵	۰/۶۴۵
تاب‌آوری روانی	۰/۵۳۴	۰/۵۳۴

با توجه به اینکه مقدار مناسب برای AVE ۰/۵ است و مطابق با یافته‌های نگاره ۴ این معیار در مورد متغیرهای مکنون مقدار مناسبی را اتخاذ کرده‌اند، مناسب بودن هم‌گرایی پژوهش تأیید می‌شود.

ارزیابی مدل ساختاری

معیار GOF: برای بررسی برازش مدل کلی، از معیار GOF استفاده می‌شود که سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است. این معیار از طریق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$GOF = \sqrt{\overline{communality} \times \overline{R^2}}$$

از میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان پژوهش به دست می‌آید، که نتایج آن در نگاره ۵ نشان داده شده است.

نگاره ۵. نتایج برازش مدل کلی

متغیر مکنون	Communality	R ²	GOF
شانس بقای شرکت	۰/۵۹۸	۰/۳۸۵	
افسردگی	۰/۶۴۵	۰/۰۷۸	۰/۳۶۹
تاب‌آوری روانی	۰/۵۳۴	-	

معیار R squares یا R²: دومین معیار برای بررسی برازش مدل ساختاری در یک پژوهش ضرایب R² مربوط به متغیرهای پنهان درون‌زای (وابسته) مدل است. R² معیاری است که نشان از تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد و سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R² در نظر گرفته می‌شود. مطابق با شکل ۲ و ۳، مقدار R² برای سازه‌های درون‌زای پژوهش محاسبه شده است که با توجه به سه مقدار ملاک، می‌توان مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تأیید کرد. با توجه به مقدار به‌دست آمده برای GOF یعنی ۰/۳۶۹، برازش بسیار مناسب مدل کلی تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

در آمار استنباطی، فرضیه‌های پژوهش به محک آزمون کشیده می‌شوند. این پژوهش دارای ۲ فرضیه است که در بخش‌های قبلی معرفی شدند. این فرضیه‌ها به کمک پرسشنامه در بسته نرم‌افزاری Smart PLS3 آزمون می‌شوند. همچنین، میزان رابطه مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پژوهش با یکدیگر در مدل نهایی پژوهش در نگاره ۶ ارائه شده است.

نگاره ۶. نتایج رابطه مستقیم و ضرایب معناداری فرضیه‌های مدل پژوهش

ردیف	عنوان	ضریب استاندارد شده (β)	معناداری (T-Value)	نتیجه آزمون
۱	صاحبان شرکت‌های تاب آور شانس بقای کسب و کار بیشتری در طول دوره‌های بحران خواهند داشت.	۰/۲۳۰	۴/۱۰۸	تأیید فرضیه
۲	افسردگی به طور منفی ارتباط بین تاب‌آوری روانشناختی و شانس بقای کسب و کار را در طول دوره‌های بحران میانجی‌گری می‌کند.	۰/۵۱۶*۰/۲۷۸	۸/۴۷۳*۲/۹۷۶	تأیید فرضیه

فرضیه ۱. صاحبان شرکت‌های تاب‌آور شانس بقای کسب و کار بیشتری در طول دوره‌های بحران خواهند داشت. با توجه به شکل ۲ و ۳، می‌توان گفت که ضریب استاندارد شده بین دو متغیر (تاب‌آوری روان شناختی و شانس بقای شرکت) $\beta = 0/230$ و ضریب معناداری (آماره تی) بین این دو متغیر نیز $t = 4/108$ (بیشتر از قدر مطلق $1/96$) است و این امر نشان می‌دهد این رابطه معنادار است. بنابراین، فرضیه H_1 تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت، صاحبان شرکت‌های تاب‌آور شانس بقای کسب و کار بیشتری در طول دوره‌های بحران خواهند داشت.

فرضیه ۲. افسردگی به طور منفی ارتباط بین تاب‌آوری روانشناختی و شانس بقای کسب و کار را طول دوره‌های بحران میانجی‌گری می‌کند. با توجه به شکل ۲ و ۳، می‌توان گفت که ضریب استاندارد شده بین سه متغیر (تاب‌آوری روانشناختی و شانس بقای شرکت با میانجی‌گری افسردگی) $\beta = 0/516 * 0/278$ و ضریب معناداری (آماره تی) بین این دو متغیر نیز $t = 8/473 * 2/976$ (بیشتر از قدر مطلق $1/96$) است و این امر نشان می‌دهد این رابطه معنادار است. بنابراین، فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت افسردگی به طور منفی ارتباط بین تاب‌آوری روانشناختی و شانس بقای کسب و کار را در دوره‌های بحران میانجی‌گری می‌کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر به منظور بررسی تأثیر تاب‌آوری روانشناختی بر شانس بقای کسب‌وکار با میانجی‌گری افسردگی در شرایط بحرانی در شهرک‌های صنعتی مرنده و سرمایه‌گذاری خارجی انجام گرفت. تحلیل آماری و تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شد. با توجه به تجزیه و تحلیل به‌دست آمده از برازش مدل ساختاری، دو فرضیه پژوهش تأیید شدند. نتایج فرضیه اول (تاب‌آوری روانی مالکان بر شانس بقای کسب و کار) با نتایج پژوهش (چات وانی و همکاران (۲۰۲۲)، رحمانی (۱۴۰۱)، ایوانی و قاسمی (۱۴۰۰)، آراد و همکاران (۱۳۹۹)، فرضیه دوم (افسردگی به طور منفی ارتباط بین تاب‌آوری روانشناختی و شانس بقای کسب و کار را میانجی‌گری می‌کند) با نتایج پژوهش‌های (پروری و همکاران (۱۴۰۱)، ابراهیمی و نورنژادونوش (۱۴۰۱)، اشکفتکی و بابایی فارسانی (۱۴۰۱)، میرزادی و چراغی (۱۳۹۹)) همسو بوده است.

شرکت‌های کوچک حفاظت از محیط زیست و نوآوری سبز را ترویج می‌کنند، در نتیجه، شرکت‌های کوچک فعالان مهمی در اقتصاد مدور هستند. بحران اقتصادی ممکن است شانس بقای کسب و کار آنها را تهدید کند. به دلیل شرایط بحرانی، شرکت‌های کوچک تحت محدودیت‌های مالی قابل توجهی قرار گرفته‌اند. بسیاری از شرکت‌های کوچک تعطیل شده‌اند یا انتظار می‌رود تعطیل شوند. مالکان در انتخاب شیوه‌های کسب و کار و اتخاذ روش‌های دوستدار محیط زیست، نقش دارند لذا نقش مهمی در پایداری، بقا و رشد شرکت‌های کوچک دارند. از این رو منابع روانی آنها برای پایداری شرکت بسیار مهم است. محققان دریافتند که منابع روانشناختی با نوآوری، تاب‌آوری سازمانی، درآمدزایی و عملکرد مالی مرتبط هستند. بنابراین در این پژوهش به بررسی تاب‌آوری روانشناختی بر شانس بقای کسب و کار با میانجی‌گری افسردگی در شرایط بحرانی پرداخته شده است. نتایج حاکی از این می‌باشد که افراد تاب‌آور احساسات مثبت را حفظ می‌کنند زیرا در شرایط نامطلوب امیدوار باقی می‌مانند. و دوره‌های بحران را چالشی می‌دانند که می‌توانند بر آن غلبه کنند. بنابراین، صاحبان شرکت‌های تاب‌آور شانس بقای کسب و کار بیشتری در طول دوره‌های بحران خواهند داشت. از طرف دیگر، افسردگی مالکان شانس بقای شرکت‌های کوچک را کاهش می‌دهد. از

طرفی تاب‌آوری روانشناختی به عنوان یک منبع مهم، می‌تواند افسردگی صاحبان شرکت‌های کوچک را به حداقل برساند. در واقع افراد تاب‌آور وضعیت نامطلوب را متفاوت می‌بینند. آنها مکانیسم‌های مقابله‌ای فعال را در موقعیتهای چالش برانگیز دنبال می‌کنند و توانایی تبدیل افکار مخرب به ایده‌های سازنده را دارند و قضاوت آنها برای بقا و رشد شرکت‌هایشان بهینه و مفید خواهد بود. لذا صاحبان دارای انعطاف‌پذیری بالا، افسردگی کمتری تجربه خواهند کرد. افسردگی کمتر شانس بقای شرکت‌های کوچک را افزایش می‌دهد. در نتیجه افسردگی به طور منفی ارتباط بین تاب‌آوری روانشناختی و شانس بقای کسب و کار را در طول دوره‌های بحران میانجی‌گری می‌کند.

با توجه به اهمیت تاب‌آوری سازمانی، باید ابعاد و شاخص‌های مناسبی جهت سنجش تاب‌آوری سازمانی در سازمان‌ها تعیین شود و سپس با تعیین وزن و اولویت بندی شاخص‌ها و حیطه‌های تاب‌آوری سازمانی، اطلاعات مفیدی در اختیار مدیران و تصمیم‌گیرندگان قرار گیرد که از آن در برنامه‌ریزی‌ها جهت کاهش ریسک و افزایش سطح ایمنی و تاب‌آوری آن سازمان و یا سازمان‌های مشابه استفاده شود. با توجه به این که بقای شرکت‌های کوچک به صنعتی که به آن تعلق دارند بستگی دارد. لذا پیشنهاد می‌گردد در مطالعات آینده به بررسی این که ارتباط بین تاب‌آوری روانی و شانس بقای کسب و کار با توجه به صناعی که در شرکت‌های کوچک در آن فعالیت می‌کنند متفاوت است یا خیر پرداخته شود. و همچنین می‌توان در بررسی رابطه بین تاب‌آوری روانشناختی و شانس بقای کسب و کار از متغیر تعدیل‌کننده شکندگی مالی در پژوهش‌های آتی استفاده نمود.

منابع

- آراد، حامد؛ مشعشی، سیدمحمد و اسکندری، دل‌آرا (۱۳۹۹)، بررسی سطوح تاب‌آوری فردی، استرس حسابرس و روش‌های تقلیل دهنده کیفیت در حرفه حسابرسی، نشریه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی «تابستان ۱۳۹۹ شماره ۱۰۰».
- استادی‌ایرج، مرضیه و سلیمان پور عمران، محبوبه (۱۳۹۶)، رابطه تاب‌آوری سازمانی و مزیت رقابتی پایدار مورد مطالعه: شرکت سیمان بجنورد، فصلنامه آینده پژوهی مدیریت، سال ۲۸، شماره ۱۰۸، صص ۵۸-۳۷.
- ابراهیمی، مهدی و نژادونوش، وحید (۱۴۰۱)، طراحی مدل توسعه ظرفیت تاب‌آوری شرکت‌های کوچک و متوسط (با رویکرد ساختاری تفسیری)، دو ماهنامه بررسی‌های بازرگانی، دوره ۲۰، شماره ۱۱۲، شماره پیاپی ۱۱۲، صص ۶۳-۸۰.
- ایوانی، فرزاد و قاسمی، روح‌اله (۱۴۰۰)، تاب‌آوری بنگاه‌ها، چالش‌ها و راه‌حل‌ها، تاکید بر تاب‌آوری مالی، دومین کنفرانس بین‌المللی چالش‌ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع و مدیریت و حسابداری، دامغان، پروری، پیمان؛ جلال پور، مهدیه؛ رحمان سرشت، حسین و ناصحی فر، وحید (۱۴۰۱)، طراحی الگوی تاب‌آوری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در شرایط بحران: رویکرد آمیخته، دوره ۲۸، شماره ۸۵، صص ۱۳-۴۲.
- رحمانی، کمال‌الدین (۱۴۰۱)، بررسی آسیب‌ها و راهکارهای تاب‌آوری سازمانی در سازمان‌های تولیدی، نشریه چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۵، شماره ۷۵، شماره پیاپی ۷۵، زمستان جلد هشتم، صص ۱۳-۲۷.
- قاسمی اشکفتکی و بابایی فارسانی میثم (۱۴۰۱). تاثیر تاب‌آوری تأمین‌کننده و مشتری بر عملکرد زنجیره تأمین (مورد مطالعه: شرکت برفاب). نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، شماره ۶(۲۲)، صص ۱۰۹۵-۱۱۱۰.
- محمدی شهرودی، حامد؛ رحیم نیا، فریبرز؛ ملک‌زاده، غلامرضا و خوراکیان، علیرضا (۱۳۹۷)، پیامدهای روانشناختی و غیر روانشناختی تاب‌آوری سازمانی: ترغیب‌کننده‌هایی برای حرکت به سمت تاب‌آوردن سازمان‌ها، پژوهش‌نامه روانشناسی مثبت، دوره ۴، شماره ۱، صص ۶۳-۷۷.
- میرزادی، انیس و چراغی، علی (۱۳۹۹)، بررسی رابطه بین تاب‌آوری و کاهش کیفیت ممیزی با نقش میانجی‌گری استرس، چهارمین کنفرانس علمی دستاوردهای نوین در مطالعات علوم مدیریت، حسابداری و اقتصاد ایران، ایلام.

Athota, V. S., Budhwar, P., & Malik, A. (2020). Influence of personality traits and moral values on employee well-being, resilience and performance: A cross-national study. *Applied Psychology*, 69(3), PP. 653-685.

- Barreto, I. (2012). Solving the entrepreneurial puzzle: The role of entrepreneurial interpretation in opportunity formation and related processes. *Journal of Management Studies*, 49(2), PP. 356–380.
- Bartik, A. W., Bertrand, M., Cullen, Z., Glaeser, E. L., Luca, M., & Stanton, C. (2020). The impact of COVID-19 on small firm outcomes and expectations. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 117(30), PP. 17656–17666.
- Carver, C. S., Scheier, M. F., & Segerstrom, S. C. (2010). Optimism. *Clinical Psychology Review*, 30(7), PP. 879–889.
- Chhatwani, M., & Mishra, S. K. (2021b). Financial fragility and financial optimism linkage during COVID-19: Does financial literacy matter? *Journal of Behavioral and Experimental Economics*, 94, Article 101751.
- Digan, S. P., Sahi, G. K., Mantok, S., & Patel, P. C. (2019). Women's perceived empowerment in entrepreneurial efforts: The role of bricolage and psychological capital. *Journal of Small Business Management*, 57(1), PP. 206–229.
- Fisher, R., Maritz, A., & Lobo, A. (2016). Does individual resilience influence entrepreneurial success? *Academy of Entrepreneurship Journal*, 22(2), PP. 39–53.
- Gollan, J. K., Hoxha, D., Hunnicutt-Ferguson, K., Norris, C. J., Rosebrock, L., Sankin, L., & Cacioppo, J. (2016). The negativity bias predicts response rate to behavioral activation for depression. *Journal of Behavioral theory and Experimental Psychiatry*, 52, PP. 171–178.
- Hopp, C., & Sonderegger, R. (2015). Understanding the dynamics of nascent entrepreneurship—Prestart-up experience, intentions, and entrepreneurial success. *Journal of Small Firm Management*, 53(4), PP. 1076–1096
- Karreman, A., & Vingerhoets, A. J. (2012). Attachment and well-being: The mediating role of emotion regulation and resilience. *Personality and Individual Differences*, 53 (7), 821–826.
- King, D. D., Newman, A., & Luthans, F. (2016). Not if, but when we need resilience in the workplace. *Journal of Organizational Behavior*, 37(5), PP. 782–786.
- Lin, W. L., Cheah, J. H., Azali, M., Ho, J. A., & Yip, N. (2019). Does firm size matter? Evidence on the impact of the green innovation strategy on corporate financial performance in the automotive sector. *Journal of Cleaner Production*, 229, PP. 974–988.
- Mak, W. W., Ng, I. S., & Wong, C. C. (2011). Resilience: Enhancing well-being through the positive cognitive triad. *Journal of Counseling Psychology*, 58(4), 610–617.
- Malesios, C., De, D., Moursellas, A., Dey, P. K., & Evangelinos, K. (2021). Sustainability performance analysis of small and medium sized firms: Criteria, methods and framework. *Socio-Economic Planning Sciences*, 75, PP. 1–19.
- Malvika Chhatwani, Sushanta Kumar Mishra, Arup Varma, Himanshu Rai (2022), Psychological resilience and business survival chances: A study of small firms in the USA during COVID-19, *Journal of Business Research* 142, PP. 277–286.
- McRae, K., Ciesielski, B., & Gross, J. J. (2012). Unpacking cognitive reappraisal: Goals, tactics, and outcomes. *Emotion*, 12(2), PP. 250–255
- Prayag, G., Spector, S., Orchiston, C., & Chowdhury, M. (2020). Psychological resilience, organizational resilience and life satisfaction in tourism firms: Insights from the Canterbury earthquakes. *Current Issues in Tourism*, 23(10), PP. 1216–1233.
- Prayag, G., Spector, S., Orchiston, C., & Chowdhury, M. (2020). Psychological resilience, organizational resilience and life satisfaction in tourism firms: Insights from the Canterbury earthquakes. *Current Issues in Tourism*, 23(10), PP. 1216–1233.
- Robertson, I. T., Cooper, C. L., Sarkar, M., & Curran, T. (2015). Resilience training in the workplace from 2003 to 2014: A systematic review. *Journal of Occupational and Organizational Psychology*, 88(3), PP. 533–562.

- Santoro, G., Bertoldi, B., Giachino, C., & Candelo, E. (2020). Exploring the relationship between entrepreneurial resilience and success: The moderating role of stakeholders' engagement. *Journal of Business Research*, 119, PP. 142–150.
- Tang, J., Baron, R. A., & Yu, A. (2021). Entrepreneurial alertness: Exploring its psychological antecedents and effects on firm outcomes. *Journal of Small Business Management*. <https://doi.org/10.1080/00472778.2021.1945071>
- Wenzler, S., Hagen, M., Tarvainen, M. P., Hilke, M., Ghirmai, N., Huthmacher, A. C., et al. (2017). Intensified emotion perception in depression: Differences in physiological arousal and subjective perceptions. *Psychiatry Research*, 253, PP. 303–310.



Paper type: Research Article

CEO Power and Dividend Payout Moderating Role Cash Flow Volatility

Fatemeh Rahmaninik¹, Ghasem Ghasemi^{2*}

Accepted: 2024/10/13

Received: 2024/08/02

Abstract

The main purpose of this research is to determine the effect of CEO power and profit sharing with the moderating role of cash flow fluctuations in Tehran Stock Exchange. with the aim of maximizing shareholders' wealth, managers must balance the interests of shareholders so that they do not miss profitable opportunities and pay cash dividends. This research was conducted for a period of five years from 2022-2018. The sample data of the studied companies, after checking the availability of their data, were collected and classified with the help of Excel software and analyzed with the help of EViews software. This research is descriptive research with an emphasis on correlational relationships, which can be tested with the help of regression and panel. The researched society included all the companies admitted to the Tehran Stock Exchange and the researched sample included 176 companies considering the limitations. The research results showed; there is a negative relationship between the CEO's power and profit distribution, and this relationship is also significant. Three factors of tenure, duality and management ownership have been used for the power of the CEO, which can have an impact on the company's macro decisions due to the high power of the management, and in this case, according to the managers, they will use their power. They divide the profit and the minimum profit among the shareholders and they will seek to expand the company's activities and earn more and more stable profits in the long term. Also, cash flow fluctuations moderate the relationship between CEO power and profit distribution, and the relationship is positive and significant. It means that as cash flow fluctuations increase, it strengthens the negative relationship between two variables.

Keywords: Power of the CEO, Profit sharing, Cash flow fluctuations.



10.71600/jacgr.2024.1127964



How to cite this article: Rahmaninik, F., & Qasemi Qasem. (2024). CEO Power and Dividend Payout Moderating Role Cash Flow Volatility. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 3(7), 33-45. (In Persian)

1 . MSc. Student of Accounting, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran.

2 . Assistant Prof, Department of Accounting, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran.

Corresponding Author: Ghasem_ghasemi@iaus.ac.ir



نوع مقاله: پژوهشی

قدرت مدیرعامل و تقسیم سود با نقش تعدیلی نوسانات جریان نقدی

فاطمه رحمانی نیک^۱، قاسم قاسمی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۲

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، تعیین تاثیر قدرت مدیرعامل و تقسیم سود با نقش تعدیلی نوسانات جریان نقدی در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. مدیران باهدف حداکثر سازی ثروت سهامداران باید بین علایق سهامداران تعادل برقرار کنند تا فرصت های سودآور را از دست نداده باشند و هم سود نقدی را بپردازند. این پژوهش برای یک دوره ی زمانی پنج ساله از سال ۱۳۹۸-۱۴۰۲ انجام شد. اطلاعات نمونه ی شرکت های مورد مطالعه پس از بررسی در دسترس بودن اطلاعات آنها با جمع آوری به کمک نرم افزار اکسل طبقه بندی و به کمک نرم افزار ایویوز مورد آنالیز و تحلیل واقع شدند. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت، یک پژوهش توصیفی با تأکید بر روابط همبستگی است که به کمک رگرسیون و پنل قابل آزمون است. جامعه مورد بررسی تمام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه مورد بررسی با در نظر گرفتن محدودیت های شامل ۱۷۶ شرکت گردید. نتایج پژوهش نشان داد: بین قدرت مدیرعامل و تقسیم سود رابطه ی منفی وجود داشته و این رابطه معنادار نیز می باشد. برای قدرت مدیرعامل سه فاکتور دوره تصدی، دوگانگی و مالکیت مدیریتی استفاده شده است، که این موارد می تواند در تصمیم گیری های کلان شرکت به دلیل قدرت بالا مدیریت تاثیر داشته باشد و در این حالت به نظر مدیران از قدرت خود استفاده خواهند نمود و حداقل سود را بین سهامداران تقسیم می کنند و بیشتر به دنبال گسترش فعالیت های شرکت و کسب سودهای بیشتر و پایدارتر در بلندمدت خواهند بود. همچنین نوسانات جریان نقدی ارتباط بین قدرت مدیرعامل و تقسیم سود را تعدیل می کند، ارتباط نیز مثبت می باشد. بدان معنا که هرچه نوسانات جریان نقدی افزایش یابد، باعث تقویت ارتباط منفی بین دو متغیر می گردد.

واژه های کلیدی: قدرت مدیرعامل، تقسیم سود، نوسانات جریان نقد.



10.71600/jacgr.2024.1127964



استناد: رحمانی نیک، فاطمه و قاسمی، قاسم (۱۴۰۳). قدرت مدیرعامل و تقسیم سود با نقش تعدیلی نوسانات جریان نقدی. پژوهش های حسابداری و راهبری شرکتی، ۳(۷)، ۳۳-۴۵.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران.

۲. استادیار، گروه حسابداری، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران. *نویسنده مسئول: Ghasem_ghasemi@iaus.ac.ir

مقدمه

مقوله سود در مباحث حسابداری و مالی با توجه به بحث کیفی آن و همچنین به عنوان ابزاری برای تصمیم‌گیری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. همچنین با مروری بر تاریخچه و ادبیات کهن دانش حسابداری در می‌یابیم که کمتر مفهوم یا پدیده‌ای همانند سود مورد بحث و منازعه فراگیر بین تئوریسین‌ها و متفکران حسابداری و طبقات مختلف حرفه حسابداری و مالی قرار گرفته است. اگرچه مفهوم تعهدی سود به عنوان یک ابزار بنیادی با انتقادهایی مواجه است اما از دیدگاه اطلاعاتی، این مفهوم بیان‌گر نتیجه‌ی فعالیت یک شرکت از دیدگاه حسابداری و مالی می‌باشد. بر اساس فرضیات بازار کارا و همچنین تحقیقات انجام‌شده توسط محققان برجسته بال و براون، مشاهده می‌شود که سود حسابداری محتوای اطلاعاتی دارد. محاسبه‌ی سود حسابداری به‌عنوان معیاری برای ارزیابی عملکرد شرکت‌ها و یا اطلاعاتی که در محاسبه‌ی آن لحاظ می‌شود، توسط حسابداران حرفه‌ای و تحلیل‌گران و مفسران مالی همواره مورد تأکید بوده است. لذا میان صورت‌های مالی، صورت سود و زیان به سبب اطلاعات مفیدی که درباره‌ی میزان سودآوری واحدهای تجاری ارائه می‌دهد، برای استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی حائز اهمیت است و موجب سهولت تجزیه و تحلیل‌های لازم برای اخذ تصمیمات سرمایه‌گذاری خواهد شد. از این رو، هرگونه ارائه‌ی گمراه‌کننده درباره‌ی عملکرد مالی واحد اقتصادی می‌تواند آثار زیان‌باری را برای سرمایه‌گذاران در پی داشته و آن‌ها را در اخذ تصمیمات اقتصادی مناسب، با مشکل مواجه سازد.

این مطالعه پژوهش‌های اخیر تقسیم سود در بازار ایران را توسعه می‌دهد و تأثیر نوسانات جریان نقدی بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و تقسیم سود که تاکنون در ایران مورد بررسی قرار نگرفته است، آشکار می‌کند. با تعیین این رابطه می‌توان نشان داد که، استفاده‌کنندگان یا تصمیم‌گیرندگان مختلف از جمله سرمایه‌گذاران، در تجزیه و تحلیل‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود می‌توانند بر گزارشات مالی بعنوان یک منبع مهم اطلاعاتی اتکا کرده و این امر باعث سرمایه‌گذاری‌های مناسب و کاهش هزینه‌های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد. در این مقاله ابتدا توضیحاتی در خصوص شرح و بیان مسأله‌ی پژوهش ارائه گردید و در راستای مسأله‌ی پژوهش پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش و نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه گردید.

مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

سود تقسیمی از موضوع‌هایی است که از دیرباز مورد توجه پژوهشگران مالی قرار داشته است و هنوز نیز به عنوان یکی از مسائل بحث‌انگیز در حوزه مدیریت مالی باقی مانده است. تقسیم سود شرکت‌ها همچنان برای محققان مالی، پیچیده و معماگونه است و از دو جنبه بسیار مهم قابل بحث است. از یک طرف، عاملی اثرگذار بر سرمایه‌گذاری‌های پیش روی شرکت‌هاست. از سوی دیگر، تقسیم سود موجب کاهش منابع داخلی و افزایش نیاز به منابع مالی خارجی می‌شود (محمدزاده و فلاح، ۱۴۰۲). پژوهش‌ها نشان داده است که تقریباً تمامی شرکت‌های موفق سود سهام می‌پردازند و مدیران مالی شرکت‌ها توجه خاصی به سیاست تقسیم سود نشان می‌دهند. سیاست تقسیم سود، همچنین بر ارزش سهام شرکت اثر می‌گذارد. در این مورد سه مکتب فکری در قرن گذشته ظاهر شده است: در گروه اول سودهای تقسیمی، عاملی مؤثر و مثبت بر قیمت سهام است؛ گروه دوم اعتقاد دارند که قیمت سهام به طور منفی با سطح پرداخت سودهای تقسیمی مربوط شده است و گروه سوم ادعا می‌کنند که سیاست سود تقسیمی شرکت در ارزش‌گذاری سهام شرکت نامربوط است. همچنین، سود حاصل از فعالیت‌های شرکت می‌تواند به عنوان بهترین منبع تأمین مالی استفاده شود. لذا مدیران (با هدف حداکثر کردن ثروت سهامداران) همواره باید بین علایق مختلف سهامداران تعادلی را برقرار نمایند تا هم فرصت‌های سودآور سرمایه‌گذاری را از دست نداده باشند و هم سود نقدی مورد نیاز بعضی از سهامداران را بپردازند (صراف و خجسته‌اهوازی، ۱۴۰۱).

در گزارش کادبری و هیگز (۲۰۰۳) توصیه شده که بین اعضای هیات‌مدیره، باید توازن قوا وجود داشته باشد تا هیچ کس قادر به کنترل بی‌قید و شرط فرآیند تصمیم‌گیری در شرکت نباشد. علاوه بر این، تقسیم مسئولیت‌ها در سطح عالی شرکت، باید به روشنی مشخص شده باشد تا از توازن قوا و حدود اختیارات اعضای هیات‌مدیره، اطمینان کافی حاصل شود. در گزارش مزبور قید شده است که اگر سمت‌های ریاست هیات‌مدیره و مدیریت عامل برعهده دو شخص مجزا نباشد؛ آن‌گاه یکی از اعضای ارشد

هیات‌مدیره باید اعلام کند که شخص مستقل کیست و وظایف رئیس هیات‌مدیره و مدیرعامل، نباید برعهده یک شخص واحد گذاشته شود (یاری و فتحی ارطه، ۱۳۹۵). فروپاشی انرون^۱ در سال ۲۰۰۱، نظرها را به سوی اثربخشی عملکرد مدیران غیرموظف (غیراجرایی) هیات‌مدیره، جلب کرد. از دیدگاه تئوری نمایندگی، حضور مدیران غیرموظف (غیراجرایی) مستقل در هیات‌مدیره شرکت‌ها و عملکرد نظارتی آنان به‌عنوان افرادی مستقل؛ به کاهش تضاد منافع موجود میان سهام‌داران و مدیران شرکت در جلسات هیات‌مدیره، کمک شایان توجهی می‌کند. البته باید توجه داشت که مدیران اجرایی شرکت، نقش مهمی در ایجاد ساختار مناسبی از مدیران موظف و غیرموظف (غیراجرایی)، در میان اعضای هیات‌مدیره، ایفا می‌کنند (یاری و فتحی ارطه، ۱۳۹۵). مدیران اجرایی قدرتمند اغلب نسبت به مهارت‌های خود بیش از حد اعتماد به نفس دارند و به احتمال زیاد ریسک‌های بیشتری را متحمل می‌شوند. مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد بازده سرمایه‌گذاری‌های خود را بیش از حد برآورد می‌کنند و تمایل دارند در پروژه‌های بیهوده بیش از حد سرمایه‌گذاری کنند (شیخ^۲، ۲۰۲۳).

جریان‌های نقدی همواره یکی از موضوعات مورد تأکید در مدیریت شرکت‌ها است. شرکت‌ها جهت انجام سرمایه‌گذاری در راستای هدف اصلی هر واحد تجاری که سودآوری است، نیاز به جریان‌های نقدی دارند. مدیران در شرایط مختلف اقتصادی خرد و کلان تصمیماتی به منظور انجام این سرمایه‌گذاری‌ها اتخاذ می‌نمایند که به میزان اتکای آنها به منابع سرمایه‌گذاری، یعنی جریان‌های نقدی وابسته است (دنيس وسیبیلیکو^۳، ۲۰۱۰). بدیهی است هرچه نوسانات جریان‌های نقدی کمتر باشد، قابلیت پیش‌بینی آینده و برنامه‌ریزی جهت پروژه‌های آتی نیز میسر می‌گردد. لذا، عدم ثبات میزان جریان‌های نقدی عملیاتی باعث جلوگیری از اجرای پروژه‌های بلندمدت می‌گردد (شیخ، ۲۰۲۳). شرکت‌هایی که در دسترسی به منابع تأمین مالی با مشکلاتی مواجه هستند، نسبت به شرکت‌هایی که دسترسی آسان‌تری به این منابع دارند، رفتارهای متفاوتی در این شرایط خود نشان می‌دهند (دنيس وسیبیلیکو، ۲۰۱۰). مدیران این شرکت‌ها به منظور حفظ قدرت رقابتی شرکت و میزان نقدینگی، اقدام به ذخیره نمودن جریان‌های نقدی به جای مصرف آنها در پروژه‌های مختلف می‌نمایند. لیکن این عمل در شرکت‌هایی که دسترسی به منابع تأمین مالی دارند، با توجه به اینکه در کمترین زمان توان دسترسی به میزان نقدینگی مورد نیاز را دارند، کمتر صورت می‌پذیرد (جینگ^۴، ۲۰۰۵). با توجه به نوسان جریان‌های داخلی و همچنین عدم دسترسی به بازارهای تأمین مالی خارجی، این شرکت‌ها اجرای پروژه‌های خود را به سال‌های بعد منتقل کرده و یا سطح سرمایه‌گذاری مدنظر خود را پایین می‌آورند (شیخ، ۲۰۲۳).

اگرچه مدیران انگیزه‌هایی برای کاهش سود سهام دارند، توانایی آنها در تأثیرگذاری بر تصمیمات پرداخت بستگی به درجه قدرتی دارد که در تصمیم‌گیری شرکتی دارند. افزایش قدرت توانایی مدیریت را برای تصمیم‌گیری در مورد پرداخت به نفع خود افزایش می‌دهد. با قدرتمندتر شدن مدیران عامل، مشکلات نمایندگی در شدیدتر می‌شود که ممکن است منجر به کاهش ثروت سهامداران شود. تئوری نمایندگی پیش‌بینی می‌کند که مدیران سستی مالی را ترجیح می‌دهند و احتمال کمتری برای پرداخت سود سهام دارند. مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد، با کاهش سطح پرداخت سود سهام فعلی، سستی مالی برای سرمایه‌گذاری‌های آتی ایجاد می‌کنند. بنابراین، مدیران اجرایی قدرتمند، انگیزه‌ها (انگیزه) و توانایی (فرصت) قوی برای حفظ جریان‌های نقدی دارند و حتی احتمال کمتری برای پرداخت سود سهام دارند (شیخ، ۲۰۲۳).

با این حال، مدیران عامل قدرتمند ممکن است همیشه سود سهام را کاهش ندهند و حتی ممکن است در صورت انتظار برای جمع‌آوری سرمایه از خارج با نرخ‌های جذاب، سود سهام پرداخت کنند. دلیل این امر این است که مدیران عامل قدرتمند دارای نگرانی‌های اعتباری بالاتری هستند و سرمایه‌گذاران قدرت مدیر عامل را به‌عنوان ناهماهنگی بیشتر منافع مدیریتی، نشانه‌ای از حاکمیت داخلی ضعیف و افزایش استقرار درک می‌کنند. در نتیجه، سرمایه‌گذاران برای ارائه وجوه به شرکت‌هایی که توسط مدیران اجرایی قدرتمند مدیریت می‌شوند، بازده بالاتری را طلب می‌کنند که هزینه تأمین مالی خارجی را افزایش می‌دهد. ادبیات حاکمیت شرکتی استدلال می‌کند که مدیران در شرکت‌هایی که مدیریت ضعیفی دارند، سود سهام پرداخت می‌کنند تا شهرت خود را در انتظار جمع‌آوری سرمایه در بازارهای سرمایه با شرایط مطلوب ایجاد کنند (شیخ، ۲۰۲۳).

1. Enron
2. Sheikh
3. Denis and Sibilkov
4. Jing

قاسمی و همکاران (۱۴۰۲) به بررسی رابطه بین توانایی مدیرعامل و سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش ادعا می‌شود در شرکت‌های که توانایی مدیرعامل بیشتر است، حقوق سهامداران اقلیت کمتر زیر پا گذاشته می‌شود و به حقوق سهامداران اقلیت توجه ویژه‌ای می‌شود؛ در نتیجه میزان سود تقسیمی در شرکت نیز بالاتر می‌باشد. بنابراین، در شرکت‌هایی با مدیران تواناتر، احتمال پرداخت سود بیشتر به سهامداران بیشتر است. محمدزاده و فلاح (۱۴۰۲) به بررسی رابطه بین انعطاف‌پذیری مالی و سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد که بین انعطاف‌پذیری مالی و سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

رحمانیان کوشکی و کر (۱۴۰۲) رابطه بین عملکرد پایداری شرکت و سیاست تقسیم سود با توجه به نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی و مالکیت نهادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که عملکرد پایداری شرکت، سیاست تقسیم سود را بهبود می‌بخشد. همچنین، حاکمیت شرکتی رابطه مثبت بین عملکرد پایداری شرکت و سیاست تقسیم سود را تقویت می‌کند. علاوه بر این، مالکیت نهادی رابطه مثبت بین عملکرد پایداری شرکت و سیاست تقسیم سود را تضعیف می‌نماید.

صراف و خجسته اهوازی (۱۴۰۱) به بررسی اثرات درماندگی مالی، سیاست تقسیم سود و نسبت بدهی به ارزش ویژه بر ارزش شرکت پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد اگرچه درماندگی مالی منجر به کاهش تغییر جهت رابطه میان تقسیم سود و ارزش شرکت می‌شود؛ اما این تاثیر معنی‌دار نیست؛ همچنین نتایج نشان داد نسبت بدهی به ارزش ویژه بر رابطه تقسیم سود و ارزش شرکت تاثیر منفی و معنی‌دار دارد.

عباسی و غلامی جمکرانی (۱۴۰۰) به بررسی تأثیر شفافیت سود بر سیاست پرداخت سود سهام پرداختند. نتایج نشان داد که شفافیت سود با پرداخت سود سهام، رابطه منفی و معناداری دارد.

شیخ (۲۰۲۳) در تحقیقی تحت عنوان رابطه بین قدرت مدیر عامل و پرداخت سود سهام با تأثیر سودآوری و نوسانات جریان نقدی پرداختند. این پژوهش در شرکت‌های بورسی آمریکا انجام شده است، که به عنوان مقاله‌ی مینا جهت پژوهش حاضر در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. نتایج نشان داد که مدیران عامل قدرتمند برای ایجاد شهرت در بازارهای سرمایه سود می‌پردازند تا تامین مالی خارجی را با شرایط مطلوب تامین کنند. مدیران عامل قدرتمند زمانی که شرکت‌هایشان با سودآوری پایین و نوسانات جریان نقدی بالا مواجه هستند، احتمال بیشتری برای پرداخت و افزایش سود سهام دارند.

الهیاری و همکاران^۱ (۲۰۲۳) رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و پرداخت سود سهام با نقش کیفیت حاکمیت شرکتی را بررسی کردند. نتایج نشان داد که رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و پرداخت سود سهام با نقش کیفیت حاکمیت شرکتی را بررسی تقارن اطلاعاتی و سیاست تقسیم سود در شرکت‌هایی با سیستم‌های حاکمیت شرکتی قوی‌تر است، بنابراین، چنین شرکت‌هایی با مشکلات اطلاعاتی نامتقارن و نمایندگی کمتری مواجه هستند و از این رو سود سهام بیشتری می‌پردازند.

یئو^۲ (۲۰۱۸) در تحقیقی تحت عنوان نقش جریان‌های نقدی آزاد در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری و تقسیم سود پرداختند. نتایج نشان داد که جریان‌های نقدی آزاد عامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری و سود سهام است. جریان‌های نقدی آزاد بیشتر شرکت‌ها را به افزایش سرمایه‌گذاری و کاهش سود سهام سوق می‌دهد. استفاده از بدهی باعث کاهش سرمایه‌گذاری بیش از حد می‌شود.

چانگ و همکاران^۳ (۲۰۱۵) در تحقیقی اثر مالکیت نهادی بر تقسیم سود سهام: تجزیه و تحلیل مبتنی بر تئوری نمایندگی را بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد بین مالکان نهادی بلندمدت دارای سهم بالا با پرداخت سود سهام رابطه مثبتی وجود دارد، روابط مثبت در شرکت‌های با هزینه‌های نمایندگی بالا برجسته‌تر است، و این رابطه در شرکت‌های که نظارت خارجی ضعیف‌تر است بیشتر می‌باشد. همچنین، سرمایه‌گذاران نهادی نقش نظارتی قوی در شرکت‌های متمرکز در پرداخت سود سهام دارند.

1. Al-Hiyari
2. Yeo
3. Chang et al

با این حال، پرداخت سود سهام هزینه‌های خاص خود را دارد. سود سهام مقدار جریان‌های نقدی تولید شده داخلی را کاهش می‌دهد و بر انعطاف پذیری مالی تأثیر منفی می‌گذارد و منجر به افزایش نیاز به وجوه خارجی می‌شود. سود سهام همچنین سرمایه‌گذاری بیش از حد در پروژه‌های مورد علاقه خود و مشارکت در ساختن امپراتوری را برای مدیران عامل قدرتمند دشوار می‌کند. مدیران اجرایی قدرتمند ارزش مورد انتظار شهرت را با هزینه ایجاد چنین شهرتی مقایسه می‌کنند و تنها زمانی سود سهام پرداخت می‌کنند که ارزش خالص مورد انتظار مثبت باشد. در این مطالعه تأثیر تعدیل‌کننده نوسانات جریان نقدی را بر رابطه بین قدرت مدیرعامل و احتمال پرداخت سود سهام بررسی خواهد شد. بنابراین در این پژوهش تلاش خواهد شد تا دیدگاه جدیدی از قدرت مدیران را در جهت توزیع سود با در نظر گرفتن جریان‌های نقدی که ابزار در اختیار مدیران می‌باشند، را تبیین نماید.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول؛ بین قدرت مدیرعامل و تقسیم سود رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم؛ نوسانات جریان نقدی رابطه بین قدرت مدیرعامل و تقسیم سود را تعدیل می‌کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف پژوهش، کاربردی، از لحاظ استنتاج، توصیفی تحلیلی (استقرایی) و از لحاظ طرح پژوهش، پس رویدادی است. برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، ابتدا از روش کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده خواهد شد. در بخش آمار توصیفی به ویژگی‌های کلی نمونه آماری از جمله میانگین، میانه، بیش‌ترین، کم‌ترین، انحراف استاندارد، کشیدگی و چولگی پرداخته می‌شود و در بخش آمار استنباطی ابتدا ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها بررسی می‌شود و پس از آن به مانایی متغیرها و ناهمسانی مدل پرداخته خواهد شد. همچنین به منظور تشخیص نوع داده‌های ترکیبی مدل از آزمون‌های F لیمر و هاسمن استفاده خواهد شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری ایویوز انجام خواهد شد و تکنیک استفاده‌ای داده‌های پانل خواهد بود.

مدل و متغیرهای پژوهش

الف- متغیر وابسته

پرداخت سود سهام: از نسبت سود تقسیمی نقدی مندرج در صورت جریان وجوه نقد به سود خالص پس از کسر مالیات استفاده می‌شود. این نسبت نمایانگر درصد سود تقسیمی شرکت نسبت به سود خالص است (شیخ، ۲۰۲۳).

ب- متغیر مستقل

- قدرت مدیرعامل: قدرت مدیرعامل مفهومی مبتنی بر رفتار تملک طلبانه و تصدی‌گرایانه در حفظ جایگاه شغلی است که در سال‌های گذشته از واژه‌های رفتار سازمانی تخلص شده است. براساس این مفهوم، جهت سنجش قدرت مدیرعامل روش‌های مختلفی مانند: مسولیت دوگانه مدیرعامل در هیات مدیره، مالکیت مدیریتی و دوره تصدی مدیرعامل وجود دارد. از متغیر مجازی ۱ و ۰ براساس سه معیار مسولیت دوگانه مدیرعامل در هیات مدیره، مالکیت مدیریتی و دوره تصدی مدیرعامل استفاده می‌شود (یاری و فتحی ارطه، ۱۳۹۵). استفاده از متغیر مجازی براساس سه معیار یاد شده به این دلیل انجام می‌پذیرد که انتظار می‌رود باعث کاهش اختلال‌های هر یک از این سه بعد متفاوت گردد. پس از تبدیل سه عامل فوق به صفر و یک، سه عامل با یکدیگر جمع می‌شود در صورتی که جمع سه عامل فوق از ۲ بیشتر یا مساوی ۲ بود، در نهایت به مدیرعامل عدد یک و در صورتی که جمع برابر با یک یا صفر باشد، عدد صفر به آن تعلق می‌گیرد (یاری و فتحی ارطه، ۱۳۹۵). حال هر یک از سه معیار قدرت مدیرعامل؛ شامل: مسولیت دوگانه مدیرعامل در هیات مدیره، مالکیت مدیریتی و دوره تصدی مدیرعامل تشریح می‌شود (یاری و فتحی ارطه، ۱۳۹۵).

-مسئولیت دوگانه مدیر عامل در هیات مدیره؛ یکی بودن یا نبودن نایب رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت از گزارش‌های هیئت مدیره استخراج می‌شود و در شرکت‌هایی که این دو پست سازمانی توسط یک نفر اشتغال شده باشد مقدار آن یک، در غیر اینصورت صفر قرار داده می‌شود.

-مالکیت مدیریتی؛ براساس تحقیقات صورت پذیرفته‌ی قبلی دی‌میگوئل و همکاران (۲۰۰۴) استدلال می‌کند که مدیران عاملی دارای ثبات مدیریتی هستند که سطح متوسطی از مالکیت مدیریتی را برخوردار باشند. زمانی که مالکیت مدیریتی زیر مرز تعیین شده‌ای باشد، بازار سرمایه با کنترل بر انگیزه‌های مدیران، فرصت‌طلبی آنها را کاهش می‌دهند و در اینصورت هزینه‌های نمایندگی کاهش می‌یابد. اما اگر مالکیت مدیریتی بالاتر از مرز مشخصی باشد، منافع مدیران احتمال بالاتر از منافع سهامداران در اولویت قرار می‌گیرد. براساس اغلب مدل‌ها، سنجش مالکیت مدیریتی براساس درصد سهام نگهداری شده توسط مدیران نسبت به کل سهام عادی در دست سهامداران محاسبه می‌شود. اما این تحقیق به پیروی از مدل دی‌میگوئل و همکاران (۲۰۰۴) که از معیار ارزش شرکت برای سنجش مالکیت مدیریتی استفاده نمود و مشخص ساخت ارزش شرکت‌ها در محدوده‌ی مالکیت مدیریتی بین ۱۸/۸٪ و ۵۰/۰۶٪ در نوسان می‌باشد. براین مبنا اگر درصد سهم مدیران نسبت به کل سهام عادی در دست سهامداران در این محدوده قرار بگیرد، عدد ۱ در غیر این صورت عدد ۰ به آن تعلق می‌گیرد.

-دوره تصدی مدیرعامل؛ تعداد سال‌هایی که مدیرعامل فعالیت می‌کند. در صورتی که دوره تصدی مدیرعامل از میانه بیشتر باشد عدد یک در غیر اینصورت صفر به آن تعلق می‌گیرد. پس از تبدیل سه عامل فوق به صفر و یک، سه عامل با یکدیگر جمع می‌شود در صورتی که جمع سه عامل فوق از ۲ بیشتر یا مساوی ۲ بود، در نهایت به مدیرعامل عدد یک و در صورتی که جمع برابر با یک یا صفر باشد، عدد صفر به آن تعلق می‌گیرد.

ج- متغیر تعدیل گر

نوسانات جریان نقدی؛ در پژوهش حاضر، نوسانات جریان نقدی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است بر اساس مدل اوکانر و تای (۲۰۱۳) جهت سنجش این متغیر بدین روش به دست می‌آید (شیخ، ۲۰۲۳):

ابتدا تاثیر معیارهای زمان، صنعت و اندازه شرکت را بر رشد جریان نقدی عملیاتی طی رابطه (۳) بررسی کرده و سپس مقادیر باقیمانده به دست آمده از این رابطه را در رابطه (۴) قرار داده و نوسان جریان نقدی عملیاتی، محاسبه شده است.

(۳)

$$CFG_{i,t} = \alpha_i + \beta_1 Year_{i,t} + \beta_2 Ind_{i,t} + \beta_3 SizeTercile_{i,t} + \beta_4 Year * Ind_{i,t} + \beta_5 Year * Size Tercile_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

(۴)

$$CFV_{i,t} = \sqrt{\pi/2} * |\varepsilon_{i,t}|$$

دی ویرمن و لوین (۲۰۱۱) معتقد بودند؛ که CFV یک برآوردگر بی‌طرفانه از نوسانات واقعی شرطی است.

$CFG_{i,t}$ = نشان دهنده رشد جریان نقدی عملیاتی است که از تفاوت جریان‌های نقدی سال t و $t-1$ به دست می‌آید. برای

محاسبه جریان نقدی می‌توان از قسمت اول صورت جریان وجوه نقد استفاده کرد.

$Year_{i,t}$ = متغیر مجازی برای سال‌های مورد بررسی شرکت است. بدین صورت که برای سال مورد رسیدگی عدد یک و برای

سایر سال‌ها عدد صفر به این متغیر اختصاص می‌یابد.

$Ind_{i,t}$ = متغیر مجازی که نشان دهنده صنعتی است که شرکت در آن مشغول فعالیت است. در این پژوهش برای دسته بندی

صنایع از طبقه‌بندی فاما و فرنچ (۲۰۰۴) استفاده گردیده است. در این پژوهش صنایع به ۵ دسته تقسیم گردیده است که شامل کالای مصرفی، صنعتی، تکنولوژی، بهداشت و درمان و سایر صنایع تقسیم می‌شود.

$SizeTercile_{i,t}$ = متغیر مجازی مربوط به اندازه شرکت است.

د- متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت؛ در این پژوهش مجموع دارایی‌های شرکت به عنوان معیار اندازه‌گیری اندازه شرکت در نظر گرفته شده است. جهت محاسبه و بررسی رابطه متغیر کنترلی با متغیر وابسته و مستقل از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های هر سال استفاده شده است. (۵)

$$\text{Size}_{i,t} = \ln(\text{Assets}_{i,t})$$

$\ln(\text{Assets}_{i,t})$: لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت i در دوره t (شیخ، ۲۰۲۳).

اهرم مالی؛ اهرم مالی میزان وجوهی را نشان می‌دهد که بوسیله بدهی تأمین مالی شده است. در این پژوهش برای محاسبه سطح اهرم شرکت ($\text{Lev}_{i,t}$) کل بدهی‌ها را بر کل دارایی‌های شرکت i ، در سال t تقسیم می‌نماییم. (۶)

$$\text{Lev}_{it} = (\text{Total Debt})_{it} / (\text{Total Asset})_{it}$$

Total Debt: جمع بدهی‌های شرکت i در دوره t

Asset Total: جمع دارایی‌های شرکت i در دوره t (شیخ، ۲۰۲۳).

نرخ بازده دارایی‌ها؛ شاخصی است که معمولاً برای عملکرد عملیاتی شرکت‌ها به کار برده می‌شود و این نسبت از تقسیم سود قبل از اقلام غیر مترقبه تقسیم بر مجموع دارایی‌ها بدست می‌آید (شیخ، ۲۰۲۳).

$$\text{نرخ بازده دارایی‌ها} = \frac{\text{سود خالص یا سود پس از کسر مالیات}}{\text{کل دارایی‌ها}} \quad (۷)$$

نسبت جاری؛ از تقسیم دارایی‌های جاری بر بدهی‌های جاری بدست می‌آید. در این نسبت فرض بر این است که دارایی‌های جاری پشتوانه بازپرداخت بدهی‌های جاری شرکت می‌باشند (شیخ، ۲۰۲۳).

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام؛ نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام برابر است حاصل ضرب قیمت سهام در پایان دوره در تعداد سهامداران به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در ابتدای دوره (شیخ، ۲۰۲۳).

مدل‌های پژوهش

مدل رگرسیونی فرضیه اول

$$(۱) \text{Div} = \beta_0 + \beta_1 \text{CEOP} + \beta_2 \text{Size} + \beta_3 \text{Lev} + \beta_4 \text{ROA} + \beta_5 \text{MB} + \beta_6 \text{CR} + \varepsilon$$

مدل رگرسیونی فرضیه دوم

$$(۲) \text{Div} = \beta_0 + \beta_1 \text{CEOP} + \beta_2 \text{CFOVOL} + \beta_3 \text{CFOVOL} * \text{CEOP} + \beta_4 \text{Size} + \beta_5 \text{Lev} + \beta_6 \text{ROA} + \beta_7 \text{MB} + \beta_8 \text{CR} + \varepsilon$$

که در آن:

Div = تقسیم سود

CEOP = قدرت مدیر عامل در هیات مدیره

CFOVOL = نوسانات جریان نقدی

CEOP * CFOVOL = قدرت مدیر عامل در هیات مدیره * نوسانات جریان نقدی

Size = اندازه شرکت

ROA = نرخ بازده دارایی‌ها

Lev = اهرم مالی

MB = نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام

CR = نسبت جاری

β = ضریب تغییرات برای هر متغیر

ε = جزء خطا

در نگاره (۱) شرح چگونگی بررسی و اندازه‌گیری متغیرها در مدل فوق به صورت خلاصه آورده شده است.

نگاره ۱. شرح چگونگی بررسی و اندازه‌گیری متغیرها

متغیر	نام متغیر	نماد	نحوه محاسبه	منبع استخراج
وابسته	تقسیم سود	Div	سود تقسیمی نقدی مندرج در صورت جریان وجوه نقد به سود خالص پس از کسر مالیات	صورت سود و زیان و صورت جریان وجه نقد
مستقل	قدرت مدیر عامل در هیات مدیره	CEOP	۱- مسولیت دوگانه مدیر عامل ۲- مالکیت مدیریتی ۳- دوره تصدی مدیرعامل	یادداشت‌های همراه و گزارش‌های هیات مدیره
تعدیل گر	نوسانات جریان نقدی	CFOVOL	ابتدا تاثیر معیارهای زمان، صنعت و اندازه شرکت را بر رشد جریان نقدی عملیاتی بررسی کرده و سپس مقادیر باقیمانده به دست آمده در رابطه (۲) قرار داده و نوسان جریان نقدی عملیاتی، محاسبه شده است.	صورت سود و زیان، صورت وضعیت مالی و صورت جریان وجه نقد
	اندازه شرکت	Size	لگاریتم جمع کل دارایی‌ها	صورت وضعیت مالی
	نرخ بازده دارایی‌ها	ROA	سود قبل از اقلام غیر مترقبه تقسیم بر مجموع دارایی‌ها بدست می‌آید.	صورت سود و زیان و صورت وضعیت مالی
	اهرم مالی	Lev	کل بدهی‌ها را بر کل دارایی‌های شرکت t ، در سال t تقسیم	صورت وضعیت مالی
کنترلی	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	MB	قیمت سهام در پایان دوره در تعداد سهامداران به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در ابتدای دوره.	صورت سود و زیان و صورت وضعیت مالی
	نسبت جاری	CR	از تقسیم دارایی‌های جاری بر بدهی‌های جاری بدست می‌آید	صورت وضعیت مالی

یافته‌ها

نتایج پژوهش در دو بخش شامل آمار توصیفی و آمار استنباطی قابل بیان می‌باشد:

آمار توصیفی

در نگاره (۲) خلاصه‌ی نتایج آمار توصیفی متغیرها آورده شده است.

نگاره ۲. خلاصه‌ی نتایج آمار توصیفی متغیرها

نام متغیر	میانگین	میان	کمترین	بیشترین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
پرداخت سود سهام	۰/۵۶۹	۰/۵۰۸	۰/۰۰۱	۰/۹۹۸	-۰/۳۲۵	۰/۲۲۶	۰/۰۰۸
نوسانات جریان نقدی	۰/۰۹۱	۰/۰۷۸	۰/۰۱۶	۰/۲۳۸	۰/۶۶۸	۰/۳۴۵	-۰/۱۹۷
اندازه‌ی شرکت	۱۳/۹۵۷	۱۳/۸۳۵	۱۰/۳۵۲	۱۹/۲۵۴	۰/۶۳۳	-۰/۸۵۴	۰/۷۷۵
اهرم مالی	۰/۶۴۸	۰/۶۱۹	۰/۰۱۲	۰/۸۶۳	۰/۶۶۹	۰/۴۹۳	۰/۷۵۸
نرخ بازده دارایی‌ها	۰/۱۹۸	۰/۱۵۷	-۰/۵۵۶	۰/۸۳۹	۰/۴۴۹	۰/۱۸۵	-۰/۳۷۷
نسبت جاری	۱/۴۵۸	۱/۲۱۵	۰/۴۰۵	۳/۵۸۹	۱/۵۸۵	۱/۹۶۵	۱/۳۰۵
نسبت بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام	۲/۵۱۹	۲/۱۵۸	۰/۵۹۸	۶/۹۵۰	۱/۶۶۲	-۱/۳۹۷	۱/۶۰۸

مطابق یافته های پژوهش میانگین متغیر پرداخت سود سهام طی سال های ذکر شده برابر با ۰/۵۶۹ است، بدان معنا که است که شرکت های مورد بررسی بیش از ۵۰ درصد سود کسب شده را بین سهامداران توزیع نموده اند. میانه متغیر پرداخت سود سهام ۰/۵۰۸ می باشد و این بدان معناست است که نیمی از داده ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند.

آمار استنباطی

در نگاره (۳) خلاصه ی نتایج آماری آزمون مدل و فرضیه اول پژوهش آورده شده است.

نگاره ۳. خلاصه ی نتایج آماری آزمون فرضیه اول

Div = $\beta_0 + \beta_1 \text{CEOP} + \beta_2 \text{Size} + \beta_3 \text{Lev} + \beta_4 \text{ROA} + \beta_5 \text{MB} + \beta_6 \text{CR} + \varepsilon$			
نام متغیر	ضریب	آماره ی t	سطح معناداری
ضریب ثابت	-۰/۰۴۲	-۱/۳۹۷	۰/۱۶۲۵
قدرت مدیرعامل	-۰/۴۹۱۴	-۲/۰۴۱	۰/۰۰۳۰
اندازه ی شرکت	۰/۲۶۳۸	۱/۸۲۹۹	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۰۶	-۲/۹۵۰	۰/۰۰۳۲
نرخ بازده دارایی	۰/۰۳۳۳	۲/۸۷۷۷	۰/۱۰۴۱
ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۷۷۵۲	۱/۶۹۰	۰/۰۳۱۰
نسبت جاری	۰/۰۱۲	۱/۴۳۶۳	۰/۱۵۱۲
آماره ی F	۱۲/۶۳۳۶	سطح اطمینان	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۹۵۹	آماره ی دوربین- واتسن	۱/۹۳۰۴

با توجه به این که سطح معناداری آماره ی F کمتر از ۵ درصد شده است، بنابراین مدل در حالت کلی، معنادار می باشد و از کارایی قابل قبولی برخوردار می باشد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده در این مدل رگرسیونی ۰/۶۹ شده است که نشان دهنده ی این مطلب است که حدود ۶۹ درصد تغییرات متغیر وابسته (پرداخت سود تقسیمی) توسط متغیر مستقل و کنترلی پژوهش تعیین می شود. اگر مقدار آماره ی دوربین- واتسن بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، بیانگر استقلال خطاها می باشد. با توجه به این که مقدار این آماره ۱/۹۳۰۴ شده است لذا می توان نتیجه گرفت که خطاها از هم مستقل هستند.

با توجه به سطح معناداری متغیر قدرت مدیرعامل که کمتر از ۵ درصد شده است (در حدود ۰/۰۰۳۰)، می توان گفت که رابطه ی معناداری با متغیر وابسته ی پژوهش دارد. با توجه به ضریب منفی به دست آمده در این مدل می توان گفت که رابطه ی منفی و معناداری با متغیر وابسته ی پژوهش (پرداخت سود سهام) دارد. به عبارت دیگر با فرض ثابت ماندن اثر سایر متغیرها با یک واحد افزایش در قدرت مدیرعامل، پرداخت سود سهام شرکت ها به مقدار ۰/۴۹۱ کاهش می یابد.

در نگاره (۴) خلاصه ی نتایج آماری آزمون مدل و فرضیه دوم پژوهش آورده شده است:

نگاره ۴. خلاصه نتایج آماری آزمون مدل و فرضیه دوم پژوهش

Div = $\beta_0 + \beta_1 \text{CEOP} + \beta_2 \text{CFOVOL} + \beta_3 \text{CFOVOL} * \text{CEOP} + \beta_4 \text{Size} + \beta_5 \text{Lev} + \beta_6 \text{ROA} + \beta_7 \text{MB} + \beta_8 \text{CR} + \varepsilon$			
نام متغیر	ضریب	آماره ی t	سطح معناداری
ضریب ثابت	-۰/۰۴۶	-۱/۴۹۸	۰/۱۳۴
قدرت مدیرعامل	-۰/۴۶۳	-۱/۱۱۹	۰/۰۲۶
نوسات جریان نقدی	۰/۵۶۴	۱۶/۷۸۳	۰/۰۰۸
اثر تعدیلی نوسانات جریان نقد و قدرت مدیرعامل	-۰/۰۰۶	۳/۰۰۲	۰/۰۰۳

اندازه‌ی شرکت	۰/۰۳۴	۲/۹۳۴	۰/۰۰۳
اهرم مالی	-۰/۰۴۶	-۶/۹۴۳	۰/۰۰۰
نرخ بازده دارایی	۰/۰۱۱	۱/۳۶۰۱	۰/۱۷۴
ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۰۹۱	-۴/۵۳۵	۰/۰۰۹
نسبت جاری	۰/۲۶۸	۴/۶۹۸	۰/۲۵۹
آماره‌ی F	۱۲/۶۳۸	سطح اطمینان	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۹۶	آماره‌ی دوربین- واتسن	۱/۹۳۱

با توجه به این که سطح معناداری آماره‌ی F کمتر از ۵ درصد شده است بنابراین در حالت کلی مدل معنادار بوده و از کارایی قابل قبولی برخوردار می‌باشد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده در این مدل رگرسیونی ۰/۴۹ شده است که نشان‌دهنده‌ی این مطلب است که حدود ۴۹ درصد تغییرات متغیر پرداخت سود تقسیمی توسط متغیر مستقل و کنترلی پژوهش تعیین می‌شود. مقدار آماره‌ی دوربین-واتسن نیز چنانچه بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، بیانگر استقلال خطاها می‌باشد. با توجه به این که مقدار این آماره ۱/۹۳۱۰ شده است، می‌توان نتیجه گرفت که خطاها از هم مستقل هستند.

با توجه به سطح معناداری متغیر قدرت مدیرعامل که کمتر از ۵ درصد شده است (در حدود ۰/۰۲۶)، می‌توان گفت که رابطه‌ی معناداری با متغیر وابسته‌ی پژوهش دارد. با توجه به ضریب منفی به دست آمده در این مدل می‌توان گفت که رابطه‌ی منفی و معناداری با متغیر وابسته‌ی پژوهش (پرداخت سود سهام) دارد. به عبارت دیگر با فرض ثابت ماندن اثر سایر متغیرها با یک واحد افزایش در قدرت مدیرعامل، پرداخت سود سهام شرکت‌ها به مقدار ۰/۴۶۳ کاهش می‌یابد.

با توجه به سطح معناداری متغیر نوسانات جریان نقدی که کمتر از ۵ درصد شده است (در حدود ۰/۰۰۸)، می‌توان گفت که رابطه‌ی معناداری با متغیر وابسته‌ی پژوهش دارد. با توجه به ضریب مثبت به دست آمده در این مدل می‌توان گفت که رابطه‌ی مثبت و معناداری با متغیر وابسته‌ی پژوهش (پرداخت سود سهام) دارد. به عبارت دیگر با فرض ثابت ماندن اثر سایر متغیرها با یک واحد افزایش در نوسانات جریان نقدی، پرداخت سود سهام شرکت‌ها به مقدار ۰/۵۶۴ افزایش می‌یابد.

با توجه به سطح معناداری متغیر تعدیلی نوسانات جریان نقدی و قدرت مدیرعامل که کمتر از ۵ درصد شده است (در حدود ۰/۰۲۷)، می‌توان گفت که رابطه‌ی معناداری با متغیر وابسته‌ی پژوهش دارد. با توجه به ضریب مثبت به دست آمده در این مدل می‌توان گفت که رابطه‌ی مثبت و معناداری با متغیر وابسته‌ی پژوهش (پرداخت سود سهام) دارد. به عبارت دیگر با فرض ثابت ماندن اثر سایر متغیرها با یک واحد افزایش در متغیر تعدیلی نوسانات جریان نقدی و قدرت مدیرعامل، پرداخت سود سهام شرکت‌ها به مقدار ۰/۰۰۶ افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج پژوهش نشان داد؛ بین قدرت مدیرعامل و تقسیم سود رابطه‌ی منفی وجود داشته و این رابطه معنادار نیز می‌باشد. برای قدرت مدیرعامل سه فاکتور دوره تصدی، دوگانگی و مالکیت مدیریتی استفاده شده است، که این موارد می‌تولند در تصمیم‌گیری‌های کلان شرکت به دلیل قدرت بالا مدیریت تاثیر داشته باشد و در این حالت به نظر مدیران از قدرت خود استفاده خواهند نمود و حداقل سود را بین سهامداران تقسیم می‌کنند و بیشتر به دنبال گسترش فعالیت‌های شرکت و کسب سودهای بیشتر و پایدارتر در بلندمدت خواهند بود. مدیران درباره سیاست تقسیم سود شرکت تصمیم می‌گیرند. این تصمیم یکی از مهم‌ترین تصمیم‌های مدیریت شرکت است؛ زیرا سیاست تقسیم سود همواره با سایر تصمیم‌های مالی شرکت در تعامل است. این یافته در راستای نظریه نمایندگی است، این نظریه فرض می‌کند، مدیران بر جریان‌های نقدی کنترل دارند، که به آن‌ها اجازه می‌دهد، به جای توزیع وجه نقد بین سهامداران، به دنبال منافع شخصی خود باشند. پرداخت سود به سهامداران، منابع تحت کنترل مدیران و بالتبع قدرت مدیر را کاهش می‌دهد. همچنین، احتمال نظارت بازار سرمایه را بر شرکت افزایش می‌دهد؛ بنابراین، مدیران ضعف مالی را ترجیح می‌دهند و با احتمال کمتری سود تقسیمی پرداخت می‌کنند.

از طرفی نتایج پژوهش حاکی از اثر تعدیلی نوسانات جریان نقدی بر ارتباط بین قدرت مدیرعامل و تقسیم سود داشت و ارتباط نیز مثبت و معنادار می‌باشد. بدان معنا که اثر منفی بین دو متغیر را به‌گونه‌ای مثبت تعدیل می‌نماید. تصمیم‌های شرکت درباره‌ی افزایش، کاهش و حفظ سود تقسیمی، وضعیت نقدینگی موجود شرکت را نشان می‌دهد. بنابراین به نظر می‌رسد که جریان‌های نقدی، شاخص بااهمیتی در تعیین تغییرات سود تقسیمی است. این یافته در راستای نظریه‌ی سلسله مراتبی الگوهای تامین مالی می‌باشد که برای اولین بار توسط مایرز عنوان شده است. بر این اساس شرکت‌ها منابع تامین مالی داخلی را ترجیح می‌دهند. یک نسبت تقسیم سود هدف با توجه به موقعیت‌های سرمایه‌گذاری انتخاب شده و از تغییرات یک‌باره در سود تقسیمی اجتناب می‌شود.

با توجه به تایید فرضیه‌ی اول و دوم پژوهش که نشان از وجود رابطه‌ی معناداری بین قدرت مدیرعامل و تقسیم سود دارد، و منفی بودن رابطه‌ی فوق، لذا در این شرکت‌ها به منافع کوتاه‌مدت کمتر توجه شده و بیشتر به دنبال منافع بلندمدت و پایدار می‌باشند، از این منظر حقوق سهامدارن خرد کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و بنابراین پیشنهاد می‌گردد که سرمایه‌گذاران بالقوه در صورتی که قصد خرید و فروش سهام این شرکت‌ها را در کوتاه مدت دارند، این شرکت‌ها مناسب سرمایه‌گذاری برای آن‌ها نمی‌باشند ولی در صورتی که قصد نگهداری سهام را دارند، سرمایه‌گذاری در آن‌ها مطلوب خواهد بود. هم‌چنین، نتیجه این پژوهش می‌تواند شواهدی از تأثیرگذاری قدرت مدیرعامل را برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان فراهم نماید تا هنگام اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری خود به رابطه متغیرهای مذکور توجه نمایند.

به سهامداران توصیه می‌شود در صورت تمایل به دریافت سود تقسیمی بیش‌تر، در شرکت‌هایی که مدیرعامل آن‌ها از قدرت بیش‌تری برخوردار هستند، و هم‌چنین، نوسان بالای جریان وجه نقد دارند به‌صورت بلندمدت سرمایه‌گذاری نکنند. پیرو پیشنهاد مذکور و به دلیل محدودیت در وجود بانک‌های اطلاعاتی قابل‌اعتماد، به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود، سازوکاری اتخاذ کند، تا شرکت‌ها اطلاعاتی را در رابطه با مدیران خود ارائه دهند. از آن‌جاکه اقدامات مدیران قدرتمند می‌تواند به منافع سهامداران آسیب برساند؛ بنابراین مالکان باید ابزارهای مؤثرتری را برای مدیریت منظم اتخاذ کنند. برای مثال، تنظیم دقیق منافع مالکان و مدیران به چند روش مؤثر، مثل افزایش پاداش به مدیران اجرایی مطابق با ثروت و دارایی مالکان. دومین روش، تقویت کنترل مدیران از طریق هیئت‌مدیره غیرموظف است. در نهایت، به سیاست‌گذاران و ناظران، پیشنهاد می‌شود که از این نتایج برای بهبود رویکردهای توسعه خط مشی مربوط به تعدیل قدرت مدیریتی استفاده کنند تا بتوانند اقدامات نادرست مدیران اجرایی را تعدیل کنند.

منابع

- امین عشایری، آسو (۱۴۰۰). رابطه بین قدرت مدیر عامل و ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌های بورسی، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری. ۷۹: ۴۵-۶۹.
- توکلی، الناز و جعفری دهکردی، حمیدرضا. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر نوسانات جریان نقدی و استفاده از بدهی در سررسیدهای متفاوت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، ۵(۳): ۲۳۴-۲۵۰.
- رحمانیان کوشکی، عبدالرسول و کر، رابعه. (۱۴۰۲). رابطه بین عملکرد پایداری شرکت و سیاست تقسیم سود با توجه به نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی و مالکیت نهادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۲۲: ۶۸-۴۱.
- زمانی‌راد، محمد (۱۳۹۲). تحلیل عوامل مؤثر بر میزان دست‌کاری فعالیت‌های واقعی (مدیریت واقعی سود). پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی، مشهد.
- صراف، فاطمه و خجسته اهوازی، منصور. (۱۴۰۱). اثرات درماندگی مالی، سیاست تقسیم سود و نسبت بدهی به ارزش ویژه بر ارزش شرکت، چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۵(۷۴): ۱۰۴-۱۱۶.
- عباسی، صفورا و غلامی جمکرانی، رضا. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر شفافیت سود بر سیاست پرداخت سود سهام، مطالعات اخلاق و رفتار در حسابداری و حسابرسی، ۲: ۱۱۰-۹۸.

- قاسمی حسین آبادی، مریم و نمازیان، علی و عزیززی، صدیقه (۱۴۰۲). توانایی مدیرعامل و سیاست تقسیم سود، نهمین کنفرانس بین‌المللی علوم مدیریت و حسابداری، تهران.
- محمدزاده، محمد و فلاح، رضا. (۱۴۰۲). بررسی رابطه بین انعطاف‌پذیری مالی و سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۸۹: ۴۶۷-۴۸۰.
- یاری، فرانک و فتحی ارطه، کیوان. (۱۳۹۵). تأثیر قدرت تصمیم‌گیری مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، ۲(۲): ۲۸۵-۳۰۰.

- Al-Hiyari. A, Chakib Kolsi. M, Lutfi. A, Shakkour. A. S, aljumah. A. I.(2023). Information asymmetry and dividend payout in an emerging market: Does corporate governance quality matter? *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 10(1): 100188-1002013.
- Chang,K, Kang,E, Li.Y. (2015). Effect of institutional ownership on dividends: An agency-theory-based analysis, *Journal of Business Research*.14:1-9.
- De Miguel, A., Pindado, J., De La Torre, C.(2004). Ownership structure and firm value: new evidence from Spain. *Strat. Manag. J.* 25 (12):1199–1207.
- Denis, D.J., Sibilkov, V. (2010). Financial constraints, investment, and the value of cash holdigs. *Review of Financial Studies*, 23(1), 247-269.
- Fama, E.F., French, K.R. (2004). New lists: Fundamentals and survival rates. *Journal of Financial Economics*, 73(2), 229-269.
- Jing, D. (2005). *Cash flow volatility and dividend policy*. Thesis for Master of Science, University of Singapore.
- Sheikh, S.(2023). CEO power and the likelihood of paying dividends: Effect of profitability and cash flow volatility, *Journal of Corporate Finance*, 73: 12-28.
- Yeo. H. J.(2018). Role of free cash flows in making investment and dividend decisions: The case of the shipping industry, *The Asian Journal of Shipping and Logistics*, 34(2): 113-118.



Paper type: Research Article
(Selected article of the 3rd International and 21st National Accounting Conference of Iran)

Effect of Internal Controls and Internal Auditors on Sustainability Reporting Assurance

Vahid Mennati^{1*}, Hamed Dadkhah²

Received: 2023/10/12

Accepted: 2023/12/26

Abstract

Sustainability reporting is a fundamental process that is related to the financial performance and market value of organizations. In this process, there are problems that hinder the efficiency and capacity of the organization to provide accurate, reliable and coherent non-financial information to the stakeholders. In response to these barriers, internal controls increase operational efficiency and improve compliance levels. They also increase the reliability of the reports that organizations produce and disclose, and help stakeholders to accurately assess and monitor the organization's sustainability. In this regard, the consulting services of internal auditors for proper risk management and their assurance services regarding compliance with sustainability laws and regulations have been considered. For this reason, examining the effect of internal controls and the role of internal auditors in supporting reporting and sustainability strategy is a controversial and important issue. The purpose of this research was to review the literature and achieve a correct understanding of research related to sustainability, internal controls and internal audit. A comprehensive review of the existing literature was presented in the form of a written report and using the library method. The details of this study are useful for accounting and auditing experts and generally increase readers' understanding of this topic.

Keywords: Sustainability reporting, Internal controls, Internal audit, Assurance.



[10.71600/JACGR.2024](https://doi.org/10.71600/JACGR.2024)



¹ . Assistant Prof, Accounting Department, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

*Corresponding Author: v_menati@sbu.ac.ir

² . MSc. Student in Auditing, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.



نوع مقاله: پژوهشی

(مقاله منتخب سومین همایش بین‌المللی و بیست و یکمین همایش ملی حسابداری ایران)

تأثیر کنترل‌های داخلی و حساب‌برسان داخلی در اطمینان بخشی نسبت به گزارشگری پایداری

وحید منتی^۱، حامد دادخواه^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

چکیده

گزارشگری پایداری، فرآیندی اساسی است که با عملکرد مالی و ارزش بازار سازمان‌ها مرتبط است. در این فرآیند، مشکلاتی وجود دارند که مانع کارایی و ظرفیت سازمان، برای ارائه اطلاعات غیرمالی دقیق، قابل اعتماد و منسجم به ذینفعان می‌شوند. در واکنش به این موانع، کنترل‌های داخلی کارایی عملیات را افزایش می‌دهند و سطح رعایت مقررات را بهبود می‌بخشند. همچنین قابلیت اطمینان گزارش‌هایی را که سازمان‌ها تولید و افشا می‌کنند، افزایش می‌دهند و به ذینفعان کمک می‌کنند تا پایداری سازمان را به‌طور دقیق، ارزیابی و نظارت کنند. در همین راستا، خدمات مشاوره‌ای حساب‌برسان داخلی برای مدیریت ریسک مناسب و خدمات اطمینان بخشی آنها درباره پیروی از قوانین و مقررات پایداری، مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل بررسی تأثیر کنترل‌های داخلی و نقش حساب‌برسان داخلی در حمایت از گزارشگری و راهبرد پایداری، موضوع مورد مناقشه و مهمی است. هدف پژوهش حاضر، بررسی ادبیات و دستیابی به درک درستی از پژوهش‌های مرتبط با پایداری، کنترل‌های داخلی و حسابداری داخلی است. در قالب یک گزارش مکتوب و با استفاده از روش کتابخانه‌ای، مروری جامع از ادبیات موجود ارائه شده است. جزئیات این مطالعه برای کارشناسان حسابداری و حسابداری مفید است و به‌طور کلی درک خوانندگان را نسبت به این موضوع افزایش می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: گزارشگری پایداری، کنترل‌های داخلی، حسابداری داخلی، اطمینان بخشی.



10.71600/JACGR.2024.



استناد: منتی، وحید و دادخواه، حامد (۱۴۰۳). تأثیر کنترل‌های داخلی و حساب‌برسان داخلی در اطمینان بخشی نسبت به گزارشگری پایداری. پژوهش های حسابداری و راهبری شرکتی، ۳(۷)، ۶۷-۴۷.

۱. استادیار گروه حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. *نویسنده مسئول: v_menati@sbu.ac.ir

مقدمه

کمبود منابع اولیه، تخریب محیط‌زیست و بی‌عدالتی اجتماعی، باعث نگرانی جامعه و اقتصاد پایدارتر شده است (الس و همکاران^۱، ۲۰۲۲؛ هیگینز و همکاران^۲، ۲۰۲۰). پایداری شرکتی به اولیوی راهبردی برای بسیاری از سازمان‌ها در سراسر جهان تبدیل شده است (جونز و همکاران^۳، ۲۰۱۰). ذینفعان به‌طور فزاینده‌ای خواهان پاسخگویی، شفافیت و مشارکت خود در جامعه پایدار هستند (کوپر و اوون^۴، ۲۰۰۷). از طریق گزارش پایداری، سازمان‌ها عقاید، فعالیت‌ها و عملکرد خود را درباره اهداف توسعه پایدار^۵ به اشتراک می‌گذارند (جوزف^۶، ۲۰۱۲). فراخوان‌ها برای تحول اجتماعی به سمت پایداری، تصمیم‌گیرندگان سازمانی را ترغیب می‌کند گزارش پایداری را بهبود بخشند و جهشی بزرگ برای رفتار پایداری واقعی ایجاد کنند (ژانگ و همکاران^۷، ۲۰۲۰؛ تامسون و الحرام^۸، ۲۰۱۹).

در سال‌های اخیر، علاقه فزاینده‌ای به شیوه‌های گزارشگری پایداری در میان دانشگاهیان، کارشناسان و سیاست‌گذاران ایجاد شده است. هرچند این شواهد در کشورهای در حال توسعه کمتر است (تارینگانا^۹، ۲۰۲۱). گزارش پایداری بستری را برای ارائه اطلاعات عملکرد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به ذینفعان مختلف فراهم می‌کند. برخلاف گزارشگری مالی سنتی که تنها اطلاعات مربوط به عملکرد مالی را ارائه می‌کند؛ گزارشگری پایداری یکی از سازوکارهای ارتقای پاسخگویی، در استفاده از منابع طبیعی است (دی ویلیرز و شارما^{۱۰}، ۲۰۲۰).

سازمان‌های مختلف به دنبال فشار روبه‌رشدی برای مدیریت ریسک، فرصت‌های پایداری و گزارش عمومی هستند. خواسته‌های ذینفعان داخلی و خارجی از سازمان‌ها، برای در نظر گرفتن آثار طیف گسترده‌ای از مسائل، مانند تغییرات آب‌وهوا، محرک‌های نامشهود ارزش شرکت، تنوع زیستی و عدالت اجتماعی، ایجاد ارزش و موفقیت سازمانی را دوباره تعریف می‌کند. به‌طور فزاینده‌ای کانون توجه بر مرحله مهمی که قبل از صدور گزارش پایداری می‌آید متمرکز می‌شود. این مرحله، همسویی نحوه مدیریت ریسک و نحوه گزارشگری ریسک است. این موضوع باعث شده است که مفاهیم تفکر یکپارچه و گزارشگری یکپارچه، به‌طور فزاینده‌ای مربوط‌تر شوند. به‌ویژه زمانی که سازمان‌ها در تلاش برای موفقیت به روشی اخلاقی و شفاف هستند. بخش مهمی از موفقیت سازمانی، به شناخت جامع از مدیریت اثربخش ریسک و واحد حسابرسی داخلی برای ترکیب خدمات اطمینان بخشی و مشاوره‌ای واقع‌بینانه و مستقل در مورد کارایی فرآیندها و کنترل ریسک، وابسته است (انجمن حسابرسان داخلی آمریکا^{۱۱}، ۲۰۲۲).

تمرکز این مقاله، نشان دادن این است که چگونه تفکر و گزارش یکپارچه، کنترل داخلی اثربخش، مدیریت ریسک سازمانی^{۱۲} و اطمینان بخشی مستقل ارائه‌شده توسط حسابرسان داخلی، می‌تواند به سازمان‌ها در دستیابی به اهداف پایداری و برآورده کردن انتظارات ذینفعان کمک کند و آنها را در یک راستا قرار دهد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

ضرورت تهیه گزارش پایداری

با گسترش روزافزون نیازهای اطلاعاتی درباره عملیات واحدهای تجاری، ارائه صورت‌های مالی به روش سنتی پاسخگوی همه نیازهای استفاده‌کنندگان نیست (دیلویت^{۱۳}، ۲۰۱۲). گزارشگری مالی سنتی نه‌تنها اطلاعات کاملی را برای پاسخگویی فعالیت‌های

-
1. Else & et all
 2. Higgins & et all
 3. Jones & et all
 4. Cooper & Owen
 5. Sustainable Development Goals (SDGs)
 6. Joseph
 7. Zhang & et all
 8. Thomson & El-Haram
 9. Tauringana
 10. De Villiers & Sharma
 11. Institute of Internal Auditors (IIA)
 12. Enterprise Risk Management (ERM)
 13. Deloitte

تجاری در اختیار نمی‌گذارد، بلکه از ارائه کافی و مناسب عملکرد اقتصادی و ارزش تجاری سازمان نیز ناتوان است. به عبارت دیگر، با گسترش فعالیت‌های تجاری در جهان، استفاده از سیستم‌های حسابداری سنتی امروزی، امکان اندازه‌گیری و سنجش آثار خارجی عملیات سازمان را دشوار کرده است (کریستنسن^۱، ۲۰۱۵). سیستم‌های حسابداری سنتی، عملکرد سازمان را از جنبه‌های خاص ارزیابی می‌کنند و دربرگیرنده آثار محیطی و اجتماعی سازمان‌ها نیست. راه‌حل مهم و صحیح برای تأمین این نیازها، ارائه گزارشگری پایداری است (لیز و همکاران^۲، ۲۰۱۵).

گزارش پایداری، گزارشی سازمانی است که اطلاعاتی درباره عملکرد اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیت شرکتی را در اختیار می‌گذارد. افشای اطلاعات پایداری شرکت‌ها با هدف افزایش شفافیت، ارتقای ارزش برند، حسن شهرت و مشروعیت، توانایی بهینه‌کاو در برابر رقبا، علامت‌دهی رقابت‌پذیری، انگیزش کارکنان و حمایت از فرآیندهای کنترل و اطلاعات شرکت صورت می‌گیرد (هرزیگ و شالتگر^۳، ۲۰۱۶). امروزه اهمیت مفهوم پایداری با توجه به ابعاد مختلف آن، به اندازه‌ای است که سازمان‌ها و نهادهای زیادی در سطح جهان به این موضوع توجه دارند. برای نمونه، فدراسیون بین‌المللی حسابداران^۴ در نشست‌های اعضای خود به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته و حتی چارچوب نظری نیز برای مفهوم پایداری تعریف کرده است؛ بنابراین طراحی گزارشگری پایداری شرکت‌ها، اهمیت دارد (ریمباخ و همکاران^۵، ۲۰۱۷).

نظریه مشروعیت^۶ یکی از نظریه‌هایی است که گزارشگری پایداری را توجیه و تبیین می‌کند (عزیزالاسلام و دیگران^۷، ۲۰۰۸)؛ مانند رابطه مالک و مدیر در نظر نمایندگی، نظریه مشروعیت ارتباط بین سازمان و جامعه را توضیح می‌دهد و به این موضوع می‌پردازد که سازمان‌ها با رعایت استانداردهای اجتماعی، به دنبال کسب اعتبار هستند. با توجه به اینکه جامعه به سازمان، اجازه استفاده از منابع اجتماعی و زیست‌محیطی را داده است، سازمان باید با دقت و به شکل صحیح از آنها استفاده کند. انتظار می‌رود گزارش پایداری، پیش‌نیازی برای ادعای مشروعیت سازمان باشد. در واقع این موضوع، توجیه گسترده‌تری برای سازمان‌هایی که داده‌های مرتبط با پایداری را افشا می‌کنند، فراهم می‌کند. سازمان‌ها تحت فشار قرار می‌گیرند تا از نظر اجتماعی، مسئولانه رفتار کنند و افشای پایداری پاسخی به این فشارها است (هان و کانن^۸، ۲۰۱۳). در این زمینه، هومل و شلیک^۹ (۲۰۱۶) در پژوهش خود اذعان داشتند سازمان‌های پایدار که حداقل تأثیر منفی یا تأثیر احتمالی مثبتی بر محیط، جامعه، اقتصاد جهانی یا محلی دارند، گزارشگری با کیفیت بالا از پایداری را برای نشان دادن عملکرد برتر بازار خود ارائه می‌کنند. علاوه بر این، بر اساس نظریه مشروعیت، سازمان‌های ناپایدار، افشای پایداری با کیفیت پایین را ارائه می‌کنند تا عملکرد واقعی خود را پنهان تا از طریق از خدشه به اعتبار خود پیشگیری کنند.

پایداری با نگاه به آینده و برآورده کردن نیازهای نسل فعلی و آینده است. در مفهومی گسترده، به این اشاره دارد که چگونه جامعه نگرانی‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را در طول زمان یکپارچه می‌کند (امین و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۲)؛ بوله‌گا و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۳).

در سال ۱۹۹۹، ال‌کینگتون^{۱۲} مدل پایداری ادغام شده با رویکرد «نتیجه سه‌گانه»^{۱۳} را با سه عنصر اصلی آثار اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی ارائه کرد (الشیبیلی و همکاران^{۱۴}، ۲۰۲۱). نتیجه سه‌گانه، چارچوب حسابداری متمرکز بر پایداری است که شامل عوامل اجتماعی، محیطی و اقتصادی است. واحدهای تجاری، سازمان‌های غیرانتفاعی و نهادهای دولتی، از نتیجه

1. Christensen

2. Lys & et all

3. Herzig & Schaltegger

4. International Federation of Accountants (IFAC)

5. Reimsbach & et all

6. Legitimacy Theory

7. Azizul Islam & Deegan

8. Hahn & Kühnen

9. Hummel & Schlick

10. Amin & et all

11. Boulhaga & et all

12. Elkington

13. Triple Bottom Line (TBL)

14. Alshbili & et all

سه‌گانه نه‌تنها برای ارزیابی عملکرد مالی، بلکه برای ارزش اقتصادی کل و آثار اجتماعی و زیست‌محیطی ایجاد شده توسط خودشان استفاده می‌کنند. نتیجه سه‌گانه به جای تمرکز بر روی نتایج مالی، نگرانی‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گسترده‌تری را در بر می‌گیرد تا به اندازه‌گیری چگونگی تأثیر سازمان بر کارکنان، جامعه و محیط پیرامون، به‌عنوان یک کل واحد کمک کند. این امر معمولاً با استفاده از سه «پی» اندازه‌گیری می‌شود: مردم (بازار محصولات شرکت)، سیاره (منبع مواد خام) و سود (ثروت سهامداران)^۱. (سلمی و الامر^۲، ۲۰۲۳؛ فام و تران^۳، ۲۰۲۰). ایده پشت نتیجه سه‌گانه، اندازه‌گیری سازمان به پایداری کسب‌وکار و مسئولیت اجتماعی است. سازمان‌های بزرگ بر بسیاری از جوامع و محیط‌زیست تأثیر می‌گذارند؛ بنابراین خواسته‌های عموم مردم افزایش پیدا می‌کند؛ زیرا اذهان عمومی بر این باورند که سازمان‌ها می‌توانند به زمین زندگی مردم کمک کنند. نتیجه سه‌گانه می‌تواند در ابتکارات محیطی، اجتماعی و حاکمیتی^۴ که بر اساس شیوه‌های اقتصادی پایدار و اخلاقی است، قابل بررسی باشد؛ بنابراین توسعه پایدار، مسائل مربوط به عملکرد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را متعادل می‌کند (بینگتون و لاریناگا^۵، ۲۰۱۴).

مکسیم و صالح^۶ (۲۰۱۴) در پژوهش خود بیان کردند افزایش مداوم در تخریب محیط زیست، سوء رفتار سازمان‌ها، کودکان کار و سایر مناقشه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، به فشارهای داخلی و خارجی بر سازمان‌ها، برای رویارویی با مسائل پایداری تبدیل شده است. فشارهای داخلی سرمایه‌گذاران، کارکنان، مشتریان و تأمین‌کنندگان و فشارهای خارجی ناشی از قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های داوطلبانه، سازمان‌ها را وادار کرده است که اهمیت مسائل پایداری را بپذیرند و به این مسائل به‌عنوان بخشی از مسئولیت‌های خود بپردازند؛ بنابراین، نیاز به ایجاد گزارش‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برای نشان دادن تعهد سازمان‌ها به انجام مسئولیت‌های خود در راستای توسعه پایدار ایجاد می‌شود. هاو و تالوار^۷ (۲۰۱۰) در پژوهش خود، چنین الزامی را به‌عنوان گزارش پایداری تعریف کردند که باید طبق استانداردهای جی‌آرای (ابتکار گزارشگری جهانی)^۸ تهیه شود.

جی‌آرای سازمانی مستقل و بین‌المللی است که به سازمان‌ها کمک می‌کند تا مسئولیت آثار خود را بر عهده بگیرند. این امر از طریق ارائه زبان مشترک جهانی برای برقراری ارتباط با این آثار میسر می‌شود. جی‌آرای محبوب‌ترین سازمان برای ارائه دستورالعمل‌های گزارشگری پایداری است. در سال ۲۰۱۶، جی‌آرای استانداردهای مربوطه را منتشر کرد و در سال ۲۰۱۸ اثربخش واقع شد. این به دلیل تمایل به داشتن گزارش‌های پایداری بود که نه‌تنها اخبار خوب، بلکه آثار منفی فعالیت‌های سازمان را نیز در برمی‌گرفت. پژوهشگران پیشین مانند چو و همکاران^۹ (۲۰۱۵) نشان دادند که شکاف بزرگی بین مسائل پایداری و اقدامات وجود دارد. به این معنی که گزارش‌های پایداری تهیه‌شده توسط سازمان‌ها، به‌طور کامل از دستورالعمل‌ها و استانداردهای جی‌آرای پیروی نمی‌کنند. با ظهور استانداردهای جی‌آرای در سال ۲۰۱۶، اگر سازمان‌ها بتوانند چنین استانداردهایی را به کار بگیرند، احتمال بهبود وضعیت وجود دارد. در حال حاضر، حرکتی از سوی بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی^{۱۰} برای توسعه استانداردهای گزارشگری پایداری وجود دارد که بر اساس فعالیت‌های سازمان‌های جهانی مانند جی‌آرای خواهد بود. متأسفانه حرکت بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر روی شیوه‌های گزارشگری پایداری، به جای جامعه‌محور بودن، سرمایه‌گذار محور هستند. چنین حرکتی احتمالاً وضعیت را بدتر خواهد کرد. هنگامی که استانداردهای فعلی جی‌آرای به‌طور کامل توسط سازمان‌ها پذیرفته شوند، این احتمال وجود دارد که سیاره زمین (منبع مواد خام)، مردم (بازار محصولات شرکت) و سود (ثروت سهامداران) به‌طور کامل توسط سازمان‌های مربوطه در نظر گرفته شوند. لازم به ذکر است همچنان تعدادی از مناقشه‌های مربوط به آب‌وهوا مانند خشکسالی‌های درازمدت، افزایش دما و افزایش آلودگی هوا، در اکثر نقاط جهان وجود دارند (سازمان جهانی هواشناسی^{۱۱}، ۲۰۲۱).

1. People, Planet and Profit
2. Selmeij & Elamer
3. Pham & Tran
4. Environmental, Social, and Governance (ESG)
5. Bebbington & Larrinaga
6. Mokthsim & Salleh
7. Haugh & Talwar
8. Global Reporting Initiative (GRI)
9. Cho & et all
10. International Financial Reporting Standards (IFRS)
11. World Meteorological Organization (WMO)

در پاسخ به بخشی از گرایش به سمت ذینفع‌محوری، مشروعیت و سرمایه شهرت، گزارشگری پایداری همچون مکملی برای سبب گزارشگری سازمانی پدیدار شد که عمدتاً بر سلامت مالی سازمان متمرکز است. بلوغ این موضوع در طول قرن بیستم از طریق درگیری‌ها، سقوط بازار و رسوایی‌های حسابداری شکل گرفت (آبرناتی و همکاران^۱، ۲۰۱۷؛ شوپ و هافنر^۲، ۲۰۱۵). با افزایش قابل توجه سرمایه‌گذاران و توجه عموم مردم به عملکرد غیرمالی، گزارش در مورد چنین عملکردی، به طور قابل توجهی مطالبه و به رویه استاندارد برای سازمان‌های چند ملیتی، در واکنش به افزایش تقاضای سهامداران تبدیل شده است (کی‌بی‌ام‌جی^۳، ۲۰۲۰). در چند دهه اخیر، آگاهی عمومی در مورد تأثیر سازمان‌ها نسبت به مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی افزایش یافته است. در سطح جهانی، همان‌طور که اقتصاد جهانی به طور روبه‌رشدی یکدست می‌شود، سازمان‌ها با فشار بیشتری برای افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی مواجه می‌شوند؛ بنابراین، اطلاعات ارائه‌شده توسط سازمان‌ها در گزارش‌های سالانه، توجه زیادی را در بین قانون‌گذاران و فعالان بازار در سراسر جهان به خود جلب کرده است. طبق نظر ویوو^۴ (۲۰۱۲)، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان صرفاً تمایل به ارزیابی نقدینگی، سودآوری و شرایط مالی سازمان ندارند و علاقمند به افشای اطلاعات کارکنان و مسئولیت اجتماعی هستند؛ زیرا تحقق این امر، آنها را برای تصمیم‌گیری مناسب راهنمایی می‌کند. به همین دلیل گزارشگری پایداری به جنبه‌ای ضروری از جامعه تجاری تبدیل شده است. به این ترتیب، ضرورت تهیه گزارش پایداری آشکار شد و سازمان‌ها علاقه فزاینده‌ای به گزارش ابتکارات اجتماعی و زیست‌محیطی نشان دادند (بهاسین و همکاران^۵، ۲۰۱۲).

امروزه به دلیل افزایش تقاضا برای پاسخگویی در رابطه با فعالیت سازمان و آثار آن بر جامعه، قوانین و مقرراتی برای نحوه گزارشگری پایداری سازمان‌ها تدوین می‌شود. در ایران نیز طبق قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه (۱۳۹۶)، به ثبات و پایداری تجاری و ارتقای شفافیت نظام مالی تأکید شده است. یکی از معیارهای پایداری یک برنامه یا فعالیت، سازگاری با محیط زیست و ذی‌حق دانستن اجتماعی است که در ماده ۲ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، موضوعات خاص راهبردی در مورد مسائل پایداری مطرح شده است.

در کشور ایران با وجود منابع طبیعی سرشار و محیط زیست متنوع و نیز علی‌رغم تأکید بر ارائه گزارش‌های آثار مرتبط با محیط زیست و اجتماع، هنوز بسیاری از سازمان‌ها به مسئله پایداری شرکتی توجه نکرده و درک مناسبی از ابعاد آن نداشته و برای اجرا و افشای آن اقدامی انجام نداده‌اند (اخترشناس و همکاران، ۱۳۹۹). علی‌رغم تأکید بر افشای اطلاعات مالی و غیرمالی و اثربخش بودن این اطلاعات در تصمیم‌گیری ذینفعان، نتایج پژوهش‌های فخاری و همکاران (۱۳۹۶) و حساس‌یگانه و همکاران (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نسبت به افشای مناسب اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی غفلت نموده‌اند. عدم اجرا و عدم افشای پایداری شرکتی می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد. بورس‌ها می‌توانند با توجه به مسائل پایداری در راهبردها و رویه‌های کسب‌وکار و نیز تشویق شرکت‌های پذیرفته‌شده به سرمایه‌گذاری در توسعه پایدار، به اهداف اقتصادی و اجتماعی خود نائل آیند. علاوه بر این، امروزه بورس‌ها به شرکت‌های پذیرفته‌شده خود کمک می‌کنند تا بهترین رویه‌ها را در حوزه مسائل پایداری اتخاذ کنند و نتایج عملکرد خود را گزارش کنند. در همین راستا، در ایران، ماده ۳۹ دستورالعمل حاکمیت شرکتی ناشران ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار (ابلاغی در اواخر آذرماه ۱۴۰۱) بیان می‌کند: «شرکت باید با رویکرد توسعه پایدار و ایجاد سازوکاری برای سنجش و ارزیابی توان ایجاد ارزش در کوتاه‌مدت و بلندمدت، اطلاعات لازم در زمینه مسائل مالی، اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی را در پایگاه اینترنتی خود ارائه نماید. همچنین شرکت باید در گزارش تفسیری و گزارش فعالیت هیئت‌مدیره خود در یک سرفصل مشخص به‌طور جداگانه تحت عنوان گزارش پایداری به افشای مخارج صورت گرفته در این خصوص بپردازد و در مجمع عمومی عادی به صاحبان سهام ارائه نماید».

لازم به ذکر است در ماده ۴۰ این دستورالعمل، به ابعاد افشای گزارش پایداری شرکت پرداخته شده است. این موارد عبارت‌اند از:

1. Abernathy & et all
2. Tschopp & Huefner
3. KPMG
4. Wibowo
5. Bhasin & et all

- بعد محیط زیست نظیر میزان ذخیره و کاهش مصرف انرژی، اقدامات برای کاهش آثار مخرب تنوع زیستی، رعایت مسائل زیست‌محیطی از دید مشتریان، تفکیک ضایعات و نحوه برخورد با آنها؛
- بعد مسئولیت اجتماعی نظیر کمک‌های عام‌المنفعه، دریافت گواهینامه‌های بهداشت و سلامت کارکنان، رعایت حقوق مصرف‌کنندگان، ساعات آموزش کارکنان، مشتری مداری؛
- بعد اقتصادی نظیر عملکرد اقتصادی، سهم بازار محصول، شاخص‌های بهره‌وری تولید و رشد شرکت

موضوعات بالا در نمونه گزارش‌های فعالیت هیئت‌مدیره و تفسیری ناشران در مردادماه ۱۴۰۲ توسط سازمان بورس از طریق سامانه اطلاع‌رسانی کدال، اطلاع‌رسانی و ابلاغ شده است.

با هدف مرور کلی و جمع‌بندی این مؤلفه‌ها از چک‌لیست ارائه شده توسط یوهان و همکاران^۱ (۲۰۱۷) در نگاره (۱)، چک‌لیست ارزیابی گزارشگری پایداری ارائه شده است:

نگاره ۱. چک‌لیست ارزیابی گزارشگری پایداری

مؤلفه	مؤلفه شاخص‌ها (اقدامات قابل انجام در حوزه مسئولیت اجتماعی)
اجتماعی	سرمایه‌گذاری اجتماعی، حمایت از فعالیت‌های جامعه، هدایا و خدمات خیریه، اقدامات قانونی/دعاوی حقوقی، فعالیت‌های مذهبی/فرهنگی
زیست‌محیطی	کنترل آلودگی، جلوگیری از خسارات زیست‌محیطی، بازیافت یا جلوگیری از ضایعات، حفظ منابع طبیعی، تحقیق و توسعه، سیاست زیست‌محیطی
اقتصادی	توسعه محصول/سهم بازار، کیفیت محصول، توقف تولید سایر محصولات و خدمات، تعداد کارکنان، حقوق ماهانه/پاداش نقدی و مزایا، سهام تحت تملک کارکنان، بازنشستگی و مزایای پایان خدمت، سلامتی و ایمنی در محیط کار، برنامه‌های آموزش و توسعه کارکنان، ورزشی و رفاهی، وام یا بیمه کارکنان، روحیه و ارتباطات کارکنان، سلامتی و ایمنی در محیط کار، سلامتی مشتریان، شکایات/رضایت‌مندی مشتریان، سیاست پرداخت دیرتر برای مشتریان خاص، تدارک تسهیلات و خدمات پس از فروش، پاسخگویی به مشتریان

منبع: یوهان و همکاران (۲۰۱۷)

پایداری، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی

گزارش خطرهای جهانی مجمع جهانی اقتصاد، خطرهای مهمی را که جهان با آن مواجه است برجسته می‌کند. نسخه شانزدهم این گزارش که در سال ۲۰۲۱ منتشر شد، تغییرات دور از انتظار و نامساعد شرایط آب‌وهوایی، شکست اقدامات اقلیمی و آسیب‌های زیست‌محیطی انسانی (همگی به عنوان «محیط‌زیست» طبقه‌بندی شده‌اند) به عنوان سه خطر اصلی بر اساس احتمال نام برد. بیماری‌های عفونی (اجتماعی) و سلاح‌های کشتار جمعی (ژئوپلیتیک)، از دست دادن تنوع زیستی، بحران معیشتی و بحران منابع طبیعی نیز در این فهرست قرار دارند و خطرهای اجتماعی و زیست‌محیطی را در صدر فهرست اولویت‌های جهانی قرار می‌دهند. در این گزارش اشاره شده است که بی‌توجهی به این خطرها می‌تواند ثبات مالی سازمان را ناپایدار کند (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۲۱).

طبق گزارش هیئت ثبات مالی، زیان‌های اقتصادی بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۹ به علت فجایع مربوط به آب‌وهوا، به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. این زیان‌ها در دوره ۱۹۸۰-۱۹۸۹، در کل به مبلغ ۲۱۴ میلیارد دلار ثبت شده است. در حالی که در دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۹ با بیش از هفت برابر جهش به مبلغ ۱۶۱۸ میلیارد دلار رسیده است (هیئت ثبات مالی، ۲۰۲۰). علاوه بر این، جرمه‌های سنگین ناشی از بلایای اجتماعی و زیست‌محیطی ساخته شده به دست بشر و همچنین هزینه‌های ناشی پاکسازی و بازسازی نهاد، سازمان‌های ذی‌ربط را در وضعیت مالی نامساعدی قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال، فاجعه چرنوبیل اوکراین در اثر حادثه

1. Yuhan & et all

2. The World Economic Forum (WEF)

3. Financial Stability Board (FSB)

در نیروگاه هسته‌ای در حدود ۳۵ سال پیش، نه‌تنها حدود ۹۰۰۰ نفر را در معرض سرطان احتمالی مرتبط با تشعشعات قرار داد، بلکه خسارت‌های ناشی از آن نیز به مبلغ حدود ۲۳۵ میلیارد دلار برآورد شده است (انجمن حسابداران مالزی^۱، ۲۰۱۹). ریسک‌های پایداری، نیازمند برخورد مناسب هستند. در غیر این صورت باعث تضعیف پایداری شرکتی می‌شوند. نمونه‌های زیادی از تضعیف پایداری شرکتی به دلیل نبود کنترل‌های داخلی اثربخش وجود دارد. به‌عنوان مثال، شرکت فولکس‌واگن پس از اعتراف به نصب «دستگاه‌های شکست^۲» برای تقلب در آزمایش‌های آلایندگی، از شاخص‌های پایداری داو جونز^۳ حذف شد. دستگاه شکست، هر سخت‌افزار، نرم‌افزار یا طراحی وسیله نقلیه موتوری است که کنترل‌های آلاینده‌ها را تحت شرایط رانندگی در دنیای واقعی، غیرفعال می‌کند و حتی اگر وسیله نقلیه آزمایش رسمی آلایندگی را پشت سر بگذارد، آن را مشخص نمی‌کند. این اصطلاح در قانون هوای پاک ایالات‌متحده و مقررات اتحادیه اروپا برای توصیف هر چیزی که از کارکرد سیستم کنترل انتشار گازهای گلخانه‌ای جلوگیری می‌کند، آمده است. همچنین برای نیروگاه‌ها یا سایر منابع آلودگی هوا، مانند خودروها، کاربرد دارد (لای و همکاران^۴، ۲۰۱۷).

رسوایی آلایندگی فولکس‌واگن که با نام «دیزل‌گیت^۵» نیز شناخته می‌شود، در سپتامبر ۲۰۱۵ آغاز شد. زمانی که آژانس حفاظت از محیط زیست ایالات‌متحده، اخطاریه‌ای مبنی بر نقض قانون هوای پاک به گروه خودروساز آلمانی فولکس‌واگن صادر نمود. دیزل‌گیت فولکس‌واگن نمونه‌ای از کاهش و تضعیف پایداری شرکت‌ها به دلیل نبود کنترل داخلی برای رعایت قوانین زیست‌محیطی است (تان و همکاران^۶، ۲۰۲۰).

کمیته سازمان‌های حامی کمیسیون تردوی (کوزو)^۷ مجموعه‌ای از مطالعات را در مورد چگونگی پیاده‌سازی سیستم‌های کنترل داخلی اثربخش آماده کرد. این سازمان از استفاده از مدیریت ریسک سازمانی، رویکردی سیستماتیک و جهانی برای تعیین راهبردها و ارزیابی ریسک‌ها در محیط شرکت حمایت می‌کند. کوزو در خصوص پایداری، بیانیه‌ای با عنوان «ابهام‌زدایی از ریسک پایداری: ادغام نتیجه سه‌گانه در سیستم مدیریت ریسک سازمانی» صادر نمود. مفهوم این است که شرکت‌ها باید پایداری را به‌عنوان بخشی از فرآیند برنامه‌ریزی مدیریت ریسک سازمانی و اهداف پایداری باید به‌عنوان بخشی از تعیین هدف و فرآیند حسابرسی گنجانده شود. این سازمان با بحث در مورد اینکه چگونه اهداف پایداری به شرکت ارزش می‌افزاید (با افزودن ارزش نامشهود که توسط ذینفعان و سهامداران درک می‌شود) شروع می‌شود. این مقدار نامشهود به‌عنوان نتیجه سه‌گانه نامیده می‌شود که در بخش قبل به آن اشاره شد. مدیریت ریسک سازمانی فرآیندی هشت مرحله‌ای شامل ارزیابی محیط داخلی، تعیین هدف، شناسایی ریسک، ارزیابی ریسک، مقابله با ریسک، فعالیت‌های کنترلی، اطلاعات و ارتباطات و نظارت است. بیانیه کوزو فرآیند مدیریت ریسک سازمانی را در این هشت مرحله معرفی می‌کند و چگونگی ادغام پایداری و اهداف اجتماعی را در فرآیند مدیریت ریسک سازمانی توضیح می‌دهد. در این بخش خلاصه‌ای از بیانیه کوزو و پژوهش کینکالا^۸ (۲۰۱۴) ارائه می‌شود:

مرحله اول: محیط داخلی

اولین گام در فرآیند مدیریت ریسک سازمانی، بررسی محیط داخلی شرکت، درک نقاط قوت و ضعف منابع فعلی شرکت است. هنگامی که درک محیط داخلی به دست آمد، شرکت می‌تواند تحمل ریسک و ریسک‌پذیری را شناسایی کند و به طور خاص به فرصت‌ها و ریسک‌های مرتبط با اهداف اجتماعی و پایداری نگاه کند. تحمل ریسک و ریسک‌پذیری توسط هیئت‌مدیره شرکت تعیین می‌شود. مدیران اجرایی باید ریسک‌پذیری‌هایی را که توسط هیئت‌مدیره تعیین می‌شود، درک کنند و هنگام درگیر شدن در عملیات روزمره شرکت، باید به این ریسک‌ها پایبند باشند.

1. Malaysian Institute of Accountants (MIA)

2. defeat devices

3. The Dow Jones Sustainability Indices (DJSI)

4. Lai & et all

5. Dieselgate

6. Tan & et all

7. Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission (COSO)

8. Kinkela

محیط داخلی، منعکس‌کننده لحن شرکت و نحوه در نظر گرفتن مدیریت ریسک است. این موضوع زمینه را برای آنچه در ریسک‌پذیری شرکت و همچنین فعالیت‌ها و تصمیم‌های مرتبط تعریف شده است، تعیین می‌کند. ملاحظات محیط داخلی نباید صرفاً خلاصه‌ای از وضعیت موجود باشد، بلکه فرصتی برای همسوسازی و هدایت فعالانه شرکت است. محیط داخلی باید تحقق چشم‌انداز رهبری و آرمان‌های راهبردی باشد.

مرحله دوم: تعیین هدف

مرحله دوم مدیریت ریسک سازمانی تعیین هدف است. تعیین هدف برای اندازه‌گیری نتایج مطلوب، از جمله نتایج حسابرسی اجتماعی و پایداری، ضروری است. تعیین هدف باید با ملاحظاتی که در گام اول تعیین شده است، تبیین شود. بیانیه به جزئیات دقیقی از بخش تعیین هدف مدیریت ریسک سازمانی اشاره نمی‌کند.

همه برنامه‌های مدیریت ریسک سازمانی باید بر اساس اهداف سازمانی، به‌عنوان پس‌زمینه ملاحظات ریسک و فعالیت‌های مدیریتی شروع شوند. این با در نظر گرفتن اهداف پایداری تغییر نمی‌کند. گنجاندن ملاحظات پایداری، دامنه ریسک‌های احتمالی را که می‌تواند بر اهداف سازمانی تأثیر بگذارد، گسترش می‌دهد. همچنین می‌تواند برای همسو کردن مواجهه‌های احتمالی با ریسک‌پذیری و برجسته کردن ریسک‌های مرتبط با راهبردها مفید باشد.

مرحله سوم: شناسایی ریسک

شناسایی ریسک سومین مرحله از چرخه مدیریت ریسک سازمانی است. شناسایی ریسک، فرآیند انتخاب ریسک‌هایی است که بیشترین تأثیر را بر سیستم عملیاتی دارند. با این کار می‌توان شرکت را مطالعه کرد و مورد بررسی قرار داد. بیانیه پیشنهاد می‌کند تمام ریسک‌هایی که در گذشته توسط شرکت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند، باید با دیدگاهی خاص نسبت به تأثیر اجرای اهداف اجتماعی و پایداری، مورد بازنگری قرار گیرند. تجزیه و تحلیل اینکه آیا گام‌های اضافی مورد نیاز در فرآیند کلی برای دستیابی به اهداف اجتماعی و پایداری، ریسک بیشتری ایجاد می‌کند یا خیر، مهم است. در این مرحله می‌توان جایگزین‌های فرآیندها و روش‌های مختلف برای دستیابی به اهداف اجتماعی و پایداری را بررسی کرد.

هنگام در نظر گرفتن شناسایی ریسک به‌عنوان یک کل واحد، پایداری باید در درجه اول اهمیت قرار گیرد. به‌ویژه هنگام مقایسه ریسک‌ها و فرصت‌های پایداری در برابر طیف کامل ریسک‌ها و مشخصات خاص شرکت. در این سطح، پایداری می‌تواند تأثیر بالاتری داشته باشد که به دنبال آن، نحوه ارزیابی ریسک‌ها و فرصت‌ها مشخص می‌شود.

شرکت‌ها باید همه ریسک‌ها را در رابطه با مسائل احتمالی پایداری، اینکه چگونه این مسائل پایداری ممکن است بر سایر ریسک‌های موجود در شرکت تأثیر بگذارد، ارزیابی کنند. شناسایی ریسک باید یک فرآیند سیستماتیک برای تعیین اهمیت و اولویت باشد و پایداری باید در سطوح اندازه‌گیری ریسک و تأثیر گنجانده شود. ایده این است که با قرار دادن هرچه بیشتر اطلاعات در مورد اهداف اجتماعی و پایداری، فرآیند اندازه‌گیری را تا حد امکان مفید کنیم.

مرحله چهارم: ارزیابی ریسک

پس از تکمیل شناسایی ریسک، شرکت باید به دنبال ارزیابی احتمال و تأثیر ریسک بر فرآیند کلی باشد. این مرحله ارزیابی ریسک است. ارزیابی ریسک مستلزم بررسی ریسک‌های شناسایی شده در بررسی قبلی و تعیین احتمال رخداد ریسک و تأثیر ریسک در صورت رخداد آن است.

اتصال اهداف اجتماعی و پایداری با ریسک‌های مرتبط ضروری است؛ زیرا اهمیت ریسک‌ها مشخص می‌شود. اتصال ریسک‌ها به سایر اهداف و ریسک‌های عملیاتی می‌تواند برای فرآیند کلی مفید باشند. اندازه‌گیری دقیق تأثیر یک ریسک بر طرح‌های پایداری برای شرکت‌ها می‌تواند دشوار باشد. به‌عنوان مثال، شرکتی که با جامعه یا کارکنانش رفتار ضعیفی دارد، می‌تواند خود را در معرض ریسک‌های عملیاتی، مالی و اعتباری قرار دهد.

ارزیابی کامل ریسک، آثار گسترده ریسک‌های شناسایی شده را به‌عنوان یک نشانه اضافی از اهمیت در نظر می‌گیرد. از آنجایی که نگرانی‌های پایداری فراتر از آثار مالی است، بهتر است شرکت‌ها آثار جهت‌دار را نیز ارزیابی کنند. این‌ها ممکن است

شامل اقدامات یا فعالیت‌های تأثیر نهایی باشد که خود را به‌عنوان یک رویداد مجزا نشان نمی‌دهند؛ مانند نادیده گرفتن یک گروه از ذینفعان در حال ظهور و ریسک این که آن دسته از ذینفعان، بر احساسات مصرف‌کننده و درنهایت ارزش برند تأثیر بگذارند.

مرحله پنجم: مقابله با ریسک

هنگامی که ریسک شناسایی شد و ارزیابی ریسک با درک احتمال رخداد و احتمال آسیب بررسی شد، راهبرد مقابله با ریسک باید توسط مدیریت تدوین شود. مقابله با ریسک، تجزیه و تحلیل راه‌حل‌های احتمالی برای مشکلاتی است که ممکن است توسط ریسک ایجاد شود. مقابله با ریسک باید مسائل اجتماعی و پایداری را در نظر بگیرد. در نظر گرفتن تأثیر اهداف اجتماعی و پایداری می‌تواند برای تصمیم‌گیری در مورد ماهیت و اهمیت این مرحله مهم باشد. راه‌حل‌های اجتماعی مسئولیت‌پذیرانه ممکن است بیشترین سود را در بلندمدت داشته باشند. حتی اگر هزینه اولیه برای شرکت بیشتر باشد. انتخاب رویه‌های مناسب مقابله نیز می‌تواند برای درک عمومی از شرکت مهم باشد. مدیریت بحران برای ذینفعان شرکت مهم است و می‌تواند آثار مثبتی بر نحوه نگاه بازار به سازمان داشته باشد.

مرحله ششم: فعالیت‌های کنترلی

ششمین مرحله از فرآیند مدیریت ریسک سازمانی، ایجاد فعالیت‌های کنترلی است. ایجاد کنترل‌های داخلی اثربخش، تلاشی مشترک بین هیئت‌مدیره و مدیران اجرایی است. کنترل‌ها باید به‌عنوان شاخص موفقیت فرآیندها ایجاد شوند. علاوه بر این، مطالعه نتایج کنترل‌ها می‌تواند ظهور تهدیدهای بااهمیت احتمالی را هشدار دهند.

فعالیت‌های کنترلی نباید در خلأ تعریف شوند. هنگامی که کنترل‌های داخلی شناسایی و اجرا می‌شوند، برای اطمینان از اثربخشی کارکرد آنها، نیاز به اندازه‌گیری، نظارت و ارزیابی مستمر دارند. فرآیند حسابرسی داخلی، قبل از تعیین اهداف اجتماعی و پایداری، باید برای افزودن کنترل‌های مرتبط با فرآیند اجتماعی و پایداری، مورد بازنگری و تجدیدنظر قرار گیرد. این ارزیابی مجدد باید فرآیند کلی کنترل را قوی‌تر کند. واحد حسابرسی داخلی و سایر واحدهای نظارتی و کنترلی در شرکت، می‌توانند حسابرسی را برای ارزیابی اثربخشی شیوه‌های پایداری، شیوه‌نامه‌های ارتباطی و غیره انجام دهند. این حسابرسی‌ها، شرکت را توانمند می‌کند تا تجزیه و تحلیل مستقلی از طراحی و اثربخشی عملیاتی طرح‌های پایداری به دست آورد.

مرحله هفتم: اطلاعات و ارتباطات

هنگامی که فرآیندهای مذکور به پایان رسیدند، نتایج باید به تصمیم‌گیرندگان مناسب در سازمان اطلاع داده شود. ارتباط لازم است تا اجرای به موقع تغییرات انجام شود. اطلاعات و ارتباطات، عواملی ضروری برای مدیریت ریسک‌ها و فرصت‌ها هستند. نتیجه سه‌گانه با مدیریت شهرت شرکت مرتبط است. پاسخگویی هیئت‌مدیره و مدیران اجرایی شرکت در مورد مسائل پایداری از طریق نتیجه سه‌گانه، برای ذینفعان شرکت مهم است. ذینفعان، جامعه را تشکیل می‌دهند و پاسخگویی در مورد تلفیق شیوه‌های پایداری، برای ذینفعان مهم است. ذینفعان در اکوسیستم پایداری از شرکت‌ها انتظار دارند که نه تنها موفقیت‌های خود، بلکه شکست‌ها یا زمینه‌های بهبود را نیز به اشتراک بگذارند. این انتظار، ریسک شهرت را در کوتاه‌مدت ایجاد می‌کند. با این حال مزایای این ریسک در بلندمدت غلبه می‌کند. این مزایا عبارت‌اند از: اندازه‌گیری بهتر نتیجه سه‌گانه، اعتماد بیشتر ذینفعان، بهبود مدیریت ریسک و افزایش کارایی عملیاتی.

کوزو به شرکت‌ها در مورد مزایای شناسایی شاخص‌های کلیدی عملکرد^۱، به‌عنوان بخشی از فرآیند ارزیابی کلی ریسک، توصیه کرده است. کوزو راهنمایی در مورد استفاده از شاخص‌های کلیدی عملکرد را به‌عنوان مبنایی برای ارزیابی ریسک و اهداف راهبردی ارائه کرده است. شاخص‌های کلیدی عملکرد، عوامل ضروری در ارزیابی عملکرد عملیاتی هستند. بسیاری از مزایای آن، از فرآیندهای داخلی و کنترل‌هایی که شرکت‌ها برای کمک به جمع‌آوری، ذخیره و تجزیه و تحلیل شاخص‌های کلیدی عملکرد مالی و غیرمالی به کار می‌گیرند، به دست می‌آیند. برای مثال به دست آوردن داده‌های باکیفیت در زمان واقعی در مورد موضوعاتی

1. Key Performance Indicator (KPI)

مانند انتشار گازهای گلخانه‌ای، مصرف آب و فعالیت‌های زنجیره تأمین می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا قدرت تصمیم‌گیری را افزایش دهند و در عین حال ریسک‌ها را کاهش داده و فرصت‌ها را افزایش دهند.

شفافیت در عملیات یکی از مهم‌ترین مسائل شرکت‌ها است. از آنجایی که اهداف پایداری و گزارشگری، به هنجار تبدیل شده است، ذینفعان از شرکت‌ها در مورد اهداف اجتماعی و پایداری و زمان‌بندی‌های مربوطه، پاسخگویی بیشتری مطالبه دارند. ذینفعان می‌خواهند اهداف اجتماعی و پایداری و سطح دستاوردهای به‌دست‌آمده را درک کنند تا تعهد کلی شرکت و هیئت‌مدیره را برای دستیابی به اهداف اجتماعی و پایداری تعیین کنند.

مرحله هشتم: نظارت

ماهیت واقعی حسابرسی اجتماعی، در بخش نظارت بر فرآیند مدیریت ریسک سازمانی گنجانده شده است. سازمان باید برای اطمینان از دستیابی به اهداف خود، ماندن در آستانه تحمل ریسک و جلب رضایت ذینفعان، دائماً فعالیت‌های پایداری را نظارت و ارزیابی کند. سؤالاتی که شرکت‌ها باید به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های اندازه‌گیری، نظارت و ارزیابی از خود بپرسند عبارت‌اند از:

- آیا فعالیت‌ها و فرآیندها با راهبرد شرکت همسو هستند؟
- آیا آنها به‌گونه‌ای اجرا می‌شوند که شرکت را نسبت به دستیابی به اهداف راهبردی توانمند کند؟
- آیا فعالیت‌ها از نظر آگاهی و درک ریسک، ارزش افزوده دارند؟
- آیا آنها به‌اندازه کافی چابک هستند تا به تغییرات محیطی که در معرض ریسک بروز می‌کند پاسخ دهند؟

شرکت‌ها باید برای شفافیت در گزارشگری تلاش کنند و افشای کامل باید شامل حسابرسی اجتماعی و اهداف پایداری باشد. تقاضا برای شفافیت در برنامه‌های اجتماعی و پایداری توسط گروه‌های ذینفع، پایداری را بیش‌ازپیش برای توجه مهم می‌سازد. اهداف اجتماعی و پایداری را می‌توان با سیاست‌های موجود شرکت هماهنگ کرد. ادغام اهداف اجتماعی با سیاست‌های شرکت، گام مهمی برای ادغام کامل اهداف اجتماعی و پایداری در فرآیند کسب‌وکار است. به‌طور کلی، بیانیه کوزو شروع خوبی برای تجزیه و تحلیل و بحث در مورد گنجاندن اهداف اجتماعی و پایداری، در ساختار سیاست‌های راهبردی شرکت است. در آینده، کوزو می‌تواند با جزئیات بیشتری به فرآیند تعیین هدف پردازد. اهداف باید طوری تعیین شوند که هم اهداف عملیاتی و هم اهداف اجتماعی و پایداری مرتبط را شامل شود و راهنمایی‌های بیشتر کوزو در این زمینه مفید خواهد بود (کینکلا، ۲۰۱۴).

گزارش کوزو در سال ۱۹۹۲ نقطه عطفی را برای قوانین سیستم کنترل‌های داخلی ایجاد کرد. این چارچوب فلسفه جدیدی را برای کنترل‌های داخلی معرفی کرد (از رویکرد هرمی به دیدگاه مکعبی، به سمت فراگیر شدن بیشتر قوانین). نقطه عطف از این جهت که آنها تحمیل نمی‌شوند، بلکه توسط کل سازمان پیشنهاد و به اشتراک گذاشته می‌شوند. این مدل در سال ۲۰۰۴ توسط چارچوب دومی به نام «گزارش مدیریت ریسک سازمانی کوزو» به‌روزرسانی شد که سیستم کنترل‌های داخلی را در فرآیند مدیریت ریسک، بیشتر نمایان کرد. در سال ۲۰۱۳ نسخه به‌روز شده‌ای از مدلی که ساختار، اجزا و عملکردهای آن از طریق قوانین بیان شده، توسط ۱۷ اصل جدید تنظیم شد. در نهایت، در نسخه ۲۰۱۷، راهبرد و عملکرد یکپارچه‌سازی مدیریت ریسک سازمانی کوزو بر ریسک‌ها متمرکز شد و با زمینه نظارتی افشای مسئولیت اجتماعی ادغام شد (ترجمه و تلخیص بیانیه کوزو و کینکلا، ۲۰۱۴). چارچوب جدید به طراحی یک سیستم کنترل داخلی جدید برای بهبود عملکرد شرکت اختصاص داشت. این موضوع اهمیت ریسک‌ها را در فرآیند تعیین راهبرد و در هدایت عملکردها با در نظر گرفتن اهداف همه ذینفعان برجسته می‌کند.

مطابق با بیانیه کوزو (۲۰۱۷)، «امروزه ذینفعان بیشتر به دنبال شفافیت و مسئولیت‌پذیری بیشتر برای مدیریت آثار ریسک‌ها هستند و در عین حال توانایی رهبری برای متبلور کردن فرصت‌ها را نیز ارزیابی انتقادی می‌کنند». بر این اساس سیستم کنترل داخلی شرکت باید ساختار حاکمیتی را تغییر دهد و سازوکاری ایجاد کند که مسئولیت اجتماعی شرکتی ارتقا پیدا کند. این چارچوب به‌صراحت اشاره می‌کند که اهداف افشای غیرمالی را می‌توان در چارچوب کنترل داخلی سازمان ادغام کرد.

بنابراین شکی نیست که سیستم کنترل‌های داخلی، تأثیر مثبتی بر پایداری شرکت دارد؛ زیرا باعث افزایش اثربخشی و کارایی عملیات، اطمینان از رعایت قوانین و مقررات و افزایش قابلیت اطمینان گزارش‌ها و افشا می‌شود و به ذینفعان کمک می‌کند تا

پایداری شرکت را ارزیابی کنند. در واقع این موضوع روشن می‌کند که سیستم کنترل‌های داخلی نیز، یک سیستم مدیریت ریسک است؛ بنابراین شرکت‌ها را توانمند می‌کند تا از فرصت‌ها استفاده کرده و برای ذینفعان ارزش تولید کنند (هرز و مونتریو، ۲۰۱۷). در خصوص اطلاعات پایداری، سیستم کنترل‌های داخلی نقشی ضروری را به‌عنوان اطمینان دهنده خط اول، برای ذینفعان داخلی و خارجی ایفا می‌کند (گائو و همکاران^۲، ۲۰۱۸). در همین زمینه کو و کی^۳ (۲۰۲۰) رابطه بین کیفیت اطلاعات پایداری منتشره و ضعف‌های کنترل داخلی را تجزیه و تحلیل کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد شرکت‌هایی که کنترل‌های داخلی ضعیفی دارند، کیفیت اطلاعات پایداری آنها ضعیف‌تر است. در واقع این موضوع به این معنی است که کنترل‌های داخلی کافی و مناسب، موجب افزایش کیفیت اطلاعات پایداری شرکت می‌شوند.

پیاده‌سازی سیستم کنترل‌های داخلی اثربخش بر روی اطلاعات پایداری، می‌تواند مزایای زیادی از جمله افزایش کیفیت گزارشگری غیرمالي، قابلیت مقایسه و قابلیت اطمینان ایجاد کند؛ بنابراین سیستم کنترل‌های داخلی می‌تواند توسط سازمان‌ها، برای افزایش اطمینان و بهبود کیفیت افشای مسائل پایداری استفاده شود. به این ترتیب ارزش افزوده چشمگیری برای تصمیم‌گیرندگان درون‌سازمانی و برون‌سازمانی دارد. علاوه بر این، کنترل‌های داخلی اثربخش، خطر تقلب را شناسایی می‌کند. این موضوع بر توسعه یکپارچه‌سازی حاکمیت اجتماعی و زیست‌محیطی تأثیر می‌گذارد. تحقق این امر، از حقوق و منافع مشروع ذینفعان محافظت می‌کند. از رفتارهای نادرستی که به شهرت سازمان آسیب می‌رساند، جلوگیری می‌کند. در نتیجه، تحقق موفقیت‌آمیز اهداف راهبردی عملکرد اجتماعی را ارتقا می‌دهد (هائو و همکاران^۴، ۲۰۱۸).

گزارش کوزو (۲۰۱۷) بر طراحی یک سیستم کنترل داخلی جدید، برای گنجاندن مفهوم مسئولیت اجتماعی در اهداف کنترل داخلی سازمان تمرکز دارد. کنترل‌های داخلی کافی و مناسب می‌تواند به سازمان‌ها کمک کند تا ابعاد موفقیت پایدار را درک کنند؛ بنابراین عملکرد حاکمیت اجتماعی و زیست‌محیطی، می‌تواند نیروی محرکه برای بهبود کنترل‌های داخلی باشند.

کنترل‌های داخلی اثربخش، امکان شناسایی سریع مشکلات ناشی از بی‌احتیاطی شخصی، سهل‌انگاری، قضاوت نادرست یا دستورالعمل‌های نامشخص و همچنین نقض عمدی سیاست‌ها و رویه‌های داخلی (مانند اختلاس، نقض اعتماد و غیره) را فراهم می‌کنند. به این ترتیب، کنترل داخلی دارای ارزشی است که فراتر از اطلاعات دقیق حسابداری است؛ زیرا نه تنها قابلیت اطمینان گزارشگری مالی، بلکه گزارشگری غیرمالي را نیز افزایش می‌دهد و کارایی و اثربخشی عملیات را بهبود می‌بخشد (دانلسون و همکاران^۵، ۲۰۱۷). نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد کنترل‌های داخلی اثربخش، نه تنها احتمال تقلب در گزارشگری مالی را کاهش می‌دهند، بلکه قابلیت اطمینان اطلاعات غیرمالي را نیز افزایش می‌دهند (هوانگ^۶، ۲۰۲۰). علاوه بر این، کنترل‌های داخلی اثربخش بر عملکرد آتی و عملکرد نوآورانه سازمان تأثیر مثبت دارد. مزایایی که کنترل‌های داخلی اثربخش برای سازمان به ارمغان می‌آورند، در نهایت به پایداری سازمان کمک می‌کنند. به همین دلیل است که بسیاری از کشورها از جمله ایالات متحده، از سازمان‌ها می‌خواهند که سیستم کنترل‌های داخلی خود را ارزیابی کرده و نقاط ضعف خود را افشا کنند و در جهت بهبود آن قدم بردارند (لین و همکاران^۷، ۲۰۱۵).

نقش حساب‌برسان داخلی در تقویت گزارشگری پایداری

یکی از عناصر کلیدی حاکمیت شرکتی که می‌تواند به سازمان‌ها در دستیابی به پایداری کمک کند، حسابرسی داخلی است؛ زیرا هدف حسابرسی داخلی ارائه خدمات مشاوره‌ای و فعالیت‌های اطمینان‌بخش است که برای ارزش‌افزایی و کمک به سازمان، در انجام فرآیندهای تجاری طراحی شده است. اهداف آن با ارائه رویکردی سیستماتیک و منظم برای ارزیابی و بهبود اثربخشی

1. Herz & Monterio
 2. Gao & et all
 3. Koo & Ki
 4. Hao & et all
 5. Donelson & et all
 6. Huang
 7. Lin & et all

فرآیندهای مدیریت ریسک، کنترل و حاکمیت طراحی شده است. واحد حسابرسی داخلی می‌تواند در زمینه شناسایی ریسک‌های پایداری و دستیابی به اهداف پایداری، به هیئت‌مدیره کمک کند (میرت^۱، ۲۰۱۴).

با این وجود، مطالعات کافی در مورد نقش حسابرسان داخلی در حمایت از مسیر سازمان به سمت پایداری وجود ندارد. انجمن حسابرسان داخلی آمریکا (۲۰۱۵) بیان می‌کند در زمینه جدید گزارشگری غیرمالی، حسابرسان داخلی باید نگاه گسترده‌ای در سراسر سیستم‌ها و فرآیندهای سازمان داشته باشند و در ارائه اطمینان نسبت به کیفیت اطلاعات موجود در گزارش‌های راهبردی و یکپارچه، نقشی اساسی ایفا کنند. طبق مطالعه انگلبرشت و همکاران^۲ (۲۰۱۸)، حسابرسان داخلی با ارائه اطمینان در مورد یکپارچگی داده‌ها، بررسی ریسک‌ها و فرصت‌ها، ارزیابی کفایت حاکمیت و کنترل‌های ریسک و اطمینان از گزارش یکپارچه، کیفیت گزارش یکپارچه را بهبود می‌بخشند. سایر نویسندگان استدلال می‌کنند که افزایش میزان افشا در گزارش‌های پایداری، نیاز به خدمات مشاوره‌ای از سوی حسابرسان داخلی را افزایش می‌دهد (هولت^۳، ۲۰۱۲؛ سو و مارتینوف^۴، ۲۰۱۵).

در سناریوی جدید حاکمیت شرکتی، حسابرسی داخلی به‌عنوان سیستمی کمک‌کننده است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و ایجاد ارزش برای ذینفعان، نقش خود را گسترش داده است. امروزه واحد حسابرسی داخلی بخش جدایی‌ناپذیر از ساختار حاکمیت شرکتی و کمیته حسابرسی (ناظر بر واحد حسابرسی داخلی) یکی از کمیته‌های اجباری هیئت‌مدیره است که با ارائه مشاوره در مورد مسائل مربوط به ریسک‌ها و کمک به تعریف سازوکارهای حاکمیت کنترلی، به سازمان‌ها برای دستیابی به اهداف خود کمک می‌کند (لنز و هان^۵، ۲۰۱۵).

حسابرسی داخلی، سازوکاری کنترلی است که به مدیران اجرایی و هیئت‌مدیره برای دستیابی به اهداف سازمان کمک می‌کند (دوبیجا^۶، ۲۰۱۵؛ میرت^۱، ۲۰۱۴). گسترش نقش حسابرسان داخلی، با تغییر در مقررات و افزایش پیچیدگی سازمانی مرتبط است. با تصویب قانون سارینز آکسلی، حسابرسان داخلی تمرکز خود را از خدمات اطمینان‌بخشی سنتی مربوط به حسابرسی رعایت و حسابرسی مالی، به سمت ارزیابی ریسک و خدمات مشاوره‌ای سوق دادند (جونز و همکاران^۷، ۲۰۱۷). حسابرسان داخلی در قامت یک مشاور، تلاش می‌کنند از طریق پشتیبانی فعال‌تر، برای فرآیندهای مدیریتی ارزش‌افزایی داشته باشند. در برخی کشورها نیز به سرعت در جهت مشارکت در مدیریت راهبردی حرکت می‌کنند (ارنست و یانگ^۸، ۲۰۱۶).

با انتشار گزارش‌های غیرمالی، انتظار می‌رود حسابرسان داخلی کیفیت اطلاعات موجود در گزارش‌های پایداری و یکپارچه را تضمین کنند و طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اطمینان‌بخش را در فرآیند تولید اطلاعات گزارش‌شده (که به عناصر زیر اشاره دارد) ارائه دهند (پیچ و اسپیرا^۹، ۲۰۱۶):

- تهیه گزارش‌های غیرمالی
- شناسایی خطرهای، به ویژه خطرهای که مربوط به جنبه‌های عملیاتی و روابط با ذینفعان برون‌سازمانی است.
- اهمیت اطلاعات غیرمالی
- تعادل بین مختصر بودن و شفافیت
- تبیین مدل کسب‌وکار سازمان گزارش‌شده در گزارش یکپارچه

در شرایطی که سازمان‌ها به جنبه‌های غیرمالی خود رسیدگی نمی‌کنند، علاقمند به اجتناب از آسیب به شهرت و کاهش اعتماد سهامداران هستند؛ بنابراین مدیران ارشد اجرایی از حسابرسان داخلی، تقاضای رسیدگی به عملکرد غیرمالی را دارند و می‌خواهند اعتبار گزارش‌های غیرمالی سازمان، توسط حسابرسان داخلی افزایش پیدا کند (آراس و کروسر^{۱۰}، ۲۰۰۸). در این زمینه،

1. Mihret
 2. Engelbrecht & et all
 3. Holt
 4. Soh & Martinov
 5. Lenz & Hahn
 6. Dobija
 7. Jones & et all
 8. Ernst and Young (EY)
 9. Page & Spira
 10. Aras & Crowther

هیئت‌مدیره تصمیم می‌گیرد این موضوع را به حسابرسان داخلی واگذار کند تا سازمان را در روند تغییرات مورد نیاز برای تهیه صورت‌های غیرمالی راهنمایی کند. به همین دلیل «وظیفه ایجاد تحول فرهنگ سازمانی به سمت پایداری» و ایجاد فرآیند تغییرات داخلی مورد نیاز برای تهیه گزارش پایداری، به عهده حسابرسان داخلی قرار گرفت. به عبارت دیگر، مقررات «مسئله پایداری را به اتاق هیئت‌مدیره کشانده است» و سپس هیئت‌مدیره، حسابرسان داخلی را برای اجرای فرآیند گزارشگری پایداری تأیید کرد؛ زیرا حسابرسان داخلی با عملکرد منحصر به فرد خود، می‌توانند به هیئت‌مدیره و مدیران اجرایی در این امر کمک کنند. لازم به ذکر است واحد حسابرسی داخلی به این دلیل انتخاب شد که کارکنان آن، دانش زیادی از فرآیندها و ساختار شرکت دارند و توانمندی تعامل با افراد با وظایف و شاخه‌های مختلف را دارا هستند (هولت، ۲۰۱۲).

انتخاب حسابرسان داخلی برای طراحی فرآیند گزارشگری پایداری، به قانون مربوط نیست. در واقع هیئت‌مدیره این افراد را به‌عنوان مسئولان اصلی تعریف می‌کند. نظرسنجی ارنست و یانگ (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که مسئولیت طراحی و انتشار گزارش پایداری معمولاً بر عهده واحد حسابرسی داخلی است. ضمناً این واحد به‌عنوان «عامل اساسی داخلی» شناخته شد که فرآیند داخلی را به سمت گزارشگری پایداری، آغاز و مدیریت کرد؛ زیرا حساسیت‌ها و شایستگی‌های این واحد، موجب می‌شود تا به‌عنوان «تسهیل‌کننده» عمل کند. واحدی که می‌تواند نقش فنی و حمایتی را برای کمک به سازمان، در تهیه گزارش پایداری ایفا کند. از دیدگاه عملی، فرآیند اجرای گزارشگری پایداری که توسط حسابرسان داخلی هدایت می‌شوند، شامل فعالیت‌های اساسی زیر است (ماهزنا و یان، ۲۰۱۴):

- شناسایی ذینفعان سازمان و ایجاد ماتریس اهمیت از طریق سازمان‌دهی چندین جلسه داخلی
- ایجاد نقشه‌ای از ریسک‌های مرتبط با پایداری
- نظارت بر فرآیندهای اختصاص داده شده به جمع‌آوری داده‌های غیرمالی
- تغییرات در ساختارها و فرآیندهای حاکمیت شرکتی

اولین فعالیتی که توسط حسابرسان داخلی هدایت می‌شود، سازمان‌دهی جلسات داخلی برای ایجاد ماتریس اهمیت است. حسابرسان داخلی از مدیران ارشد بخش‌های مختلف سازمان، درخواست می‌کنند تا داده‌هایی را در مورد فرآیندهایی که بر آن تمرکز دارند، شناسایی و جمع‌آوری کنند. برای مثال، اینکه چه کسانی تحت تأثیر اقدامات آنها قرار می‌گیرند و آثار مرتبط با آن را برآورد کنند. حسابرسان داخلی در طی جلساتی که با مدیران ارشد هر بخش دارند، باید در قامت یک معلم ظاهر شوند و برای کسانی که ارتباط مسائل پایداری را درک نمی‌کنند، توضیحات شفاف ارائه کنند. هدف این است، آنچه سازمان واقعاً انجام می‌دهد در گزارش پایداری منعکس شود، نه تهیه گزارشی که صرفاً سازمان را تبلیغ کند.

دومین فعالیت مهم که توسط حسابرسان داخلی اداره می‌شود، نقشه‌برداری از مهم‌ترین ریسک‌های مرتبط با پایداری است (مواردی مانند ریسک‌های راهبردی، عملیاتی، مالی و رعایت، باید در فرآیند مدیریت ریسک سازمانی گنجانده شوند). حسابرسان داخلی، مدیران ارشد اجرایی را دعوت می‌کنند تا ریسک‌های احتمالی پایداری را شناسایی و بررسی کنند. تجزیه و تحلیل ریسک‌های مرتبط با پایداری، به جلسات متعدد نیاز دارد و باید به فعالیتی جدایی‌ناپذیر از راهبرد تجاری سازمان‌ها تبدیل شود.

یکی دیگر از فعالیت‌های مهم در میان وظایفی که به حسابرسان داخلی نسبت داده می‌شود، نظارت بر قابلیت اطمینان اطلاعات افشاشده در گزارش پایداری است. این موضوع، فعالیت بسیار سختی است که نیازمند رویه‌های جدید نظارتی برای جمع‌آوری، بسط و تجسم داده‌ها در خصوص فرآیندهای داخلی سازمان است.

درنهایت، حسابرسان داخلی قوانین رفتاری مبارزه با فساد را به همراه کمیته مدیریت ریسک مورد بحث و بازنگری قرار می‌دهند. سازمان‌ها باید برای تقویت تعهد به اصولی که همه کارکنان سازمان موظف به رعایت آن هستند، اقدام به تهیه و تنظیم آئین‌نامه رفتاری ضد فساد نمایند. در این صورت از رعایت قوانین و مقررات ضد فساد، اطمینان معقولی حاصل می‌شود. توجه به این نکته مهم است که حسابرسان داخلی، کمیته مدیریت ریسک را در مورد تمام جنبه‌های رعایت و نظارت مورد نیاز در تهیه گزارش پایداری مطلع می‌کنند. علاوه بر این، حسابرسان داخلی برای ارائه پیشنهادهای فنی خود، به‌صورت دوره‌ای با کمیته

مدیریت ریسک جلسه برگزار می‌کنند. سرانجام خروجی این جلسه‌ها توسط هیئت‌مدیره، مورد بحث و تأیید قرار می‌گیرد (استریت و همکاران^۱، ۲۰۱۷).

حسابرسان داخلی، بازیگران اصلی در تهیه گزارش پایداری هستند. آنها به دلیل شناخت کافی از فرآیندهای واحد تجاری، با اطمینان بیشتر داده‌های مربوط را جمع‌آوری و بررسی می‌کنند. همچنین با پیشنهاد چگونگی شناسایی و گزارش اطلاعات غیرمالی مرتبط، نقش مشاوره‌ای خود را به خوبی ایفا می‌کنند. اکثر ایده‌ها در مورد چگونگی اجرای فرآیند گزارشگری پایداری، توسط حسابرسان داخلی با رویکردی از پایین به بالا (به هیئت‌مدیره) پیشنهاد می‌شود.

پژوهش‌های پیشین، موضوعات مطرح شده را تصدیق می‌کنند. در این زمینه آنگ و همکاران^۲ (۲۰۲۰) اعتقاد دارند که حاکمیت شرکتی رابطه مثبتی با گزارشگری پایداری دارد و حسابرسان داخلی نقش مهمی را با ارائه توصیه‌هایی در خصوص مدیریت ریسک مناسب (نقش مشاوره‌ای) و اطمینان از رعایت قوانین و مقررات مرتبط با پایداری (نقش اطمینان‌بخشی) ایفا می‌کنند.

در بنگلادش، قانون حفاظت از محیط زیست از سال ۱۹۹۵ اعمال می‌شود. این قانون، افشاهای مختلفی از جمله محدودیت در مورد وسایل نقلیه منتشرکننده دود مضر برای محیط زیست، محدودیت در ساخت و فروش اقلام مضر برای محیط زیست و افشای استفاده از مدیریت مواد خطرناک را پوشش می‌دهد. سودومینیک^۳ (۲۰۱۵) معتقد است حسابرسان داخلی باید موضوعات ذکر شده و نیز دیگر مسائل اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را در فرآیند گزارشگری پایداری لحاظ کنند. آنها باید به سازمان در دستیابی به عملکرد پایدار و گزارشگری پایداری کمک کنند. حسابرسان داخلی با ارائه خدمات اطمینان‌بخشی و مشاوره‌ای در زمینه حاکمیت اجتماعی، در تهیه گزارش پایداری نقش پررنگی دارند (خویریاچ و همکاران^۴، ۲۰۲۲).

حسابرسان داخلی، بسیاری از حوزه‌ها مانند اطمینان بخشی نسبت به سیستم کنترل‌های داخلی و ارائه خدمات مشاوره‌ای درباره مدیریت ریسک مناسب را پوشش می‌دهند (محمد و همکاران^۵، ۲۰۱۲). خدمات حسابرسی داخلی اثربخش (اعم از فعالیت‌های اطمینان‌بخشی و مشاوره‌ای)، با شناسایی و گزارش سیستم‌های مختلف مدیریت ریسک و نیز شناسایی حوزه‌های مشکل‌آفرین، در تصمیم‌گیری راهبردی مدیران ارشد اجرایی تأثیرگذار است (کاپور و بروزتی^۶، ۲۰۱۲).

بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که خدمات اطمینان‌بخشی و مشاوره‌ای حسابرسان داخلی، می‌تواند بر تهیه و تنظیم گزارش پایداری تأثیر بگذارد؛ زیرا به پیشرفت و تحول سازمان کمک بسزایی می‌کند. یافته‌های پژوهش سودومینیک (۲۰۱۵) نشان می‌دهد مدیران ارشد اجرایی و اعضای کمیته حسابرسی، از حسابرسان داخلی درخواست می‌کنند تا با ارائه خدمات اطمینان‌بخشی و مشاوره‌ای، در تهیه گزارش پایداری کمک کنند. این بدان معناست که حسابرسان داخلی می‌توانند با ارائه خدمات اطمینان‌بخش در خصوص رعایت قوانین و مقررات مرتبط با پایداری و نیز انواع توصیه‌های به‌هنگام، در تهیه گزارش پایداری به هیئت‌مدیره کمک کنند (بانانوکا^۷، ۲۰۱۸؛ انگلبرشت و همکاران^۸، ۲۰۱۸).

موضوعات مطرح شده نشان می‌دهند حسابرسان داخلی می‌توانند ریسک‌های احتمالی پایداری را ارزیابی کنند. همچنین قابلیت اطمینان و اعتبار گزارش‌های سازمانی تولید شده توسط سیستم‌های حسابداری را ارزیابی کرده و در مورد اطلاعاتی که می‌تواند در گزارش پایداری گنجانده شود، پیشنهادها را خود را ارائه می‌دهند. حسابرسان داخلی با تلاش برای به حداقل رساندن تقلب، به تهیه گزارش پایداری با کیفیت بالا کمک می‌کنند. از آنجایی که حسابرسان داخلی کارکنان سازمان هستند، از دانش کافی در مورد عملیات تجاری سازمان برخوردارند و به همین دلیل می‌توانند به اشکال مختلف، خدمات اطمینان‌بخشی و مشاوره‌ای را در فرآیند تهیه گزارش پایداری ارائه دهند. تحقق این امر می‌تواند عملکرد پایدار سازمان را تضمین کند (العذابی و همکاران^۸، ۲۰۲۳).

1. Streit & et all
2. Ong & et all
3. Soh Dominic
4. Khoiriyah & et all
5. Mohamed & et all
6. Kapoor & Brozzetti
7. Bananuka
8. Alazzabi & et all

نتیجه‌گیری

سازمان‌ها برای شفافیت در گزارشگری تلاش می‌کنند و افشای کامل، باید شامل حسابرسی اجتماعی و اهداف پایداری باشد. تقاضا برای شفافیت در خصوص مسائل اجتماعی و پایداری توسط گروه‌های ذینفع، پایداری را بیش‌ازپیش مورد توجه قرار داده است. ادغام اهداف اجتماعی و پایداری با سیاست‌های سازمان، گام مهمی برای تحقق اهداف اجتماعی و پایداری در فرآیند کسب‌وکار است. شناسایی، درک و اجرای یک راهبرد تجاری که پایداری را به درستی ادغام می‌کند، ناگزیر سازمان را به سمت ایجاد و حفظ ارزش در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت سوق می‌دهد.

کمیود منابع اولیه و استفاده ناصحیح از آن، تخریب محیط زیست به دست بشر، نگرانی‌های عمومی در مورد وضعیت آب‌وهوایی، جنبش‌های عدالت اجتماعی رو به رشد و چشم‌انداز خطر پویا و بی‌ثبات، سازمان‌ها را با ریسک‌های متعددی مواجه کرده است. این موضوع، مدیریت اثربخش ریسک‌ها و فرصت‌های پایداری را به چالش کشیده است. سازمان‌ها برای واکنش به این چالش‌ها و تحقق کامل اهداف پایداری، باید سیستم کنترل‌های داخلی خود را توسعه دهند. این امر ایجاب می‌کند که سازمان‌ها، سیستم کنترل‌های داخلی خود را مبتنی بر اهداف پایداری طراحی کنند. هر چیزی غیر از این، سازمان را از بازار رقابت خارج و در نهایت ادامه حیات آن را تهدید می‌کند.

استنباط از مبانی نظری این است که سیستم کنترل‌های داخلی، آثار مثبتی بر پایداری سازمان دارد؛ زیرا باعث افزایش اثربخشی و کارایی عملیات، اطمینان از رعایت قوانین و مقررات و افزایش قابلیت اطمینان گزارش‌ها و افشا می‌شود و به ذینفعان کمک می‌کند تا پایداری سازمان را ارزیابی کنند. علاوه بر این، کنترل‌های داخلی اثربخش، ریسک‌های تقلب را شناسایی می‌کنند و مانع از بروز چنین رخدادی می‌شوند. این موضوع بر توسعه یکپارچه‌سازی حاکمیت اجتماعی و زیست‌محیطی تأثیر می‌گذارد. تحقق این امر، از حقوق و منافع مشروع ذینفعان محافظت می‌کند و از رفتارهای نادرستی که به شهرت سازمان آسیب می‌رساند، جلوگیری می‌کند و باعث تقویت پایداری سازمان می‌شود.

بر اساس پژوهش‌های پیشین، نتیجه‌گیری می‌شود که پیاده‌سازی سیستم کنترل‌های داخلی اثربخش، می‌تواند مزایای زیادی از جمله افزایش کیفیت گزارشگری پایداری، قابلیت مقایسه و قابلیت اطمینان ایجاد کند؛ بنابراین، سیستم کنترل‌های داخلی می‌تواند توسط سازمان‌ها، برای بهبود اطمینان و افزایش کیفیت افشای اطلاعات پایداری استفاده شود. به این ترتیب ارزش‌افزوده چشمگیری برای تصمیم‌گیرندگان درون‌سازمانی و برون‌سازمانی ایجاد می‌شود.

همچنین رویکردهای کل‌نگر موجود در چارچوب‌های کنترل داخلی و مدیریت ریسک سازمانی کوزو را می‌توان برای سرمایه‌زیربنایی تفکر یکپارچه و گزارشگری پایداری اعمال کرد. این موضوع می‌تواند به سازمان کمک کند تا رویکردی یکپارچه‌تر را در حاکمیت، راهبرد، عملیات و مدیریت ریسک خود بگنجانند. چارچوب گزارشگری یکپارچه و پایداری، جهت پیشرفت و ایجاد ارزش را مشخص می‌کند.

حاکمیت شرکتی قوی، گزارشگری صحیح و اطمینان‌بخشی مستقل و واقع‌بینانه، همگی برای یک سازمان مدرن که تفکر یکپارچه را به کار می‌گیرد، موضوعی مهم و اساسی است. مأموریت واحد حسابرسی داخلی، همان‌طور که در چارچوب بین‌المللی اجرای حرفه‌ای حسابرسی داخلی انجمن حساب‌برسان داخلی آمریکا بیان شده است، جنبه‌های اساسی پایداری را در بر می‌گیرد: «ارتقا و حفاظت از ارزش‌های سازمان، با ارائه خدمات اطمینان بخشی، مشاوره و بینش ریسک محور».

نقش حساب‌برسان داخلی به‌عنوان اطمینان مستقل و درعین‌حال درون‌سازمانی، فرصتی منحصربه‌فرد برای ارتباط با تمام بخش‌های سازمان، از جمله بخش‌های غیرمالی را فراهم می‌کند. این امر سبب می‌شود تا اطمینان خاطر از ارتباط و دقت داده‌های مورد استفاده در گزارش پایداری فراهم شود.

بر اساس مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین نتیجه‌گیری می‌شود که حساب‌برسان داخلی، نقشی اساسی در تهیه گزارش پایداری بر عهده دارند. آنها به دلیل شناخت بیشتری که از فرآیندهای تجاری سازمان دارند، با اطمینان بیشتری داده‌های مربوط را جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌کنند. همچنین با پیشنهاد در خصوص چگونگی شناسایی و گزارش اطلاعات غیرمالی مرتبط، نقش مشاوره‌ای خود را به خوبی ایفا می‌کنند. بیشتر ایده‌ها در مورد چگونگی اجرای فرآیند گزارشگری پایداری، توسط حساب‌برسان داخلی با رویکردی از پایین به بالا (به هیئت‌مدیره) پیشنهاد می‌شوند. حساب‌برسان داخلی با منابع مناسب و کافی می‌توانند

حمایت‌های ارزشمندی برای کمک به ادغام پایداری، در عملکرد سازمانی داشته باشند و به‌عنوان کاتالیزوری برای نوآوری و تغییر عمل کنند. خلاصه این موارد عبارت‌اند از:

- کمک به سازمان برای آماده شدن در خصوص افزایش اطلاعات غیرمالی قابل‌اعتماد و دقیق، از طریق مشاوره و ارائه اطمینان در مورد محتوا؛ طراحی و اجرای ساختارها، سیستم‌ها و فرآیندهای مناسب برای برنامه‌ریزی راهبردی و عملیاتی؛ تعیین هدف؛ جمع‌آوری و اعتبارسنجی داده‌ها؛ تصمیم‌گیری و گزارش
- بررسی رعایت استانداردها و فرآیندها، برای جمع‌آوری و اعتبارسنجی داده‌ها، برای استفاده سازمان در گزارشگری درون‌سازمانی و برون‌سازمانی
- ارائه اطمینان بخشی مستقل از طریق حسابرسی و ارزیابی صحت داده‌های مالی و غیرمالی
- مشاوره در مورد ایجاد فرآیندهای اندازه‌گیری و ارزیابی؛ تعریف اهمیت و فهرست‌بندی شاخص‌های کلیدی عملکرد؛ معرفی روش‌ها، دستورالعمل‌ها و ابزارهای گزارشگری (اعم از درون‌سازمانی و برون‌سازمانی)
- بررسی فرآیندهای گزارشگری و پیشنهاد بهبود فرآیند، بر اساس ارزیابی‌های تجاری و اطلاعات مالی و غیرمالی که باید در گزارش‌های درون‌سازمانی و برون‌سازمانی موجود باشد.
- ارزیابی اینکه آیا ریسک‌های مرتبط با عملکرد سازمانی پایدار، در نظر گرفته شده و مورد توجه قرار می‌گیرند (ریسک‌هایی که ممکن است بر ارزیابی و حمایت ذینفعان و ایجاد ارزش تأثیر بگذارد).

از آنجایی که گزارشگری پایداری به طور فزاینده‌ای رایج می‌شود، باید با همان دقت گزارشگری مالی برخورد شود. سازمان‌ها باید بدانند که گزارشگری پایداری بر اساس یک سیستم راهبردی از کنترل‌های داخلی ساخته شود و نحوه ارتباط تلاش‌های پایداری سازمان، امور مالی سازمان و ایجاد ارزش را به‌طور دقیق منعکس کند. حساب‌رسان داخلی نقش مهمی در حرکت سازمان به سمت پایداری ایفا می‌کنند. آنها می‌توانند با کمک به شناسایی و ایجاد محیط کنترلی پایبند به حاکمیت اجتماعی و زیست‌محیطی، در نقش مشاور هیئت‌مدیره ارزش‌افزایی کنند. همچنین می‌توانند با اطمینان‌بخشی مستقل و واقع‌بینانه از اثربخشی کنترل‌های ریسک پایداری، اطمینان لازم را به سازمان ارائه دهند.

منابع

- اخترشناس، داریوش؛ خدای‌پور، احمد؛ پورحیدری، امید. (۱۳۹۹). تدوین مدل عوامل مؤثر بر پایداری شرکتی در ایران، ۱۶ (۶۵)، ۲۰۱ - ۱۷۵. حساس‌یگانه، یحیی؛ باباجانی، جعفر؛ تقوی‌فرد، محمدتقی؛ آری‌پور، آرش. (۱۳۹۷). تحلیل عملکرد پایدار زیست محیطی و تأثیر آن بر هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *حسابداری/ارزشی و رفتاری*، ۳ (۵)، ۳۹ - ۱.
- فخاری، حسین؛ ملکیان، اسفندیار؛ جفائی‌رهنی، منیر. (۱۳۹۶). تبیین و رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی به روش تحلیل سلسله مراتبی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، *حسابداری/ارزشی و رفتاری*، ۲ (۴)، ۱۸۷ - ۱۵۳.

- Abernathy, J., Stefaniak, C., Wilkins, A., & Olson, J. (2017). Literature review and research opportunities on credibility of corporate social responsibility reporting. *American Journal of Business*, 32, 24-41. doi: 10.1108/ajb-04-2016-0013
- Alazzabi, W. Y. E., Mustafa, H., & Karage, A. I. (2023). Risk management, top management support, internal audit activities and fraud mitigation. *Journal of Financial Crime*, 30(2), 569-582. <https://doi.org/10.1108/JFC-11-2019-0147>
- Alshbili, I., Elamer, A. A., & Moustafa, M. W. (2021). Social and environmental reporting, sustainable development and institutional voids: Evidence from a developing country. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 28(2), 881-895.

- Amin, A., Ali, R., Rehman, R., & Elamer, A. A. (2022). Gender diversity in the board room and sustainable growth rate: The moderating role of family ownership. *Journal of Sustainable Finance & Investment*, 1–23. <https://doi.org/10.1080/20430795.2022.2138695>
- Ann. Financ. Econ. **2015**, 10, 1550012.
- Aras, G., & Crowther, D. (2008). Corporate sustainability reporting: A study in disingenuity? *Journal of Business Ethics*, 87(1), 279–288.
- Azizul Islam, M., & Deegan, C. (2008). Motivations for an organisation within a developing country to report social responsibility information: Evidence from Bangladesh. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 21(6), 850-874. <https://doi.org/10.1108/09513570810893272>
- Bananuka, J. (2018). Internal audit function, audit committee effectiveness and accountability in the Ugandan statutory corporations. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 16(1), 138-157. <https://doi.org/10.1108/JFRA-07-2016-0062>
- Bebbington, J., & Larrinaga, C. (2014). Accounting and sustainable development: An exploration. *Accounting, Organizations and Society*, 39(6), 395–413. <https://doi.org/10.1016/j.aos.2014.01.003>
- Bhasin, S. (2012). An appropriate change strategy for lean success. *Management Decision*.
- Boulhaga, M., Bouri, A., Elamer, A. A., & Ibrahim, B. A. (2023). Environmental, social and governance ratings and firm performance: The moderating role of internal control quality. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 30(1), 134–145.
- Cho, C.H., Laine, M., Roberts, R.W. and Rodrigue, M. (2015), “Organized hypocrisy, organizational
- Christensen, D. M. (2015). Corporate Accountability Reporting and High-Profile Misconduct. *The Accounting Review*, Vol. 91, No. 2, Pp. 377- 399.
- Committee of Sponsoring Organizations (CoSO). (2017). Enterprise risk management integrating with strategy and performance. <https://www.coso.org/Documents/2017-COSO-ERM-Integrating-with-Strategy-and-Performance-Executive-Summary.pdf>
- Cooper, S. M., & Owen, D. L. (2007). Corporate social reporting and stakeholder accountability: The missing link. *Accounting, Organizations and Society*, 32(7), 649–667. <https://doi.org/10.1016/j.aos.2007.02.001>
- COSO White Paper. (2013). Defining sustainability risk. Ernst and Young LLP.
- COSO, Internal Control—Integrated Framework. Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission. 2013. Available online: <https://www.coso.org/Pages/ic.aspx> (accessed on 3 October 2020).
- De Villiers, C. and Sharma, U. (2020), “A critical reflection on the future of financial, intellectual capital,
- Deloitte, February, 2012, "Integrated Reporting Navigating your way to a truly Integrated Report"
- Dobija, D. (2015). Exploring audit committee practices: Oversight of financial reporting and external auditors in Poland. *Journal of Management and Governance*, 19, 113–143.
- Donelson, D.C.; Ege, M.S.; McInnis, J.M. Internal control weaknesses and financial reporting fraud. *Audit. J. Pract. Theory* **2017**, 36, 45–69.
- Economies, Vol. 11 No. 2, pp. 149-175.
- Else, T., Choudhary, S., & Genovese, A. (2022). Uncovering sustainability storylines from dairy supply chain discourse. *Journal of Business Research*, 142, 858–874. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2021.12.023>
- Engelbrecht, L., Yasseen, Y., & Omarjee, I. (2018). The role of the internal audit function in integrated reporting: a developing economy perspective. *Meditari Accountancy Research*, 26(4), 657-674. <https://doi.org/10.1108/MEDAR-10-2017-0226>
- Ernst and Young. (2013). Six growing trends in corporate sustainability.

- façades, and sustainability reporting”, *Accounting, Organizations and Society*, Vol. 40, pp. 78-94.
- FSB 2020 *The Implications of Climate Change for Financial Stability* (Basel: Financial Stability Board). Retrieved from: <https://www.fsb.org/wp-content/uploads/P231120.pdf>
- Gao, X., Jia, Y., & Li, S. (2018). Does mandatory disclosure of internal control weaknesses affect corporate financing decisions? *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 35(3), 581–606. <https://doi.org/10.1177/0148558X18772244>
- Hahn, R., & Kühnen, M. (2013). Determinants of sustainability reporting: a review of results, trends, theory, and opportunities in an expanding field of research. *Journal of Cleaner Production*, 59, 5-21. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2013.07.005>
- Hao, D. Y., Qi, G. Y., & Wang, J. (2018). Corporate social responsibility, internal controls, and stock price crash risk: The Chinese stock market. *Sustainability*, 10(5), 1697. <https://doi.org/10.3390/su10051675>
- Haugh, H.M. and Talwar, A. (2010), “How do corporations embed sustainability across the organization?”, *Academy of Management Learning & Education*, Vol. 9 No. 3, pp. 384-396.
- Herz, R., & Monterio, B. (2017). COSO framework and sustainability. <https://www.imanet.org/insights-and-trends/external-reporting-anddisclosure-management/coso-framework>
- Herzig, C. and S. Schaltegger. (2016). Corporate Sustainability Reporting: An Overview. *Sustainability Accounting and Reporting*, Available at: <https://link.springer.com/book/10.1007/978-1-4020-4974-3>. [Online][12 June 2017].
- Higgins, C., Tang, S., & Stubbs, W. (2020). On managing hypocrisy: The transparency of sustainability reports. *Journal of Business Research*, 114, 395–407. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2019.08.041>
- Holt, T. P. (2012). The effects of internal audit role and reporting relationships on investor perceptions of disclosure credibility. *Managerial Auditing Journal*, 27(9), 878–898.
- Huang, R.; Huang, Y. Does internal control contribute to a firm’s green information disclosure? Evidence from China. *Sustainability* **2020**, 12, 3197.
- Hummel, K., & Schlick, C. (2016). The relationship between sustainability performance and sustainability disclosure – Reconciling voluntary disclosure theory and legitimacy theory. *Journal of Accounting and Public Policy*, 35(5), 455-476. <https://doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2016.06.001>
- Institute of Internal Auditors (IIA).2022. Embedding ESG and sustainability considerations into the Three Lines Model 5
- Institute of Internal Auditors (IIA). 2017. International standards for the professional practice of internal auditing (standards).
- Jones, K., Baskerville, R. L., Sriram, R. S., & Balasubramaniam, Ramesh (2017). The impact of legislation on the internal audit function. *Journal of Accounting & Organizational Change*, 13(4), 450–470.
- Jones, T., Shan, Y., & Goodrum, P. M. (2010). An investigation of corporate approaches to sustainability in the US engineering and construction industry. *Construction Management and Economics*, 28(9), 971–983. <https://doi.org/10.1080/01446191003789465>
- Joseph, G. (2012). Ambiguous but tethered: An accounting basis for sustainability reporting. *Critical Perspectives on Accounting*, 23(2), 93–106. <https://doi.org/10.1016/j.cpa.2011.11.011>
- Kapoor, G., & Brozzetti, M. (2012). The transformation of internal auditing. *Critical Perspective of Accounting Journal*, 82(8), 32–35.
- Khoiriyah, M., Zarefar, A., Afifah, U., & Oktari, V. (2022). THE ROLE OF ACIN CORPORATE SUSTAINABILITY DISCLOSURE. *Akurasi: Journal of Accounting and Finance Studies*, 5(2), 167-179. <https://doi.org/10.29303/akurasi.v5i2.243>

- Kinkela, K. (2014). United States accounting, social audits and sustainability: Will COSO help corporations make the connection?: *Journal of Finance and Accountancy* Volume 17 – October, 2014.
- Koo, J. E., & Ki, E. S. (2020). Internal control personnel's experience, internal control weaknesses, and ESG rating. *Sustainability*, 12(20), 8645. <https://doi.org/10.3390/SU12208645>
- KPMG. (2020). *The time has come: The kpmg survey of sustainability reporting 2020*. Retrieved from <https://assets.kpmg/content/dam/kpmg/xx/pdf/2020/11/the-time-has-come.pdf>
- Lai, S.; Li, H.; Lin, H.; Wu, F. The influence of internal control weaknesses on firm performance, *J. Account. Financ.* **2017**, 17, 82–95.
- Lenz, R., & Hahn, U. (2015). A synthesis of empirical internal audit effectiveness literature pointing to library.wmo.int/doc_num.php?explnum_id510618 (accessed 7 July 2021).
- Lin, Y.; Chih, H.; Tang, C.; Huang, T. The impact of internal control on firm's risk and performance.
- Lys, T., Naughton, J. P. and C. Wang. (2015). Signaling through Corporate Accountability Reporting. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 60, No. 1, Pp. 56- 72.
- Mahzana, N., & Yan, C. M. (2014). Harnessing the benefits of corporate governance and internal audit: Advice to SME. *Procedia – Social and Behavioral Sciences*, 115, 156–165.
- Mervelskemper, L., & Streit, D. (2017). Enhancing market valuation of ESG performance: Is integrated reporting keeping its promise? *Business Strategy and the Environment*, 26(4), 536–549.
- MIA 2019 *Competency Framework for Finance Function in Public Interest Entities* (Kuala Lumpur: Malaysian Institute of Accountants). Retrieved from: https://www.mia.org.my/v2/downloads/resources/publications/2019/06/13/MIA_Competency_Framework_for_Finance_Function_in_PIEs.pdf
- Mihret, D. G. (2014). How can we explain internal auditing? The inadequacy of agency theory and a labor process alternative. *Critical Perspectives on Accounting*, 25(8), 771–782. <https://doi.org/10.1016/j.cpa.2014.01.003>
- Mohamed, Z., Mat Zain, M., Subramaniam, N., & Wan Yusoff, W. F. (2012). Internal Audit Attributes and External Audit's Reliance on Internal Audit: Implications for Audit Fees. *International Journal of Auditing*, 16(3), 268-285. <https://doi.org/10.1111/j.1099-1123.2012.00450.x>
- Mokhsim, N. and Salleh, K.O. (2014), “Malaysia’s efforts toward achieving a sustainable development: issues, challenges and prospects”, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Vol. 120, pp. 299-307.
- new research opportunities. *Managerial Auditing Journal*, 30(1), 5–33.
- Ong, T., & Djajadikerta, H. G. (2020). Corporate governance and sustainability reporting in the Australian resources industry: An empirical analysis. *Social Responsibility Journal*, 16(1), 1-14. <https://doi.org/10.1108/SRJ-06-2018-0135>
- Page, N., & Spira, L. F. (2016). Corporate governance as custodianship of the business model. *Journal Management Governance*, 20, 213–228.
- perception-based determinants evidence from Uganda”, *Journal of Accounting in Emerging*
- Pham, H. S. T., & Tran, H. T. (2020). CSR disclosure and firm performance: The mediating role of corporate reputation and moderating role of CEO integrity. *Journal of Business Research*, 120, 127–136. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2020.08.002>
- Reimsbach, D., Hahn, R. and A. Gurturk. (2017). Integrated Reporting and Assurance of Sustainability Information: An Experimental Study on Professional Investors’ Information Processing. *European Accounting Review*, Vol. 26, No. 2, Pp. 1- 23.

- Selmey, M. G., & Elamer, A. A. (2023). Economic policy uncertainty, renewable energy and environmental degradation: Evidence from Egypt. *Environmental Science and Pollution Research*, 30(20), 58603–58617.
- Soh Dominic, S. B. (2015). Internal auditors' perceptions of their role in environmental, social and governance assurance and consulting. *Managerial Auditing Journal*, 30(1), 80-111. <https://doi.org/10.1108/MAJ-08-2014-1075>
- sustainability and integrated reporting”, *Critical Perspectives on Accounting*, Vol. 70, p. 101999.
- Tan, D.; Bilal, G.S.; Komal, B. Impact of carbon emission trading system participation and level of internal control on quality of carbon emission disclosures: Insights from Chinese state-owned electricity companies. *Sustainability* 2020, 12, 1788.
- Tauringana, V. (2021), “Sustainability reporting adoption in developing countries: managerial Thomson, C. S., & El-Haram, M. A. (2019). Is the evolution of building sustainability assessment methods promoting the desired sharing of knowledge amongst project stakeholders? *Construction Management and Economics*, 37(8), 433–460. <https://doi.org/10.1080/01446193.2018.1537502>
- Tschopp, D., & Huefner, R. J. (2015). Comparing the evolution of csr reporting to that of financial reporting. *Journal of Business Ethics*, 127, 565-577. doi: 10.1007/s10551-014-2054-6
- WEF 2021 *The Global Risks Report 2021 – 16th ed.* (Geneva: World Economic Forum). Retrieved from: <https://www.weforum.org/reports/the-global-risks-report-2021>
- Wibowo, A. J. (2012). Interaction between Corporate Social Responsibility Disclosure and Profitability of Indonesia Firms. UMT 11th International Annual Symposium on Sustainability Science and Management, pp. 373-380.
- World Meteorological Organization (2021), “State of the global climate 2020”, available at: <https://>
- Yuhan, S. R., Dwiwinarno, T., & Widagdo, A. K. (2017). Corporate social responsibility and corporate governance in Indonesian public listed companies. In *SHS Web of Conferences* (Vol. 34, p. 13002). EDP Sciences
- Zhang, X., Chen, X., Zhang, Z., Roy, A., & Shen, Y. (2020). Strategies to trace back the origin of COVID-19. *Journal of Infection*, 80(6), e39–e40. <https://doi.org/10.1016/j.jinf.2020.03.032>



Paper type: Research Article

(Selected article of the 3rd International and 21st National Accounting Conference of Iran)

Effect of Climate-Related Risks on Financial Statements

Elham Hamidi^{1*}, Morteza Asadi², Majid Rastegar Pouyani³

Received: 2023/10/12

Accepted: 2023/12/26

Abstract

Today, sustainability factors are becoming the main pillar of investment decisions and there is a clear need for sustainability reporting standards and standards. Assuring global consistency to deliver consistent and reliable comparable reports is fully realized. In this regard, in November 2021, the Trustee of the International Financial Reporting Standards Foundation announced the formation of the International Sustainability Standards Board to develop high-quality, global and comprehensive sustainability disclosure standards to meet the information needs of investors, and in June 2023, the International Sustainability Standards Board published the International Sustainability Financial Reporting Standard 1 titled General Requirements for Disclosure of Sustainability-Related Financial Information and the International Sustainability Financial Reporting Standard 2 titled Climate-Related Disclosure. Despite the publication of the two standards mentioned above by the International Sustainability Standards Board, there is no specific international financial reporting standard on climate-related issues, while climate risk may affect several accounting areas. The immediate impact of climate-related issues on the financial statements may not necessarily be quantitatively significant, but business entities' stakeholders expect the business entity to explain how it considers climate-related issues in the preparation of the financial statements and to involve the major assumptions, estimates and judgments related to climate changes. Since climate-related issues are constantly growing and evolving, and business entities are forced to take multiple actions to deal with climate changes, the business entities need to ensure that their financial statements reflect the most up-to-date assessment of climate-related risks. In addition, the business entity must ensure the consistency of the information provided to the stakeholders in the financial statements with the information provided outside the financial statements such as the information provided in the management's interpretive report. One of the stakeholders' concerns is the uneven application of international financial reporting standards published by the International Accounting Standards Board for climate-related risks and the disclosure of insufficient information about these risks in financial statements.

Keywords: Climate-related risks, International financial reporting standards, Significance, Judgment.



10.71600/jacgr.2024.1130380



How to cite this article: Hamidi, E., Asadi, M., & Rastegar Pooyani, M. (2024). The impact of climate-related risks on financial statements. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 3(7), 69-80. (In Persian)

1. Assistant Prof, Department of Accounting, Faculty of Management and Finance, Khatam University, Tehran, Iran .

*Corresponding Author: e.hamidi@khatam.ac.ir

2. MSc. in Accounting, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

3. PhD in Accounting, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran.



نوع مقاله: پژوهشی

(مقاله منتخب سومین همایش بین‌المللی و بیست و یکمین همایش ملی حسابداری ایران)

تأثیر ریسک‌های مرتبط با اقلیم بر صورت‌های مالی

الهام حمیدی^{۱*}، مرتضی اسدی^۲، مجید رستگارپویانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

چکیده

امروزه، فاکتورهای پایداری در حال تبدیل به رکن اصلی اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری هستند و نیاز آشکار به استانداردهای گزارشگری پایداری و استانداردهای اطمینان‌بخشی پایداری در سطح جهانی برای ارائه گزارش‌های یکنواخت و قابل مقایسه قابل اطمینان، کاملاً احساس می‌شود. در همین راستا، در نوامبر سال ۲۰۲۱، تراستی بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، از تشکیل هیئت استانداردهای بین‌المللی پایداری با هدف تدوین استانداردهای افشای پایداری برخوردار از کیفیت بالا، جهانی و جامع به منظور رفع نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران خبر داد و در ژوئن سال ۲۰۲۳، هیئت استانداردهای بین‌المللی پایداری، استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی پایداری ۱ با عنوان الزامات کلی افشای اطلاعات مالی مرتبط با پایداری و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی پایداری ۲ با عنوان افشای مرتبط با اقلیم را منتشر کرد. علی‌رغم انتشار دو استاندارد اشاره‌شده در بالا توسط هیئت استانداردهای بین‌المللی پایداری، هیچ استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی معینی در مورد موضوعات مرتبط با اقلیم وجود ندارد، در حالی که ریسک اقلیم ممکن است بر تعدادی از حوزه‌های حسابداری تأثیر بگذارد. تأثیر فوری موضوعات مرتبط با اقلیم بر صورت‌های مالی، لزوماً از نظر کمی ممکن است مهم نباشد، اما ذینفعان واحدهای تجاری انتظار دارند که واحد تجاری توضیح دهد موضوعات مرتبط با اقلیم را چگونه در تهیه صورتهای مالی لحاظ می‌کند و عمده‌ترین مفروضات، برآوردها و قضاوت‌های مربوط به تغییرات اقلیمی را افشا کند. آنجا که موضوعات مرتبط با اقلیم پیوسته در حال رشد و تکامل است و واحدهای تجاری مجبور هستند برای مقابله با تغییرات اقلیم اقدامات متعددی انجام دهند، برای واحدهای تجاری حصول اطمینان از اینکه صورتهای مالی آنها منعکس‌کننده به‌روزترین ارزیابی از ریسک‌های مرتبط با اقلیم باشد از اهمیت برخوردار است. افزون بر این، واحد تجاری باید از سازگاری اطلاعات ارائه‌شده به ذینفعان در صورتهای مالی با اطلاعات ارائه‌شده خارج از صورتهای مالی نظیر اطلاعات ارائه‌شده در گزارش تفسیری مدیریت، اطمینان حاصل کنند. یکی از نگرانیهای ذینفعان، بکارگیری غیریکنواخت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منتشر شده توسط هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری برای ریسک‌های مرتبط با اقلیم و افشای اطلاعات ناکافی درباره این ریسک‌ها در صورتهای مالی مالی است.

واژه‌های کلیدی: ریسک‌های مرتبط با اقلیم، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، اهمیت، قضاوت.



10.71600/jacgr.2024.1130380



استناد: حمیدی، الهام؛ اسدی، مرتضی؛ مجید رستگارپویانی (۱۴۰۳). تأثیر ریسک‌های مرتبط با اقلیم بر صورت‌های مالی. پژوهش های حسابداری و راهبری شرکتی، ۳(۷)، ۸۰-۶۹.

۱. استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و امور مالی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران. *نویسنده مسئول: e.hamidi@khatam.ac.ir

۲. کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مقدمه

تغییرات اقلیم از موضوعات مورد توجه سرمایه‌گذاران و دیگر ذینفعان استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است؛ دلیل این امر این است که تغییرات اقلیم پتانسیل این را دارد که بر مدل کسب و کار، جریانهای نقدی، وضعیت مالی و عملکرد مالی واحدهای تجاری تأثیر بگذارد. تا کنون، بیشتر صنایع تحت تأثیر تغییرات اقلیم قرار گرفته‌اند و برای مدیریت آثار این تغییرات تلاش می‌کنند و صنایع دیگر نیز احتمالاً تحت تأثیر تغییرات اقلیم قرار خواهند گرفت.

علی‌رغم اینکه در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منتشرشده توسط هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۱، به موضوعات مرتبط با اقلیم اشاره صریحی نشده است، واحدهای تجاری باید هنگام بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منتشرشده توسط هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، به موضوعات مرتبط با اقلیم در شرایطی که آثار آن موضوعات بر صورتهای مالی بااهمیت است، توجه داشته باشند. منظور از اطلاعات بااهمیت، اطلاعاتی است که به‌طور معقولی انتظار رود حذف یا ارائه نادرست یا ارائه مبهم آنها بتواند بر تصمیمات استفاده‌کنندگان اصلی صورتهای مالی (از اینجا به بعد، استفاده‌کنندگان اصلی صورتهای مالی، سرمایه‌گذاران نامیده می‌شوند) که بر اساس صورتهای مالی یک واحد گزارشگر معین اتخاذ می‌شود، تأثیر بگذارد. برای مثال، اطلاعاتی درباره اینکه مدیریت واحد تجاری چگونه موضوعات مرتبط با اقلیم را در تهیه صورتهای مالی مورد توجه قرار می‌دهد، ممکن است در ارتباط با قضاوتها و برآوردهای عمده مدیریت بااهمیت باشد.

ارزیابی و افشای میزان تأثیر تغییرات اقلیم بر صورتهای مالی تهیه‌شده طبق استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی موضوع چالش‌برانگیزی است، زیرا تشخیص مسائل حسابداری مرتبط با واقعیتها و شرایط خاص واحد تجاری، مستلزم اعمال قضاوتهای عمده است.

اعمال قضاوت‌ها در خصوص اینکه کدام اطلاعات بااهمیت هستند

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، واحدهای تجاری را ملزم می‌کند که در تصمیم‌گیری‌های مربوط به شناخت، اندازه‌گیری، ارائه و افشا، در خصوص اطلاعات بااهمیت قضاوت کنند. با وجود این، واحدهای تجاری به‌طور معمول به جای اعمال قضاوت برای تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه اطلاعاتی را در صورتهای مالی ارائه کنند، الزامات افشای مندرج در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را به‌گونه‌ای استفاده می‌کنند که گویی این الزامات اقلام تشکیل‌دهنده یک چک‌لیست هستند. چنانچه الزامات افشا به عنوان یک چک‌لیست تلقی شود، مساله افشا^۲ پیش می‌آید. منظور از مساله افشا این است که در صورتهای مالی، اطلاعات نامربوط به میزان بسیار زیاد و اطلاعات مربوط به میزان ناکافی ارائه می‌شود. لذا موضوع اصلی این است که واحدهای تجاری چگونه باید در ارتباط با واقعیتها و شرایط خاص واحد تجاری از جمله افشای ریسک‌های مرتبط با اقلیم و سایر ریسک‌های نوظهور، قضاوتهای عمده داشته باشند.

بیانیه اجرایی شماره ۲ استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی - انجام قضاوت در خصوص اطلاعات بااهمیت

بیانیه اجرایی شماره ۲ استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی - انجام قضاوت در خصوص اطلاعات بااهمیت، رهنمودی در ارتباط با چگونگی انجام قضاوت توسط واحدهای تجاری هنگام تهیه صورتهای مالی با مقاصد عمومی طبق استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی فراهم می‌کند. در این بیانیه، ویژگیهای کلی اهمیت مورد بررسی می‌گیرد و فرایندی چهار مرحله‌ای شامل تشخیص، ارزیابی، سازماندهی و بازبینی، برای انجام قضاوت توسط واحدهای تجاری، ارائه می‌شود. همچنین در این بیانیه، درباره نحوه اعمال قضاوت درباره اطلاعات بااهمیت دوره‌های گذشته، اشتباهات و نحوه اعمال قضاوت برای تهیه گزارشهای میان‌دوره‌ای رهنمودی ارائه شده است.

1 International Accounting Standard Board

2 Disclosure Problem

تمام واحدهای تجاری ملزم هستند هنگام تهیه صورتهای مالی طبق استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، درباره اینکه کدام اطلاعات با اهمیت تلقی می‌شوند، قضاوت کنند. این بیانیه، که رهنمودی برای نحوه اعمال قضاوت درباره اهمیت ارائه می‌کند، الزامات مندرج در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را تغییر نمی‌دهد و چیزی به آن الزامات اضافه نمی‌کند و واحدهای تجاری برای اینکه بتوانند اظهار کنند استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را رعایت کرده‌اند، ملزم به رعایت این بیانیه نیستند.

بکارگیری بیانیه اجرایی شماره ۲ استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی - انجام قضاوت در خصوص اطلاعات با اهمیت برای ریسک‌های مرتبط با اقلیم و سایر ریسک‌های نوظهور

ریسک‌های مرتبط با اقلیم و سایر ریسک‌های نوظهور، عمدتاً خارج از صورتهای مالی مورد بحث قرار می‌گیرند. با وجود این، همانگونه که در بیانیه مزبور اشاره شده است، عوامل کیفی برون‌سازمانی نظیر صنعتی که واحد تجاری در آن فعالیت می‌کند و نیز انتظارات سرمایه‌گذاران، برخی ریسک‌ها را برای واحد تجاری به ریسک‌های "با اهمیت" تبدیل می‌کند، به گونه‌ای که صرف‌نظر از تأثیر عددی این ریسک‌ها بر صورتهای مالی، افشای آنها در صورتهای مالی ضرورت می‌یابد.

با توجه به اینکه از دیدگاه سرمایه‌گذاران، ریسک‌های مرتبط با اقلیم از عوامل مهم در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران تلقی می‌شود، تعریف اهمیت و بیانیه اجرایی شماره ۲ دلالت بر این دارد که برای واحدهای تجاری ممکن است لحاظ کردن این ریسک‌ها در صورتهای مالی ضروری باشد و نه صرفاً به عنوان موضوعی در گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت.

برای مثال، فرض کنید یک واحد تجاری فعال در صنعتی که به احتمال زیاد تحت تأثیر ریسک‌های مرتبط با اقلیم قرار دارد، تشخیص می‌دهد برای انجام آزمون کاهش ارزش ضرورتی به در نظر گرفتن مفروضات خاصی در ارتباط با این ریسک‌ها نیست. با وجود این، با در نظر گرفتن اهمیت ریسک‌های مرتبط با اقلیم در تصمیمات سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران و انتظارات معقول نسبت به اینکه مبلغ قابل بازیافت داراییهای واحد تجاری ممکن است تحت تأثیر چنین ریسک‌هایی قرار گیرد، واحد تجاری هنگام بکارگیری بیانیه اجرایی شماره ۲ ممکن است به این نتیجه برسد که افشای اطلاعاتی که به وضوح توضیح می‌دهد چرا مبلغ دفتری داراییها در معرض ریسک‌های مرتبط با اقلیم نیست، ضرورت دارد. به عبارتی، حتی اگر مبلغ دفتری داراییهای گزارش شده در صورتهای مالی، در معرض این گونه ریسک‌ها نباشد، ارائه چنین توضیحی برای سرمایه‌گذاران با اهمیت است.

علی‌رغم اینکه بکارگیری بیانیه اجرایی شماره ۲ اختیاری است، اما سرمایه‌گذاران ممکن است بنا به دلایلی انتظار داشته باشند که مدیریت واحد تجاری و حساب‌برسان هنگام تهیه و حساب‌برسی صورتهای مالی، بیانیه اجرایی شماره ۲ مد نظر قرار دهند. با توجه به نکات اشاره شده، واحدهای تجاری که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را برای تهیه صورتهای مالی بکار می‌گیرند، باید به موارد زیر توجه کنند:

- آیا سرمایه‌گذاران می‌توانند نسبت به تأثیر ریسک‌های نوظهور، از جمله ریسک‌های مرتبط با اقلیم، بر مبلغ و افشای اطلاعات در صورت های مالی انتظار معقول داشته باشند یا خیر. سرمایه‌گذاران، تعیین‌کننده اهمیت اطلاعات مربوط به چنین ریسک‌هایی برای تصمیم‌گیری خود هستند و

- اینکه چه اطلاعاتی درباره تأثیر ریسک‌های نوظهور، از جمله ریسک‌های مرتبط با اقلیم، بر مفروضات واحد تجاری در تهیه صورتهای مالی، با اهمیت تلقی می‌شود و بنابراین، باید افشا گردد.

مطالبی که در ادامه این مقاله درج می‌شود، به الزامات تهیه صورتهای مالی مربوط می‌شود، افشاهایی که در سایر گزارشها، از جمله گزارشگری پایداری جداگانه درج می‌شود، حذف موارد افشای لازم در صورتهای مالی را جبران نمی‌کند.

ملاحظات مربوط به گزارشگری مالی

آثار مالی بالقوه ناشی از ریسک‌های نوظهور از جمله ریسک‌های مرتبط با اقلیم، شامل موارد زیر است، اما محدود به این موارد نمی‌شود:

- کاهش ارزش داراییها، از جمله سرقفلی؛
- تغییر در عمر مفید داراییها؛
- تغییر در تعیین ارزش منصفانه داراییها؛
- تاثیر بر محاسبات کاهش ارزش به دلیل افزایش هزینه‌ها یا کاهش تقاضا؛
- تغییر در ذخایر در نظر گرفته شده برای قراردادهای زیانبار به دلیل افزایش هزینه‌ها یا کاهش تقاضا؛
- تغییر در ذخایر و بدهیهای احتمالی ناشی از جرایم و
- تغییر در زیانهای اعتباری مورد انتظار در ارتباط با وامها و سایر داراییهای مالی.

در ادامه، نمونه‌هایی ارائه شده است که نشان می‌دهد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منتشرشده توسط هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ممکن است واحدهای تجاری را ملزم کنند هنگام بکارگیری اصول مندرج در برخی استانداردها، آثار موضوعات مرتبط با اقلیم و سایر ریسک‌های نوظهور را مورد توجه قرار دهند. مثالهای زیر جامع نیستند و امکان دارد در زمان بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منتشرشده توسط هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، موارد دیگری نیز وجود داشته باشد که به موضوعات اقلیمی مرتبط باشد از جمله این موارد، می‌توان به آثار موضوعات اقلیمی در اندازه‌گیری تعهدات مربوط به طرحهای با مزایای معین کارکنان اشاره کرد. توضیحات ارائه شده برای هر مورد، لزوماً الزامات مربوط را به‌طور کامل توصیف نمی‌کند، بنابراین هنگام تهیه صورتهای مالی؛ مراجعه به الزامات مندرج در استانداردها از اهمیت برخوردار است.

افزون بر الزامات خاص اشاره شده برای هر نمونه‌ای که در ادامه درج شده است، استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ ارائه صورتهای مالی دربردارنده برخی الزامات کلی است که هنگام توجه به موضوعات اقلیمی می‌تواند مربوط تلقی شود. برای مثال بند ۱۱۲ استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱، افشای اطلاعاتی را در یادداشتهای توضیحی الزامی می‌کند که به‌طور مشخص در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی الزامی نشده است یا در جای دیگری از صورتهای مالی ارائه نمی‌شود، اما برای درک صورتهای مالی مربوط است. این بند به همراه بند ۳۱ همان استاندارد، واحد تجاری را ملزم می‌کند این موضوع را مدنظر قرار دهد که آیا اطلاعات بااهمیتی وجود دارد که در صورتهای مالی ارائه نشده است یا خیر. برای مثال واحد تجاری باید به این موضوع توجه کند که چنانچه رعایت الزامات خاص مندرج در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منتشرشده توسط هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، برای کمک به سرمایه‌گذاران جهت درک آثار معاملات، رویدادها و سایر شرایط بر وضعیت مالی و عملکرد مالی واحد تجاری ناکافی باشد، آیا لازم است افشاهای بیشتری ارائه کند یا خیر. بنابراین، واحدهای تجاری باید مدنظر داشته باشند که اگر رعایت الزامات مندرج در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منتشرشده توسط هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، برای کمک به سرمایه‌گذاران جهت درک تاثیر موضوعات مرتبط با اقلیم بر وضعیت مالی و عملکرد مالی واحد تجاری ناکافی باشد، باید افشای اضافی در این خصوص ارائه نمایند. این الزامات کلی استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱، ممکن است به‌طور خاص برای واحدهای تجاری که وضعیت مالی یا عملکرد مالی آنها مشخصاً تحت تاثیر موضوعات مرتبط با اقلیم است، مربوط تلقی شود.

نمونه‌های ارائه‌شده بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منتشرشده توسط هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری (نگاره ۱)

نگاره ۱

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منتشرشده
توسط هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری ۱

آثار موضوعات مرتبط با اقلیم بر صورتهای مالی

منابع عدم اطمینان برآوردها و قضاوت‌های عمده

اگر مفروضات واحد تجاری درباره آینده، ریسک تعدیل بااهمیت مبلغ دفتری داراییها و بدهیها در سال مالی بعد را به همراه داشته باشد، استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ واحد تجاری را ملزم می‌کند اطلاعاتی درباره آن مفروضات، ماهیت و مبلغ دفتری داراییها و بدهیهای مزبور افشا نماید. به عبارتی، افشای مفروضات درباره موضوعات مرتبط با اقلیم در شرایطی خاص ممکن است ضروری باشد. برای مثال اگر موضوعات مرتبط با اقلیم عدم اطمینان‌هایی ایجاد کند که بر مفروضات مورد استفاده در انجام برآوردها، نظیر برآورد جریانهای تقدی آتی در آزمون کاهش ارزش یک دارایی یا بهترین برآورد از مخارج لازم برای تسویه تعهد برچیدن دارایی، تاثیرگذار است، افشای مفروضات درباره آن موضوعات اقلیمی ضرورت دارد. واحدهای تجاری باید این افشاها را به‌گونه‌ای ارائه کنند که به سرمایه‌گذاران کمک کند تا قضاوت‌های مدیریت درباره آینده را درک کنند. با اینکه، ماهیت و دامنه اطلاعات ارائه‌شده می‌تواند متفاوت باشد، اما این اطلاعات معمولاً دربردارنده ماهیت مفروضات یا حساسیت مبالغ دفتری به روشها، مفروضات و برآوردهای زیربنایی محاسبات آنها و نیز دلایل حساسیت را دربرمی‌گیرد.

همچنین استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ واحد تجاری را ملزم می‌کند قضاوت‌های مدیریت (به‌جز قضاوت‌های مربوط به برآوردها) را که بیشترین اثر را بر مبالغ شناسایی‌شده در صورتهای مالی دارند، افشا کند. برای مثال، یک واحد تجاری که در صنعتی فعالیت دارد که تحت تاثیر موضوعات مرتبط با اقلیم است، ممکن است یک دارایی را بر اساس استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۶ کاهش ارزش داراییها مورد آزمون کاهش ارزش قرار دهد، اما زیان کاهش ارزش شناسایی نکند. چنانچه قضاوت‌های واحد تجاری، برای مثال، قضاوت در خصوص واحد مولد نقد، از جمله قضاوت‌هایی باشد که بیشترین تاثیر را بر مبالغ شناسایی‌شده در صورتهای مالی واحد تجاری دارد، آن واحد تجاری ملزم به افشای قضاوت‌های مدیریت است.

تداوم فعالیت

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ مدیریت واحد تجاری را ملزم می‌کند که در زمان تهیه صورتهای مالی، توانایی واحد تجاری برای ادامه فعالیت را ارزیابی نماید. برای ارزیابی اینکه مبنای تداوم فعالیت در تهیه صورتهای مالی مناسب است یا خیر، مدیریت باید تمام اطلاعات در دسترس درباره حداقل دوازده ماه آینده پس از پایان دوره گزارشگری، و نه محدود به آن، را در نظر گیرد. چنانچه موضوعات مرتبط با اقلیم عدم اطمینان‌های بااهمیتی در ارتباط با رویدادها و شرایط ایجاد کند به‌گونه‌ای که نسبت به توانایی تداوم فعالیت واحد تجاری تردید اساسی ایجاد شود، طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ افشای این عدم اطمینان‌ها الزامی است. چنانچه مدیریت به این نتیجه رسیده باشد که عدم اطمینان بااهمیتی در ارتباط با فرض تداوم فعالیت وجود ندارد که مستلزم افشا باشد، اما برای دستیابی به چنین نتیجه‌گیری، قضاوت‌های

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ ارائه صورتهای مالی
بندهای ۲۵ تا ۲۶، ۱۲۲ تا ۱۲۴، ۱۲۵ تا ۱۳۳

۱ این ستون اشاره به بندهایی دراد که از توضیحات مندرج در جدول، پشتیبانی می‌کنند، موضوعات مرتبط با اقلیم همچنین ممکن است در بکارگیری دیگر بندهای مندرج در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منتشرشده توسط هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، مربوط باشد.

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منتشرشده
توسط هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری ۱

آثار موضوعات مرتبط با اقلیم بر صورتهای مالی

عمده صورت گرفته باشد (برای مثال درمورد امکان‌سنجی و اثربخشی تقلیل ریسک‌های مرتبط با اقلیم برنامه‌ریزی‌شده) استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ افشای این قضاوت‌ها را الزامی کرده است.

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۲ موجودیها
بندهای ۲۸ تا ۳۳

موضوعات مرتبط با اقلیم ممکن است موجب نابابی موجودیهای یک واحد تجاری شود، به‌گونه‌ای که قیمت فروش موجودیها کاهش یابد یا هزینه‌های تکمیل آنها با افزایش مواجه شود. بنابراین، اگر در نتیجه موارد ذکرشده، بهای تمام‌شده موجودیها قابل بازیافت نباشد، استاندارد بین‌المللی حسابداری ۲ واحد تجاری را ملزم می‌کند بهای تمام‌شده موجودیها را تا سطح خالص ارزش فروش کاهش دهد. برآورد خالص ارزش فروش مبتنی بر قابل‌اتکاترین شواهد موجود از مبلغی است که انتظار می‌رود موجودیها در زمان برآورد، به آن مبلغ به فروش برسند.

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۲ مالیات بر درآمد
بندهای ۲۴، ۲۷ تا ۳۱، ۳۴ و ۵۶

طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۲، به‌طور کلی واحدهای تجاری ملزم به شناسایی دارایی مالیات انتقالی بابت تفاوت‌های موقتی کاهنده مالیات و زیانهای مالیاتی استفاده‌نشده و اعتبارهای مالیاتی استفاده‌نشده، تا میزانی هستند که وجود سودهای مشمول مالیات آتی قابل استفاده محتمل باشد. موضوعات مرتبط با اقلیم ممکن است برآورد واحد تجاری از سودهای مشمول مالیات آتی را تحت تاثیر قرار دهد به‌گونه‌ای که واحد تجاری نتواند دارایی مالیات انتقالی شناسایی کند یا حتی ممکن است واحد تجاری ملزم به قطع شناخت دارایی مالیات انتقالی شناسایی‌شده قبلی شود.

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۶ املاک، ماشین‌آلات
و تجهیزات

بندهای ۷، ۵۱، ۷۳ و ۷۶

و استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۸ داراییهای
نامشهود

بندهای ۹ تا ۶۴، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۸، ۱۲۱ و ۱۲۶

موضوعات مرتبط با اقلیم ممکن است باعث تحمل مخارجی برای تغییر یا انطباق عملیات و فعالیتهای تجاری، از جمله تحقیق و توسعه، با ریسک‌های مرتبط با اقلیم شود. استانداردهای بین‌المللی حسابداری ۱۶ و ۳۸ الزاماتی را برای شناسایی بهای تمام شده داراییها (به‌عنوان یک قلم از املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات یا یک قلم از داراییهای نامشهود) تعیین می‌کنند. همچنین طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۸، واحد تجاری باید مخارج تحقیق و توسعه را که طی دوره به‌عنوان هزینه شناسایی کرده است، افشا کند.

طبق استانداردهای بین‌المللی حسابداری ۱۶ و ۳۸، واحدهای تجاری باید ارزش باقیمانده برآوردی و عمر مفید مورد انتظار داراییها را حداقل به‌طور سالانه بازنگری کنند و تغییر در استهلاك قابل شناسایی دوره جاری و دوره‌های بعدی را که برای مثال ناشی از موضوعات مرتبط با اقلیم است، منعکس نمایند. موضوعات مرتبط با اقلیم ممکن است به دلایلی نظیر نابابی، محدودیت‌های قانونی یا عدم دسترسی به داراییها بر ارزش باقیمانده برآوردی و عمر مفید مورد انتظار داراییها بگذارد. همچنین واحدهای تجاری ملزم هستند عمر مفید مورد انتظار هرطبقه از داراییها و ماهیت و مبلغ تغییر در ارزش باقیمانده برآوردی و عمر مفید مورد انتظار را افشا کنند.

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۶ کاهش ارزش
داراییها

بندهای ۹ تا ۱۴، ۳۰، ۳۳، ۴۴، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۴ تا
۱۳۵

در استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۶ الزاماتی وجود دارد که هرگاه واحد تجاری ملزم باشد مبالغ بازیافتنی را برای ارزیابی کاهش ارزش سرقفلی و کاهش ارزش داراییهایی نظیر املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات، دارایی حق استفاده و داراییهای نامشهود برآورد کند، باید آن الزامات را رعایت نماید. واحد تجاری باید در پایان هر دوره گزار شگری ارزیابی کند که آیا نشانه‌ای مبنی بر کاهش ارزش وجود دارد یا خیر. موضوعات مرتبط با اقلیم ممکن است منجر به پیدایش نشانه‌هایی مبنی بر کاهش ارزش یک دارایی یا گروهی از داراییها شود. برای مثال، کاهش تقاضا برای محصولات که منجر به انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌شود می‌تواند نشان دهد ماشین‌آلات تولیدی آن محصولات ممکن است کاهش ارزش یابند و در نتیجه، آزمون کاهش ارزش دارایی ضرورت می‌یابد. همچنین در استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۶ به این موضوع اشاره می‌شود

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منتشر شده توسط هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری ۱

آثار موضوعات مرتبط با اقلیم بر صورتهای مالی

که اطلاعات برون‌سازمانی نظیر تغییرات عمده در محیطی که واحد تجاری در آن فعالیت می‌کند (از جمله تغییر در مقررات) و دارای آثار نامطلوب بر واحد تجاری است، نشانه‌ای از کاهش ارزش است.

در صورت برآورد مبلغ بازیافتی با استفاده از ارزش بکارگیری^۱، استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۶ واحد تجاری را ملزم می‌کند برآورد مزبور را از طریق برآورد جریانهای نقدی آتی که انتظار می‌رود از دارایی ایجاد شود و انتظار نسبت به تغییرات احتمالی در مبلغ یا زمان‌بندی جریانهای نقدی مزبور منعکس نماید. واحد تجاری ملزم است جریانهای نقدی را بر مبنای معقول و قابل پشتیبانی پیش‌بینی کند به‌گونه‌ای که بهترین برآورد مدیریت از دامنه تغییرات شرایط اقتصادی در عمر مفید باقیمانده دارایی باشد. چنین امری واحد تجاری را ملزم می‌کند به این موضوع توجه نماید که آیا موضوعات مرتبط با اقلیم، بر مفروضات معقول و قابل پشتیبانی اشاره شده تاثیر می‌گذارد یا خیر. طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۶ جریانهای نقدی آتی دارایی باید بر اساس شرایط فعلی آن برآورد شود، بنابراین جریانهای نقدی آتی که انتظار می‌رود از تجدیدساختار آتی یا بهبود عملکرد دارایی مزبور ایجاد شود، در نظر گرفته نمی‌شود.

طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۶، رویدادها و شرایطی که منجر به شناسایی زبان کاهش ارزش شده است، باید افشا شود. بنابراین، برای مثال، تصویب قانون کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای که مخارج تولید را افزایش می‌دهد الزامی است. افشای مفروضات اصلی مورد استفاده در برآورد مبلغ بازیافتی داراییها و نیز اطلاعات مربوط به تغییرات احتمالی معقول این مفروضات، در شرایطی خاص الزامی است.

موضوعات مرتبط با اقلیم ممکن است بر شناسایی، اندازه‌گیری و افشای بدهیها طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۷ تاثیر بگذارد. برای مثال:

- عوارض تحمیل شده از سوی دولت به دلیل ناتوانی در دستیابی به اهداف مرتبط با اقلیم یا تشویق به یا ممانعت از فعالیتهای مشخص
 - الزامات نظارتی برای جبران خسارتهای زیست‌محیطی
 - قراردادهایی که ممکن است زیانبار شوند (برای مثال، به دلیل احتمال از دست دادن درآمد یا افزایش در هزینه‌ها که ناشی از قوانینی است که در نتیجه تغییرات اقلیم وضع می‌شود)؛ یا
 - تجدید ساختار به منظور طراحی مجدد محصولات یا خدمات برای دستیابی به اهداف مرتبط با اقلیم^۲
- طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۷، افشای ماهیت ذخایر یا بدهیهای احتمالی و تعیین عدم اطمینانهای مربوط به مبلغ یا زمان‌بندی جریانهای خروجی منافع اقتصادی الزامی است. همچنین در صورت ضرورت ارائه اطلاعات کافی، افشای مفروضات اصلی مربوط به رویدادهای آتی که در مبلغ ذخایر منعکس شده است، طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۷ الزامی است.^۳

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۷ ذخایر، بدهیهای احتمالی و داراییهای احتمالی بندهای ۱۴ تا ۸۳، ۸۵ تا ۸۶ تفسیر ۲۱ کمیته تفاسیر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی عوارض بندهای ۸ تا ۱۴

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۷، افشای اطلاعات درباره ابزارهای مالی واحد

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۷ ابزارهای

1. Value in Use

۲. در جولای سال ۲۰۲۲، کمیته تفاسیر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، برنامه کاری با عنوان اعتبار منفی خوردوهای با آلایندهی کم-استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۷ را منتشر کرد.

۳. استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۷، افشای این موارد را الزامی کرده است، مگر در شرایط بسیار نادر که انتظار می‌رود افشای این اطلاعات، به‌طور جدی به موقعیت شرکت در اختلاف با طرفهای دیگر لطمه بزند. در این شرایط، افشای ماهیت کلی اختلاف به همراه این واقعیت که اطلاعات مزبور افشا نشده است و نیز، دلایل عدم افشای آن اطلاعات، الزامی است (به بند ۹۲ استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۷ مراجعه شود)

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منتشرشده
توسط هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری ۱

آثار موضوعات مرتبط با اقلیم بر صورتهای مالی

مالی: افشا

بندهای ۳۱ تا ۴۲ و ۸

تجاری، از جمله اطلاعاتی درباره ماهیت و میزان ریسک‌های ناشی از ابزارهای مالی و نحوه مدیریت این ریسک‌ها توسط واحد تجاری را الزامی می‌کند. موضوعات مرتبط با اقلیم ممکن است واحد تجاری را در معرض ریسک‌های مرتبط با ابزارهای مالی قرار دهد. برای مثال، برای وام‌دهندگان ممکن است ارائه اطلاعات درباره آثار موضوعات مرتبط با اقلیم بر اندازه‌گیری زیان اعتباری مورد انتظار یا بر تمرکز ریسک اعتباری ضروری باشد. برای دارندگان ابزارهای مالکانه، هنگام افشای تمرکز ریسک بازار، ارائه اطلاعات درباره سرمایه‌گذاریها بر حسب صنعت و مشخص کردن صنایعی که در معرض ریسک‌های مرتبط با اقلیم هستند، ممکن است ضرورت یابد.

موضوعات مرتبط با اقلیم می‌تواند حسابداری ابزارهای مالی را به روشهای مختلف تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال، قراردادهای وام ممکن است دربردارنده مفادی باشد که جریانهای نقدی قراردادی را به دستیابی واحد تجاری به اهداف مرتبط با اقلیم پیوند زده است. این اهداف ممکن است بر نحوه اندازه‌گیری و طبقه‌بندی وام تأثیر بگذارد (به عبارتی، وام‌دهنده باید به این موضوع توجه کند که آیا مفاد و شرایط قراردادی دارایی مالی، منجر به ایجاد جریانهای نقدی قراردادی می‌شود که صرفاً پرداختهای اصل و بهره مربوط به مانده مبلغ اصل را شامل شود یا خیر). از دیدگاه وام‌گیرندگان، این اهداف ممکن است بر این موضوع تأثیر بگذارد که آیا ابزارهای مشتقه تعبیه‌شده ای وجود دارد که باید از قرارداد میزبان تفکیک شود یا خیر.

همچنین موضوعات مرتبط با اقلیم ممکن است آسیب‌پذیری وام‌دهنده از زیانهای اعتباری را تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال، آتش‌سوزی، سیل یا تغییر در سیاستها و مقررات می‌تواند بر توانایی وام‌گیرنده برای ایفای تعهدات خود به وام‌دهنده، تأثیر منفی بگذارد. افزون بر این، داراییها ممکن است دست‌نیافتنی یا بیمه‌ناپذیر شوند و به این ترتیب، ارزش وثایق برای وام‌دهنده تحت تأثیر قرار گیرد. برای شناسایی و اندازه‌گیری زیانهای اعتباری مورد انتظار، استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ واحد تجاری را ملزم می‌کند از تمام اطلاعات معقول و قابل پشتیبانی که بدون تلاش و مخارج زیاد در دسترس است، استفاده کنند. بنابراین، موضوعات مرتبط با اقلیم ممکن است در این حوزه مربوط تلقی شوند. برای مثال، این موضوعات می‌توانند بر دامنه سناریوهای اقتصادی بالقوه آتی، ارزیابی وام‌دهندگان از افزایش عمده در ریسک اعتباری، اینکه یک دارایی مالی دچار کاهش ارزش اعتباری شده است یا خیر و همچنین، بر اندازه‌گیری زیانهای اعتباری مورد انتظار، تأثیر بگذارند.

موضوعات مرتبط با اقلیم ممکن است اندازه‌گیری ارزش منصفانه داراییها و بدهیها در صورتهای مالی را تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال، دیدگاه فعالان بازار نسبت به قوانین بالقوه مرتبط با اقلیم می‌تواند بر ارزش منصفانه یک دارایی یا بدهی اثر بگذارد. همچنین موضوعات مرتبط با اقلیم ممکن است افشای اطلاعات درباره اندازه‌گیری ارزش منصفانه را تحت تأثیر قرار دهد. به ویژه، اندازه‌گیری ارزش منصفانه با استفاده از ورودیهای غیر قابل مشاهده با اهمیت که در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌شوند. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ انعکاس مفروضات، شامل مفروضات مرتبط با ریسک که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی بکار می‌گیرند را در داده‌های ورودی غیر قابل مشاهده الزامی کرده است. طبق استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ افشای داده‌های مورد استفاده در اندازه‌گیری ارزش منصفانه الزامی است و در اندازه‌گیریهای متناوب ارزش منصفانه، ارائه شرحی از حساسیت اندازه‌گیری ارزش منصفانه به تغییر در داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده مشروط بر اینکه تغییر در آن داده‌های ورودی به‌طور عمده‌ای منجر به بیشتر یا کمتر

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ ابزارهای مالی
بندهای (۴.۱.۱) (ب)، (۴.۱.۲) الف (ب)، (۴.۳.۱)، (۵.۵.۱) تا (۵.۵.۲۰)،
ب ۴.۱.۷

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ اندازه‌گیری ارزش
منصفانه
بندهای ۲۲، ۷۳ تا ۷۵، ۸۷، ۹۳

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منتشرشده توسط هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری ۱

آثار موضوعات مرتبط با اقلیم بر صورتهای مالی

شدن مبلغ ارزش منصفانه شود، ضروری است.

موضوعات مرتبط با اقلیم ممکن است موجب افزایش دفعات یا میزان مبالغ رویدادهای بیمه‌شده یا تسریع زمانبندی وقوع آنها شوند. نمونه‌هایی از رویدادهای بیمه‌شده‌ای که می‌تواند تحت تأثیر موضوعات مرتبط با اقلیم قرار گیرد، شامل توقف کسب و کار، خسارت به داراییها، بیماری و مرگ باشد. بنابراین، موضوعات مرتبط با اقلیم، مفروضات مورد استفاده در اندازه‌گیری بدهیهای قراردادهای بیمه طبق استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۷ را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین موضوعات مرتبط با اقلیم ممکن است بر افشای الزامی درباره (الف) قضاوت‌های عمده و تغییرات در قضاوت‌های انجام شده در بکارگیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری ۱۷ و (ب) آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسک، تمرکز ریسک، چگونگی مدیریت ریسک‌ها و تحلیل حساسیت تأثیر بگذارد.

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۷ قراردادهای بیمه بندهای ۳۳، ۴۰، ۱۱۷ و ۱۲۱ تا ۱۲۸، پیوست الف

نتیجه‌گیری

در حالی که ریسک تغییرات اقلیم و سایر ریسک‌های نوظهور، به صراحت توسط استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی پوشش داده نمی‌شود، اما موضوعات مربوط به این ریسک‌ها در همان استانداردها مورد بررسی قرار می‌گیرد. پیامدهای مالی بالقوه ناشی از ریسک‌های مرتبط با آب و هوا و سایر ریسک‌های نوظهور ممکن است شامل الزامات مندرج در استانداردهای زیر باشد، اما محدود به آنها نیست:

استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱ ارائه صورتهای مالی؛ استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۶ کاهش ارزش داراییها؛ استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱۶ املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات؛ استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۸ داراییهای نامشهود؛ استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ اندازه‌گیری ارزش منصفانه؛ استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ ابزارهای مالی؛ استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۷ ابزارهای مالی؛ افشا و استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۷ ذخایر، بدهیهای احتمالی و داراییهای احتمالی.

نیاز به قضاوت درباره اهمیت، در تهیه صورت‌های مالی فراگیر است. طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۱، اطلاعات در صورتی با اهمیت است که به‌طور معقولی انتظار رود حذف یا ارائه نادرست یا ارائه مبهم آنها بتواند بر تصمیمات استفاده‌کنندگان اصلی صورتهای مالی که بر اساس صورت‌های مالی یک واحد گزارشگر معین اتخاذ می‌شود، تأثیر بگذارد. اهمیت به ماهیت یا اندازه اطلاعات یا هر دو بستگی دارد. با تکیه بر این مفهوم، قضاوت درباره اهمیت بر این نکته تأکید دارد که یک قلم از اطلاعات می‌تواند بدون توجه به اندازه آن بر تصمیم‌گیری‌های استفاده‌کنندگان اصلی تأثیر بگذارد و آستانه کمی، حتی می‌تواند تا سطح صفر کاهش یابد.

توجه به این نکته ضروری است که افشای اطلاعات در سایر جاها (نظیر گزارش تفسیری مدیریت و گزارش‌های پایداری جداگانه) حذف مواردی را که باید در صورت‌های مالی ارائه شود جبران نمی‌کند.

منابع

- Antoniuk, Yevheniia. 2023. "The Effect of Climate Disclosure on Stock Market Performance: Evidence from Norway." *Sustainable Development* 31(2): 1008–26.
- Bansal, Ravi, Dana Kiku, and Marcelo Ochoa. 2016. *Price of Long-Run Temperature Shifts in Capital Markets*. National Bureau of Economic Research.
- Board, Financial Stability. 2017. "Recommendations of the Task Force on Climate-Related Financial Disclosures."
- . 2019. "Task Force on Climate-Related Financial Disclosures: 2019 Status Report."
- Bui, Binh, and Carolyn J Fowler. 2019. "Strategic Responses to Changing Climate Change Policies: The Role Played by Carbon Accounting." *Australian Accounting Review* 29(2): 360–75.
- Haque, Shamima, and Craig Deegan. 2010. "Corporate Climate Change-related Governance Practices and Related Disclosures: Evidence from Australia." *Australian accounting review* 20(4): 317–33.
- Herbohn, Kathleen, Paul Dargusch, and John Herbohn. 2012. "Climate Change Policy in Australia: Organisational Responses and Influences." *Australian Accounting Review* 22(2): 208–22.
- Hlavinka, Petr et al. 2009. "Effect of Drought on Yield Variability of Key Crops in Czech Republic." *Agricultural and forest meteorology* 149(3–4): 431–42.
- Kerber, R. 2017. "Vanguard Seeks Corporate Disclosure on Risks from Climate Change." *Reuters* <https://br.reuters.com/article/us-vanguard-climate-idUSKCNIAUIKJ> (14 August 2017).
- KPMG, I. 2013. "The KPMG Survey of Corporate Responsibility Reporting 2013." *KPMG International Zurich, Switzerland*.
- McGowan, Michael, and Lisa Cox. 2019. "Court Rules out Hunter Valley Coalmine on Climate Change Grounds." *The Guardian* 8.
- Mercer, L L C. 2015. "Investing in a Time of Climate Change." *London, UK: Mercer International Finance Corporation and the UK Department for International Development*.
- Ndlovu, S. 2018. "Climate Change: The Impact on the Mining Sector." *Journal of the Southern African Institute of Mining and Metallurgy* 118(4): vii–vii.
- Peel, Jacqueline, Hari Osofsky, and Anita Foerster. 2017. "Shaping the 'next Generation' of Climate Change Litigation in Australia." *Melb. UL Rev.* 41: 793.
- Schneckenburger, C, and Robert Aukerman. 2002. "The Economic Impact of Drought on Recreation and Tourism." In *Proceedings from the Colorado Drought Conference: Managing Water Supply and Demand in the Fime of Drought*, , 93–97.
- Schulten, Ashley, Andre Bertolotti, Peter Hayes, and Amit Madaan. 2021. "Getting Physical: Scenario Analysis for Assessing Climate-Related Risks." In *World Scientific Encyclopedia of Climate Change: Case Studies of Climate Risk, Action, and Opportunity Volume 3*, World Scientific, 211–17.
- Simnett, Roger, and Michael Nugent. 2007. "Developing an Assurance Standard for Carbon Emissions Disclosures." *Australian Accounting Review* 17(42): 37–47.
- Skaife, Hollis Ashbaugh, Daniel W Collins, William R Kinney Jr, and Ryan LaFond. 2008. "The Effect of Sox Internal Control Deficiencies on Firm Risk and Cost of Equity." *Journal of Accounting Research, Forthcoming*.
- Skinner, Douglas J. 1994. "Why Firms Voluntarily Disclose Bad News." *Journal of accounting research* 32(1): 38–60.
- Sullivan, Rory. 2014. "Climate Change: Implications for Investors and Financial Institutions." *Available at SSRN 2469894*.

- Taylor, Nick. 2023. “‘Making Financial Sense of the Future’: Actuaries and the Management of Climate-Related Financial Risk.” *New political economy* 28(1): 57–75.
- Truong, Cameron, Mukesh Garg, and Christofer Adrian. 2020. “Climate Risk and the Price of Audit Services: The Case of Drought.” *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 39(4): 167–99.
- Winden, Andrew W. 2021. “Jumpstarting Sustainability Disclosures.” *Bus. Law.* 76: 1215–21.
- World Economic Forum, weforum. 2019. “The Global Risks Report.” In World Economic Forum Geneva, Switzerland.



Paper type: Research Article

The Effect of Stock Liquidity on Cash Holding with Emphasis on Growth Opportunity in Tehran Stock Exchange

Forough Peymannia¹, Zohreh Hajiha^{2*}

Received: 2024/01/05

Accepted: 2024/07/25

Abstract

The aim of the research is to investigate the effect of stock liquidity on cash holding with an emphasis on the growth opportunity in firms listed on the Tehran Stock Exchange. For this purpose, relevant information was extracted from the financial statements of the firms listed on the stock exchange. The time frame of the research was considered from 1389 to 1399. For statistical analysis, regression estimation with panel data was used. The results of the research hypotheses test show that the liquidity of stocks does not have a significant effect on the cash holding. Also, the growth opportunity has a moderating role on the effect of stock liquidity on cash holding.

Keywords: stock liquidity, cash holding, growth opportunity



10.71600/jacgr.2024.977496



How to cite this article: Peymannia, F., & Hajiha, Z. (2024). The Effect of Stock Liquidity on Cash Holding with Emphasis on Growth Opportunity in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Corporate Governance Researches*, 3(7), 81-92. (In Persian)

¹. MSc. in Accounting, Department of Accounting, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Thran, Iran.

². Prof, Department of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

***Corresponding Author:** drzhajiha@gmail.com



نوع مقاله: پژوهشی

تأثیر نقدشوندگی سهام بر نگهداشت وجوه نقد با تأکید بر فرصت رشد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

فروغ پیمان نیا^۱، زهره حاجیها^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۴

چکیده

هدف اصلی پژوهش بررسی تأثیر نقدشوندگی سهام بر نگهداشت وجوه نقد با تأکید بر فرصت رشد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای این منظور اطلاعات مربوط از صورتهای مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس استخراج گردید. بازه زمانی پژوهش از سال ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۹ در نظر گرفته شد. برای تحلیل های آماری از تخمین رگرسیون با داده های تابلویی استفاده گردید. نتایج حاصل از آزمون فرضیه های پژوهش نشان می دهد نتایج حاصل از آزمون فرضیه های پژوهش نشان می دهد که نقدشوندگی سهام بر نگهداشت وجوه نقد تأثیر معناداری ندارد. هم چنین فرصت رشد بر تأثیر نقدشوندگی سهام بر نگهداشت وجوه نقد نقش تعدیلگر دارد.

واژه های کلیدی: نقدشوندگی سهام، نگهداشت وجوه نقد، فرصت رشد.



10.71600/jacgr.2024.977496



استناد: پیمان نیا، فروغ و حاجیها، زهره (۱۴۰۳). تأثیر نقدشوندگی سهام بر نگهداشت وجوه نقد با تأکید بر فرصت رشد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش های حسابداری و راهبری شرکتی، ۳(۷)، ۸۱-۹۲.

^۱ . دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ . استاد گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. * نویسنده مسئول: drzhajiha@gmail.com

مقدمه

عواملی مانند محیط رقابتی و تحولات سریع اقتصادی، موجب می‌شوند که مسئولیت مدیران برای اتخاذ تصمیم‌های مالی مضاعف شود. در این میان، نگهداشت وجه نقد یکی از تصمیم‌های رایج مدیران در فرآیند مدیریت مالی است. کمبود وجه نقد موجب می‌شود که شرکت نتواند فعالیت‌های تجاری خود را به موقع انجام دهد، از طرفی، وجه نقد مازاد نیز هزینه نمایندگی را افزایش می‌دهد (نوروش و همکاران، ۱۳۸۸؛ اصولیان و همکاران، ۱۳۹۶). از این رو، توازن میان این دو، برای سلامت اقتصادی واحدهای تجاری ضروری است. یکی از اهداف و کارکردهای بسیار مهم بازارهای مالی، تسهیل و تسریع فرایند سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مالی و حالت عکس آن، یعنی تبدیل دارایی‌های مالی (سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مالی) به وجه نقد است. این کارکرد بسیار حیاتی که از آن با عنوان نقدشوندگی یاد می‌شود، در سال‌های اخیر در کانون توجه مدیران و مسئولان بازار سرمایه قرار گرفته است (سرلک و همکاران، ۱۳۹۷؛ اصولیان و باقری، ۱۳۹۵).

بورس اوراق بهادار در هر کشوری، همواره یکی از اهرم‌های بسیار مهم انتقال و انباشت سرمایه و همچنین، یکی از معیارهای مهم رونق و پیشرفت است که از جمله ریسک‌های شایان توجه آن، می‌توان به ریسک نقدشوندگی اشاره کرد. نقدشوندگی سهام، یکی از عوامل مهمی است که سرمایه‌گذاران در بازارهای سرمایه به آن توجه می‌کنند و یکی از کارکردهای اصلی بورس اوراق بهادار محسوب می‌شود و تمایل به بررسی این مسئله از این واقعیت نشأت می‌گیرد که نقدشوندگی سهام در بورس اوراق بهادار، یکی از دغدغه‌های اصلی سرمایه‌گذاران است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۳). با وجود این که شرکت‌ها درصد شایان توجهی از دارایی‌های خود را با اهدافی همچون محافظت در برابر کاهش جریان نقد در آینده (پالازو، ۲۰۱۲)، تأمین مالی رشد (سیموتین، ۲۰۱۰) یا گذر از رکود اقتصادی، به خصوص در شرکت‌هایی با فرصت رشد (فالکندر و وانگ، ۲۰۰۶؛ دنیز و سیبیلکو، ۲۰۱۰) نگهداری می‌کنند. با توجه به این که سرمایه‌گذاری‌ها بیشتر بر مبنای اطلاعات افشا شده و همچنین وجود فرصت‌های رشد توسط سرمایه‌گذاران و تأمین اعتبارکنندگان پیگیری می‌شود و همچنین با توجه به این که تبیین معیارهای نگهداشت وجوه نقد و وجود یا نبود نقدشوندگی سهام می‌تواند در تعیین کلی راهبردهای خرید و فروش در بازار سرمایه مفید باشد به نظر می‌رسد لازم است در این زمینه مطالعه دقیقی در بورس اوراق بهادار تهران انجام شود. هدف اصلی پژوهش بررسی تأثیر نقدشوندگی سهام بر نگهداشت وجوه نقد با تأکید بر فرصت رشد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

سیموتین (۲۰۱۰) معتقد است که وجه نقد مازاد، اطلاعات مربوط به چشم‌اندازهای شرکت را بهتر از سایر شاخص‌های معمول، مانند اندازه و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار نشان می‌دهد. هارفورد و همکاران (۲۰۰۸) نیز نشان داده‌اند مدیرانی که به مدت طولانی و ریشه‌دار، مدیریت شرکت‌ها را برعهده دارند، به احتمال بیشتری وجه نقد مازاد را هدر می‌دهند و از این حیث، وجه نقد مازاد می‌تواند بر عملیات شرکت اثرگذار باشد. علاوه بر مطالب پیشین، لیو (۲۰۰۶) استدلال می‌کند که به دلیل ماهیت چندوجهی نقدشوندگی، برخی معیارها ممکن است نقدشوندگی سهام شرکت‌ها را به طور کامل منعکس نکنند. بنابراین، انتظار می‌رود، وجود نگهداشت وجه نقد در ساختار شرکت، هم بر نیازهای نامبرده و هم به صورت غیرمستقیم بر ارزش شرکت اثر بگذارد.

فالکندر و وانگ (۲۰۰۶)، و دنیز و سیبیلکو (۲۰۱۰) نشان داده‌اند که نگهداشت‌های نقدی برای شرکت‌های دارای محدودیت مالی و فرصت‌های رشد ارزشمند، از ارزش بیشتری برخوردار است. به همین ترتیب، اپلر، پینکویتز، استالز، ویلیامسون (۱۹۹۹)، و براون و پترسن (۲۰۱۱) دریافتند نگهداشت‌های نقدی در شرکت‌هایی که در زمینه خاصی تحقیق و توسعه می‌کنند، بیشترین ارزش را دارد؛ زیرا ذخایر نقدی به این شرکت‌ها کمک می‌کند تا از هزینه‌های تعدیل‌های زیاد و متوالی مرتبط با تغییر مسیر پروژه‌های تحقیق و توسعه جلوگیری شود. از آن جا که وجه نقد به شرکت‌ها کمک می‌کند تا فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآور خود را تأمین

مالی کنند و از رکود اقتصادی جان سالم به در ببرند، وجه نقد مازاد می تواند سازوکار مفیدی برای جذب سرمایه گذاران شرکت باشد، به ویژه شرکت هایی که محدودیت مالی یا فرصت های رشد ارزشمندی دارند. زمانی که نقدشوندگی در بازار کاهش پیدا می کند، معامله گران به سهام شرکت های دارای وجه نقد مازاد، بیشتر توجه می کنند و قیمت سهام آنها کمتر در معرض شوکهای نقدینگی بازار قرار می گیرد. در عین حال، کاهش ریسک نقدشوندگی، بازده مازاد ناشی از ریسک نقدشوندگی و هزینه سرمایه را کاهش می دهد (هوآنگ و مازوز، ۲۰۱۸). بر اساس نظریه جریان نقد آزاد، مدیران ممکن است که وجه نقد مازاد را نگه دارند تا اهداف خود را با هزینه سهامداران دنبال کنند (جنسن، ۱۹۸۶). این تعارضات نمایندگی با عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر، تشدید می شود؛ زیرا عدم شفافیت، نظارت بر رفتارهای نادرست مدیران را دشوار می کند (بال، ۲۰۰۶؛ بال و همکاران، ۲۰۰۳). جانسون و همکاران (۲۰۰۰) استدلال کرده اند که در دوره رکود اقتصادی، سهامداران اقلیت بیشتر در معرض سلب مالکیت توسط مدیران و سهامداران کنترلی قرار می گیرند. به دلیل ترس شدید از سلب مالکیت، سهام شرکت های دارای ذخایر نقدی مازاد، ممکن است برای سرمایه گذاران جذاب نباشد، از این رو، نقدشوندگی کمتری داشته باشند. کاهش نقدشوندگی سهام باعث می شود که قیمت سهام در برابر شوک های نقدشوندگی بازار آسیب پذیرتر شود. از آنجا که سرمایه گذاران با ریسک نقدشوندگی بیشتری مواجه می شوند، صرف ریسک نقدینگی بالاتری را طلب می کنند که این خود هزینه سرمایه را افزایش می دهد.

مارشال و همکاران (۲۰۲۲) رابطه بین بازده و نقدشوندگی را در بورس نیوزلند بررسی کردند. آنها با استفاده همزمان از اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، نرخ گردش سهام، و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش استهلاکی سهام (به عنوان معیارهای نقدشوندگی سهام) به این نتیجه رسیدند که اثر نقد شونگی این سه شاخص نقد شونگی، ثابتی ندارد؛ با وجود این، شواهدی مبنی بر افزایش نقدشوندگی در ماه ژانویه وجود دارد. کاکیکی و همکاران (۲۰۲۰) رابطه بین بازده و نقدشوندگی را در بورس نیوزلند بررسی کردند. آنها با استفاده همزمان از اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، نرخ گردش سهام، و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش استهلاکی سهام (به عنوان معیارهای نقدشوندگی سهام)، به این نتیجه رسیدند که اثر نقدشوندگی این سه شاخص نقدشوندگی، ثابتی ندارد؛ با وجود این، شواهدی مبنی بر افزایش نقدشوندگی در ماه ژانویه وجود دارد. نین و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به دنبال ایجاد اولین مدل جامع پیش بینی ورشکستگی و درماندگی مالی برای شرکت های بورسی در ویتنام بودند. محققین با استفاده از سه گروه داده حسابداری، بازار سهام و شاخص های اقتصاد کلان اقدام به ارایه مدلی برای پیش بینی ورشکستگی و درماندگی مالی نمودند. یافته ها بیان گر آن است که عوامل حسابداری و شاخص های اقتصاد کلان در پیش بینی ورشکستگی تأثیرگذارتر از عوامل مبتنی بر بازار بودند. هم چنین مدل مبتنی بر داده های حسابداری عملکرد بهتری را نسبت به به مدل مبتنی بر بازار نشان داد. کالتر و بردارت (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان پیش بینی ورشکستگی: مطالعه موردی شرکت های کوچک متوسط بلژیکی هدف از پژوهش خود را ساخت مدلی برای پیش بینی ورشکستگی برای شرکت های کوچک و متوسط بلژیکی با استفاده از مدل لاجیت شامل نسبت های مالی بیان کرده اند. داده های پژوهش با استفاده از نمونه ای شامل ۷۱۵۲ شرکت بلژیکی در دوره زمانی ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۲ جمع آوری گردید. که از بین آن ۳۵۷۶ شرکت اعلام ورشکستگی نموده بودند. در پایان نتایج، یافته ها دقت پیش بینی مدل پژوهش را که شامل متغیرهای کنترل کننده مانند اندازه و سن شرکت بود تأیید کرد و نشان داد که نسبت سودآوری و نقدینگی قدرت پیش بینی بالایی دارند. مون و جانگ (۲۰۱۵) در پژوهشی به مطالعه ارتباط بین سرمایه در گردش، نگهداری وجه نقد و سودآوری پرداختند. هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیرگذاری مدیریت موثر سرمایه در گردش برای فایق شدن بر وضعیت مالی بحرانی و ابهام های اقتصادی است. این پژوهش اثر مدیریت سرمایه در گردش بر سودآوری را واحد انتفاعی را مطالعه کرده است. از سویی اثر سطح وجه نقد نگهداری شده بر رابطه بین سرمایه در گردش و سودآوری نیز آزمون شده است. پژوهش گران داده های ۲۹۸ شرکت ایالات متحده را طی بازه زمانی ۲۰۱۲ - ۱۹۶۳ بررسی کردند. یافته های پژوهش نشان داد ارتباطی معکوس و قوی U شکلی بین سرمایه در گردش و سودآوری شرکت ها وجود دارد که بیان گر سطح بهینه سرمایه در گردش برای واحدهای انتفاعی است. از یافته های دیگر اینکه سطح وجه نقد واحد انتفاعی عامل مهمی برای مدیریت موثر سرمایه در گردش است و در این

رابطه اثر تعدیل کننده دارد. اگر اوال (۲۰۰۸) به بررسی رابطه بین نقدشوندگی و مالکیت نهادی از دو منظر کژگزینی و کارایی اطلاعاتی پرداخت. او به رابطه‌ای غیرخطی بین مالکیت نهادی و نقدشوندگی دست یافت. در سطوح مالکیت پایین‌تر، فرضیه‌ی کژگزینی حاکم است در حالی که با افزایش سطح مالکیت نهادها نقدشوندگی افزایش می‌یابد. به این معنی که هر دو کارکرد ایجاد کژگزینی و کارایی اطلاعاتی نهادها وجود دارد و در تعامل با یکدیگر هستند.

حسینی و احمدی (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی رابطه میان پیچیدگی صورت‌های مالی و افشای داوطلبانه با در نظر گرفتن نقش عملکرد شرکت، وضعیت نقدشوندگی سهام و مالکان نهادی پرداختند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد زمانی که نقدشوندگی سهام حوالی تاریخ انتشار صورت‌های مالی کاهش می‌یابد و زمانی که تعداد مالکان نهادی شرکت افزایش می‌یابد، رابطه میان پیچیدگی صورت‌های مالی و افشای داوطلبانه قوی‌تر است و اگر شرکت عملکرد ضعیفی داشته باشد این رابطه ضعیف‌تر خواهد بود. حسینی و احمدی (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی رابطه میان پیچیدگی صورت‌های مالی و افشای داوطلبانه با در نظر گرفتن نقش عملکرد شرکت، وضعیت نقدشوندگی سهام و مالکان نهادی پرداختند. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه میان پیچیدگی صورت‌های مالی و افشای داوطلبانه اطلاعات مالی و تاثیر سه متغیر عملکرد شرکت، وضعیت نقدشوندگی سهام و مالکان نهادی بر این رابطه می‌باشد. به منظور اجرای این پژوهش، ۱۰۹ شرکت برای دوره زمانی ۱۳۹۷-۱۳۹۲ انتخاب شده، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رویکرد داده‌های ترکیبی استفاده شده و در مجموع ۵ فرضیه اصلی و ۱۰ فرضیه فرعی مورد آزمون قرار گرفته است. ضریب مثبت و معنادار متغیر پیچیدگی در ۴ مدل اول نشان می‌دهد که رابطه پیچیدگی صورت‌های مالی با میزان و سرعت افشای اطلاعات داوطلبانه مستقیم است. به این معنا که هر چقدر میزان پیچیدگی صورت‌های مالی بیشتر می‌شود، مدیران به منظور بهبود کیفیت محیط گزارشگری، اطلاعات داوطلبانه بیشتری را در زمان کم‌تری پس از انتشار صورت‌های مالی، منتشر می‌کنند. علاوه بر این نتایج به دست آمده از بررسی فرضیه‌های فرعی ۵ تا ۱۰ نشان می‌دهد زمانی که نقدشوندگی سهام حوالی تاریخ انتشار صورت‌های مالی کاهش می‌یابد و زمانی که تعداد مالکان نهادی شرکت افزایش می‌یابد، رابطه میان پیچیدگی صورت‌های مالی و افشای داوطلبانه قوی‌تر است و اگر شرکت عملکرد ضعیفی داشته باشد این رابطه ضعیف‌تر خواهد بود. گل محمدی (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ریسک‌پذیری شرکت و نقدشوندگی سهام با ارزش شرکت در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد ریسک‌پذیری شرکت رابطه مثبت و معنی‌داری با ارزش شرکت دارد؛ با این حال شاخص‌های مختلف نقدشوندگی حاکی از نتایج مختلفی است؛ به گونه‌ای که نسبت گردش سهام، نسبت عدم نقدشوندگی آمیهود و درصد سهام شناور آزاد فاقد رابطه معنی‌دار با ارزش شرکت است؛ ولی رتبه نقدشوندگی شرکت رابطه مثبت و معنی‌داری با ارزش شرکت دارد؛ به علاوه نتایج نشان می‌دهد نقدشوندگی سهام رابطه بین ریسک‌پذیری و ارزش شرکت را تعدیل نمی‌کند. ثابت رضاییان و مریداحمدی (۱۴۰۰) در پژوهشی به تحلیل ارتباط بین نقدشوندگی سهام و ریسک ورشکستگی شرکت با تأکید بر نقش مالکان نهادی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از عدم وجود رابطه معنادار بین نقدشوندگی سهام و ریسک ورشکستگی شرکت‌ها می‌باشد و سایر نتایج تحقیق نیز نشان داد که قدرت نظارتی مالکان نهادی نیز توانایی تأثیر بر این رابطه را ندارد. بهاروند و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر محدودیت مالی بر رابطه بین وجه نقد مازاد با نقدشوندگی و استمرار معاملات سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش، تأثیر منفی وجه نقد مازاد بر نقدشوندگی سهام و استمرار معاملات سهام را تأیید کرد. سایر یافته‌های پژوهش نشان داد که محدودیت مالی، رابطه بین وجه نقد مازاد با نقدشوندگی سهام و استمرار معامله را تضعیف می‌کند. وجه نقد مازاد، به افزایش مسئله نمایندگی و کاهش نقدشوندگی و استمرار معاملات منجر می‌شود. این نتیجه در شرکت‌هایی که محدودیت مالی دارند، ضعیف‌تر است؛ زیرا این شرکت‌ها می‌توانند از طریق وجه نقد مازاد، از فرصت‌های سرمایه‌گذاران پیش رو بهره بیشتری ببرند و بدین ترتیب، نظر سرمایه‌گذاران را به خود جلب کنند. به بیان دیگر، وجود محدودیت‌های مالی، به غالب شدن فرضیه فرصت‌های سرمایه‌گذاری در مقابل فرضیه جهت‌گیری مدیریت منجر می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

- روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی از نوع همبستگی و از نظر هدف کاربردی می‌باشد. انجام پژوهش در چارچوب استدلال‌های قیاسی - استقرایی صورت می‌پذیرد، بدین معنی که مبانی نظری و پیشینه پژوهش از راه کتابخانه‌ای، مجلات و سایر سایت‌های معتبر در قالب قیاسی، و گردآوری داده‌ها برای تأیید و رد فرضیه‌ها از راه استقرایی صورت می‌پذیرد. همچنین با توجه به این که داده‌های استفاده شده در پژوهش حاضر اطلاعات واقعی و تاریخی است، آن را می‌توان از نوع پس‌رویدادی طبقه‌بندی کرد.

- روش تحلیل داده‌ها

به دلیل نوع داده‌های مورد مطالعه، مقایسه هم‌زمان داده‌های مقطعی و طولی از روش الگوهای داده‌های تابلویی برای برآورد ضرایب و آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. ابتدا برای تعیین روش به کارگیری داده‌های تابلویی و تشخیص همگن یا ناهمگن بودن آن‌ها از آزمون چاو استفاده شده است. در این آزمون فرض صفر مبنی بر همگن بودن داده‌هاست و در صورت تأیید، می‌بایست کلیه داده‌ها را با یکدیگر ترکیب کرد و به وسیله یک رگرسیون کلاسیک تخمین پارامترها را انجام داد، در غیراین صورت داده‌ها را به صورت داده‌های پانلی در نظر گرفت. در صورتی که نتایج این آزمون مبنی بر به کارگیری داده‌ها به صورت داده‌های پانلی شود، می‌بایست برای تخمین مدل پژوهش از یکی از مدل‌های اثرات ثابت یا اثرات تصادفی استفاده شود. برای انتخاب یکی از دو مدل باید آزمون هاسمن اجرا شود. فرض صفر آزمون هاسمن مبنی بر مناسب بودن مدل اثرات تصادفی برای تخمین مدل‌های رگرسیونی داده‌های تابلویی است.

- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش در برگیرنده کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. دوره زمانی پژوهش از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۹ در نظر گرفته شده است. همچنین در این پژوهش نمونه‌ای به حجم ۱۲۱ شرکت براساس معیارهای زیر از جامعه‌ی آماری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده است:

الف) با توجه به دوره زمانی دسترسی به اطلاعات (۱۳۹۹-۱۳۸۹)، شرکت قبل از سال ۱۳۸۹ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد و نام آن تا پایان سال ۱۳۹۹ از فهرست شرکت‌های یاد شده حذف نشده باشد؛ ب) به منظور افزایش توان هم‌سنجی و همسان‌سازی شرایط شرکت‌های انتخابی، سال مالی شرکت‌ها باید به پایان اسفند ماه هر سال منتهی شود؛ پ) به دلیل شفاف نبودن مرزبندی بین فعالیت‌های عملیاتی و تأمین مالی شرکت‌های مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی و ...)، این شرکت‌ها از نمونه حذف شده‌اند؛ ت) شرکت‌هایی که اطلاعات آن‌ها برای محاسبه متغیرهای اولیه صورت‌های مالی ناقص بوده‌اند از نمونه حذف شده‌اند؛ ث) شرکت‌ها نباید توقف فعالیت داشته و دوره فعالیت خود را تغییر داده باشند.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته در این پژوهش نگهداشت وجوه نقد است. به پیروی از پژوهش اوزکان و اوزکان (۲۰۰۴) از نسبت مجموع وجوه نقد و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت به کل دارایی‌ها استفاده می‌شود. فرض بر این است که این نسبت نشان از خالص دارایی‌های سیال و توانایی شرکت در سودآوری آتی است (اوپلر و همکاران، ۱۹۹۹). نحوه‌ی محاسبه‌ی متغیر نگهداشت وجوه نقد به صورت زیر است:

کل دارایی‌ها / (سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت + وجوه نقد) = نگهداشت وجوه نقد

متغیر مستقل

در این پژوهش متغیر مستقل نقدشوندگی سهام است که بیان‌گر توانایی مبادله‌ی سریع حجم بالایی از سهام با هزینه‌ی اندک و بدون تأثیرپذیری با اهمیت قیمت آن است. یکی از مهمترین معیارهای سنجش نقدشوندگی یک سهم، نرخ گردش سهام است که از طریق لگاریتم نسبت جمع سهام مبادله شده سالانه تقسیم بر کل سهام منتشره، محاسبه می‌گردد. مزایای استفاده از نرخ گردش سهام به‌عنوان معیار نقدشوندگی عبارتند از: الف) این معیار، پشتوانه‌ی نظری قوی و محکمی دارد؛ ب) یافتن داده‌های مربوط به نرخ گردش حجم معامله نسبتاً آسان است (تراین و همکاران، ۲۰۲۱).
متغیر تعدیلگر در این پژوهش فرصت رشد است.

- رشد فروش

بیان‌گر وضعیت سودآوری شرکت است و از نسبت تفاضل مبلغ فروش امسال و مبلغ فروش سال قبل بر مبلغ فروش سال قبل حاصل می‌شود.

$$\text{فروش سال قبل} / (\text{فروش سال قبل} - \text{فروش امسال}) = \text{رشد فروش}$$

متغیرهای کنترلی پژوهش به شرح زیر هستند:

- اندازه

- ه شرکت

اندازه شرکت عمدتاً معرف وضعیت شرکت از نظر سودآوری، حجم فعالیت و ارزش شرکت است و از طریق لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

$$\text{ارزش دفتری کل دارایی‌ها (LN)} = \text{اندازه شرکت}$$

- اهرم مالی

نماینده ریسک مالی شرکت است و از طریق نسبت ارزش دفتری کل بدهی‌ها به ارزش دفتری کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.
کل دارایی‌ها / کل بدهی‌ها = اهرم مالی

- نرخ بازده دارایی

بیان‌گر عملکرد شرکت است و از نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.
کل دارایی‌ها / سود خالص = نرخ بازده دارایی‌ها

آمار توصیفی

در نگاره ۱ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه می‌شود:

نگاره ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی
نگهداشت وجوه نقد	۰/۰۷۲	۰/۰۴۱	۰/۸۲۱	۰/۰۰۰۲	۰/۰۸۷	۲/۷۳۵
نقدشوندگی سهام	-۰/۶۷۷	-۰/۵۷۹	۰/۸۲۵	-۴/۸۶۷	۰/۷۳۷	-۰/۹۴۰
اندازه شرکت	۱۴/۳۹۵	۱۴/۱۷۰	۲۰/۷۶۸	۱۰/۰۳۱	۱/۶۶۳	۰/۷۶۸
اهرم مالی	۰/۵۷۶	۰/۵۸۰	۲/۰۷۷	۰/۰۳۱۴	۰/۲۱۲	۰/۵۰۱
نرخ بازده دارایی	۰/۱۸۰	۰/۱۲۵	۱/۹۷۴	-۰/۶۰۵	۰/۲۳۶	۲/۰۴۲
رشد فروش	۰/۳۱۵	۰/۲۲۱	۶/۵۹۴	-۰/۹۰۹	۰/۵۳۸	۴/۰۱۴

میانگین محاسبه شده برای متغیر نگهداشت وجوه نقد حدود ۰/۰۷۲ است و بیانگر این است که شرکت ها تمایل کمتری به نگهداری وجوه نقد دارند و بیشتر وجوه نقد خود را به سمت تولید سوق می دهند. میانگین اهرم مالی محاسبه شده ۰/۵۷۶ است و نشان از بالا بودن میزان بدهی های شرکت های بورسی است. نرخ بازده دارایی میانگین ۰/۱۸۰ را ارایه می کند و نشان از پایین بودن سطح بازدهی دارایی های شرکت های بورسی است.

آزمون فرضیه اول

قبل از آزمون فرضیه اول پژوهش اقدام به بررسی همگن یا ناهمگن بودن داده ها با استفاده از آزمون اف لیمر می کنیم:

جدول ۲. یافته های حاصل از آزمون اف لیمر

فرض صفر	مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
عرض از مبدأ تمامی مقاطع با هم یکسان است.	مدل فرضیه اول	۴/۶۰۷	۰/۰۰۰۰	عدم پذیرش

با توجه به سطح معنی داری به دست آمده از آزمون اف لیمر در جدول ۲ مقاطع مورد بررسی ناهمگن و دارای تفاوت های فردی بوده بنابراین استفاده از روش داده های تابلویی برای مدل فرضیه اول پژوهش مناسب است. بعد از انتخاب روش داده های تابلویی با آزمون اف لیمر، از آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از اثرات ثابت یا تصادفی استفاده می کنیم:

جدول ۳. یافته های حاصل از آزمون هاسمن

فرض صفر	مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
تفاوت در ضرایب نظام مند نیست	مدل فرضیه اول	۱۲/۷۵۸	۰/۰۲۵۷	عدم پذیرش

با توجه به سطح معنی داری به دست آمده از آزمون هاسمن در جدول ۳، تفاوت در ضرایب نظام مند است. بنابراین استفاده از روش اثرات ثابت بر روش تصادفی ارجح است. یافته های حاصل از آزمون فرضیه اول به شرح زیر است:

جدول ۴. آزمون فرضیه اول

نام متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره تی	سطح معنی داری	آماره هم خطی
نقدشوندگی سهام	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۱/۲۶۳	۰/۲۰۶	۱/۰۳۶
اندازه شرکت	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	-۰/۹۹۵	۰/۳۱۹	۱/۰۷۲
اهرم مالی	-۰/۰۳۲	۰/۰۱۰	-۳/۰۴۲	۰/۰۰۲	۱/۵۰۶
نرخ بازده دارایی	۰/۱۳۵	۰/۰۱۰	۱۳/۱۱۳	۰/۰۰۰۰	۱/۷۲۶
رشد فروش	۰/۰۰۵	۰/۰۰۳	۱/۳۴۲	۰/۱۷۹	۱/۱۶۶
مقدار ثابت	۰/۰۸۴	۰/۰۱۷	۴/۸۹۰	۰/۰۰۰۰	-
ضریب تعیین:	ضریب تعیین تعدیل شده:	آمار آزمون:	سطح معنی داری:	آماره دورین واتسون:	
۰/۱۷۹	۰/۱۷۷	۸۰/۲۸۲	۰/۰۰۰	۱/۹۲۸	

سطح معنی‌داری برای تک تک متغیرها و همچنین برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل برازش شده می‌توان ادعا کرد که $17/751$ درصد از تغییرات متغیر وابسته فرضیه پژوهش توسط متغیرهای مستقل و کنترل توضیح داده می‌شود. خودهمبستگی نقض یکی از فرض‌های استاندارد الگوی رگرسیون است و از آماره دوربین-واتسون می‌توان جهت تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره دوربین - واتسون محاسبه شده ($1/928$) که بین $2/5$ - $1/5$ می‌باشد بیان‌گر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقی مانده‌های اجزای خطا را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آماره t برای متغیر نقدشوندگی سهام از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد بیشتر است، بنابراین وجود تأثیرگذاری معنی‌دار نقدشوندگی سهام بر نگهداشت وجوه نقد تأیید نمی‌شود و فرضیه اول پژوهش پذیرفته نمی‌شود. از بین متغیرهای کنترل، اهرم مالی و نرخ بازده دارایی دارای تأثیرگذاری معنی‌دار می‌باشند. آماره هم خطی گزارش شده نشان از عدم وجود هم خطی در تخمین رگرسیون مدل پژوهش است.

آزمون فرضیه دوم

قبل از آزمون فرضیه دوم پژوهش اقدام به بررسی همگن یا ناهمگن بودن داده‌ها با استفاده از آزمون اف لیمر می‌کنیم:

جدول ۵. یافته‌های حاصل از آزمون اف لیمر

فرض صفر	مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
عرض از مبدأ تمامی مقاطع با هم یکسان است.	مدل فرضیه دوم	$3/803$	$0/0000$	عدم پذیرش

با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده از آزمون اف لیمر در جدول ۵ مقاطع مورد بررسی ناهمگن و دارای تفاوت‌های فردی بوده بنابراین استفاده از روش داده‌های تابلویی برای مدل فرضیه دوم پژوهش مناسب است. بعد از انتخاب روش داده‌های تابلویی با آزمون اف لیمر، از آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از اثرات ثابت یا تصادفی استفاده می‌کنیم:

جدول ۶. یافته‌های حاصل از آزمون هاسمن

فرض صفر	مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
تفاوت در ضرایب نظام‌مند نیست	مدل فرضیه دوم	$7/493$	$0/379$	پذیرش

با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده از آزمون هاسمن در جدول ۶، تفاوت در ضرایب نظام‌مند نیست. بنابراین استفاده از روش اثرات تصادفی بر روش ثابت ارجح است.

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه دوم به شرح زیر است:

جدول ۷. آزمون فرضیه دوم

نام متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره تی	سطح معنی‌داری	آماره هم‌خطی
مقدار ثابت	۰/۰۸۶	۰/۰۲۷	۳/۲۰۴	۰/۰۰۱	-
نقدشوندگی سهام	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۳۱۳	۰/۷۵۳	۱/۹۵۸
فرصت رشد	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	-۰/۲۵۰	۰/۸۰۲	۲/۶۶۷
نقدشوندگی سهام × فرصت رشد	۰/۰۰۱	۰/۰۰۴	۰/۲۵۳	۰/۸۰۰	۲/۴۱۵
اندازه شرکت	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	-۱/۲۰۹	۰/۲۲۶	۱/۰۷۷
اهرم مالی	-۰/۰۱۴	۰/۰۱۳	-۱/۱۲۵	۰/۲۶۰	۱/۵۱۱
نرخ بازده داری	۰/۱۳۱	۰/۰۱۱	۱۱/۳۰۶	۰/۰۰۰	۱/۷۷۱
رشد فروش	۰/۰۰۸	۰/۰۰۴	۱/۹۲۶	۰/۰۵۴	۱/۶۵۶
ضریب تعیین:	ضریب تعیین تعدیل شده:	آمار آزمون:	سطح معنی‌داری:	آماره دوربین واتسون:	
۰/۴۱۹	۰/۳۵۲	۶/۲۵۹	۰/۰۰۰۰۰	۱/۹۶۰	

سطح معنی‌داری برای تک تک متغیرها و همچنین برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل برازش شده می‌توان ادعا کرد که ۳۵/۲۸۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته فرضیه پژوهش توسط متغیرهای مستقل و کنترل توضیح داده می‌شود. خودهمبستگی نقض یکی از فرض‌های استاندارد الگوی رگرسیون است و از آماره دوربین - واتسون می‌توان جهت تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره دوربین - واتسون محاسبه شده (۱/۹۶۰) که بین ۲/۵-۱/۵ می‌باشد بیان‌گر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقی مانده‌های اجزای خطا را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آماره t برای متغیر نقدشوندگی سهام \times فرصت رشد از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد بیشتر است، بنابراین وجود نقش تعدیلگری فرصت رشد در تأثیرگذاری معنی‌دار نقدشوندگی سهام بر نگهداشت و جوه نقد تأیید نمی‌شود و فرضیه دوم پژوهش پذیرفته نمی‌شود. آماره هم خطی گزارش شده نشان از عدم وجود هم خطی در تخمین رگرسیون مدل پژوهش است.

بحث و نتیجه گیری

منافع شخصی مدیران ایجاب می‌کند که وجه نقد زیاری را نگهداری کنند، که به بهای از رست رفتن منافع سهامداران تمام می‌شود. همچنین نگهداری وجه نقد می‌تواند شرکت‌ها را از نیاز به تأمین مالی خارجی پرهزینه برای فرصت‌های سرمایه‌گذاری پیش رو بی‌نیاز کند. در صورتی که هزینه‌های انتخاب غلط تأمین مالی خارجی و یا هزینه‌های بحران‌های مالی بسیار باشند، شرکت‌ها به منظور مقابله با کمبودهای غیر مترقبه وجه نقد و نیز تأمین مالی جهت سرمایه‌گذاری‌هایی که برای شرکت دارای ارزش خالص مثبت است، سعی در داشتن نقدینگی بالا خواهند نمود. یکی از دلایلی که مدیران وجه نقد نگهداری می‌کنند این است که آنها ریسک-گریز هستند. مدیران فرصت طلب سعی می‌کنند وجه نقد بیشتری را با هزینه سهامداران نگهداری کنند و از این طریق از انعطاف‌پذیری عملیاتی در تعقیب اهداف شان برخوردار شوند و حتی ممکن است در پروژه‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که کارا نباشند. جنسن معتقد است که با توجه به تئوری‌های مدیریتی، مدیران انگیزه بیشتری برای نگهداری وجه نقد دارند به این منظور که انعطاف‌پذیری بیشتری برای تعقیب اهدافشان داشته باشند. از آنجا که نگهداری وجه نقد مزاد امکان اقدامات خودسرانه را برای پرهیز از اصول بازار سرمایه به مدیران می‌دهد، سرمایه‌گذاری در وجه نقد می‌تواند اثرات زیان‌باری بر ارزش شرکت داشته باشد. مدیران انگیزه دارند که

با انباشت وجه نقد، منابع تحت کنترل خودشان را افزایش دهند و در خصوص تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت از قدرت قضاوت و تشخیص بهره‌مند شوند. داشتن وجه نقد در دسترس موجب می‌شود که مدیران نیازی به تأمین مالی خارجی و ارائه اطلاعات در مورد جزئیات پروژه‌های سرمایه‌گذاری نداشته باشند. هرچند که ممکن است مدیران سرمایه‌گذاری‌هایی داشته باشند که اثر منفی بر ثروت سهامداران داشته باشد.

نقدشوندگی سهام هر یک از شرکت‌ها و مجموعه بازار سرمایه از ابعاد مختلف اهمیت دارد که از جمله آنها می‌توان به اهمیت نقدشوندگی در رشد و توسعه بازار به عنوان شاخص اصلی توسعه یافتگی بازار، تأثیر بر هزینه سرمایه، عامل بهبود عملکرد شرکتها و کل اقتصاد، ضامن موفقیت عرضه‌های عمومی سهام جدید (عرضه اولیه)، عامل مورد توجه در مدیریت سبد سرمایه‌گذاری به همراه ریسک و بازده، تأثیر بر کارآمدی ابزارهای پوشش ریسک، نقش محوری نقدشوندگی بازار در شکل‌گیری قیمت‌ها و کاهش هزینه و ریسک پذیره نویسی‌ها و بازار سازها و ثبات سیستم‌های مالی اشاره کرد. یکی از ریسک‌هایی که سرمایه‌گذاران در اوراق بهارار با آن مواجه می‌شوند، ریسک نقدینگی می‌باشد. سرمایه‌گذاران به دلیل وجور ریسک نقدینگی نرخ بازده مورد انتظار خود را تعدیل می‌نمایند و این تعدیل موجب افزایش هزینه سرمایه شرکت می‌گردد. همچنین ریسک نقدینگی در قیمت‌گذاری داراییها و کارایی بازار نقش قابل توجهی دارد. بنابراین جذابیت سرمایه‌گذاری در یک سهم به قدرت نقدینگی آن سهم بستگی دارد که یکی از ابعاد مهم فرایند تخصیص بهینه منابع نیز به شمار می‌آید. در واقع نقدینگی و ریسک نقدینگی از جمله خصیصه‌های اصلی بازار بوده، که سرمایه‌افزار را تهدید کرده و نقش بسیار مهمی در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران برای خرید و فروش سهام‌هایشان ایفا می‌کند. بطور کلی نقدشوندگی یکی از منابع بزرگ ریسک برای سرمایه‌گذاران است. عدم نقدینگی زمانی اتفاق می‌افتد که قیمت سهام در واکنش به حجم معاملات که تغییرات زیادی داشته باشد در حقیقت فقدان نقدشوندگی ممکن است تأثیر منفی بر ارزش سهام بگذارد. نقدشوندگی ماهیتی ریسکی داشته و هم در بازار به عنوان یک کل و هم برای هر یک از اوراق بهادار در حال تغییر و نوسان و هم مانا و پایدار است. به عبارتی پایا بودن نقدشوندگی دلالت بر قابلیت پیش‌بینی قیمت و نیز بازده دارد. ریسک نقدینگی حساسیت بازده‌ها به نوسانات و تغییرات مداوم نقدشوندگی بازار است. شواهد تجربی نشان می‌دهد که عامل عدم نقدشوندگی در تصمیم‌گیریها می‌تواند نقش مهمی را ایفا نماید. به عبارت دیگر برخی سرمایه‌گذاران ممکن است به سرعت به منابع مالی سرمایه‌گذاری خود نیاز داشته باشند که در چنین مواردی قدرت نقدشوندگی می‌تواند اهمیت زیادی داشته باشد.

هدف اصلی پژوهش بررسی تأثیر نقدشوندگی سهام بر نگهداشت وجوه نقد با تأکید بر فرصت رشد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (مقایسه شرکت‌های حساس به بحران خشکسالی با سایر شرکت‌ها) است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که نقدشوندگی سهام بر نگهداشت وجوه نقد تأثیر معناداری ندارد. هم‌چنین فرصت رشد بر تأثیر نقدشوندگی سهام بر نگهداشت وجوه نقد نقش تعدیلگر دارد. نتایج حاصله مطابق با نتیجه پژوهش نای بورگ و وانگ (۲۰۲۱) است. برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که:

بررسی تأثیر نقدشوندگی سهام بر نگهداشت وجه نقد شرکت با تأکید بر ویژگیهای شرکت در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت انجام شود.

بررسی تأثیر نقدشوندگی سهام بر نگهداشت وجه نقد شرکت با تأکید بر ویژگیهای شرکت به تفکیک صنایع مختلف انجام گیرد و نتایج مقایسه گردد.

بررسی تأثیر نقدشوندگی سهام بر نگهداشت وجه نقد شرکت با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی کمیته حسابرسی انجام شود.

منابع

- اصولیان، محمد؛ صادقی شریف، سید جلال؛ خلیلی، محمد امین (۱۳۹۶). رابطه اقلام تعهدی، جریان های نقدی و سودآوری عملیاتی با بازدهی سهام: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۲۴ (۴)، ۴۸۲ - ۴۶۳.
- سرلک، نرگس؛ فرجی، امید؛ ایزدپور، مصطفی؛ جودکی چگینی، زهرا (۱۳۹۷). بیش اعتمادی مدیران و نگهداشت وجه نقد با تأکید بر نقش تعدیل کنندگی کیفیت حسابرسی، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۲۵ (۲)، ۲۱۴ - ۱۹۹.
- مرادی، محمد؛ اصولیان، محمد؛ نوروزی، محمد (۱۳۹۳). اظهارنظر حسابرس و مدیریت سود با تأکید بر ابهام در تداوم فعالیت، بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۲۱ (۳)، ۳۲۸ - ۳۱۳.
- نوروش، ایرج؛ کرمی، غلامرضا؛ وافی ثانی، جلال (۱۳۸۸). بررسی رابطه ساز و کارهای نظام راهبری شرکتی و هزینه های نمایندگی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱ (۱)، ۲۷ - ۴.
- Ball, R. (2006). International Financial Reporting Standards (IFRS): pros and cons for investors. *Accounting and business research*, 36(sup1), 5-27.
- Ball, R., Kothari, S. P., & Robin, A. (2000). The effect of international institutional factors on properties of accounting earnings. *Journal of accounting and economics*, 29(1), 1-51.
- Ball, R., Robin, A., & Wu, J. S. (2003). Incentives versus standards: properties of accounting income in four East Asian countries. *Journal of accounting and economics*, 36(1-3), 235- 270.
- Brown, J. R., & Petersen, B. C. (2011). Cash holdings and R&D smoothing. *Journal of Corporate Finance*, 17(3), 694-709.
- Denis, D. J., & Sibilkov, V. (2010). Financial constraints, investment, and the value of cash holdings. *The Review of Financial Studies*, 23(1), 247-269.
- Faulkender, M., & Wang, R. (2006). Corporate financial policy and the value of cash. *The journal of finance*, 61(4), 1957-1990.
- Harford, J., Mansi, S. A., & Maxwell, W. F. (2008). Corporate governance and firm cash holdings in the US. *Journal of financial economics*, 87(3), 535-555.
- Huang, W., & Mazouz, K. (2018). Excess cash, trading continuity, and liquidity risk. *Journal of Corporate Finance*, 48, 275-291.
- Jensen, M.C. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance, and takeovers. *American Economic Review*, 76(2), 323-329.
- Johnson, S., Boone, P., Breach, A., & Friedman, E. (2000). Corporate governance in the Asian financial crisis. *Journal of financial Economics*, 58(1-2), 141-186.
- Liu, W. (2006). A liquidity-augmented capital asset pricing model. *Journal of financial Economics*, 82(3), 631-671.
- Opler, T., Pinkowitz, L., Stulz, R., Williamson, R. (1999). The determinants and implications of corporate cash holdings. *Journal of Financial Economics*, 52(1), 3-46.
- Ozkan, A., Ozkan, N., (2004). Corporate cash holdings: An empirical investigation of UK companies. *Journal of Banking and Finance*, 28 (9), 2103-2134.
- Palazzo, B. (2012). Cash holdings, risk, and expected returns. *Journal of Financial Economics*, 104(1), 162-185.
- Simutin, M. (2010). Excess cash and stock returns. *Financial Management*, 39(3), 1197-1222.
- Trinh, H. H., Nguyen, C. P., Hao, W., & Wongchoti, U. (2021). Does stock liquidity affect bankruptcy risk? DID analysis from Vietnam. *Pacific-Basin Finance Journal*, 69, 101634.



Paper type: Research Article

Testing the moderating role of board independence on the relationship between CEO confidence and firm performance

Anahita Zandi^{*1}

Received: 2024/08/12

Accepted: 2024/10/13

Abstract

Based on higher ladder theory, the present study is an attempt to evaluate the relationship between CEO overconfidence and company performance. This study also examines the moderating role of board independence in this context. Using the considered limitations, 141 companies were selected as the research sample in the period of 2016-2022. In order to test the research hypotheses, multivariate linear regression based on panel data has been used. The empirical results of this research show that there is a positive and significant relationship between CEO confidence and company performance. CEOs with high self-confidence tend to make fast and experimental decisions and reduce the company's low investment problems and are more inclined to increase the overall performance of the company. Furthermore, the results show that independent board directors can turn the positive relationship between CEO overconfidence and firm performance into a negative relationship due to their limited knowledge of the industry and business. In fact, independent directors, as independent board members, may not be fully familiar with industry and business dynamics. They often take the main decisions of the company when necessary and therefore tend to reject the financial and investment proposals of the CEO. This may lead to a decrease in the financial performance of a company in the long run.

Keywords: CEO overconfidence, Firm performance, Board independence, Decision making.



10.71600/jacgr.2024.1127437



How to cite this article: Zandi, A. (2024). Testing the moderating role of board independence on the relationship between CEO confidence and firm performance. Accounting and Corporate Governance Researches, 3(7), 93-106. (In Persian)

1 . Assistant Prof, Department of Accounting, Qods City Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

*Corresponding Author: zandi_anna@yahoo.com



نوع مقاله: پژوهشی

آزمون نقش تعدیل کننده استقلال هیئت مدیره بر ارتباط بین اعتماد به نفس مدیر عامل و عملکرد شرکت

آناهیتا زندی^{*۲}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۲

چکیده

بر اساس نظریه پلکان بالاتر، مطالعه حاضر تلاشی در جهت ارزیابی ارتباط بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و عملکرد شرکت است. این مطالعه همچنین به بررسی نقش تعدیل کننده استقلال هیئت مدیره در این زمینه می پردازد. با استفاده از محدودیت های در نظر گرفته شده، تعداد ۱۴۱ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۵-۱۴۰۱ به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید. جهت آزمون فرضیه های پژوهش از رگرسیون خطی چند متغیره مبتنی بر داده های تابلویی بهره گرفته شده است. نتایج تجربی این پژوهش نشان می دهد که بین اعتماد به نفس مدیرعامل و عملکرد شرکت ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. مدیران عامل با اعتماد به نفس بالا تمایل به تصمیم گیری های سریع و تجربی دارند و مشکلات سرمایه گذاری کم شرکت را کاهش می دهند و تمایل بیشتری به افزایش عملکرد کلی شرکت دارند. علاوه بر این، نتایج نشان می دهد که مدیران مستقل هیئت مدیره می توانند ارتباط مثبت بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل و عملکرد شرکت را به دلیل دانش محدود خود از صنعت و تجارت به ارتباط منفی تبدیل کنند. در واقع مدیران مستقل به عنوان اعضای مستقل هیئت مدیره، ممکن است به طور کامل با پویایی صنعت و تجارت آشنا نباشند. آن ها اکثرا تصمیم گیری های اصلی شرکت را در مواقع ضروری بر عهده می گیرند و بنابراین تمایل دارند پیشنهادهای مالی و سرمایه گذاری مدیرعامل را رد کنند. این ممکن است منجر به کاهش عملکرد مالی یک شرکت در بلندمدت شود.

کلیدواژه: اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل، عملکرد شرکت، استقلال هیئت مدیره، تصمیم گیری.



10.71600/jacgr.2024.1127437



استناد: زندی، آناهیتا (۱۴۰۳). آزمون نقش تعدیل کننده استقلال هیئت مدیره بر ارتباط بین اعتماد به نفس مدیر عامل و عملکرد شرکت. پژوهش های حسابداری و راهبری شرکتی، ۳(۷)، ۹۳-۱۰۶.

مقدمه

ادبیات روانشناسی شواهد فراوانی را ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد افراد تمایل دارند توانایی‌های شخصی خود را بیش از حد ارزیابی کنند (کیم و نا، ۲۰۲۲). تمایلات و سوگیری‌های رفتاری مدیران عامل بر واکنش‌ها و تفسیر آنها از اطلاعات شرکت تأثیر می‌گذارد. تفسیر مغرضانه و ذهنی آنها از اطلاعات موجود می‌تواند به طور قابل توجهی بر کیفیت تصمیمات و عملکرد آنها تأثیر بگذارد. اخیراً، موضوع بیش اعتمادی مدیر عامل به عنوان تأثیرگذارترین سوگیری مدیریتی در دنیای شرکت‌ها شناخته می‌شود. بیش اعتمادی به عنوان وضعیت شناختی پایدار مدیر عامل در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند باورهای غیرمنطقی در مورد صحت قضاوت‌ها و انتخاب‌های آنها را توسعه دهد. علاوه بر این، محققان مستند کرده‌اند که مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد بر سیگنال‌های موفقیت تأکید دارند و در مورد نشانه‌های شکست شک می‌کنند (ساینی و سینگ، ۲۰۲۳). شوماخر و همکاران (۲۰۲۰)، نشان می‌دهد که اعتماد به نفس بیش از حد مدیران عامل، خوش بینی غیر منطقی را در بین آنها ایجاد می‌کند و آنها به بازخوردهای مثبت یا منفی، واکنش منطقی و درستی نشان نمی‌دهند. علاوه بر این، مدیران عاملی که اعتماد به نفس بیش از حد دارند، تمایل دارند باورهای غیرواقعی داشته باشند و این گونه تصور می‌کنند که در زمان تصمیم‌گیری حتی در صورتی که اتخاذ تصمیمات آنها ویران کننده ارزش شرکت باشد، به نفع شرکت خود تصمیم‌گیری می‌کنند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که آنها اغلب هنگام انتخاب‌های شرکتی رفتار مناسبی ندارند، هر چند تمایل دارند نشان دهند که هرگز هیچ کار اشتباهی انجام نمی‌دهند (مالمندیر و تیت، ۲۰۰۸).

پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهند که نوسانات در عملکرد شرکت‌هایی که ویژگی‌های مالی مشابهی دارند و در محیط‌های همگن فعالیت می‌کنند، می‌تواند متأثر از عوامل شناختی مدیران ارشد این شرکت‌ها باشد. (کانمن، ۲۰۱۱؛ موندی و کاور، ۲۰۱۹). در این زمینه، نظریه پلکان بالاتر، چهارچوب ادبیات مالی رفتاری و مدیریت استراتژیک را با ارائه بینش‌های جدید قابل توجهی در مورد ارتباط عوامل رفتاری مدیرعامل با عملکرد شرکت را گسترش می‌دهد. گزاره کلیدی این نظریه این است که ویژگی‌های شخصیتی، فرآیندهای شناختی و عوامل رفتاری مدیر عامل برای جهت‌گیری استراتژیک، قدرت رقابتی و عملکرد نهایی یک شرکت، حیاتی می‌باشد. برخلاف نظریه‌های نئوکلاسیک و نمایندگی که فرض می‌کنند مدیران بهترین خدمت را برای منافع مالکان دارند، نظریه پلکان بالاتر این نظریه‌ها را به چالش می‌کشد و فراتر از این فرضیه‌ها پیش می‌رود. نظریه پلکان بالاتر پیشنهاد می‌کند که ارزش‌ها، تمایلات و تجربیات فردی مدیران عامل بر تصمیم‌گیری‌های آنها تأثیر گذار است.

بنابراین آنها احتمالاً استراتژی‌های تجاری مختلفی را از طریق لنزهای شخصی خود انتخاب می‌کنند (همبریک و میسون، ۱۹۸۴). به طور کلی، ادبیات مالی رفتاری از پیش‌بینی‌های نظریه پلکان بالاتر پشتیبانی می‌کند که ویژگی‌های خاص و جنبه‌های رفتاری مدیران عامل می‌تواند پیش‌بینی‌کننده عملکرد شرکت باشد. پژوهش‌های بسیاری در مورد اعتماد به نفس مدیر عامل ادعا می‌کنند که سوگیری اعتماد به نفس بیش از حد، بین تصمیم‌گیرندگان کلیدی، یعنی مدیران عامل، می‌تواند مستقیماً بر سیاست‌ها و استراتژی‌های شرکت تأثیر بگذارد. تحقیقات تجربی انجام شده در مورد اعتماد به نفس مدیر عامل بیان می‌کند که اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل می‌تواند بر تصمیمات سرمایه‌گذاری مختلف شرکت (مالمندیر و تیت، ۲۰۰۵)، تصمیمات ادغام و اکتساب (فریس و همکاران، ۲۰۱۳)، تصمیمات سود سهام (دشموک و همکاران، ۲۰۱۳)، نوآوری (گالاسو و سیمکو، ۲۰۱۱)، تصمیمات اهرمی (تینگ و همکاران، ۲۰۱۶)، بازده سهام (بهاراتی و همکاران، ۲۰۱۶)، ارزش شرکت (چو و همکاران، ۲۰۲۱) و عملکرد شرکت (چن و همکاران، ۲۰۱۴) تأثیر بگذارد. از این رو، مطالعه حاضر با هدف بررسی این موضوع شکل می‌گیرد که چگونه اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل بر عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد. پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که تأثیر اعتماد به نفس مدیر عامل بر عملکرد تجاری یک پدیده چند وجهی است که می‌تواند فراتر از تأثیر مستقیم ساده مورد بررسی قرار گیرد (سوئیسی و جربویی، ۲۰۱۸).

اگرچه امور مالی رفتاری دیدگاه‌های جایگزین و بینش‌های جدیدی را برای اعتماد به نفس بیش از حد مدیریتی فراهم می‌کند، تحریف در تصمیمات مدیران عامل نیازمند در نظر گرفتن مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی نیز است. پژوهش‌های قبلی سوگیری اعتماد به نفس بیش از حد را به عنوان یکی از بارزترین ویژگی‌های فردی مدیران عامل مطرح کرده‌اند، در صورتی که نقش قدرت تصمیم‌گیری اعضای مستقل هیئت مدیره شرکت‌ها را در برابر مدیران عامل نادیده گرفته‌اند. در این زمینه، پژوهش بوید و همکاران (۲۰۱۱) نشان داد که تصمیمات شرکتی نتیجه تعامل بین مدیران عامل و سایر اعضای هیئت مدیره، به ویژه اعضای مستقل هیات مدیره می‌باشد.

در واقع مدیران مستقل در هیئت مدیره به عنوان جزء اصلی مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی برای جلوگیری از تقلب و مهار هرگونه تصمیم‌گیری غیر منطقی یا فرصت طلبانه مدیریت در شرکت محسوب می‌شوند (میرزامحمدی و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین، به عنوان راهی جهت معرفی نقش شاخص‌های حاکمیت شرکتی بر اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل، این مطالعه مدیران مستقل هیئت مدیره را جهت تولید شواهد تجربی مبنی بر اینکه چگونه اعتماد به نفس مدیر عامل می‌تواند با استقلال هیئت مدیره تعامل کند تا بر عملکرد مالی یک شرکت تأثیر بگذارد، معرفی می‌کند. با توجه به مباحث مطرح شده فوق و این مساله مهم که بسیاری از معضلات اقتصادی در کشور ناشی از ضعف‌های مدیریتی و سواستفاده‌های نابجا از قدرت، ناشی از مناسبات مختلف سیاسی و غیرسیاسی مدیران و از خودبرتر بینی آنها منتج می‌شود و با توجه به این موضوع که ویژگی‌های رفتاری مدیران عامل از خصوصیات حیاتی مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی تلقی می‌شود که برای القای اعتماد سرمایه‌گذاران جهت سرمایه‌گذاری در شرکت‌های ایرانی بسیار مهم است و از طرفی شواهد کلاهدرداری‌ها و شکست‌های شرکتی نشان می‌دهد که بررسی ویژگی‌های رفتاری مدیران عامل در ایران بسیار حائز اهمیت است و مطالعه حاضر تلاشی در این راستا می‌باشد. علاوه بر این، اگرچه هیئت مدیره شرکت‌ها نقش مهمی بر نظارت بر مدیران ارشد و تصمیمات آنها ایفا می‌کنند، اما رسوایی‌ها و شکست‌های شرکتی، مکانیزم‌های حکمرانی ایران را با مخاطرات اخلاقی روبرو کرده است.

بنابراین، علاوه بر بررسی ارتباط بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران عامل و عملکرد شرکت، این مطالعه با بررسی اینکه استقلال هیئت مدیره می‌تواند اعتماد بیش از حد مدیرعامل و اثرات آن بر نتایج شرکت را محدود نماید یا خیر به توسعه ادبیات پیش اعتمادی مدیرعامل و ادبیات حاکمیت شرکتی کمک خواهد کرد. این پژوهش در ادامه به این صورت سازماندهی شده است. بخش دوم ادبیات مربوطه را تشریح می‌کند و همچنین فرضیه‌ها را توسعه می‌دهد. بخش «روش‌شناسی پژوهش» روش پژوهش را شرح می‌دهد. بخش «نتایج» به ارائه‌ی نتایج و بحث در مورد آنها می‌پردازد و از این مطالعه نتیجه‌گیری می‌کند.

مروری بر ادبیات و تدوین فرضیه‌ها

اعتماد به نفس مدیر عامل و عملکرد شرکت

اخیراً، محققان علاقه زیادی به پژوهش در مورد اعتماد به نفس بیش از حد مدیریتی و تأثیر آن بر نتایج شرکت پیدا کرده‌اند. تحقیقات متعددی که در امور مالی رفتاری در مورد بیش اعتمادی مدیرعامل انجام شده است، نتایج متفاوتی از جمله مواردی که از یک ارتباط مثبت حمایت می‌کنند و آن‌هایی که مخالف آن هستند، ایجاد کرده‌اند. به عنوان مثال، هیتون (۲۰۰۲) نشان داد که مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد، پروژه‌های با ارزش فعلی خالص منفی را انتخاب می‌کنند، که می‌تواند کارایی سرمایه‌گذاری یک شرکت را کاهش دهد. مالمندیر و تیت (۲۰۰۵) همچنین رابطه بین اعتماد بیش از حد مدیرعامل و سیاست‌های مالی ۴۷۷ شرکت ایالات متحده را از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۴ تجزیه و تحلیل کردند و نشان دادند که سوگیری بیش از حد اعتماد به نفس در بین مدیران عامل منجر به انحراف در تصمیم‌های مالی مختلف مانند ادغام، خرید و تصمیم‌های سرمایه‌گذاری می‌شود. علاوه بر این، مالمندیر و تیت (۲۰۰۸) اشاره نمودند که مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد، باورهای غیر واقعی دارند؛ مبنی بر اینکه آنها در حالی که تصمیمات مخرب ارزش شرکت را اتخاذ می‌کنند، باور دارند که به نفع شرکت خود عمل می‌کنند. همچنین آنها اغلب رفتار تصمیم

گیری مناسبی ندارند، در حالی که معتقدند هیچ اشتباهی که منجر به کاهش ارزش سهامداران شود، انجام نمی‌دهند. علاوه بر این، محمدی و همکاران (۱۳۹۹)، احمد و دولمن (۲۰۱۲) و فریس و همکاران. (۲۰۱۳) پی بردند که مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد معاملات پیچیده و پروژه‌های مخاطره آمیز را به دلیل سوگیری رفتاری موجود در شخصیت خود دنبال می‌کنند.

این بدان معناست که مکانیسم روانی جانبدارانه مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد آنها را وادار می‌کند تا در تصمیم‌گیری‌های متهورانه و سرمایه‌گذاری بیش از حد در پروژه‌های کم ارزش که می‌تواند برای آنها مضر باشد، درگیر شوند. علاوه بر این، بن دیوید و همکاران (۲۰۱۳)، یک نظرسنجی در ایالات متحده انجام دادند و نشان دادند که اعتماد به نفس بیش از حد یک مدیر بر تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر می‌گذارد. آنها بیشتر احتمال دارد که ارتباط ریسک و بازده پروژه‌های سرمایه‌گذاری را به اشتباه تنظیم کنند و نتایج کلی شرکت را کاهش دهند. یافته‌های پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۴) نیز، پیامدهای منفی اعتماد به نفس بیش از حد مدیران عامل را نشان داد. آنها مستند نمودند این اعتماد بیش از حد نه تنها به افزایش ارزش شرکت و عملکرد بازار شرکت کمک نمی‌کند، بلکه اعتماد بیش از حد منجر به سرمایه‌گذاری بیش از حد و تخمین بیش از حد جریانهای نقدی آتی نیز می‌شود. در تضاد با این نظرات، مسیر دیگری از تحقیقات جنبه مثبت اعتماد بیش از حد مدیرعامل را نشان داده است. ادبیات پژوهشی پیشین ادعا می‌کند که سطح متوسط اعتماد به نفس بیش از حد می‌تواند تأثیر مثبتی داشته باشد، مشروط بر اینکه اعتماد به نفس بیش از حد منجر به تلاش‌های متمرکز یک مدیر عامل شود.

ستوده و همکاران (۱۴۰۰)، پژوهشی را با عنوان «اعتماد به نفس بیش از حد مدیران، بر تأمین مالی داخلی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» انجام دادند. آن‌ها پی بردند که اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر کارایی سرمایه‌گذاری و بر میزان سرمایه‌گذاری‌های جدید شرکت تأثیر مثبتی دارد.

از نظر تجربی، گالاسو و سیمکو (۲۰۱۱) دریافتند که اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل اغلب منجر به اشتباه می‌شود، اما مزایای آن ممکن است در دراز مدت بر تأثیر منفی آن بیشتر باشد. به طور مداوم، گوئل و تاکور (۲۰۰۸) همچنین اظهار داشتند که مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد ممکن است با ریسک کافی، تصمیم‌گیری به موقع و کسب بازده سهام بالاتر، عملکرد مثبت شرکت را ایجاد کنند. علاوه بر این، اعتماد بیش از حد در بین مدیران نیز برای تعاملات اجتماعی، خوب در نظر گرفته می‌شود، زیرا چنین تعاملاتی منجر به اثرات شبکه می‌شود و برای شرکت مثبت است (اکرت و دیوز، ۲۰۰۹). از نظر نوآوری، ادبیات پیشین نشان دادند که اعتماد بیش از حد مدیر عامل منجر به تغییر مهمی در استراتژی‌های نوآوری شرکت شده است. مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد روی نوآوری سرمایه‌گذاری می‌کنند، حق ثبت اختراع و استنادات بیشتری را به دست می‌آورند و جهت دستیابی به موفقیت‌های نوآورانه بیشتر، هزینه‌های تحقیق و توسعه بیشتری را در نظر می‌گیرند. (هیرشلیفر و همکاران، ۲۰۱۲).

علاوه بر این، بورکهارد و همکاران. (۲۰۱۸) ادعا کردند که شرکت‌هایی که توسط مدیرانی با اعتماد به نفس بیش از حد مدیریت می‌شوند نسبت به هم‌تایان منطقی خود بازدهی بالاتری کسب می‌کنند و عملکرد بهتری را در بازار دارند. به همین ترتیب، موندی و کاور (۲۰۱۹) ارتباط بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل و عملکرد شرکت را بررسی کردند و دریافتند که اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل با بهبود کارایی سرمایه‌گذاری شرکت، منجر به عملکرد مثبت شرکت می‌شود.

کیم و همکاران (۲۰۲۲) دریافتند که اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل به طور مثبت با سودآوری شرکت و بازده سهام مرتبط است زیرا مدیران با اعتماد به نفس بیشتر در فعالیت‌های نوآورانه مانند توسعه محصولات جدید و معرفی آخرین فناوری‌ها در تجارت با هدف کاهش هزینه‌ها شرکت می‌کنند. این ممکن است قدرت قیمت‌گذاری یک شرکت را افزایش دهد و در نتیجه عملکرد شرکت را افزایش دهد.

پژوهش حاضر یک رابطه مثبت بین اعتماد بیش از حد مدیرعامل و عملکرد شرکت را به شرح زیر فرض می‌کند:
فرضیه (۱): اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل با عملکرد شرکت رابطه دارد.

نقش تعدیل کننده استقلال هیئت مدیره در ارتباط بین اعتماد به نفس مدیران عامل و عملکرد شرکت

با ظهور امور مالی رفتاری، محققان بر پارادایم حاکمیت شرکتی رفتاری تأکید دارند که هدف آن پذیرش جنبه رفتاری در چارچوب حاکمیت شرکتی است (هیتون، ۲۰۰۲؛ المندیر و تیت، ۲۰۰۵، ۲۰۰۸). این پارادایم جدید، استقلال هیئت مدیره را یک ویژگی اساسی هیئت مدیره شرکتها می‌داند که دارای قدرت تاثیرگذاری برای نظارت و کنترل سوگیری های رفتاری مدیران عامل است (پاردس، ۲۰۰۴). در این زمینه، باگات و بلک (۲۰۰۲) با انجام مطالعه‌ای در مورد ارتباط بین ویژگی‌های هیئت مدیره و رفتار مدیران داخلی، شواهد تجربی ارائه کردند. آنها دریافتند که ترکیب هیئت مدیره یک ابزار نظارتی موثر برای تنظیم رفتار غیرمنطقی مدیران و تصمیمات شرکتی سوگیرانه آنها است. آنها همچنین ادعا کردند که هیئت مدیره‌های مستقل قوی، قدرت و توانایی اصلاح یا تعدیل تصمیمات مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد و سرزنش غیرمنطقی بودن تصمیمات تجاری آنها را دارند. به همین ترتیب، فینکلشتاین و داوونی (۱۹۹۴) نشان دادند که مدیران مستقل، بر مدیران عامل و پروژه های پیشنهادی، با هوشیاری بیشتری نسبت به سایر اعضای هیئت مدیره نظارت می‌کنند، زیرا مدیران مستقل قصد دارند سرمایه گذاری های خاص مدیران را کنترل کنند. بنابراین، آنها احتمالاً پروژه پیشنهادی مدیر عامل را تایید نمی‌کنند. به همین ترتیب، پاس (۲۰۰۴) بیان کرد که اعضای مستقل هیئت مدیره شرکتها می‌توانند ریسکها و فرصتهایی را در تصمیمات مدیران عامل در نظر بگیرند که می‌تواند توسط دیگر اعضای هیئت مدیره نادیده گرفته شود. آنها دارای قدرت شرکتی برای نظم بخشیدن به مدیران مستبد و کنترل تصمیمات آنها در هر زمان که غیرمنطقی بودن تصمیمات را مشاهده می‌کنند، هستند.

المندیر و تیت (۲۰۰۸) به طور تجربی چنین یافته‌هایی را در کار تحقیقاتی خود تأیید کرده و استدلال می‌کنند که مدیران مستقل می‌توانند بر تعصبات رفتاری مدیران عامل و انتخاب‌های تجاری نهایی آنها تأثیر بگذارند، زیرا مدیران مستقل نقش فعالی در غربالگری و انتخاب پروژه دارند. به همین ترتیب، محمدی و همکاران (۱۳۹۷) ادعا کردند که هیئت‌های مدیره تحت سیطره مدیران مستقل می‌توانند احتمال بروز سوگیری‌های شناختی مدیران عامل مانند اعتماد بیش از حد و خوش بینی را کاهش دهند. به طور مشابه، باکار و همکاران (۲۰۱۳)، دریافتند که استقلال هیئت مدیره به عنوان تعدیل کننده‌ای عمل می‌کند که می‌تواند اعتماد به نفس بیش از حد مدیریتی را کاهش دهد.

وانگ و همکاران (۲۰۱۵)، در کار تحقیقاتی خود ادعا کردند که حضور مدیران مستقل با تجربه صنعت باعث می‌شود که هیئت مدیره شرکتها در کنترل تأثیر مسائل روانی مدیران عامل موثرتر باشند. بر اساس مطالب مطرح شده، مطالعه حاضر بیان می‌کند که هیئت‌مدیره‌های شرکت های تحت سیطره مدیران مستقل می‌توانند بر احتمال توسعه یا شیوع سوگیری اعتماد به نفس بیش از حد در میان مدیران عامل و در نتیجه تصمیم‌های تجاری آنها تأثیر بگذارند. بنابراین، رابطه بین اعتماد مدیرعامل، استقلال هیئت مدیره و عملکرد شرکت به صورت زیر فرض می‌شود:

فرضیه ۲: استقلال هیئت مدیره ارتباط بین اعتماد به نفس مدیر عامل و عملکرد شرکت را تعدیل می‌کند.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ رابطه بین متغیرها، همبستگی از نوع علی پس از وقوع است. داده‌ها و اطلاعات بکار رفته از نوع تاریخی و پس رویدادی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. نمونه آماری پژوهش مشتمل بر کلیه شرکت‌هایی است که از ابتدای سال ۱۳۹۵ تا پایان ۱۴۰۱ در بورس فعال بوده و حائز شرایطی به این ترتیب می‌باشند: ۱. طی بازه زمانی پژوهش عضویت آنها در بورس اوراق بهادار تهران تداوم داشته باشد. ۲. داده‌های مورد نیاز

پژوهش برای آنها در بازه زمانی پژوهش در دسترس باشد. ۳. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ، بانک و لیزینگ نباشند. ۴. پایان سال مالی شرکت‌ها طی بازه پژوهش تغییر نکرده باشد و منتهی به پایان اسفند ماه باشد. در نهایت پس از اعمال شروط فوق، تعداد ۱۴۱ شرکت (معادل ۹۸۷ سال-شرکت) به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین و گزارش‌های منتشر شده در کدال استفاده شد. فرضیه‌های پژوهش بر اساس داده‌های ترکیبی و با استفاده از مدل‌های رگرسیون چند متغیره آزمون شدند.

نگاره ۱. روند انتخاب نمونه آماری پژوهش به روش حذف نظام مند

تعداد	شرح
۵۳۸	تعداد کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۴۰۱
(۱۷۸)	شرکت‌هایی که طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ عضویت آنها در بورس تهران تداوم نداشته است
(۶۸)	شرکت‌هایی که سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه نبوده است یا تغییر سال مالی داشته‌اند
(۶۹)	شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، واسطه‌گری مالی و بیمه
(۸۲)	شرکت‌هایی که اطلاعات آنها به طور کامل در دسترس نبوده است
۱۴۱	تعداد شرکت‌های نمونه

متغیرها و نحوه اندازه‌گیری متغیرها

متغیر وابسته پژوهش عملکرد شرکت (ROA)

تمرکز اصلی این پژوهش بر روی یکی از شاخص‌های پرکاربرد عملکرد مالی در ادبیات موجود، یعنی بازده داراییها است. نرخ بازده داراییها از طریق نسبت سود خالص به مجموع دارایی محاسبه شده است (هسو و چن، ۲۰۱۰).

متغیر مستقل اعتماد به نفس مدیر عامل (Overconf)

اعتماد به نفس بالا یک وضعیت شناختی نسبتاً پایدار یک مدیر عامل در نظر گرفته می‌شود که در کوتاه مدت قابل تغییر نیست. علاوه بر این، اعتماد به نفس بیش از حد یک جنبه رفتاری و ماهیتی کیفی است. اگرچه، برآورد ویژگی اعتماد به نفس بیش از حد کار ساده‌ای نیست، اما ادبیات موجود ابزارهای کمی مختلفی را برای سنجش اعتماد بیش از حد مدیران عامل بر اساس تصمیمات سبک سهام شخصی، تصمیمات سرمایه‌گذاری و تامین مالی، جمعیت‌شناسی و گزارش‌های رسانه‌ای ارائه می‌دهد (دولمن و همکاران، ۲۰۱۵)، چیز و همکاران (۲۰۱۹)، کیلینز و همکاران (۲۰۲۱). با توجه به این موضوع که یکی از نشانه‌های مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد این است که در مقایسه با فروش شرکت، سرمایه‌گذاری بیش از حدی در دارایی‌ها انجام میدهند، در این پژوهش، بر مبنای پژوهش دولمن و همکاران (۲۰۱۵)، اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل یک متغیر ساختگی در نظر گرفته می‌شود به طوری که باقیمانده مدل زیر بزرگتر از صفر باشد، به این متغیر عدد ۱ تعلق می‌گیرد و در غیر این صورت برای آن عدد صفر در نظر گرفته می‌شود.

$$\text{AssetGrowth}_{it} = a_0 + a_1 \text{SaleGrowth}_{it} + \varepsilon_{it}$$

(۱)

AssetGrowth_{it} : رشد دارایی‌ها

SaleGrowth_{it} : رشد فروش شرکت (فروش امسال منهای فروش پارسال به فروش پارسال) است.

ε_{it} : جزء باقیمانده مدل و نشان‌دهنده سطح غیرعادی متغیر برآوردشده در هرمدل می‌باشد.

متغیر تعدیلگر استقلال هیئت مدیره (Board Independence)

تعداد مدیران مستقل در هیئت مدیره شرکت است که به عنوان نسبت مدیران غیر موظف به مجموع اعضای هیئت مدیره اندازه گیری می شود. (پارک و همکاران، ۲۰۱۸).

متغیرهای کنترلی

متغیرهای مختلف در سطح شرکت و سطح مدیرعامل در این مطالعه به عنوان متغیرهای کنترلی بر اساس ادبیات قبلی (پارک و همکاران ۲۰۱۸)، بورکهارد و همکاران (۲۰۱۸)، موندی و کاتور (۲۰۱۹) و کیلینز و همکاران (۲۰۲۱) در نظر گرفته شده است.

Leverage: اهرم مالی است؛ که به شکل تقسیم کل بدهی ها به کل دارایی ها محاسبه می شود.

Firm Size: اندازه شرکت است؛ که به صورت لگاریتم طبیعی کل دارایی های شرکت به دست می آید.

CEO Education: تحصیلات مدیرعامل؛ اگر مدیرعامل تحصیلات تکمیلی در رشته مالی، حسابداری و مدیریت داشته باشد

یک و در غیر این صورت صفر است.

CEO Tenure: دوره تصدی مدیرعامل؛ مدت زمان تصدی مدیرعامل. (مستخرج از گزارشات سالیانه هیئت مدیره)

Cash Flow: نسبت وجه نقد عملیاتی؛ عبارتست از نسبت وجه نقد عملیاتی به کل دارایی های شرکت.

برازش مدل تجربی

ارتباط بین اطمینان مدیر عامل و عملکرد شرکت از طریق رگرسیون زیر بر روی نمونه ای متشکل از ۱۴۱ شرکت بورسی به مدت ۷ سال مورد بررسی قرار گرفته است. متغیر وابسته عملکرد شرکت است که از طریق ROA اندازه گیری می شود و متغیر مستقل اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل است که با استفاده از معیار رشد دارایی مازاد، Overconf اندازه گیری می شود. متغیرهای مختلف در سطح شرکت و سطح مدیر عامل در مطالعه به عنوان متغیرهای کنترلی بر اساس ادبیات قبلی گنجانده شده است.

$$ROA_{it} = \alpha + \beta_1 Overconf_{it} + \beta_2 Firm\ Size_{it} + \beta_3 Leverage_{it} + \beta_4 CEO\ Education_{it} + \beta_5 CEO\ Tenure_{it} + \beta_6 Cash\ Flow_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

بر مبنای پژوهش پارک و همکاران (۲۰۱۸)، نقش تعدیل کننده استقلال هیئت مدیره بر ارتباط بین اعتماد به نفس مدیر عامل و عملکرد شرکت از طریق مدل رگرسیونی زیر توسعه داده شده است:

$$ROA_{it} = \alpha + \beta_1 Overconf_{it} + \beta_2 Overconf_{it} \times Board\ Independence_{it} + \beta_3 Firm\ Size_{it} + \beta_4 Leverage_{it} + \beta_5 CEO\ Education_{it} + \beta_6 CEO\ Tenure_{it} + \beta_7 Cash\ Flow_{it} + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

یافته‌ها آمار توصیفی

نگاره ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار
بازده دارایی‌ها	۰/۲۴۹	۰/۲۲۴	۰/۴۹۵	-۰/۰۰۱	۰/۲۲۳
استقلال هیات مدیره	۰/۶۶۰	۰/۶۳۲	۰/۸۱۱	۰/۲۲۱	۰/۱۷۱
اهرم مالی	۰/۵۱۴	۰/۴۹۸۵	۰/۶۱۸	۰/۰۳۱۲	۰/۲۹۴
اندازه شرکت	۶/۷۴۱	۶/۶۷۴	۹/۱۴۵	۴/۹۵۳	۰/۶۶۹
دوره تصدی مدیرعامل	۳/۱۰۸	۲/۲۷۶	۶	۱	۱/۱۰۴
وجه نقد عملیاتی	۰/۱۲۱	۰/۱۰۶	۰/۶۴۲	-۰/۳۳۶	۱/۲۸۹

فراوانی متغیرهای کیفی		
شرح سنجش	فراوانی	درصد فراوانی
مدیرعامل دارای تحصیلات مد نظر (۱)	۳۸۱	۳۸/۶
مدیرعامل فاقد تحصیلات مد نظر (۰)	۶۰۶	۶۱/۴
باقیمانده مدل زیر بزرگتر از صفر (۱)	۶۵۱	۶۰
باقیمانده مدل زیر کمتر از صفر (۰)	۳۳۶	۴۰

یافته‌ها نشان داد، میانگین بازده دارایی‌ها برابر ۰/۲۴۹ است و نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانه نقطه ای است که یک نمونه را به دو قسمت ۵۰ درصد مشاهدات قبل و قسمت ۵۰ درصد مشاهدات بعد از آن قرار دارند. مقدار میانه متغیر بازده دارایی‌ها ۰/۲۲۴ است. انحراف معیار متغیر بازده دارایی‌ها ۰/۲۲۳ است. گفتمانی است بیشترین مقدار متغیر بازده دارایی‌ها برابر با ۰/۴۹۵ و کمترین مقدار آن برابر ۰/۰۰۱- است.

آمار استنباطی

مانایی متغیرهای پژوهش

براساس نتایج آزمون مانایی (لوین لین و چو) مطابق جدول (۲) همه متغیرهای حاضر در سطح صفر مانا می‌باشند.

نگاره ۲. مانایی متغیرهای پژوهش

متغیر	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
بازده دارایی‌ها	-۹/۴۴۳	۰/۰۰۰	مانا/ I(0)
اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل	-۱۳/۸۴۳	۰/۰۰۰	مانا/ I(0)
استقلال هیات مدیره	-۱/۵۵۲	۰/۰۳۱	مانا/ I(0)
اهرم مالی	-۱۱/۴۶۵	۰/۰۰۱	مانا/ I(0)
اندازه شرکت	-۱/۷۳۴	۰/۰۲۳	مانا/ I(0)
دوره تصدی مدیرعامل	-۱/۹۶۳	۰/۰۲۹	مانا/ I(0)
وجه نقد عملیاتی	-۱۷/۱۶۱	۰/۰۰۰	مانا/ I(0)
تحصیلات مدیرعامل	-۴/۵۱۵	۰/۰۰۰	مانا/ I(0)

نتایج آزمون مانایی در نگاره (۲) درج گردیده است. بر اساس آزمون لوین لین و چو به دلیل اینکه سطح معناداری همه متغیرها کمتر از ۰.۰۵ است. همه متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی در دوره پژوهش در سطح صفر قابلیت اتکا دارند. در ادامه برای تشخیص الگوی مناسب جهت برآورد مدل پژوهش، آزمون های F لیمر و هاسمن بکارگرفته شد. معناداری آماره F لیمر در تمامی مدل های پژوهش که زیر ۵٪ است، نشان داد که مدل دارای اثرات ثابت یا تصادفی است. بنابراین آزمون هاسمن انجام گرفت و نتایج آماره و معناداری کمتر از ۵٪ را نشان داد. بنابراین الگوی داده های تابلویی با اثرات ثابت جهت برآورد مدل های پژوهش مناسب تشخیص داده شد. نتایج آماره وولدریج و معنادار نبودن این آماره نشان داد مشکل خودهمبستگی بین مقادیر خطای مدل وجود ندارد. مشکل هم خطی بین متغیرهای پژوهش با کمک عامل تورم واریانس (VIF) مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به نتایج این آماره که عدد کمتر از ۵ را نشان می دهد، بین متغیرهای توضیحی مدل، مشکل هم خطی وجود ندارد.

آزمون فرضیه ها

نتایج آزمون فرضیه اول در نگاره ۳ ارائه شده است.

نگاره ۳. آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر وابسته: عملکرد شرکت				متغیرها
VIF	سطح معناداری	آماره t	ضریب	
۱/۰۲۲	۰/۰۴۹	۱/۹۶۸	-۰/۰۱۸	اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل
۱/۱۱۰	۰/۳۱۸	۰/۹۹۷	۰/۱۹۱	اهرم مالی
۱/۰۱۹	۰/۰۴۹	-۱/۹۷۰	-۰/۰۱۷	اندازه شرکت
۱/۰۲۵	۰/۰۹۰	-۱/۶۹۵	-۰/۰۱۵	دوره تصدی مدیرعامل
۱/۱۴۹	۰/۶۲۹	-۰/۴۸۳	-۰/۰۰۵	وجه نقد عملیاتی
۱/۰۲۳	۰/۱۸۵	-۱/۳۳۳	-۰/۰۱۱	تحصیلات مدیرعامل
-	۰/۰۰۰	۱۳/۷۵۶	۷۵/۳۸۲	مقدار ثابت
		۰/۷۴۱		ضریب تعیین
		۰/۷۳۷		ضریب تعیین تعدیل شده
		۲۳۸/۰۹۹		آماره F
		۰		احتمال آماره F
		۲/۲۰۶		دوربین واتسون

نتایج جدول ۳ نشان می دهد که اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل با عملکرد شرکت رابطه مثبت و معنی داری (در سطح اهمیت ۵٪) دارد. به این معنی که احتمال بیشتری وجود دارد که یک مدیر عامل با اعتماد به نفس بیشتری که از خود نشان می دهد، عملکرد شرکت تحت مدیریت او بهتر شود. در نتیجه فرضیه اول پژوهش پذیرفته می شود. نتایج این پژوهش با تحقیقات انجام شده توسط بورکهارد و همکاران (۲۰۱۸) و موندی و کاتور (۲۰۱۹) مطابقت دارد. بورکهارد و همکاران (۲۰۱۸) بیان کردند که مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد می توانند عملکرد شرکت را به طور قابل توجهی افزایش دهند زیرا آنها را تصمیم گیری به موقع شرکت می کنند و تمایل بیشتری به نوآوری دارند. به طور مشابه، موندی و کاور (۲۰۱۹) ادعا می کنند که مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد، می توانند سطح پایین سرمایه گذاری یک شرکت را به سطح بهینه برسانند و مشکل کمبود سرمایه گذاری شرکت را کاهش دهند و به کسب بازده بیشتر شرکت کمک کنند.

نگاره ۴. آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیر وابسته: عملکرد شرکت				متغیرها
VIF	سطح معناداری	آماره t	ضریب	
۱/۰۵۲۰	۰/۰۳۶	۲/۱۰۲	۰/۰۵۰	اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل
۳/۱۱۵	۰/۰۰۳	-۲/۹۲۵	-۰/۰۰۵	اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل* استقلال هیات مدیره
۳/۱۶۲	۰/۰۴۸	-۱/۹۷۶	-۰/۰۰۱	اندازه شرکت
۱/۰۲۳	۰/۷۸۱	-۰/۲۷۷	-۰/۰۰۶	اهرم مالی
۱/۰۳۴	۰/۰۴۱	۲/۰۵۰	۰/۰۸۹	دوره تصدی مدیرعامل
۱/۱۴۶	۰/۰۱۶	۲/۴۱۴	۰/۰۰۴	وجه نقد عملیاتی
۱/۰۲۴	۰/۴۳۳	-۰/۷۸۳	-۰/۰۱۸	تحصیلات مدیرعامل
-	۰/۰۰۸	۲/۶۴۳	۲۹/۵۶۷	مقدار ثابت
	۰/۳۶۱			ضریب تعیین
	۰/۳۴۵			ضریب تعیین تعدیل شده
	۲۲/۴۸۲			آماره F
	۰/۰۰۰			احتمال آماره F
	۲/۰۰۱			دوربین واتسون

نتایج ارائه شده در جدول ۴ به سؤال این پژوهش در مورد تأثیر متقابل استقلال هیئت مدیره بر ارتباط بین اعتماد به نفس مدیر عامل و عملکرد شرکت می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که تعامل بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و استقلال هیئت مدیره با عملکرد شرکت بر مبنای مدل دوم ارتباط منفی و معنی‌داری دارد. بنابراین، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که وجود مدیران مستقل در هیئت مدیره بر عملکرد شرکت‌هایی که توسط مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد رهبری می‌شوند، تأثیر منفی می‌گذارد. این بدان معناست که افزایش هوشیاری هیئت مدیره نسبت به تصمیمات مدیران عامل به عملکرد شرکت کمک نمی‌کند زیرا مانع از عملکرد درست مدیران عامل می‌شود و تصمیمات نوآورانه و بهینه آنها را محدود می‌کند. دلیل احتمالی پشت این نتایج می‌تواند این موضوع باشد که ممکن است مدیران مستقل صرفاً برای تعهدات نظارتی بر اساس پیوندهایشان در شرکت و نه بر اساس کارایی‌شان تعیین شوند. در نتیجه، این مدیران مستقل ممکن است در کار خود ناکارآمد باشند. علاوه بر این، تحقیقات قبلی همچنین نشان می‌دهد که مدیران مستقل ممکن است دانش کافی در مورد شرکت نداشته باشند یا ممکن است مسائل تجاری پیچیده و بسیار فنی را به طور کامل درک نکنند (پاس، ۲۰۰۴). در چنین شرایطی، آنها می‌توانند پروژه‌های تجاری بالقوه پیشنهاد شده توسط مدیران عامل در جلسه هیئت مدیره را که می‌تواند عملکرد بلندمدت کلی یک شرکت را بهبود بخشد، رد کنند. از طرفی، مدیران مستقل به صورت پاره وقت کار می‌کنند و ممکن است تعهدات دیگری نیز داشته باشند. آنها ممکن است زمان کافی برای درک پویایی صنعت شرکت خود نداشته باشند و زمان بیشتری را صرف امور معمولی نسبت به تجزیه و تحلیل عمیق موضوعات استراتژیک کنند. بنابراین، آنها می‌توانند پتانسیل پیشنهاد‌های مختلف شرکتی پیشنهاد شده توسط مدیران عامل را تضعیف کنند و عملکرد شرکت را به صورت منفی تحت تأثیر قرار دهند. به این ترتیب، یافته‌های این پژوهش ادعا می‌کند که ارتباط مثبت بین اعتماد به نفس مدیرعامل و عملکرد شرکت با وجود مدیران مستقل در هیئت مدیره منفی می‌شود.

نتیجه گیری و پیشنهادها

این پژوهش تاثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران عامل بر عملکرد شرکت و نقش تعدیل کننده استقلال هیئت مدیره را بررسی می کند. یافته های این پژوهش، حاکی از آن است که مدیران عامل با اعتماد به نفس بالا احتمالاً عملکرد مالی یک شرکت را از طریق تصمیم گیری سریع و تصمیمات سرمایه گذاری بهینه افزایش می دهند. مطالعه حاضر همچنین شواهدی را ارائه می کند که نشان می دهد مدیران مستقل هیئت مدیره می توانند رابطه مثبت بین اعتماد به نفس مدیرعامل و عملکرد شرکت را به دلیل دانش محدود خود از تجارت به رابطه منفی تبدیل کنند. به عنوان اعضای مستقل هیئت مدیره، مدیران مستقل ممکن است به طور کامل با پویایی صنعت و تجارت آشنا نباشند.

آن ها اکثراً تصمیم گیری های اصلی شرکت را در مواقع ضروری بر عهده می گیرند و بنابراین تمایل دارند پیشنهاد های مالی و سرمایه گذاری مدیران عامل را رد کنند. این ممکن است منجر به کاهش عملکرد مالی یک شرکت در بلندمدت شود. از طرفی همانطور که یافته های این پژوهش ادعا می کند که وجود مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد، منجر به عملکرد بهتر شرکت ها می شود، شرکت ها باید ویژگی اعتماد به نفس بیش از حد مدیران عامل را در شاخص های ارزیابی مدیران اجرایی خود بگنجانند و یک مکانیسم غربالگری منطقی برای تصمیمات مدیران عامل ایجاد کنند.

علاوه بر این، شرکت ها باید مکانیزم های تصمیم گیری خود را بهینه و استاندارد کنند تا از تصمیم گیری های خودسرانه توسط مدیران عامل با اعتماد به نفس بیش از حد جلوگیری شود. همچنین برنامه های آموزشی مختلفی برای مدیران ارشد باید ترتیب داده شود که هدف آنها بهره مندی از ویژگی های شناختی مدیران عامل از طریق ایجاد تعادل بین دیدگاه های کوتاه مدت و بلند مدت برای پایداری تضمین شده یک کسب و کار باشد. به علاوه، سیاست های جبرانی مدیرعامل باید با گنجاندن طرح های پاداش بازسازی شود تا آنها به عملکرد بلندمدت و ایجاد ارزش برای شرکت اهمیت دهند. همچنین، برای بهره مندی از اثرات سودمند سوگیری بیش از حد اعتماد به نفس در میان مدیران عامل، به کمیته های جبران خسارت توصیه می شود تا چارچوبی مبتنی بر انگیزه ایجاد کنند.

طرح های پاداش برای تشویق مدیران عاملی که اعتماد به نفس لازم را برای افزایش سودآوری و ثروت سهامداران دارند، باید تنظیم گردد. از سوی دیگر، این مطالعه شواهد تجربی ارائه می دهد که استقلال هیئت مدیره به طور منفی و قابل توجهی رابطه بین اعتماد بیش از حد مدیرعامل و عملکرد شرکت را تعدیل می کند. در واقع، مدیران مستقل باید دانش عمیقی از مسائل استراتژیک شرکت داشته باشند تا به طور موثر بتوانند پیشنهاد هایی را که توسط مدیران عامل پیشنهاد می شود، تایید یا رد کنند. علاوه بر این، به منظور جذب مدیران مستقل کارآمد در هیئت مدیره، کمیته جذب باید مدیران مستقل دارای سوابق حسابداری و مالی را بر اساس اولویت، استخدام کند (پالویا و همکاران، ۲۰۱۵) همچنین، نهادهای نظارتی و دولت باید سیستم حاکمیت شرکتی را با بازتعریف حداقل شرایط تعیین شده برای مدیران مستقل بازسازی کند و رویه های انتصاب مدیران مستقل در شرکت ها باید ساده و بی طرفانه باشد. در حالی که مطالعه حاضر بینش های ارزشمندی را در مورد رابطه بین اعتماد به نفس مدیرعامل، استقلال هیئت مدیره و عملکرد شرکت ارائه می دهد، مهم است که چند محدودیت را شناسایی کنیم که می تواند توسط تحقیقات آینده مورد توجه قرار گیرد یا بهبود یابد.

اول از همه، این مطالعه تنها از معیارهای کمی اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل استفاده می کند. به دانشگاهیان و پژوهشگران پیشنهاد می شود که مطالعه کیفی را از طریق پرسشنامه و مصاحبه از شرکت ها انجام دهند. دوم اینکه، این مقاله تنها بر روی یک سوگیری رفتاری متمرکز شده است، یعنی اعتماد بیش از حد مدیرعامل. تحقیقات آتی همچنین می تواند به تأثیر سایر جنبه های رفتاری مدیران ارشد (مدیرعامل و مدیران ارشد مالی) مانند چارچوب بندی و رفتار گله ای بر تصمیمات و نتایج تجاری شرکت ها توجه کند. در نهایت، کار تحقیقاتی فعلی تنها استقلال هیئت مدیره را در نظر گرفته است. در صورتی که مطالعه تأثیر سایر ویژگی های هیئت مدیره مانند دوگانگی، تنوع جنسیتی و ویژگی های شخصی مدیران مستقل بر رابطه بین اعتماد به نفس مدیرعامل و عملکرد شرکت ارزشمند می باشد.

منابع

ستوده، رضا، زینلی کرمانی، امراله، بخشش تنیانی، هادی. (۱۴۰۰). اعتماد به نفس بیش از حد مدیران، بر تأمین مالی داخلی و سرمایه گذاری کارایی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *خط مشی گذاری عمومی در مدیریت*، ۱۲(۴)، ۹۹-۱۰۹.

محمدی، یادگار، محمدی، اسفندیار، اسماعیلی کیا، غریبه. (۱۳۹۹). بررسی اثر بیش اعتمادی مدیران بر راهکارهای تأمین مالی شرکت‌ها. *توسعه و سرمایه*، ۵(۱)، ۲۰۵-۲۲۶.

میرزاحمدی، محمدعلی و حسنی، اصغر و هوشمند، معصومه. (۱۳۹۷). تاثیر استقلال هیئت مدیره بر ارتباط بین بیش اعتمادی مدیران و مسیولیت اجتماعی. *دومین کنفرانس بین المللی تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران*.

- Ackert, L., & Deaves, R. (2009). Behavioral finance: Psychology, decision-making, and markets.
- Ahmed, A. S., & Duellman, S. (2013). Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of accounting research*, 51(1), 1-30.
- Baccar, A., Ben Mohamed, E., & Bouri, A. (2013). Managerial optimism, overconfidence and board characteristics: towards a new role of corporate governance. *Australian journal of basic and applied sciences*, 7(7), 287-301.
- Ben-David, I., Graham, J. R., & Harvey, C. R. (2013). Managerial miscalibration. *The Quarterly journal of economics*, 128(4), 1547-1584.
- Bhagat, S., & Black, B. (2001). The non-correlation between board independence and long-term firm performance. *J. Corp. l.*, 27, 231.
- Bharati, R., Doellman, T., & Fu, X. (2016). CEO confidence and stock returns. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 12(1), 89-110.
- Boyd, B. K., Haynes, K. T., & Zona, F. (2011). Dimensions of CEO-board relations. *Journal of Management Studies*, 48(8), 1892-1923.
- Burkhard, B., Siren, C. A., Van Essen, M., & Grichnik, D. (2018, July). A meta-analytic approach to understanding the effects of CEO overconfidence on firm performance. In *Academy of Management Proceedings* (Vol. 2018, No. 1, p. 12894). Briarcliff Manor, NY 10510: Academy of Management.
- Chen, S. S., Ho, K. Y., & Ho, P. H. (2014). CEO overconfidence and long-term performance following R&D increases. *Financial Management*, 43(2), 245-269.
- Cho, K., Kim, H. J., Mun, S., & Han, S. H. (2021). Do confident CEOs increase firm value under competitive pressure?. *Applied Economics Letters*, 28(17), 1491-1498.
- Chyz, J., Gaertner, F., Kausar, A. and Watson, L. (2019), "Overconfidence and corporate tax policy", *Review of Accounting Studies*, Vol. 24 No. 3, pp. 114-1145.
- Deshmukh, S., Goel, A. M., & Howe, K. M. (2013). CEO overconfidence and dividend policy. *Journal of Financial Intermediation*, 22(3), 440-463.
- Duellman, S., Hurwitz, H., & Sun, Y. (2015). Managerial overconfidence and audit fees. *Journal of contemporary accounting & economics*, 11(2), 148-165.
- Ferris, S. P., Jayaraman, N., & Sabherwal, S. (2013). CEO overconfidence and international merger and acquisition activity. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 48(1), 137-164.
- Finkelstein, S., & D'aveni, R. A. (1994). CEO duality as a double-edged sword: How boards of directors balance entrenchment avoidance and unity of command. *Academy of Management journal*, 37(5), 1079-1108.
- Galasso, A., & Simcoe, T. S. (2011). CEO overconfidence and innovation. *Management science*, 57(8), 1469-1484.

- Goel, A. M., & Thakor, A. V. (2008). Overconfidence, CEO selection, and corporate governance. *the Journal of Finance*, 63(6), 2737-2784.
- Hambrick, D. C., & Mason, P. A. (1984). Upper echelons: The organization as a reflection of its top managers. *Academy of management review*, 9(2), 193-206.
- Heaton, J. B. (2002). Managerial optimism and corporate finance. *FINANCIAL MANAGEMENT-TAMPA-*, 31(2; SEAS SUM), 33-46.
- Hirshleifer, D., Low, A., & Teoh, S. H. (2012). Are overconfident CEOs better innovators?. *The journal of finance*, 67(4), 1457-1498.
- Hsu, C.W. and Chen, H. (2010), "Internationalization, resource allocation and firm performance", *Industrial Marketing Management*, Vol. 39 No. 7, pp. 1103-1110.
- Kahneman, D. (2011). *Thinking, fast and slow*. macmillan.
- Killins, R., Ngo, T., & Wang, H. (2021). Goodwill impairment and CEO overconfidence. *Journal of Behavioral and Experimental Finance*, 29, 100459.
- Kim, H. A., Choi, S. U., & Choi, W. (2022). Managerial overconfidence and firm profitability. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 29(1), 129-153.
- Malmendier, U., & Tate, G. (2005). CEO overconfidence and corporate investment. *The journal of finance*, 60(6), 2661-2700.
- Malmendier, U., & Tate, G. (2008). Who makes acquisitions? CEO overconfidence and the market's reaction. *Journal of financial Economics*, 89(1), 20-43.
- Mundi, H. S., & Kaur, P. (2019). Impact of CEO overconfidence on firm performance: an evidence from S&P BSE 200. *Vision*, 23(3), 234-243.
- Palvia, A., Vähämaa, E., & Vähämaa, S. (2015). Are female CEOs and chairwomen more conservative and risk averse? Evidence from the banking industry during the financial crisis. *Journal of Business Ethics*, 131, 577-594.
- Paredes, T. A. (2004). Too much pay, too much deference: Is CEO overconfidence the product of corporate governance?. *Too Much Deference: Is CEO Overconfidence the Product of Corporate Governance*.
- Park, J. H., Kim, C., Chang, Y. K., Lee, D. H., & Sung, Y. D. (2018). CEO hubris and firm performance: Exploring the moderating roles of CEO power and board vigilance. *Journal of Business Ethics*, 147, 919-933.
- Pass, C. (2004). Corporate governance and the role of non-executive directors in large UK companies: an empirical study. *Corporate Governance: The international journal of business in society*, 4(2), 52-63.
- Saini, D., & Singh, B. (2023). CEO confidence and firm performance: exploring the moderating role of board independence. *Managerial Finance*, 49(6), 975-991.
- Schumacher, C., Keck, S., & Tang, W. (2020). Biased interpretation of performance feedback: The role of CEO overconfidence. *Strategic Management Journal*, 41(6), 1139-1165.
- Souissi, Y., & Jarboui, A. (2018). Does CEO emotional bias affect performance?. *Cogent Economics & Finance*, 6(1), 1453452.
- Ting, I. W. K., Lean, H. H., Kweh, Q. L., & Azizan, N. A. (2016). Managerial overconfidence, government intervention and corporate financing decision. *International Journal of Managerial Finance*, 12(1), 4-24.
- Wang, C., Xie, F., & Zhu, M. (2015). Industry expertise of independent directors and board monitoring. *Journal of financial and quantitative analysis*, 50(5), 929-962.